

منتخب ... ومن الله التوفيق على الاتمام

تاریخ ... حسن حسین

۴۳

۱۲۴۷۶

۸۶۳۶۹

دوا چشم

یو تکری یک قلاری

و بادان برابر تخمک سیغل

و بادان برابر شوئله

و یو تکری یا دررو

عن الاثن یو خته کرده

و آیتی ... سرا خلط

کرده ... ملا کند

و ... چشم ... کنند

مجاب ... ست

و شو ... ئله

عادة منه ...

سط

الشهادة على ...

النعلى

ويكره للرجال ان يلبس ...

والزعفران والورس لانه ...

ولا باس بوضع الجماجم في الزرع والبـ[illegible]

لان العين ... في ذلك ...

عرف ذلك بالآثار فاذا خاف ...

الجماجم حتى اذا نظر الى الزرع يقع نظره اولا الى ...

فنظره ابعد ذلك الى الحرث لا يضره ...

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله الواحد الفرد الصمد الذی فتح لرسوله محمد حصنا حصینا
لم یفتح لاحد و اتاه فتحا مبینا و فینا بلا عدد و جعل عصمته له
بالمدد و امره بالدعاء فاستجاب فنصره بمواطن و یوم الاحزاب
وزاد بتراب کفه عیونهم عمی فقال و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله
رمی و ظفره علی کثیرهم مع قلة فقال و لقد نصرکم الله ببدر و انتم
اذلة و هدایة جبلیا و حرزنا و بصره بدو باد و جعل القرآن عدة
و اتم نعمته علیه باقل مدة فاصلح بالجد کل جادة و جدة صلی الله
علیه و علی آله الذین رزقوا وده و اصحابه الذین بذلوا فیه یده

اما بعد میگوید بنده ملتجی ابو بکر بن محمد بهروجی که چون سلطان اعظم خاقان
اکرم پادشاه سرافراز خسرو جهان نواز بهتر سلاطین سرور خواقین
شمس السماء رافت بدر فلک خلافت مرفوع قدر مشروح صدر
روشن ضمیر عذر پذیر فارج غم و کرب واهب نعم و ارب فاتح قلاع
و درب صاحب اوراد و قرب ملجای عجم و عرب پناه عالم
بنی آدم قبله حاجات مجاب الدعوات گزیده پرورد کار
بحر صفا کنج وفا عظیم جود کریم وجود کثیر عطاء فضایل کاشف
حسایل حمیده خلال پسندیده خصال ستوده افعال شاه دلاور

نامور نیک صورت و سیرت اهل عقل و بصیرت صبیح منظر و جبین انور
فصیح لسان ملیح بیان زین محافل عین افاضل محیی سنن رسالت
ماحی سنن ضلالت تاج سر ملوک سراج اهل سلوک فاشر جمیل مراسم
ناشر دینار و دراهم مطعم انواع مطاعم مکرم اصناف مکارم باذل
حیول و قری راحم مساکین و فقرا جامع کرم و کرامت سزاوار امامت
خداوند رای و فراست منعم اهل علم و دراست کریم دو طرف حاوی
معالی از دو شرف ناشی از دو خیر قایل صواب نایل ثواب شافی جواب
وافی خطاب کاسی ثیاب ناسی عقاب ذاکر رحمن شاکر منان
مطیع حق مطاع خلق والی اهل عقول تالی ذکر رسول عامل عادل
کامل فاضل هیکل اقوی حدر تقوی امام انام قوام اسلام امیر المومنین
کبیر المسلمین ناصر الدنیا و الدین غیاث الاسلام و المسلمین الواثق
بالله المنان المؤید بتایید الرحمن ابو الفتح محمود شاه بن محمد شاه بن احمد شاه
بن محمد شاه بن مظفر شاه سلطان گجراتی خلد الله ملکه و سلطانه و نصر
جنده و اعوانه و افاض بذله و احسانه لکاتبه شکر خدا که چون تو شهی
پیدا کرده از کرم اندر زمان‌ها **نظم** بکامت باد دایم دور افلاک

ورب الارض فی الدارین ارعاک ∴ ترا بادا همیشه پادشاهی
ملیک قادر للملک ابقاک ∴ بجز تو ملک داری در جهان نیست
بعمرک ما استقام الملک لولاک ∴ بدین لطفی که داری بر خلایق
علی راس الوری الله حیاک ∴ ترا دستی قوی اندر علو است

وفهم في معانيها باد راك، توی در وقت خود مقبول دعوت، وشيئاً لما سالت الله
الا اي شه توی محمود عالم، لان الله كل الفعل اولاك، زبان بنده وصفت چون تواند
بقامت حريم البالغ طالک، شهان میزی که از حضرت بخواهی، بفضل عاجلی آنا کی
ز بهر هر چه دست خود برآری، اجاب الله يا سلطان مولاك، همیشه با دو شمس در فخر
وفي الاعزاز كل كان يهواك، ذکر آوازه را اشعار خود ساخت و دعوات تا توره
و نثار خود بر دوخت و کتاب حصن حصین که تصنیف استاد متأخرین شیخ محمد
بن جزري رحمه الله بغايت اختصار است جامع ادعیه ماثوره و صحاح اخبار است
بر قرارت آن ملازمت نمود و این خاکروب جناب درگاه خود را فرمود که این
کتاب را ترجمه بپارسی باید تا عرایس نفایس معانی از نقاب عربی جمال نماید
این بنده اذل جماعت اقل بضاعت امتثال امر آن مطاع واجب الاتباع خلد
ملکه لازم دید پس قلاده اطاعت در گلوی اجابت کشید بیت کسی کز طاعتش گردن کشیده
بشمشیر قضا بادا بریده، این کتاب را بتوفیق یزدانی و بیمن عزم میمون سلطانی
شرح بپارسی داد و نام او را فتح مبین نهاد و از هر کتاب منقول منه حجاب
رموز کشاد و در صحن ادراک بروز ظاهر داد و زیر هر حدیث نام راوی نبشت
مگر در جای که راوی معلوم نگشت هر که معلوم کند قلم بکتابت زند و هر که خطای
بیند عیب بپوشد و بر اصلاح کوشد و چند فایده دیگر درین مختصر منقول معتبر نبشته
شده است تا هر که بخواندی بهره نماند اللهم كما جعلته حصناً لمؤلفه ولسائر
اهل الاسلام فاجعل هذا حصناً وجنة واقية وعدة لبقاء خلد الله السلطان
الامام ظفره اللهم به على الدوام واجعل الملك فيه وفي عقبه الى يوم القيام

والفرقان بذاته الشريف وبين حبيبه عليه الصلوة والسلام واجعل كل يوم من
خير الايام واعمه وظل فضله وعدله على كافة اهل الاسلام ورده اللهم في الملك
والعظمة والعزة والاكرام وعمره في [illegible] ك وحاجة رسولك سيد الانام
في صحة وعافية من جميع الاسقام وثبت دينك المرضي في هذا المقام بحق
من انزلت عليه احسن الكلام وبرحمتك يا من له الفضل والكرم العام وقد
فرغت والحمد لله من هذا الشرح النفيس في الرابع والعشرين من ذي الحجة
يوم الخميس عام عشر وثمانمائة بتوفيقه العام كل قضيته وعام ست دار بعون
جلوس سلطان البلاد في البلد المكرم المفتوح بيده محمود آباد صانه
الله ابد الآباد ومع فاتحه وباعثه وساكنه وصباحيه لكاتبه بيت ختم اسباب او
که بتقبل معدوم است، روی خلق نه حیند کان غیر محرم است بسم الله الرحمن
الرحيم وبه نستعين لا اله الا الله عدة للقاء الله
صل على سيد الخلق محمد وآله وصحبه وسلم بسم الله الرحمن الرحيم
رب يسر وتمم بالخير بنام خدای که رزق و روزی دهنده و بسیار بخشنده است
آغاز میکنم این کتاب را بنام او جل وعلا نه بنام غیر او قال الفقير الى العبد الضعيف المسكين
المنقطع الى الله الراجي من كرمه ان ينجيه من القوم الظالمين محمد
بن محمد بن محمد الجزري الشافعي لطف الله تعالى في شدته لا اله الا الله
عدة للقاء قال الشيخ الامام العلامة فريد دهره و وحيد عصره شمس الدين
محمد بن الجزري رحمه الله تعالى واعاليه على المسلمين في كفته است نیاز مند
ضعیف مسکین منقطع سوی خداوند جهان امیدوار نجات از قوم ستمکاران

نام او محمد بن جزری است شیخ سخاوی در غایت شرح هدایه که مصنف در علم [illegible]
ساخته است میگوید جزری نسبت است سوی شهری که آنرا جزیره ابن عمر در [illegible]
دمشق قریب موصل و ابن جزری شیخ شمس الدین ابو الخیر محمد بن محمد بن محمد بن علی
بن یوسف العمری الدمشقی ثم الشیرازی الشافعی معروف بابن الجزری است
شیخ در علم قراءت قاضی القضاة بود پدر او تجارت کردی تا چهل سال فرزندی
نزاد بعد آن حج کرد و آب زمزم آشامید و از خدای تعالی فرزندی صالح خواست
خدای تعالی او را این فرزند داد و ولادت او بدمشق در پانزدهم ماه مبارک رمضان
شب شنبه بعد از نماز تر و تراویح سنه ٧٥١ احدی و خمسین و سبعمایة بود و هم در دمشق
بزرگ شد و تحصیل علم کرد بعد از آن در مصر و اسکندریه و بعلبک و یمن و بلاد عجم
در روم و سمرقند و شیراز رفت و علم حدیث و قراءت از بزرگان یاد گرفت
تا نامش بر آمد و نشر علم کرد و تصانیف ساخت و این حصن حصین را در دمشق
تصنیف کرد باز این را در شیراز مختصر با ابواب و فصول و در بعضی محل زیادت کرد
و در بعضی محل نقصان گردانید نام او عدّه و از شیراز بدست مولانا نجیب
شافعی بحضرت سلطان السلاطین احمد شاه گجراتی بانی احمد آباد و طاب ثراه فرستاد
و در ربیع الاول سنه ٨٣٣ ثلاث و ثلثین و ثمان مایة بشیراز وفات یافت
در مدرسه او که بجهت قاریان ساخته بود مدفون گشت هشتاد و دو سال عمر داشت
رحمه الله و ایانا و کافة المسلمین اما بعد حمد الله تعالی الذی جعل الدعاء
لرد القضاء والصلوة والسلام علی محمد سید الانبیاء و علی آله
و صحبه الاتقیاء والاصفیاء اما بعد از حمد خدای تعالی که گردانید دعا را

سبب برای رد قضا و بعد از درود و سلام بر محمد که مهتر انبیا است و بر آل و اصحاب
او که پرهیزکاران و برگزیدگان اند میگویم فان هذا الحصن الحصین من کلام
سید المرسلین و سلاح المومنین من خزانة النبی الامین والهیکل العظیم من
قول الرسول الکریم والحرز المکنون من لفظ المعصوم المامون بذلت
فیه النصیحة و اخرجته من احادیث الصحیحة پس این که این حصاری محکم استوار
که از کلام سید المرسلین است و آن سلاح مومنان که از خزانهٔ پیغامبر امین است و این
بنای بلند که از قول رسول کریم و این مقالی محفوظ که از لفظ معصوم مامون است
نصیحت خود را در ان بذل کردم و آنرا از احادیث صحیح بیرون آوردم ابرزته
عدة عند کل شدة و جردته جنة تقی من شر الانس والجنة ظاهر گردانیدم
حصن حصین در ان حال که ساختگی است نزد هر سختی و خالص کردم آزاد ان
حال که سپری است از بدی مردمان و شیاطین نگاه دارد تحصنت به فیما وهم
من المصیبات واعتصمت من کل ظالم بما حوی من السهام المصیبة
وتخلت حصار گرفتم بدان حصن حصین در مصیبتی که پوشیده مرا و باز ماندم
از هر ظالمی بسبب تیرهای رسیده یعنی دعاها که حصن حصین آنرا جامع است
و گفتم این شعر الا قولوا لشخص قد تقوی ۞ علی ضعفی ولا یخشی رقیبه
خبأت له سهاما فی اللیالی ۞ وارجو ان یکون لها مصیبه
آیا نیکوئید مر شخص را که قوی شده است بر ضعف من و نمیترسد از نگاهبان
که پنهان داشتم برای او تیرهای دعا در شبها و امید دارم که آن تیرها او را برسند
یا گوئید امید دارم که آن تیرها او را سبب مصیبت شوند اسأل الله العظیم ان

بدرستی که

يفرج

يفرج به وان تفرج عن كل مسلم بسببه ميخواهم از خداى عظيم كه نفع رساند بحصن حصين
نفعى عام ودفع كرداند بسبب او اندوه را از اهل اسلام على انه مع اقتصاره
واختصاره لم يفتح حديثا صحيحا في بابه الا استحضره واتى به اين كتاب
با كوتاهى وقلت حجم خود هيچ حديثى صحيح را نكذاشت مكر كه حاضر آورد فرق ميان
اقتصار واختصار آنست كه اقتصار مختصر بمعانى است واختصار مختصر بالفاظ است

ترتيبه

فلما اكملت ترتيبه وتهذيبه طلبني عدو لا يمكن ان يدفعه الا الله
وهركاه كامل كردانيدم ترتيب واصلاح اين كتاب را طلب كرد مرا دشمنى كه ممكن نبود كه او
هيچكس جز خداى تعالى دفع كند فهربت منه مختفيا وتحصنت بهذا الحصن الحصين
فرأيت سيد المرسلين صلى الله عليه وسلم وانا جالس على يساره وكانه
صلى الله عليه وسلم يقول لي ما تريد فقلت له يا رسول الله ادع الله لي
وللمسلمين فرفع صلى الله عليه وسلم يديه الكريمتين وانا انظر اليهما
فدعا ثم مسح بهما وجهه الكريم پس از وى كريختم در انحال كه پنهان بودم پس مصطفى
صلى الله عليه وسلم را در خواب ديدم ومن بجانب چپ آن سرور نشسته بودم وچنان نشستى
كه مرا ميفرمايند كه چه ميخواهى كفتم يا رسول الله دعا كن مرا ومسلمانان را پس مصطفى
صلى الله عليه وسلم دو دست جواد مبارك خود برداشت ومن ميديدم پس دعا كرد وباز
هر دو دست بر روى مبارك خود ماليد وكان في ليلة الخميس فهرب العدو
ليلة الاحد وآن خواب در شب پنجشنبه بود وكريخت دشمن در شب يكشنبه
ففرج الله عني وعن جميع المسلمين ببركة ما في هذا الكتاب عنه صلى الله عليه وسلم
واندوه برد خداى تعالى از من واز همه مسلمانان ببركت آنچه درين كتابست از مصطفى صلى الله عليه وسلم

التي

وقد رمزت للكتب التي خرجت منها هذه الاحاديث بحروف تدل على
ذلك سلكت فيها اخصر المسالك وبدرستى كه اشارت كردم براى كتابهاى
اين احاديث را از وى كشيدم بحروف كه دلالت كننده اند بران ودرين حال قريب
ترين طرق رفتم در رموز حروف يعنى بيك حرف يا دو حرف يا سه حرف اكتفا كردم
فجعلت علامة صحيح البخاري خ ومسلم م وسنن ابي داود د
والترمذي ت والنسائي س وابن ماجه القزويني ق وهذه الاربعة
سوى الصحيحين عه وهذه الستة ع وصحيح ابن حبان حب وصحيح المستدرك
للحاكم مس وابي عوانة عو وابن خزيمة مه والموطأ ط وسنن الدار
قطني قط ومصنف ابي بكر بن ابي شيبة مص ومسند الامام احمد ا
والبزار ر وابي يعلى الموصلي ص والدارمي مي ومعجم الطبراني الكبير ط
والاوسط طس والصغير صط والدعاء له طب والدعاء لابن مردويه مر
والدعاء للبيهقي بي والسنن الكبير له سنكي وعمل اليوم والليلة لابن السني
ي پس كردانيدم علامت صحيح بخارى خ وكردانيدم علامة صحيح مسلم م
وكردانيدم علامت سنن ابى داود د وكردانيدم علامت سنن ترمذى ت
وكردانيدم علامت سنن نسائى س وكردانيدم علامت سنن ابن ماجه كه نام او
احمد قزوينى ق وكردانيدم علامة اين چهار جز بخارى ومسلم يعنى سنن ابى داود
وترمذى ونسائى وابن ماجه عه وكردانيدم علامت اين شش يعنى علامة بخارى
ومسلم با اين چهار ع وكردانيدم علامت صحيح ابن حبان حب وكردانيدم علامة
صحيح مستدرك حاكم مس وكردانيدم علامت صحيح ابى عوانة عو وكردانيدم

علامت صحيح ابن خزيمه مه وكرد اينديم علامت موطا امام مالك طا وكرد اينديم
علامت سنن دارقطني قط دارقطني نام محلتي است در بغداد وكرد اينديم علامت
مصنف ابي بكر بن ابي شيبه مص وكرد اينديم علامت مسند امام احمد حنبل ا
وكرد اينديم علامت مسند بزار ر وكرد اينديم علامت مسند ابي يعلى موصلي
ص وكرد اينديم علامة مسند دارمي مي وكرد اينديم علامت معجم صغير طبراني طص
وكرد اينديم علامت معجم اوسط طبراني طس وكرد اينديم علامة معجم كبير طط
وكرد اينديم علامت كتاب دعاي طبراني طب وكرد اينديم علامت كتاب
دعا ابن مردويه مر وكرد اينديم علامت كتاب بيهقي ي وكرد اينديم علامت
سنن كبير بيهقي سني وكرد اينديم علامة كتاب عمل اليوم والليلة ابن سني ي
واقدم رمز من له اللفظ ومقدم دارم اشارت كسي كه لفظ حديث مر واست
يعني عين حديث از كتابي كه بيارم علامة او را مقدم دارم وان كان الحديث
موقوفا جعلت قبل رمزه مو ليعلم انه موقوف بما بعده من الكتب
واگر حديث موقوف باشد يعني اسناد آن تا حضرت مصطفى صلى الله عليه وسلم نرسد
موقوف بصحابي بود بكردانم علامت او را پيش از رمز آن مو تا بينند كه آن حديث با
مابعد آن موقوفست با ماقبل آن موقوف نيست مرفوع متصل است وذلك قليل
لعدم المتصل او اختلف فيه وآن حديث موقوف درين كتاب اندكست جاي كه
حديث مرفوع كه اسناد او تا مصطفى صلى الله عليه وسلم رسيده است يا حديثي
كه اختلاف در وست معدوم است يعني جاي كه حديث مرفوع يا مختلف فيه يافتم
حديث موقوف را آوردم على اني لم اجعل هذه الرموز الا للعالم بها

بغنيه

بغنيه عن التقليد او لمتعلم يتعرف الصحيح من الكتب والمسانيد يا انكه
بكرد اينديم اين رموز را مكر براي عالمي كه پرشده است يعني بي نياز است از تقليد
ديكري يا براي طالب علمي كه پرشده است يعني بي نياز است اي بعد تتبع وتلف
كتب صحيح مسانيد را بدانند او لان في الحقيقة لا احتياج اليها لعموم الناس واگر
آن رموز را براي عالمي يا متعلمي نميكرد اينديم پس در حقيقة عموم مردمان را حاجت بآن
رموز نيست كه ايشان ندانند بلكه مردمان خواص حاجت است اين رموز را براي
ايشان آوردم فليعلم اني ارجو ان يكون جميع ما فيه صحيحا فزال الالتباس
چون چنين است كه كفتيم پس بايد دانست كه اميد دارم كه جميع احاديث كه درين
كتابست صحيح است پس التباس كه در حديث موقوف بود زايل كشت وقد جمع
بحمد الله تعالى هذا المختصر اللطيف ما لم تجمعه مجلدات من التواليف وبدرستي
كه جمع كرده است اين مختصر لطيف بحمد الله تعالى احاديثي را كه جمع نكرده است
آنرا مجلدات تاليفها واذا انتهى نرجو من الله تعالى ان نجعل في آخره
فصلا نبين فيه ما اشكل من لفظ ما فيه قد اشكل وچون اين كتاب تمام شود اميد
دارم از خداي تعالى كه در آخر آن فصلي بسازم كه از مغلق الفاظ معني مشكل كشايد
اين اميد مصنف رحمه الله بر نيامد فصل موعود ننوشت نتوانست وهذه مقدمة
مشتمل على احاديث في فضل الدعاء والذكر ثم آداب الدعاء والذكر
واوقات الاجابة واحوالها واماكنها ثم اسم الله تعالى الاعظم
واسمائه الحسنى ثم ما يقال في الصباح الى المساء وفي طول الحيوة الى
الممات من جميع ما يحتاج اليه وصح به النقل عنه صلى الله عليه وسلم عليه

صحيح الكتب

الاقفال

ثم الذکر الذی ورد فضله ولم یختص بوقت من الاوقات ثم الاستغفار
الذی یمحو الخطیئات ثم فضل القرآن العظیم وسور منه وآیات ثم الدعاء الذی
صحّ عنه صلی الله علیه وسلم کذلک و این حصن حصین از این کتاب گرفته است احادیثی را
که در فضل دعا و ذکر است پس گرفته است آداب دعا و ذکر و اوقات اجابت و محلهای
اجابت را پس در گرفته است اسم الله اعظم و اسماء حسنی را پس در گرفته
که خوانده شود در بامداد تا شبانگاه و در تمام عمر تا مرگ از جمیع آنچه محتاج الیه است
و نقل آن از مصطفی صلی الله علیه وسلم درست است پس در گرفته است ذکری را
که فضل او وارد است و بهیچ وقتی مختص نیست پس در گرفته است استغفاری را که محو کند
گناهان را پس گرفته است فضل قرآن عظیم و فضل سورتها و آیتهای قرآن را پس در گرفته
دعای را که صحیح شده است از مصطفی صلی الله علیه وسلم همچو صحت آن مذکور ثم ختمته بفضل
الصلوة علی سید الخلق و رسول الحق الذی هدی الله تعالی به من الضلالة
وبصّر به من العمی فاوضح المحجة ولم یدع لاحد حجة صلی الله علیه وسلم پس ختم
کردم این کتاب را بفضل درود بهتر خلق و رسول حق صلی الله علیه وسلم که بدو
راه نمود خدای تعالی ثقلین را از گمراهی و از نابینائی بینا گردانید پس روشن کرد
خدای تعالی با رسول صلی الله علیه وسلم کلما ذکره الذاکرون وکلما غفل عن
ذکره الغافلون درود فرستد خدای تعالی بر مصطفی صلی الله علیه وسلم هرگاه که ذکر کنند
او را تعالی ذاکران و هرگاه غافل شوند از ذکر او تعالی غافلان یعنی در جمیع اوقات قال
رسول الله صلی الله علیه وسلم الدعاء هو العبادة ثم تلا وقال ربکم ادعونی استجب
لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین مع حب مس

یعنی این کتاب

فضل الدعاء

این شروع در فضل دعاست در مصنف ابی بکر و سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه و مسند امام احمد حنبل و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک حاکم
بروایت نعمان بن بشیر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا عبادت
پس آیة مذکوره را از جهة تائید خواند معنی آیة اینست و گفت پروردگار
که ای مومنان بخوانید مرا اجابت کنم شمارا بدرستی کسانیکه بزرگی کنند
از عبادت من سرانجام خوار اند و در دوزخ در آیند و اول بلفظ دعا ذکر کرد
بعد از آن بلفظ عبادت آورد معلوم شد که دعا عبادتست من فتح له
من الدعاء منکم فتحت له ابواب الاجابة مص در مصنف ابی بکر است
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که از شما
که در دعا گشاده شود او را درهای اجابت گشاده گردد فتحت له ابواب
الجنة مس در صحیح مستدرک حاکم است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود گشاده شود برای او درهای بهشت فتحت له ابواب
الرحمة وما سئل الله شیئا احب الیه من ان یسأل العافیة ت
در سنن ترمذیست بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
گشاده شود برای او درهای بهشت و خواسته نشده است از خدای تعالی چیزی دوستتر
ازین که عافیت زیرا چه مدار همه عبادت بر عافیت است پس ناچار سوال آن دوستتر
باشد لا یرد القضاء الا الدعاء ولا یزید فی العمر الا البر ت ق حب مس
در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح ابن مستدرک حاکم است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود قضا را جز دعا چیزی رد نکند

ابی داود

و جز نیکی چیزی در عمر زیادت نشود و در رد قضا دو معنی گفته اند یکی آنکه کسی از بلا
بترسد که مبادا رسد پیش دعا کند و آن مکروه برو نرسد بدین وجه تسمیه قضا بمجاز بود
دوم آنکه قضا که نازلست بسبب دعا آسان شود پس چنین [illegible] که قضا شده بدین وجه تسمیه
قضا بر حقیقت باشد و در زیادتی عمر نیز دو معنی گفته اند یکی آنکه چون کسی نیکی کند عمر او
ضایع نشود پس چنانستی که عمر او زیادت شد بنسبت کسی که نیکی نکرد و عمر او [illegible]
رفت دوم آنکه عمر او بحقیقت زیادت شود بدین وجه با آیة اذا جاء اجلهم [illegible]
آید جواب گویند که تناقض نیست چون اجل رسد بی شبهه عمر زیادت نشود اما پیش از
اجل جایز است که زیادت شود چنانکه در آیة دیگر است چنانکه وما یعمر من معمر ولا ینقص
من عمره الا فی کتاب یعنی عمر داده نشود هیچ کسی را مگر زیادت و نقصان کرده نشود
از عمر او مگر آنکه در لوح محفوظ مکتوبست مثال آن چنانست که اگر در لوح محفوظ باشد که فلان اگر
حج کند یا غزا کند عمر او چهل سال باشد و اگر نکند عمر او شصت سال بود پس اگر او حج تنها
کرد بنسبت شصت سال عمر او نقصان شد و اگر بجا آورد بنسبت چهل سال عمر او
زیادت گشت و بعضی گویند زیادت عمر بدین اعتبار است که او را فرزندی صالح یا
خیری جاری باشد که بعد از مرگ ثواب آن بدو رسد پس چنانستی که عمر او زیادت شد
لا یغنی حذر من قدر والدعاء ینفع مما نزل ومما لم ینزل وان البلاء لینزل
فیتلقاه الدعاء فیعتلجان الی یوم القیامة مس ع طس و در صحیح مستدرک
حاکم و مسند بزار و اوسط معجم طبرانی است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود بی نیاز نکرد اند یعنی نفع نکند ترس هیچ کسی را از قدر و دعا
نفع کند قدری که نازلست بدین که آسان شود و از قدری که غیر نازلست بدین که دفع کرده شود

علیکم عباد الله بالدعاء

وبدرستی

وبدرستی که بلا نازل شود و او را دعا پیش آید پس تا روز قیامت با یکدیگر بیاویزند
دعا مگذارد که بلا بیشتر شود لیس شیء اکرم علی الله من الدعاء ت ق حب
مس در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک حاکم است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ چیز بزرگتر نزد خدای تعالی
از دعا نیست من لم یسال الله یغضب علیه ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک
حاکم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که از خدای تعالی
نخواهد خدای تعالی برو خشم کند زیرا چه او تعالی دوست دارد که ازو بخواهند پس هر که
نخواهد مبغوض او شود پس ناچار مغضوب علیه گردد و من لم یدع الله غضب علیه مص
در مصنف ابی بکر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که خدای تعالی را نخواند خدای تعالی
برو خشم کند لا تعجزوا فی الدعاء فانه لن یهلک مع الدعاء احد حب مس
در صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک حاکم است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود عاجز نشوید در دعا کردن زیرا چه بدرستی که شان اینست که هرگز هلاک
نشود هیچ کسی با دعا من سره ان یستجیب الله له عند الشدائد والکرب فلیکثر
الدعاء فی الرخاء ت در سنن ترمذی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که را که خوش کرداند آنکه خدای تعالی در سختیها دعا او را
اجابت کند پس گو که در فراخی و آسانی دعا بسیار کند که عبادت مومن شاکر اینست که
پیش از اضطرار التجا بخدا تعالی آرد و تن خود را پیش از وی رست دارد بخلاف کافران
که در حال اضطرار تضرع کنند و در حال فراخی دم کوتاه زنند چنانکه قرآن خبر میدهد
الدعاء سلاح المومنین وعماد الدین ونور السموات والارض مس

در صحیح مستدرک حاکم است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود دعا سلاح مومنین است و ستون دین است و نور آسمانها و زمین است
مر رسول الله صلی الله علیه وسلم بقوم مبتلین فقال اما کان هولاء یسالو
العافیة ر در مسند بزار بروایت انس رضی الله عنه که بگذشت رسول صلی الله علیه وسلم
بقومی که مبتلا بودند پس فرمود که ایشان از خدای تعالی عافیت نخواستند ما من
مسلم ینصب وجهه لله تعالی فی مسئلة الا اعطاها ایاه اما ان یعجلها له واما
ان یدخرها له ا در مسند امام محمد حنبل است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود نیست هیچ مسلمی که روی خود را برای خدای تعالی در رنج آرد
یعنی بر زمین نهد و سجده کند در خواهش مگر که خدای تعالی او را خواهش در دنیا دهد
یا آنرا برای او ذخیره آخرت سازد یقول الله عز وجل انا عند ظن عبدی بی
وانا معه اذا ذکرنی فان ذکرنی فی نفسه ذکرته فی نفسی وان ذکرنی فی ملا
ذکرته فی ملا خیر منه الحدیث خ م ت س ق این شروع در فضل ذکر است
در بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدای تعالی میفرماید من نزد گمان بنده خودم چون مرا یاد کند
پس اگر مرا در سر یاد کند من او را در سر یاد کنم یعنی او را ثواب آن در سر بدهم بسیار بی شمار او
بکسی نگیم و اگر او مرا در جماعت یاد کند من او را در جماعتی بهتر که فرشتگان اند
یاد کنم یعنی ثواب او بهتر و نیکوتر و فعل او در میان ایشان [illegible] الا اخبرکم بخیر اعمالکم
وازکاها عند ملیککم وارفعها فی درجاتکم وخیر لکم من انفاق الذهب والورق
وخیر لکم من ان تلقوا عدوکم فتضربوا اعناقهم [illegible] قالوا بلی قال ذکر الله ت ق ا مس

بیان فضل الذکر

در سنن ترمذی و ابن ماجه و مسند امام احمد حنبل و صحیح مستدرک حاکم است بروایت
ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خبر کنم به بهترین اعمال
شما نزد خدای تعالی و برترین اعمال در درجات شما و بهترین اعمال مر شما را از انفاق
زر و نقره و به بهترین اعمال مر شما را از آنکه ملاقات کنید کافر را پس بزنید گردن
ایشان را و بزنند گردنهای شما را اصحابه گفتند آری خبر کن ای رسول خدا رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود آن فعل بهتر ذکر خدای است جل وعلا طیبی رحمه الله گوید این حدیث
دال است برینکه ثواب مترتب بر قدر رنج نیست بلکه خدای تعالی برانکه عمل [illegible]
اجر دهد پس ثواب مترتب بود بر تفاوت شرف عمل و شک نیست که افضل ذکر
لا اله الا الله است و آن علیاست و قطب است که مدار اسلام بر وست و اعلی شعب
ایمانست بلکه کل ایمانست پس ناچار بهترین اعمال باشد ما صدقة افضل من ذکر الله
طس در معجم اوسط طبرانی است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود نیست هیچ صدقه فاضلتر از ذکر خدای تعالی ان لله ملائکة یطوفون
فی الطرق یلتمسون اهل الذکر فاذا وجدوا قوما یذکرون الله عز وجل
تنادوا هلموا الی حاجتکم قال فیحفونهم باجنحتهم الی السماء الدنیا الحدیث
خ م ت در بخاری و مسلم و سنن ترمذی بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی مر خدای تعالی راست فرشتگان که در راهها گردند
اهل ذکر را میجویند پس چون بیابند قومی را که ذکر خدای تعالی میکنند یکدیگر را
ندا کنند بیایید سوی حاجت خود ابوهریره رضی الله عنه گفت پس گرد کنند فرشتگان
ایشان را ببالهای خویش تا آسمان دنیا و طواف کنان برکت جویند مثل الذی

يذكر ربه و الذي لا يذكر ربه مثل الحي و الميت خ م در بخاري و مسلم است بروايت
ابو موسى اشعري رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه و سلم فرمود مثل كسي كه ذكر پروردگار خود
و كسي كه ذكر پروردگار خود نكند مثل زنده و مرده است چنانچه زنده بحيوة خود بهره ميبرد
و غير ذاكر از عمل او را بهره نيست همچو مرده است كه او را از حيوة بهره نيست لا يقعد قوم
يذكرون الله عز و جل الا حفتهم الملائكة و غشيتهم الرحمة و نزلت عليهم السكينة
و ذكرهم الله فيمن عنده م ت ق در مسلم و سنن ترمذي و ابن ماجه است بروايت
ابو سعيد خدري و ابو هريره رضي الله عنهما كه رسول صلى الله عليه و سلم فرمود نه نشينند قومي
كه ذكر خداي تعالى كنند مگر كه گرد كنند ايشان را فرشتگان و بپوشد و در گيرد
ايشان را رحمت و فرود آيد بر ايشان آرام و ياد كند ايشان را خداي تعالى در جمع
فرشتگاني كه نزد حضرت او تعالى اند يا رسول الله ان شرائع الاسلام قد كثرت
علي فانبئني بشيء اتشبث به قال لا يزال لسانك رطبا من ذكر الله ت ق
حب مس مص در سنن ترمذي و ابن ماجه و صحيح ابن حبان و صحيح مستدرك حاكم
و مصنف ابي بكر است بروايت عبد الله بن بسر رضي الله عنه كه مردي گفت اي
رسول خداي شريعتهاي اسلام يعني فرائض و سنن اسلام بر من بسيار گشت پس آگاه كن
مرا بعملي اندك كه بدان چنگ زنم و با شرائع مذكوره آن عمل كنم رسول صلى الله عليه و سلم
فرمود آن عمل اينست كه زبان تو هميشه تر باشد از ذكر خداي تعالى يعني مداومت ذكر
بايد بود آخر كلام فارقت عليه رسول صلى الله عليه و سلم ان قلت اي الاعمال احب
الى الله قال ان تموت و لسانك رطب من ذكر الله حب ط در صحيح ابن حبان
و مسند بزار و معجم طبراني كبير است بروايت معاذ بن جبل رضي الله عنه كه گفت

آخر كلامي كه بآن از رسول صلى الله عليه و سلم جدا گشتم اين بود كه گفتم اي رسول خداي
كدامي اعمال دوستر است سوي خداي تعالى فرمود آنست كه بميري و زبان تو تر
اين باشد از ذكر خداي تعالى قلت يا رسول الله اوصني قال عليك بتقوى الله
ما استطعت و اذكر الله عند كل حجر و شجر و ما عملت من سوء فاحدث
لله فيه توبة السر بالسر و العلانية بالعلانية ط در معجم طبراني كبير است
بروايت معاذ رضي الله عنه كه گفتم اي رسول خداي تعالى مرا وصيت كن فرمود لازم گير
تقوى را آنقدر كه تواني و ياد كن خداي تعالى را نزد هر سنگي و درختي و در هر
گناهي براي خداي تعالى توبه كن توبه پنهان بگناه پنهان و توبه آشكارا بگناه
آشكارا ما عمل آدمي عملا انجى له من عذاب الله من ذكر الله ط ا مص
در معجم طبراني كبير و مسند امام احمد حنبل و مصنف ابي بكر است بروايت معاذ
رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه و سلم فرمود نكرده است آدمي عملي را
كه رهاننده تر است از عذاب خداي تعالى از ذكر خدا قالوا و لا الجهاد في
سبيل الله قال و لا الجهاد في سبيل الله الا ان يضرب بسيفه حتى ينقطع
قاله ثلث مرات ط مس مص صط در معجم طبراني كبير و صحيح مستدرك و مصنف
ابي بكر و معجم طبراني صغير است بروايت جابر رضي الله عنه كه چون رسول صلى الله
عليه و سلم حديث اول فرمود صحابه گفتند و نه جهاد رهاننده تر است اي رسول خدا
فرمود و نه جهاد مگر آنكه به تيغ خود زند تا آنكه عاجز شود اين را سه بار فرمود
لو ان رجلا في حجره دراهم يقسمها و آخر يذكر الله كان الذاكر لله افضل
ط در معجم طبراني كبير است بروايت ابو موسى اشعري رضي الله عنه كه رسول الله

تتمه الحدیث فان لله سیارات من الملائکة یطلبون حلق الذکر فاذا اتوا علیهم حفوا بهم

صلی الله علیه وسلم فرمود اگر مردی که در کنار او درامهاست قسمت کند و مرد دیگر
ذکر خدای کند مرد ذاکر افضل از مرد متصدق است اذا مررتم بریاض الجنة
فارتعوا قالوا یا رسول الله وما ریاض الجنة قال حلق الذکر ت در سنن ترمذی
است بروایت انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود چون گذر کنید
بر مرغزار بهشت پس بچرید صحابه گفتند ای رسول خدا ریاض بهشت چیست فرمود
ذکر یعنی میان بگذرید شما هم ذکر کنید مراد ازین حلقها حلقهای است که در میان
ذکر کنند و مراد ازین ذکر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر است
یقول الله عز وجل سیعلم اهل الجمع الیوم من اهل الکرم فقیل من اهل الکرم
یا رسول الله قال اهل مجالس الذکر من المساجد حب طص در صحیح ابن حبان
و معجم کبیر طبرانی و مسند ابی یعلی موصلی است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدا تعالی میفرماید سرانجام بدانند اهل الحشر
امروز که کیستند اهل کرم صحابی گفت ای رسول خدا اهل کرم کیانند فرمود اهل
مجالس ذکر در مساجد ما من آدمی الا و لقلبه بیتان فی احدهما الملک وفی الآخر
الشیطان فاذا ذکر الله خنس واذا لم یذکر الله وضع الشیطان منقاره فی قلبه
و یوسوس له مص در مصنف ابی بکر است بروایت عبد الله بن سفیان رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ آدمی نیست مگر که مر دل او را دو خانه است در یکی
فرشته و در دیگر شیطان است پس آدمی چون ذکر خدا تعالی کند شیطان پنهان شود و دور رود
و چون ذکر خدا تعالی نکند شیطان نوک خود را در دل او نهد و وسوسه کند یعنی در دل او
یعنی اقلّه من صلی الفجر فی جماعة ثم قعد یذکر الله حتی تطلع الشمس ثم صلی رکعتین

کانت له کاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة ت در سنن ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز فجر در جماعت بگذارد پس بنشیند در آن حال
که ذکر خدای تعالی کند تا آفتاب طلوع کند پس دو رکعت نماز گذارد آن مذکور مر او را
مثل اجر یک حج و یک عمره تمام باشد انقلب باجر حجة وعمرة ط در معجم طبرانی کبیر است
بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود باز گردد او با اجر یک
حج و یک عمره ذاکر الله فی الغافلین بمنزلة الصابر فی الفارین رطس در مسند بزار
و اوسط معجم طبرانیست بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود ذاکر خدای تعالی در میان غافلان بمنزلهٔ صابر است در غزا که در میان
گریزندگان است ما من قوم جلسوا مجلسا وتفرقوا منه ولم یذکر الله فیه الا
کانما تفرقوا عن جیفة حمار وکان علیهم حسرة یوم القیامة مس د ت
جب اس در صحیح مستدرک حاکم و سنن ابی داود و ترمذی و صحیح ابن حبان
و مسند امام احمد حنبل و سنن نسائی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیست هیچ قومی که در مجلسی نشینند و از مجلس
جدا شوند و ذکر خدا تعالی در مجلس نگویند مگر که ایشان جدا شده باشند
از مردار و آن جلوس و تفرق روز قیامت بر ایشان حسرت و اندوه بود
که ذکر نکردند و از ثواب محروم گشتند وما مشی احد ممشی لم یذکر الله فیه
الا کان علیه ترة وما آوی احد الی فراشه لم یذکر الله فیه الا کان علیه ترة
س اح ب در سنن نسائی و مسند امام احمد و صحیح ابن حبان است و در مشکوة
نیز شد این حدیث بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم

فرمود و مشی نکرده است هیچ یکی در راهی که ذکر خدا تعالی در ان نکرده

مگر که آن مشی و عدم ذکر روز قیامت نقص و حسرت باشد و نیامده است هیچ

یکی سوی خوابگاه خود که ذکر خدا تعالی در ان نکرده مگر که آن خواب و عدم ذکر روز

نقص و حسرت بود انّ الجبل ینادی الجبل باسمه ای فلان هل مرّ احد بک ذاکر الله

فاذا قال نعم استبشر الحدیث ط در معجم طبرانی کبیر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه

که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بدرستی یک کوه کوه دیگر را ندا کند بنام که ای

فلان که هیچ ذاکر خدا تعالی بر تو گذشته است چون آن کوه در جواب نعم گوید

آن کوه خوش شود انّ خیار عباد الله الذین یراعون الشمس و القمر و النجوم

و الاظلّة لذکر الله مس در صحیح مستدرک حاکم است بروایت عبد الله بن ابی

اوفی رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که بدرستی بهترین بندگان خدا تعالی

کسانی اند که انتظار آفتاب و ماهتاب و ستارها و سایها کنند از جهة ذکر کردن

خدا تعالی لیس یتحسّر اهل الجنة الّا علی ساعة مرّت بهم و لم یذکر الله

فیها طب ی در معجم طبرانی کبیر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت معاذ

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده اند حسرت نکنند اهل بهشت مگر

بر ساعتی که در دنیا بریشان گذشت و ذکر خدا تعالی در ان نکرده اند اکثروا

ذکر الله حتّی یقولوا مجنون حب اص ی در صحیح ابن حبان و مسند امام احمد

حنبل و ابی یعلی موصلی و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت

ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که بسیار ذکر کنید

تا آنکه بگویند مردم که دیوانه است کان ما جرای یرای التکبیر و التقدیس

و التهلیل

من عبد الله بن ابی رضی الله عنهما قال رسول الله صلی الله علیه و سلم ان خیرهم

ای یقول الناس لکثرة الذکر هذا المجنون

و التهلیل و ان یعقد بالانامل قال لانّهنّ مسئولات مستنطقات د ت در سنن

ابی داود و ترمذی است بروایت یسیره رضی الله عنها که از مهاجرات بود که رسول

صلی الله علیه و سلم امر میکرد که نگهداشت تکبیر و تقدیس و تهلیل کنند یعنی حق تعالی را

بعظمت و پاکی یاد کنند و لا اله الا الله گویند و نیز امر میکرد که عقد کنند انگشتان را

اگر خواهند که گواهی دهند علیکنّ بالتسبیح و التهلیل و التقدیس و لا تغفلن

فتنسین الرحمة مص در مصنف ابی بکر است بروایت یسیره رضی الله عنها که

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود ای زنان تسبیح و تهلیل و تقدیس لازم گیرید و از ان

غافل نشوید پس که شما را از رحمت فراموش کرده اند رأیت النبی صلی الله علیه و سلم

یعقد التسبیح بیمینه س در سنن نسائی است بروایت عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما

که دیدم پیغمبر صلی الله علیه و سلم را که می شمرد تسبیح را بانگشتان دست راست خود لان

اقعد مع قوم یذکرون الله من صلوة الغداة حتّی تطلع الشمس احبّ الیّ من

ان اعتق اربعة من ولد اسماعیل و لان اقعد مع قوم یذکرون الله تعالی من صلوة

العصر الی ان تغرب الشمس احبّ الیّ من ان اعتق اربعة د در سنن ابی داود

بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود همراه نشستن من با قومی

که ذکر خدا تعالی کنند از نماز بامداد تا طلوع آفتاب دوست تر است سوی من

از ینکه چهار فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کنم و همراه نشستن با قومی که

ذکر خدا تعالی از نماز عصر تا غروب آفتاب کنند دوست تر است سوی من از ینکه چهار

کس آزاد کنم تخصیص این هر دو وقت از جهة شرف است که وقت اجتماع فرشتگان

روز و شب است سبق المفرّدون قالوا و ما المفرّدون یا رسول الله م ت در صحیح مسلم

تخصیص الوقتین بالذکر لشرفهما من جهة اجتماع الملائکة اللیل و ملائکة النهار فیهما نفر عزیز من مصابیح

فان قیل ان ارقاق ... و التبییض ... ارقّ ... جاز ... الطهر ... انما لا یجوز ... الی ... فلا یجوز

وسنن ترمذی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
پیش شده اند مفردان یعنی تنها شوندگان یکسواران صحابه عرض کردند ای رسول
مفردان کیانند قال الذاکرون الله کثیرا والذاکرات م در صحیح مسلم است جواب حدیث
گذشته که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مفردان مردانی اند که ذکر الله تعالی بسیار کنند
و زنانی اند که ذکر بسیار کوینه قال المستهترون فی ذکر الله یضع الذکر عنهم اثقالهم
فیاتون یوم القیمة خفافا ت در سنن ترمذی جواب حدیث گذشته از هر دو کتاب
جواب مختلف است برای واحد که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مفردان کسانی اند
که در ذکر خدای تعالی حریص و فریفته باشند یعنی بسیار ذکر کننده و از کسی باک ندارند
و در آن حال که ذکر گرانی را از ایشان فرو می نهد پس روز قیامت سبک شده بیایند
ان الله امر یحیی ابن زکریا بخمس کلمات ان یعمل بها ویامر بنی اسرائیل ان
یعملوا بها فذکر الحدیث الی ان قال وامرکم ان تذکروا الله فان مثل ذلک کمثل
رجل خرج العدو فی اثره سراعا حتی اتی علی حصن حصین فاحرز نفسه منهم کذلک
العبد لا یحرز نفسه من الشیطان الا بذکر الله تعالی ت حب مس
در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک حاکم است بروایت حارث
اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بدرستی خدای تعالی
یحیی پیغامبر علیه الصلوة والسلام را فرمود به پنج کلمات که خود کند
و بنی اسرائیل را فرماید تا ایشان هم کنند و این حدیث دراز است مقصود
اینست که یحیی علیه السلام بنی اسرائیل را گفت که امر میکنم شما را که ذکر
خدای تعالی کنید پس بدرستی که مثل آن همچو مثل مردیست که دشمنان در پی او

بیرون

انما قالوا وما المفردون ولم يقولوا ومن المفردون لتفسير اللفظ بيان ما هو المراد يعني المنفردين ... الاستهتار ...

بیرون آیند در او بگریزد تا آنکه به حصاری محکم بیاید و نفس خود را از ایشان نگاه دارد
همچنان بنده ذاکر نگاه ندارد نفس خود را از شیطان مگر بذکر خدای تعالی
قوم فی الدنیا علی الفرش یدخلهم الجنات العلی ص در مسند ابی یعلی موصلی است
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه ذکر کننده خدای تعالی را در دنیا بر فرشهای
گسترده خدای تعالی در آرد ایشان را در بهشتها که برتر اند ان الذین لا یزال السنتهم
رطبة من ذکر الله یدخلون الجنة وهم یضحکون مو مص در کتاب دعا ابن
مردویه و مصنف ابی بکر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی آن کسانی که زبان
ایشان از ذکر خدای تعالی همیشه تر است یعنی همیشه در ذکر است ایشان خنده کنان
در بهشت در آیند آداب الدعا این شروع در آداب دعاست منها ما یبلغ ان

آداب دعاست

یکون رکنا وان یکون شرطا وان یکون غیر ذلک من مامورات ومنهیات
وغیرها بعضی ازان آداب ادبی است که رکن را میرسد و بعض شرط را میرسد و بعضی غیر
آن را میرسد که از مامورات و منهیات و جز آنست وهی تجنب الحرام فی المآکل
والمشارب والملابس والمکتسب م ت این حاصل حدیث صحیح مسلم و سنن ترمذی
است یعنی اینست و آن آداب دعا که حرام است در خوردن و آشامیدن و پوشیدن
و کسب کردن و کامل ترین آداب توبه است و رد مظالم والاخلاص لله تعالی
مس در صحیح مستدرک حاکم است و اخلاص کردن بر خدای تعالی و تقدیم عمل صالح
و ذکره عند الشدة م ت د در مسلم و سنن ترمذی و ابی داود است مقدم
کردن عمل صالح را و ذکر کردن عمل صالح نزد سختی و گفته اند هر که بی عمل صالح
دعا کند همچو کسی است که بی زه تیر اندازد والتنظف والتطهر عه حب

درسنن ابی داود وترمذی ونسائی وابن ماجه وصحیح ابن حبان است و پاک
کردن تن وجامه از نجاست وریم وَالوُضُوءُ ع در بخاری ومسلم وسنن ابی داود
وترمذی ونسائی وابن ماجه است ووضو کردن وَاسْتِقْبَالُ القِبْلَةِ ع
در هر شش کتاب مذکور است روی آوردن بقبله ابن عباس رضی الله عنهما
روایت میکند از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روزی بهر استقبال بقبله کرد و
دست بدعا بر آورد وَالصَّلَوةُ عه حب مس در سنن ابی داود وترمذی ونسائی
وابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک حاکم است ونماز گزاردن یعنی اول
نماز بگذارد وبعده دست بدعا برارد وَالجُثُوُّ عَلَى الرُّكَبِ عو در صحیح ابو عوانه است
ونشستن بر زانوها از ابن عباس رضی الله عنه مروی است که چون باد سخت نزدیک
رسول صلی الله علیه وسلم بزانو شده دعا فرمودی وَالثَّنَاءُ عَلَى اللهِ تَعَالَى أَوَّلاً
وَآخِراً ع در بخاری ومسلم وسنن ابی داود وترمذی وابن ماجه است وثنا گفتن بر خدای تعالی
در اول وآخر وَالصَّلَوةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَلِكَ دت مس حب در سنن
ابی داود وترمذی ونسائی وصحیح مستدرک حاکم است ودرود گفتن بر پیغامبر صلی الله
علیه وسلم همچو ثنا یعنی اول وآخر مرویست از فضالة رضی الله عنه که مردی نماز
گزارد ودعا کرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای مصلی شتاب کردی چون از نماز
فارغ شوی پس بنشین وحمد خدای تعالی کن پس درود بر من گو پس دعا کن زیراکه شرط
سایل نیست که اول تقرب سوی مسئول منه جوید بعده وسیلت بشفیع سازد
بعده حاجت خواهد وَبَسْطُ اليَدَيْنِ ت مس در ترمذی وصحیح مستدرک حاکم است
وگشاده کردن دو دست وَرَفْعُهُمَا ع در بخاری ومسلم وسنن ابی داود وترمذی

ونسائی

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال ... صلی الله علیه وسلم ... قال اللهم اجعلها رحمة ولا تجعلها عذابا ... ریاحا ولا تجعلها ریحا

فضالة بن

ونسائی وابن ماجه است وبر داشتن هر دو دست وَأَنْ يَكُونَ رَفْعُهُمَا حَذْوَ
الْمَنْكِبَيْنِ د امس در سنن ابی داود ومسند امام احمد وصحیح مستدرک حاکم است
وبر داشتن دو دست برابر هر دو دوش وکشفهما مو در کتاب دعاء ابن مردویه
وبرهنه داشتن هر دو دست وَالتَّأَدُّبُ م د ت مس در مسلم وسنن ابی داود وترمذی
ونسائی است وباادب بودن وَالْخُشُوعُ مو مص در کتاب دعاء ابن مردویه ومصنف
ابو بکر است وفروتنی کردن وَالتَّمَسْكُنُ مَعَ الْخُضُوعِ ت در سنن ترمذی است وبیچاره
شدن بافروتنی وَأَنْ لَا يَرْفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ إِذَا دَعَا فِي الصَّلَوةِ م س در مسلم
وسنن نسائی است وانکه بر نکند چشم خود را سوی آسمان وَأَنْ يَسْأَلَ اللهَ تَعَالَى
بِأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى وَصِفَاتِهِ الْعُلَى حب مس در صحیح ابن حبان وصحیح مستدرک حاکم
وانکه بخواهد از خدای تعالی بنامهای او که نیکتر اند وبصفات او که برتر اند وَأَنْ
يَجْتَنِبَ السَّجْعَ وَتَكَلُّفَهُ خ در بخاری است وانکه ترک کند سجع وتکلف را در دعا
زیراکه دل بدان مشغول میشود وَأَنْ لَا يَتَكَلَّفَ التَّغَنِّيَ بِالْأَنْغَامِ مو در کتاب دعا
ابن مردویه است وانکه تکلف نکند تغنی را بآوازها وَأَنْ يَتَوَسَّلَ إِلَى اللهِ
تَعَالَى بِأَنْبِيَائِهِ خ د مس در بخاری وسنن ابی داود وصحیح مستدرک حاکم
است وانکه وسیلت سازد یعنی تقرب کند سوی خدای تعالی به پیغامبران او
وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِهِ خ م در بخاری ومسلم است ووسیلت سازد به بندگان
صالح وَخَفْضُ الصَّوْتِ ع در بخاری ومسلم وسنن ابی داود وترمذی ونسائی
وابن ماجه است وفرو کردن آواز زیراچه خدای تعالی فرموده است ادْعُوا رَبَّكُمْ
تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً یعنی پروردگار خود را بزاری و پنهان خوانید وَالاِعْتِرَافُ

بالذنب

هرگاه دعا بکند در نماز

التمسکن

ع ودرهر شش کتابست مذکورست واقرار کردن بگناه زیرا که چون بنده اقرار
بگناه کند بعد از آن توبه کند خدای تعالی توبه او را قبول کند واختیار الادعیة الصحیحة
عن النبی صلی الله علیه وسلم فانه لم یترک حاجة الی غیره د در سنن ابی داود
ونسائی است واختیار کردن دعاها که صحیح است از پیغامبر صلی الله علیه وسلم یعنی
در وقت خواهش او چه رسول صلی الله علیه وسلم اختیار کند زیرا چه آن سرور
علیه افضل الصلوات هیچ حاجتی را سوی غیر خود نگذاشته است همه چیز را بیان
فرموده است وتخیر الجوامع من الادعیة د در سنن ابی داود است واختیار
کردن دعاها که جامع اند وان یبدأ بنفسه وان یدعو للوالدین واخوانه المؤمنین
م د در مسلم وسنن ابی داود است واگر آغاز کند بذات خود دعا کند برای مادر
وپدر خود وبرادران خود که مومنان اند از ابی کعب رضی الله عنه مروی است که چون رسول صلی الله علیه وسلم
برای کسی دعا میکرد ابتدا بذات خود میفرمود وان لا یخص نفسه بالدعاء ان کان
اماما د ت ق در سنن ابی داود وترمذی وابن ماجه است واگر مخصوص نگرداند
ذات خود را بدعا اگر امام باشد بلکه دعا را عام کند اغفر لی وارحمنی نگوید اغفر لنا
وارحمنا گوید از ثوبان رضی الله عنه مروی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
امامت نکند کسی که خود را بغیر مقتدیان دعا کند واگر خود را مخصوص گرداند
خیانت ایشان کرده باشد وان یسأل بعزم ع در بخاری ومسلم وسنن ابی داود
وترمذی ونسائی وابن ماجه است واگر خواهد بعزم یعنی بگوید اغفر لی واعطنی
ونگوید ان شئت فاعطنی از انس رضی الله عنه مروی است که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هرگاه دعا کند گو که بعزم کند [illegible] وان یعظم الرغبة خ ب ع در صحیح ابن حبان

وصحیح ابو عوانه است واگر دعا کند بدو دستی بر دعا وان یخرج من قلبه بجد
واجتهاد وان یحضر قلبه ویحسن رجاءه مس در صحیح مستدرک حاکم است واگر
دعا را از دل خود بکوشش واهتمام بیرون کند واگر دل خود را حاضر آرد ورجاء
خود او را اجابت نیکو دارد ونظر بگناه خود نکند بلکه نظر بر کرم ورحمت الله تعالی کند
زیرا که او تعالی ابلیس را که شر مخلوقات است اجابت کرد چون او حیات خود را تا قیامت
خواست از ابو هریره رضی الله عنه مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا
با یقین اجابت کنند وبدانید که خدای تعالی قبول نکند از دلی که بعزم نخواهد وان
یکرر الدعاء خ م در بخاری ومسلم است واگر تکرار کند دعا را سه بار یا پنج بار تا هفت بار
از ابن مسعود رضی الله عنه مروی است که رسول صلی الله علیه وسلم دوست داشتی
که اقل دعا سه بار واوسط پنج بار واکمل هفت بار وان یلح فیه س مس عو در سنن
نسائی وصحیح مستدرک حاکم وصحیح ابو عوانه است واگر الحاح کند در دعا یعنی در خواهش
تاکید کند که در حدیث است خدای تعالی الحاح کنندگان را دوست دارد در دعا وان لا یدعو
باثم وقطیعة رحم م ت در مسلم وسنن ترمذیست واگر دعا نکند بگناهی و بریدن
رحم یعنی از خدای تعالی حرام نخواهد وجدائی از مادر وپدر نخواهد وان لا یدعو
بامر قد فرغ منه س در سنن نسائی است واگر دعا نکند بدفع کاری که از آن
فراغ حاصل گردید یعنی کاری که واقع شد دفع آن نخواهد زیرا که واقع مرفوع نگردد
وان لا یعتدی فی الدعاء بان یدعو بمستحیل او ما فی معناه خ در بخاری است
واگر تجاوز از حد دعا نکند برین که محال باشد یا آنکه در معنی محال است که خواهد حیات
ابدی یا احیاء اموات یا بازگشت جوانی وان لا یتحجر خ م د س ق در بخاری ومسلم

و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است و النکه تنک نکرد اندر رحمت خدایتعالی ازاکه
فراخ است یعنی نکوید که مرا رحمت کن و دیگری را مکن در حدیث است که مردی دعا کرد
که مرا و محمد را بیامرز و دیگری را با ما آمرزش مکن رسول صلی الله علیه و سلم فرمود تنگ کردی
فراخ را و ان یسئال حاجاته کلها ت حب در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان است
بخواهد از خدای تعالی همه حاجات خود را در حدیث است که از خدایتعالی همه حاجات
تا که دوال نعلین اگر بریده باشد و تامین الداعی و السامع خ م د س در بخاری و مسلم
و سنن ابی داود و نسائی است و آمین گفتن دعا کننده و شنونده و مسح وجهه بیدیه
بعد فراغه د ت حب ق مس در سنن ابی داود و ترمذی و صحیح ابن حبان و سنن ابن ماجه
و صحیح مستدرک حاکم است و مالیدن روی به دو دست بعد فراغ از دعا از امیر المؤمنین عمر
عنه مرویست که چون رسول صلی الله علیه و سلم دست به دعا بر آوردی بعد فراغ بر روی مالیدی
و ان لا یستعجل بان یستبطی الاجابة و یقول دعوت فلم یستجب لی خ م د س ق در بخاری
و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و سنن ابن ماجه است و النکه شتابی نکند در دعا بدین که
درنگ آمد و از دعا باز ماند یا گوید دعا کردم پس مرا اجابت نشد و از ابو هریره رضی الله عنه
مرویست که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعای هر یکی مستجاب کرده تا که او شتاب نشود و گوید
دعا کردم اجابت نشد آداب الذکر این بیان آداب ذکر است قال العلماء ینبغی ان
یکون الموضع الذی یذکر الله فیه نظیفا خالیا و ان یکون الذاکر علی اکمل الصفات
المتقدمة و ان یکون فمه نظیفا فان کان فیه تغیر ازاله بالسواک علما گفته اند
آنکه محلی که دران ذکر خدایتعالی کنند جای پاک باشد هم ازین ذکر را که در مسا...
باشد مجمع گفته اند و می سزد آنکه ذاکر بر اکمل صفت متقدم بود یعنی اخلاص و ...

و چرک و وضو و نشستن بر زانو و آنکه دهن او پاک باشد و اگر تغیری در دهن بود
بمسواک دور کند و استکان بالبسانی موضع مستقبل القبلة متخشعا متذللا
فرود قار و حضور قلبه متدبرا بذوق ... ساه فان جهل شیئا تبین معناه
و آرام گرد محلی نشسته باشد روی بقبله آرد با فروتنی و زبونی و با آرام و آهستگی با حضور
دل و در ذکر خود اندیشه کند و معنی بداند و اگر چیزی نادان باشد معنی آنرا تحقیق نماید
و لا حرص علی تحصیل الکثرة بالعجلة بخلاف ذلک استحبوا ان یمد صوته بقول لا اله الا الله
و کوکه حرص نکند اگر بر تحصیل کثرت ذکر شتابی کردن پس از جهت اینکه شتابی در ذکر
نکنند دوست داشته اند علما که بقول لا اله الا الله آواز خود را دراز کنند و کل ذکر
مشروع واجبا کان او مستحبا لا یعتد بشیء منه حتی یتلفظ به و یسمع نفسه
و هر ذکری که مشروع است واجب یا مستحب معتبر نیست ازان چیزی را تا که تلفظ کند
و نفس خود را بشنواند اگر سمع او درست باشد و اگر گنگ باشد یا زبان عیب بود زبان را
بقدر اندازه خود بجنباند و افضل الذکر القرآن الا فیما شرع بغیره و بهترین ذکر قرآنست
مگر در محلی که شروع شده است بغیر قرآن چنانچه تسبیح در رکوع و سجود و تشهد در قعده
و لیس فضل الذکر منحصرا فی التهلیل و التسبیح و التکبیر بل کل مطیع لله تعالی
فی عمل فهو ذاکر و فضل ذکر در تهلیل و تسبیح و تکبیر منحصر نیست بلکه هر که در عملی مطیع
خدایتعالی است او ذاکر است قالوا اذا واظب العبد علی الاذکار المأثورة عنه
صلی الله علیه و سلم صباحا و مساء و فی الاحوال و الاوقات المختلفة لیلا و نهارا
کان من الذاکرین الله تعالی کثیرا و الذاکرات علما گفته اند چون بنده اذکار
که مرویست از پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بنده در صبح و بامداد مداومت کند و در احوال

بیان اوقات اجابت و ساعت

و اوقات مختلف شب و روز ملازمت نماید اگر مرد است از مردان ذاکر باشد و اگر زن است
از زنان ذاکره بود و ینبغی ان یکون له ورد فی وقت من اللیل او النهار او عقیب صلوة او
غیر ذلک فاته ان یتدارکه و یاتی به اذا امکنه و لا یهمله لیعتاد الملازمة علیه
و لا یتساهل فی قضائه و کسی را که وردی معین در وقتی از شب یا روز یا پس نماز یا
غیر آن بود و آن ورد او را فوت شود او را می رسد که آن ورد را دریابد و بیارد اگر
ممکن باشد و در قضاء آن سستی نکند تا او را بر ملازمت آن عادت شود اوقات الاجابة
این بیان اوقات اجابت است لیلة القدر **ت س ق مس** در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه
و صحیح مستدرک است که شب قدر است تسمیه شب قدر از آنست که تقدیر و قضاء امور در آنست
یا این تسمیه جهت شرف آنست و شب قدر در ماه مبارک رمضانست و اختلاف در تعیین
آنست که در تفاسیر و غیر آن مذکور است و فضل او مشهور است و یوم عرفة **ت** در ترمذی
است و روز عرفه یعنی نهم ماه ذی حجه در حدیث است که خدای تعالی روز عرفه آنقدر
بندگان را از آتش آزاد کند که در هیچ روز نکند و شهر رمضان **ر** و در مسند بزار است
و ماه مبارک رمضان و لیلة الجمعة و یوم الجمعة **ت مس** در ترمذی و صحیح مستدرک است
و شب جمعه و روز جمعه **د س ق حب مس** در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح
ابن حبان و صحیح مستدرک است و روز جمعه در حدیث است هیچ روزی بهتر از روز جمعه
نیست و در آن ساعتی است که دعا در آن مستجاب شود و نصف اللیل **ط** در معجم طبرانی است
و نیم شب الثانی **ا ص** در مسند امام احمد و ابی یعلی موصلی است که نصف ثانی از شب
و ثلث اللیل الاول **ا ص** در هر دو کتاب مذکور است و ثلث شب اول و جوف اللیل
الآخر **ا** در مسند امام احمد است و ثلث شب آخر در حدیث است که خدای تعالی در ثلث

آخر شب می فرماید کیست که مرا بخواند پس دعا را اجابت کنم کیست که از من بخواهد
پس او را بدهم و جوف **د ت س مس ط ر** در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح
مستدرک و معجم طبرانی و مسند بزار است و میانه شب در حدیث است که مردی پرسید
ای رسول خدا در کدام وقت دعا مقبول گردد فرموده میانه شب و وقت السحر **ع** در صحیح
و وقت سحر که خدای تعالی فرموده است و المستغفرین بالاسحار و ساعة الجمعة ارجی
ذلک و وقتها ما بین ان یجلس الامام فی الخطبة الی ان تقضی الصلوة **م د**
در مسلم و سنن ابی داود است و ساعت جمعه مرجو ترین آن اوقاتست در اجابت و وقت
ساعت جمعه میان نشستن امام در خطبه تا اتمام نماز است و در حدیث است که در روز جمعه
ساعتی است هر که در آن ساعت چیزی از خدای تعالی بخواهد او را بدهد و من حین تقام
الصلوة الی السلام منها **ت ق** در سنن ترمذی و ابن ماجه است و وقت ساعت جمعه
از شروع کردن نماز تا سلام و الداعی قائم یصلی **خ م س ق** در بخاری و مسلم و سنن
نسائی و ابن ماجه است که وقت ساعت جمعه از اقامت نماز تا سلامست و حال آنکه
داعی در نماز ایستاده باشد و قیل بعد العصر الی غروب الشمس **مر ت** و در
ابن مردویه و سنن ترمذیست که بعض صحابه گویند وقت ساعت جمعه بعد عصر تا غروب
آفتاب است و قیل آخر ساعة من یوم الجمعة **د س مو طا رت ص مس** در سنن
ابی داود و نسائی و ابن مردویه و موطاء امام مالک و ترمذی و ابی یعلی موصلی و
صحیح مستدرک است که بعض صحابه گویند وقت ساعت جمعه آخر ساعتیست و قیل بعد طلوع
الفجر قبل طلوع الشمس و قیل بعد طلوع الشمس و بعضی صحابه گویند آن ساعت
جمعه طلوع فجر است تا طلوع آفتاب است و ذهب ابو ذر الغفاری رضی الله عنه

الی انها بعد زیغ الشمس بیسیر الی ذراع در رفته است ابوذر غفاری رضی الله عنه
شوی اگر آن ساعت بعد میل کردن آفتاب باندکی تا یک گز قلت والذی اعتقده
انها وقت قراءة الامام الفاتحة الی ان یقول آمین جمعا بین الاحادیث
التی صحت عن النبی صلی الله علیه وسلم کما بینته فی غیر هذا الموضع
مصنف گفت من اعتقاد دارم که آن ساعت وقتی است که امام در نماز جمعه
فاتحه خواند تا که آمین گوید و این اعتقاد از جهة آنست که جمع کنم میان احادیث
که درست شده است از پیغامبر صلی الله علیه وسلم چنانچه بیان کردم در غیر
این محل وقال النووی رحمه الله والصحیح بل الصواب الذی لا یجوز غیره
ما ثبت فی صحیح مسلم من حدیث ابی موسی الاشعری رضی الله عنه قال
سمعت ابی یقول سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول فی ساعة
الجمعة هی ما بین ان یجلس الامام الی ان تقضی الصلوة رواه مسلم
و گفت شیخ محی الدین نووی رحمه الله صحیح بلکه صواب که غیر آن درست نیست
آنست که در صحیح مسلم ثابت است از حدیث ابو موسی اشعری رضی الله عنه
که گفت از پدر خود شنودم که میگفت از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود
در شان ساعت میان آنکه امام در خطبه بنشیند تا که نماز را تمام کند این حدیث را
مسلم روایت کرده است اقوال الاجابت این بیان احوال اجابت دعاست
عند النداء بالصلوة د مس در سنن ابی داود و صحیح مستدرک است که نزدیک
ندا کردن بنماز یعنی نزدیک بانگ نماز در حدیث است بروایت سهل ابن سعد رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا در دو وقت رد نشود نزدیک بانگ نماز

درزدیک

فی صلوة الجمعة

احوال اجابت دعا

و نزدیک جهاد با کفار و بین الاذان والاقامة د ت س حب در سنن
ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان است و میان بانگ نماز و اقامت در
حدیث است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود میان بانگ نماز
و اقامت دعا رد نکرده شود و بعد الحیعلتین لمن نزل به کرب او شدة مس در صحیح
مستدرک است و بعد حی علی الصلوة و حی علی الفلاح گفتن مر کسی را که اندوه و سختی
رسیده باشد و عند الصف فی سبیل الله حب ط موطا در صحیح ابن حبان و معجم
طبرانی کبیر و موطاست اما در موطا موقوفست و نزدیک صف کشیدن برای جهاد
در راه خدای تعالی در حدیث مرسل است بروایت امام شافعی رحمه الله که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود اجابت دعا را نزدیک ملاقات دو لشکر و نزد اقامت نماز
و نزد نزول باران طلب کنید و عند التحام الحرب بعضهم بعضا د در سنن ابی داود
و نزدیک پیوستن جنگ بعضی ببعضی و دبر الصلوات المکتوبات ت س در ترمذی
و سنن نسائی است و پس نمازهای فریضه در حدیث است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که مردی پرسید از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که کدام وقت دعا مقبول کرده آن حضرت
علیه افضل الصلوات فرمود پس نماز فرایض و فی السجود م د س در مسلم و سنن ابی داود
سنن نسائی است و در سجده در حدیث بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود کوشش کنید دعا در سجده کنید که سزاوار است که مستجاب شود
و عقیب تلاوة القرآن م د س ت در مسلم و سنن ابی داود و سنن نسائی
و ترمذی است و بعد تلاوة القرآن سیما الختم ط مو س در معجم طبرانی
کبیر و در مصنف ابی بکر است لیکن در مصنف موقوفست خصوصا بعد ختم قرآن

خصوصاً من القاري ت ط در سنن ترمذی و معجم طبرانی کبیر است خصوصاً
از قاری قرآن وعند شرب ماء زمزم مس در صحیح مستدرک است و نزد
آشامیدن آب زمزم والحضور عند المیت م عه در صحیح مسلم و چار سنن است
و نزد حاضر شدن پیش میت وصیاح الدیکة ع م ت س در بخاری و مسلم
و سنن ترمذی و نسائی است و نزدیک بانگ خروسها زیرا که خروسان در آن وقت
فرشته را می بینند واجتماع المسلمین ع در اصول سته است و نزدیک جمع شدن
مسلمانان در حاشیه نقل از شرح است که چون یکصد باشند وفي مجالس الذکر خ م ت
در بخاری و مسلم و ترمذی است و در مجلسهای ذکر وعند قول الإمام ولا الضالین
م د س ق در مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است و نزدیک گفتن امام
ولا الضالین زیرا که فرشتگان در آن وقت آمین میگویند و آن سبب اجابت است
وعند تغمیض المیت م د س ق در مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است
و نزدیک بستن چشم میت وعند اقامة الصلوة وعند نزول الغیث طر در معجم طبرانی
کبیر و دعا ابن مراد به است و نزدیک بانماز و نزدیک باریدن باران رواه الشافعی
رضی الله عنه في الأم مرسلا وقال وقد حفظت عن غیر واحد طلب الإجابة عنده
روایت کرده است حدیث مذکور را امام شافعی رضی الله عنه مرسل یعنی بغیر اسناد
در ام که نام کتاب اوست و گفته اند که یاد دارم از علماء بسیار طلب اجابت از نزدیک
فرو آمدن باران قلت وعند رؤیة الکعبة ط مصنف گوید رحمه الله در معجم
کبیر است و نزدیک دیدن کعبه وبین الجلالتین في الأنعام یعنی دو نام خدای تعالی
که در سوره انعام است و آن آیت مثل ما أوتي رسل الله الله أعلم

لأن الملائكة يؤمنون على الدعاء عند ذلك كما جاء في حديث أم سلمة وتأمين الملائكة سبب الإجابة. مشارق

أي عند الصلوة ونزول الغيث

وهو الله والله قوله تعالى فاذا جاءتهم آية قالوا لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما أوتي رسل الله الله أعلم حيث يجعل رسالته

حفظنا

حفظنا ذلک مجربا عن غیر واحد من أهل العلم ونص علیه الحافظ عبد الرزاق
الرسعني في تفسیره عن الشیخ العماد المقدسي رحمهما الله یاد گرفتیم آن مذکور را
با تجربه از بسیاری از اهل علم و تصریح کرده است برین مذکور حافظ عبد الرزاق در تفسیر
خود از شیخ عماد مقدسی وأما أماکن الإجابات فكالمواضع الشریفة اما محلهای اجابت
پس همچو محلهای شریفه است چنانچه مسجد حرام و مسجد رسول صلی الله علیه وسلم و مسجد اقصی
قال الحسن البصري رضي الله عنه في رسالته إلى أهل مكة إن الدعاء یستجاب هناك في خمسة
عشر موضعا في الطواف وعند الملتزم وتحت المیزاب وفي البیت وعند زمزم
وعلى الصفا والمروة وفي المسعى وخلف المقام وفي عرفات وفي المزدلفة
وفي منى وعند الجمرات الثلث حسن بصری رضی الله عنه در رساله که بسوی اهل مکه
فرستاده بود گفته است که دعا در مکه مستجاب است در پانزده محل در طواف و نزدیک
ملتزم یعنی میان در کعبه و حجر الاسود و در زیر ناودان بام کعبه و نزد چاه زمزم
و بر کوه صفا و کوه مروه و در جای سعی و پس مقام ابراهیم صلوات الله علیه
و در عرفات یعنی جای حج میروند و در مزدلفه و در منا و نزدیک سه جمره
یعنی نزدیک سه مقام که آنجا سنگریزها می اندازند قلت وإن لم یجب الدعاء
عند النبي صلى الله علیه وسلم ففي أي موضع على أنا قد روینا في
استجابة الدعاء في الملتزم حدیثا مسلسلا من طریق أهل مکة
مصنف رحمه الله گوید اگر دعا نزد پیغمبر صلی الله علیه وسلم مستجاب نشود
پس در کدام محل مستجاب شود با آنکه ما روایت کردیم در استجابت دعا در
ملتزم حدیث مسلسل را از طریق اهل مکه آن حدیث در شفا مذکور است

محلهای اجابت دعا مسجد حرام و مسجد رسول صلى الله عليه وسلم و مسجد اقصى

آن کسانی که دعا ایشان مستجاب شود

الَّذِینَ یُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ آن کسانی که دعا ایشان مستجاب شود ایشانند که اینجا
مذکور اند اَلْمُضْطَرُّ خ م د در بخاری و مسلم و سنن ابی داود است که مضطر یعنی بیچاره
زیرا چه خدای تعالی میفرماید اَمَّنْ یُجِیْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ اَلکه بیچاره را که اجابت کند
وَالْمَظْلُوْمُ ع ح م د در اصول است و مظلوم وَاِنْ کَانَ فَاجِرًا ا ر مص در مسند امام احمد
و بزار و مصنف ابی بکر است و اگر چه مظلوم فاسق باشد وَلَوْ کَانَ کَافِرًا حب ا در صحیح ابن حبان
و مسند امام احمد است و اگر چه مظلوم کافر باشد در حدیث است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود سه دعا بیشک مستجاب کرده دعا مظلوم و دعا مسافر
و دعا والدین بر ولد خود وَالْوَالِدُ لِوَلَدِهٖ د ت ق در سنن ابی داود و ترمذی
و ابن ماجه است و پدر که برای فرزند خود دعا کند وَالْاِمَامُ الْعَادِلُ ت ق حب در سنن ترمذی
و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است و پادشاه عادل زیرا چه عبادت او اکثر است که یکساعت
عدل او از عبادت شصت سال غیر بهتر است پس از جا این فضیلت را در خور است
خدای تعالی آفتاب عدل پادشاه ما جهان را همیشه روشن گرداند و سایه بذل او و احسان او
بر جهانیان دایم گستراند تا دین اسلام در پناه او قایم ماند شعر لکاتبه ظل آن دو نیزش ممدود باد
علی راس الوری ما اطلق باد وَالرَّجُلُ الصَّالِحُ خ م ق در بخاری و مسلم و سنن ابن ماجه است
و مرد صالح وَالْوَلَدُ الْبَارُّ بِوَالِدَیْهِ م در مسلم است و فرزندی که فرمان بردار مادر و پدر باشد
وَالْمُسَافِرُ د ت ق در سنن ابی داود و مسند بزار و ترمذی و سنن ابن ماجه است
و مسافر وَالصَّائِمُ حِیْنَ یُفْطِرُ ت ق حب در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن
حبان است و روزه دار هنگامی که افطار کند در حدیث است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعا کس باز نگردد روزه دار چون

افطار کند

افطار کند و پادشاه عادل و مظلوم وَالْمُسْلِمُ لِاَخِیْهِ بِظَهْرِ الْغَیْبِ م و مص در مسلم
و سنن ابی داود و مصنف ابی بکر است و مسلم که مر برادر خود مسلم را بغیبت دعا کند در
حدیث است بروایت ابو درداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعا مرد
مسلم مر مسلم را بغیبت قبول است و نزد سر او فرشته موکل است چون او برادر خود را
دعا کند فرشته گوید مر ترا مثل این باد وَالْمُسْلِمُ مَا لَمْ یَدْعُ بِظُلْمٍ اَوْ قَطِیْعَةِ رَحِمٍ اَوْ یَقُوْلُ
دَعَوْتُ فَلَمْ اُجَبْ مص در مصنف ابی بکر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
و مسلم که برای خود دعا کند مادام که بظلم یا بریدن رحم دعا کند یا گوید دعا کردم
پس مرا اجابت نشد یعنی مادام که شتابی نکند اِنَّ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ عُتَقَاءَ فِیْ کُلِّ یَوْمٍ وَ
لَیْلَةٍ لِکُلِّ عَبْدٍ مِنْهُمْ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ ا مه در مسند امام احمد و صحیح ابن خزیمه است
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بدرستی که مر خدای عزوجل را بندگان آزاد کانند از آتش
در هر روز و شب مر هر بنده را از ایشان دعای است مستجاب وَاسْمُ اللّٰهِ تَعَالٰی الْاَعْظَمُ
الَّذِیْ اِذَا دُعِیَ بِهٖ اَجَابَ وَاِذَا سُئِلَ بِهٖ اَعْطٰی مس در صحیح مستدرک است بروایت سعد
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم و اسم خدای تعالی که اعظم است اَلکه چون بدان بخوانند
خدای تعالی قبول کند و چون بدان بخواهند خدای تعالی بدهد و آن اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ معنی نیست نیست معبودی بحق جز خدای تعالی پروردگار
پاکیست مر ترا ای جهاندار بدرستی که هستم از مردمان ستمکار وَاسْمُ اللّٰهِ تَعَالٰی الْاَعْظَمُ
الَّذِیْ اِذَا سُئِلَ بِهٖ اَعْطٰی وَاِذَا دُعِیَ بِهٖ اَجَابَ عه حب مس ا در چهار سنن و صحیح
ابن حبان و مستدرک و مسند امام احمد است بروایت بریده رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود اسم خدای تعالی که اعظم است اَلکه چون بدان خوانند بدهد و چون بدان بخوانند

ومن الذین یستجاب لهم من المریض

مجمع اول روز الجمعه یوم

قبول کند و آن اینست اللّهمّ انّی اسألک بانّی اشهد انّک انت الله لا اله الّا انت
الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد حس ای بار خدای از تو میخواهم
بدین شهادت که بدرستی تو خدای و جز تو معبودی بحق نیست توی یگانهٔ بی شریک خداوند بی نیاز
آنکه فرزندی نزاد و کسی او را نزاید و مراو را هیچ همتای نیست اللّهمّ انّی اسألک بانک
انت الله الی آخره مص در مصنف ابی بکر ابتدا دعای مذکور بدین عبارت دیگر همچنانست
واسم الله تعالی العظیم الذی اذا دعی به اجاب و اذا سئل به اعطی عه حب مس مص
در چهار سنن و صحیح ابن حبان و مستدرک و مسند امام احمد و مصنف ابی بکر است بروایت انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اسم خدای تعالی عظیم است آنکه چون بدان بخوانند
اجابت کند و چون بخواهند بدهد فرق میان اجابت و اعطا اینست که اجابت دال است
بر شرف و وجاهت داعی نزد مجیب و قضاء حاجت را هم شامل است بخلاف اعطا و آن
اسم عظیم اینست اللّهمّ انّی اسألک بانّ لک الحمد لا اله الّا انت وحدک لا شریک لک
الحنّان المنّان بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام مس اینست ای بار خدای
بدرستی من از تو میخواهم بدین که مر تراست همه ستایش جز تو معبودی بحق نیست تو تنهای
مر ترا شریکی نیست تو مهربانی و بسیار دهنده توی و پیدا کننده آسمانها و زمین ای خداوند
عظمت و گرامی یا حیّ یا قیّوم عه حب مس ا در چهار سنن و صحیح ابن حبان و مستدرک و مسند امام
احمد است که اسم اعظم دو اسم مذکور است معنی اینست ای زنده همیشه و ای پاینده علم
واسم الله الاعظم فی هاتین الآیتین و الهکم اله واحد لا اله الّا هو الرحمن الرحیم
و فاتحة آل عمران الم الله لا اله الّا هو الحیّ القیّوم د ت ق مص در سنن ابی داود
و ترمذی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر است بروایت اسماء بنت یزید رضی الله عنها که رسول

علیه

علیه وسلم فرمود اسم اعظم درین دو آیت مذکور است معنی آیهٔ اول اینست و معبود شما
یکیست جز او تعالی معبودی نیست و او تعالی زنده پاینده است واسم الله الاعظم
فی ثلث سور البقرة و آل عمران و طه مس در صحیح مستدرک است بروایت ابو امامه
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اسم اعظم در سه سوره است
در سورهٔ بقره و سورهٔ آل عمران و سورهٔ طه قال القاسم فالتمستها فوجدت انّها
انّه الحیّ القیّوم قاسم رحمه الله گفته که من این سه سوره را تفحص کردم یافتم که
آن اسم اعظم حی و قیوم است که در هر سه سوره مذکور است در سورهٔ بقره الله
لا اله الّا هو الحیّ القیّوم و در سورهٔ آل عمران الم الله لا اله الّا هو الحیّ القیّوم
و در سورهٔ طه و عنت الوجوه للحیّ القیّوم در کنز العباد است که کعب احبار
رضی الله عنه گفت که چون عیسی علیه السلام خواستی که مرده زنده شود دو گانه نماز
گذاردی و حمد و ثنا گفتی و این اسما خواندی یا حی یا قیوم یا الله یا رحمن یا ذا الجلال
والاکرام یا نور السموات والارض و ما بینهما و رب العرش العظیم قلت و عندی
انّه لا اله الّا هو الحیّ القیّوم جمعا بین الحدیثین و لما رویناه فی کتاب
الدعاء للواحدی عن یونس بن عبد الاعلی والله تعالی اعلم مصنف رحمه الله
گوید نزد من آن اسم اعظم اینست الله لا اله الا هو الحی القیوم از جهة جمع
کردن میان دو حدیث و از جهة حدیثی که روایت کرده ایم در کتاب دعاء واحدی را
از یونس بن عبد الاعلی والله اعلم والقاسم هذا هو ابن عبد الرحمن الشامی التابعی
صاحب ابی امامه رضی الله عنه و این قاسم که مذکور است ابن عبد الرحمن شامی
تابعی است صاحب ابی امامه باهلی رضی الله عنه واسماء الله تعالی الحسنی التی اذا

بالدعاء بها تسعة و تسعین اسما من احصاها دخل الجنة خ م ت
س ق در صحیحین و سنن ترمذی و نسای و ابن ماجه آمده است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده نامهای خدای تعالی که حسنی اند که
مأموریم که بدان دعا کنیم نود و نه نام اند هر که آنرا یاد دارد در بهشت رود
لا یحفظها احد الا دخل الجنة خ در بخاری آمده است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
یاد نکند این اسما را هیچ کسی مگر آنکه درآید در جنت هو الله الذی لا اله
الا هو او تعالی آن خدا ایست که جز او هیچ معبود بحق نیست الرحمن بخشاینده
و روزی دهنده الرحیم بسیار بخش و مهربان الملک پادشاه القدوس
پاک و منزه از نقص و حدوث السلام خداوند سلامتی از همه آفات و نقص المؤمن
تصدیق کننده رسل بحق و امان دهنده خلق المهیمن نگاهدارنده العزیز غالب
بر همه بی مثل الجبار بزرگوار و کامکار و راست آرنده کار المتکبر تنها به بزرگواری
و بی نیاز از یاری الخالق هست کننده البارئ آفریدگار المصور صورت کننده
الغفار آمرزنده القهار شکننده کامهای بندگان الوهاب بخشنده الرزاق
روزی دهنده الفتاح گشاینده کارها العلیم دانا بهمه چیز القابض تنگ کننده
روزی الخافض فرو اندازنده کفار در جحیم الرافع بر دارنده درجات مؤمنان در نعیم المعز
عزیز کننده المذل خوار کننده کافران السمیع شنوا البصیر بینا الحکم حکم کننده
بحق العدل داد دهنده اللطیف مهربان الخبیر آگاه بهمه چیز الحلیم بردبار
العظیم بزرگ الغفور آمرزنده الشکور سپاس دارنده العلی برتر الکبیر
الحفیظ نگاهدارنده المقیت توانا و فراخ دهنده الحسیب بسنده کار

الجلیل

الجلیل بزرگوار الکریم کرم کننده الرقیب نگاهبان المجیب پاسخ دهنده
الواسع فراخ عطا الحکیم درست کار و راست گفتار الودود دوستدار
مطیعان المجید بزرگوار الباعث برانگیزنده اموات و فرستنده رسل الشهید
حاضر بهمه جا و دانا بهمه چیز الحق سزاوار بخدایی و درست پادشاهی الوکیل کاردان
و نگاهبان القوی توانا المتین استوار الولی دوست و یار نیکوکاران الحمید
ستوده المحصی شمار کننده و دانا و توانا المبدئ آفریننده نخستین بار المعید
آفریننده دیگر بار المحیی زنده کننده الممیت میراننده الحی زنده القیوم
پاینده الواجد بی نیاز الماجد بزرگوار الواحد تنها بخدایی الاحد یکتا الصمد
خداوند کار و پناه اهل نیاز القادر توانا بهمه المقتدر توانا که عاجز نشود المقدم
پیش دارنده المؤخر پس دارنده الاول آنکه همیشه بود الآخر همیشه باشد
الظاهر پیدا بهستی و غالب الباطن پنهان از وهم و چگونگی الوالی فرمانروا
و مالک جمهور المتعالی برتر و منزه از همه عیب البر نیکوکار التواب توبه دهنده
المنعم نعمت دهنده المنتقم دادستان العفو گذارنده الرؤوف مهربان مالک الملک
خداوند ملک ذو الجلال و الاکرام خداوند عظمت و گرامی الرب تربیت کننده
المقسط داد دهنده الجامع فراهم آرنده الغنی بی نیاز المغنی بی نیاز کننده
المعطی بسیار عطا دهنده المانع باز دارنده الضار زیان دهنده النافع
سود دهنده النور روشن کننده الهادی راه نماینده البدیع نو پیدا کننده
الباقی همیشه پاینده الوارث باقی بعد فنا همه الرشید راست تقدیر و راه نما
الصبور شکیبا و بردبار که شتاب بعقاب نکند الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر

چنین خدای که نیست مثل وی چیزی و اوست شنوا و بینا بصفت شنوائی و بینائی

ت ق مس حب این نود و نه نام از سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح مستدرک

و ابن حبان است سمع النبی صلی الله علیه وسلم رجلا و هو یقول یا ذا الجلال و الاکرام فقال

قد استجیب لک فسل ت در ترمذی بروایت معاذ است رضی الله عنه که شنید پیغمبر صلی الله

علیه وسلم مردی را که میگفت یا ذا الجلال و الاکرام پس او را فرمود بخواه آنچه میخواهی بدرستی که

ترا اجابت شد ان لله ملکا موکلا بمن یقول یا ارحم الراحمین فمن قالها ثلثا قال له

الملک ان ارحم الراحمین قد اقبل علیک فسل مس در صحیح مستدرک است بروایة ابو امامه

رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی مر خدای عزوجل راست فرشته موکل

بکسی که ارحم الراحمین گوید پس هر که سه بار این کلمه گوید فرشته او را گوید که رحمة ارحم الراحمین

بر تو روی آورده است پس بخواه و مر برجل و هو یقول یا ارحم الراحمین فقال له سل فقد

نظر الله الیک مس در صحیح مستدرک است که بگذشت پیغامبر صلی الله علیه وسلم بر مردی که

یا ارحم الراحمین میگفت پس او را فرمود که بخواه زیرا چه بدرستی که خدا تعالی بنظر رحمت

بسوی تو دید من سال الله الجنة ثلاث مرات قالت الجنة اللهم ادخله الجنة و من

استجار من النار ثلث مرات قالت النار اللهم اجره من النار ت س ق حب

مس در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت

انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که از خدا تعالی سه بار بهشت بخواهد

بهشت گوید ای بار خدای این را در بهشت در آور و هر که سه بار از آتش امان جوید آتش

گوید ای بار خدای این را از آتش امان ده من دعا بهولاء الکلمات الخمس

لم یسال الله شیئا الا اعطاه در معجم کبیر و اوسط است بروایة معاویه رضی الله عنه

که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که دعا کند بدین پنج کلمه هر چه از خدا تعالی بخواهد او را

بدهد و آن پنج کلمه اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو

علی کل شیء قدیر لا اله الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله ط طس نیست معبود بحق جز

خدای عزوجل که تنها و بی شریک است مر او راست ملک و ستایش و نیست حیله بر ترک

معاصی و قدرت و قوت بطاعت جز بوی تعالی الحمد لله علی اجابة الدعا این

شروع است درین که اجابت دعا حمد گوید ما یمنع احدکم اذا عرف الاجابة

من نفسه فشفی من مرض او قدم من سفر ان یقول در صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم

و اللیل ابن سنی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما از ذات

خود اجابت را عیان بیند که از رنجی شفا یافت یا از سفری رسید او را

چه چیز و امی دارد که گوید الحمد لله الذی بعزته و جلاله تتم الصالحات

مس ی سپاس مر خدای راست که بعزت و بعظمت او تمام شود کارهای نیک الذی

یقال فی صباح کل یوم و مسائه این بیان آنچه بگویند در بامداد هر روز و در

هر شبانگاه بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء

و هو السمیع العلیم ثلث مرات لم یصبه فجاة بلاء ع حب مس مص

در چهار سنن و صحیح ابن حبان و مستدرک است و مصنف ابی بکر است بروایت

عثمان رضی الله عنه که سه گان بار در بامداد و شبانگاه دعای مذکور بگوید

معنی اینست بنام خدای که زیان نکند با نام او هیچ چیزی در زمین و آسمان

و او تعالی شنواست و داناست در حدیث است هر که صباح و بامداد

هر روز دعا مذکور گوید او را ناگاه بلا نرسد و در روایتی است که او را

چیزی زیان نکند اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق

الاولی له الهیة الا الله و الثانیة له الملک و الثالثة و له الحمد و الرابعة و هو علی کل شیء قدیر و الخامسة و لا حول و لا قوة الا بالله

این شروع است در بیکی بر اجابت دعا حمد گوید

و قیل اعوذ بوجه الله الکریم و کلماته التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ترک من السماء و من شر ما یعرج فیها و من شر فتن اللیل و النهار الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن لا مکروه جهة رقعه غفلت و فرق و جه ما من علی الرسول صلی الله علیه وسلم بعد ذلک

این بیان آنچه بگویند در بامداد هر روز و در شبانگاه

یعنی اذا ذکر الرجل اسمه علی طعام عن اعتقاد لا یضر ذلک الطعام و لو ذکر اسمه علی وجه العدو لا یظهر علیه عدوه و کذلک جمیع الاشیاء

[illegible]

الکلمات التامات المعوذتان وقیل المراد بالکلمات التامة القرآن و
الکلمات التامات اسماء الله تعالی

قال رجل ارکانا بقی من عقرب البارحه ... اما لو قلت حین امسیت ... لم یضرک

طس ومعجم اوسط است که در بامداد و شبانگاه دعای مذکور گوید معنی اینست که
پناه میجویم بکلمات الله تعالی که تمام است از بدی خلق مراد ازین کلمات معوذتین است
و بعضی گویند تمام قرآن است و فی المسانید فقط م عطس در مسلم و چهار سنن
و معجم اوسط است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که آنچه در شبانگاه
گوید ثلث مرات ت می ی در ترمذی و مسند دارمی و کتاب
عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت معقل بن یسار رضی الله عنه
که سه بار گوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ثلث مرات
ت م می در ترمذی و مسند دارمی است که کلمات مذکور سه بار گوید در شبانگاه
معنی اینست پناه میجویم بخدای عز و جل که شنواست و داناست از شیطان
رانده شده هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المومن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم ت می ی
در ترمذی و مسند دارمی و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است
که این آیت آخر سوره حشر بخواند معنی آیات اینست او تعالی خدای است
که معبود بحق جز او نیست داننده غیب و حضور است او تعالی رحمن الرحیم
است او تعالی آن خدایی که جز او معبود بحق نیست آنکه بادشاه است
پاکست خداوند سلامتی است امان دهنده است نگاه بانست غالب است
راست آرنده کارها است بزرگوار است پاکی است مر خدای تعالی را

ثلث مرات فی روایة الترمذی من قال حین یصبح ثلث مرات ... بعث الله به ملکا ... الدولة

از آنچه

از آنچه شرک می آرند کافران او تعالی راست نامهاییکه بپاکی یاد میکنند مر و تعالی را
از آنچه در آسمانها و زمینهاست و او تعالی غالب و استوار کار است قل هو الله
احد ثلث مرات قل اعوذ برب الفلق ثلث مرات قل
اعوذ برب الناس ثلث مرات د ت س می در سنن
ابی داود و ترمذی و نسائی و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است
بروایت عبد الله بن حبیب رضی الله عنه که این سه قل سه کان بار بخواند
در حدیث است که رسول صلی الله علیه و سلم عبد الله را فرمود که شبانگاه
و بامداد این را بخوان ترا از هر چیز بسنده خواهد بود فسبحان الله حین
تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض
و عشیا و حین تظهرون یخرج الحی من المیت و یخرج المیت
من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون د ی
در سنن ابی داود و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت
ابن عباس رضی الله عنهما که این سه آیت بخواند در حدیث است که
رسول صلی الله علیه و سلم صحابه را فرمودند شما را خبر کنم که خدای تعالی ابراهیم را
علیه السلام برای چه خلیل نامید گفتند خبر کن ای رسول خدا فرمود از جهت
آنکه او هر شبانگاه و بامداد سبحان الله حین تمسون تا آخر میگفت معنی
آیات اینست پس بپاکی یاد کنید مر خدای تعالی را وقتی که شما شبانگاه کنید یعنی
نماز مغرب و عشا گذارید و وقتی که شما بامداد کنید یعنی نماز فجر ادا کنید مر و تعالی راست

الامساء
شبانگاه کردن

الاصباح
در وقت بامداد شدن

قوله حین تمسون متصل بقوله حین تصبحون
و قوله الحمد لله فی السموات و الارض
اعتراضا بینهما

اراد صلوة الظهر

اقرأها حین تمسی و حین تصبح ثلث مرات
ذکرک من کل شئ ... اذکار

اراد صلوة الفجر و صلوة العشاء

قوله تخرج الحی کالفرخ من البیضة

حمد در آسمانها و زمین و در وقت عصر و هنگام ظهر یعنی وقتی که عصر و ظهر کنذارید بیرون

می آرد او تعالی زنده را از مرده چنانچه مرغ را از بیضه و مسلم را از کافر و کافر را از مسلم

و زنده میکرداند او تعالی زمین را بعد مردن و همچنان شما را هم بعد مردن زنده کند و از

گورها برون آرد اللّٰه لا اله الا هو الحی القیوم آیة الکرسی در معجم کبیر است بروایت

ابی بن کعب رضی الله عنه که آیت الکرسی بخواند و آیت الکرسی و الآیة من اول

سورة غافر الی الیه المصیر ت حب در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان است بروایت

ابو هریره رضی الله عنه که آیت الکرسی و اول آیة سوره غافر تا الیه المصیر بخواند

و آن آیت اینست حٰمٓ تَنْزِیْلُ الْکِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْعَلِیْمِ

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِیْدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَیْهِ الْمَصِیْرُ این تنزیل کتابست از خدای عز و جل

که غالبست داناست آمرزنده گناه است و قبول کننده توبه است

عقاب او سخت است خداوند فضل است جمع معبود بحق جز او تعالی نیست

سوی اوست بازگشت خلق در حدیث است هر که این دو آیت بامداد

بخواند تا شبانگاه محفوظ ماند و هر که شبانگاه بخواند تا بامداد

محفوظ ماند اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْکُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ لا اله الا

الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء

قدیر رب اسألک خیر ما فی هذا الیوم وخیر ما بعده

واعوذ بک من شر ما فی هذا الیوم وشر ما بعده رب اعوذ

من الکسل

فی حدیث علی رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه وسلم من قرأها یعنی آیة الکرسی حین یأخذ مضجعه آمنه الله علی داره ودار جاره واهل دویرات حوله رواه البیهقی فی شعب الایمان

عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من قرأ حم المؤمن الی الیه المصیر حین یصبح حفظ بهما حتی یمسی ومن قرأهما حین یمسی حفظ بهما حین یصبح

اسرار مقطعات کلام الله جز حق تعالی و خاصان او نداننند اما آنچه بعقل ناقص فقیر الحقیر رسیده اینست که شاید حم مراد باشد از الکم ای حمد الله تعالی وهو محمود احد وحافظا انت محمودا یا محمد فتح الله

من الکسل وسوء الکبر رب اعوذ من شر ما فی هذا الیوم وشر

ما بعده رب اعوذ بک من عذاب فی النار وعذاب فی القبر

م د ت س مس در مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی

و مصنف ابی بکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند

معنی دعا اینست بامداد کردیم و بامداد کرد ملکی که مر خدا تعالی راست معبود بحق

جز او تعالی نیست او تعالی تنهاست بی شریک مر او راست همه ملک و مر او راست

حمد او تواناست بر همه چیز ای پروردگار میخواهیم از تو بهترین آنچه درین روز

است و بهترین آنچه پس این روز است و پناه میخواهیم بتو از بدی آنچه درین

روز است و از بدی آنچه پس این روز است ای پروردگار پناه میجوییم بتو

از کاهلی و بدی تکبر ای پروردگار پناه میجوییم بتو از عذابی که در آتش است و از

عذابی که در قبر است اللهم انی اعوذ بک من الکسل والهرم وسوء

الکبر وفتنة الدنیا وعذاب القبر م در مسلم است بروایت ابن مسعود

رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند معنی دعا اینست ای بار خدای پناه

میجوییم بتو از کاهلی و از نهایت پیری و از بدی و از فتنت دنیا و عذاب

قبر در حدیث است که رسول صلی الله علیه وسلم ابو امامه را رضی الله عنه

فرمود که بامداد و شبانگاه این دعا بخواند اصبحنا واصبح الملک

لله رب العالمین اللهم انی اسألک خیر هذا الیوم فتحه ونصره

ونوره وبرکته وهداه واعوذ بک من شر ما فیه وشر ما بعده

د در سنن ابو داود است بروایت مالک اشعری رضی الله عنه

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین [illegible]

که دعاء مذکور بخواند معنی دعا اینست بامداد کردیم و بامداد کرد ملکی که خدای تعالی راست که پروردگار جهانیان است ای بارخدای میخواهیم از تو فتح و نصرت و نور و برکت این روز و پناه میجوییم بتو از بدی آنچه درین روز است و آنچه بعد این روز است در حدیث است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بامداد کند اصبحنا و اصبح الملک تا آخر گوید و هر که شبانگاه کند امسینا و امسی الملک تا آخر گوید اللهم بک اصبحنا و بک امسینا و بک نحیی و بک نموت و الیک النشور عه حب اعو در چهار سنن و صحیح ابن حبان و مسند امام احمد و صحیح ابوعوانه است بروایة ابوهریره رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند معنی اینست ای بارخدای بتو بامداد کردیم و بتو شبانگاه کردیم و بتو زییم و بتو بمیریم و بسوی تست برانگیخته شدن بعد مرگ اصبحنا و اصبح الملک و الحمد لله لا شریک له لا اله الا هو و الیه النشور د ی در مسند بزار و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند معنی دعا واضح است اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة رب کل شیء و ملیکه اشهد ان لا اله الا انت اعوذ بک من شر نفسی و شر الشیطان و شرکه دت س حب مس مس در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و مصنف ابی بکر است بروایت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای ابوبکر بامداد

دشبانگاه و وقت خواب این دعا را بخوان معنی دعا اینست ای بارخدای آفریننده آسمانها و زمینها داننده غیب و حضور پروردگار و پادشاه هر چیز گواهی میدهیم آنکه جز تو معبود بحق نیست پناه میجوییم بتو از بدی نفس خود و از بدی شیطان و دام او و یا از شرک او و اَنْ نَقْتَرِفَ عَلَى اَنْفُسِنَا سُوءًا اَوْ نَجُرَّهُ اِلَى مُسْلِمٍ ت در ترمذی این کلمات زاید است معنی اینست پناه میجوییم بتو ازین که بنفس خود کسب بدی کنیم یا بدی را بسوی مسلم بکشیم اللهم انی اصبحت اشهدک و اشهد حملة عرشک و ملائکتک و جمیع خلقک بانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا عبدک و رسولک طس ت در معجم اوسط و سنن ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه که دعاء مذکور بخواند معنی دعا اینست ای بارخدای بدرستی که من بامداد کردم درین حال که ترا گواه کنم و حمله عرش و فرشتگان و جمیع خلق را گواه میکنم بدین که تو خدایی جز تو معبود بحق نیست و بدین که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول تست در حدیث است هر که این دعا صبحگاه خواند گناه آن روز مغفور گردد و هر که شبانگاه خواند گناه آن شب مغفور گردد اللهم انی اصبحت اشهدک و اشهد حملة عرشک و ملائکتک و جمیع خلقک انک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا عبدک و رسولک اربع مرات دت س در سنن

ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت انس رضی الله عنه که دعای
مذکور چهار بار بخواند معنی گذشت اللّٰهمّ انّی اسألک العافیة فی الدّنیا
والآخرة اللّٰهمّ انّی اسألک العفو والعافیة فی دینی ودنیای و
اهلی ومالی اللّٰهمّ استر عورتی وآمن روعتی اللّٰهمّ احفظنی من
بین یدیّ ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی واعوذ
بعظمتک ان اغتال من تحتی دق س حب مس مص در سنن ابی داود
وابن ماجه و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و مصنف ابی بکر است
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم این دعا را
هیچ صباح و شبانگاه ترک نمیکرد و معنی دعا اینست ای بار خدای از تو
عافیت در دنیا و در آخرت میخواهم ای بار خدای از تو عفو و عافیت
در دین و دنیا و اهل و مال خود میخواهم ای بار خدای عیب من بپوش
و خوف مرا ایمن گردان ای بار خدای نگاه دار مرا از بلائی که پیش من است
و از بلائی که پس من است و از بلائی که راست من است و از بلائی که
چپ من است و از بلائی که بالای من است و پناه میجویم بعظمت تو از ینکه
از زیر خود فرو برده شوم در زمین لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک
وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت و هو علی کل شیء قدیر د س ق مص ی
در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابی بکر و کتاب عمل الیوم واللیل
ابن سنی است بروایت ابو عیاش رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرموده که صباح این دعا را بخواند او را برابر عتق چهار برده از

فرزندان

فرزندان اسماعیل علیه السلام بود و برای وی ده نیکی نویسند و ده بدی از وی دور نمایند
و ده مرتبه برای او بر دارند و تا شب از شیطان محفوظ ماند و هر که در شب خواند او را
نیز همان ثواب و همان حفظ تا روز باشد معنی دعا واضح است رضینا بالله ربا
و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و سلم نبیا و رسولا اط عه مس اط
در چهار سنن و صحیح مستدرک و مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت ابو سلام
و سابق و منذر رضی الله عنهم که دعای مذکور خوانند لیکن در مسند و معجم کبیر
رسولا نبیا مرویست معنی اینست راضی شدیم بربوبیت خدای عز و جل
و بدین اسلام و برسالت محمد صلی الله علیه و سلم رضیت بالله ربا و
بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و سلم نبیا ثلث مرات
مص ی در مصنف ابی بکر و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت
ابو سلام و سابق و منذر رضی الله عنهم که دعای مذکور خوانند لیکن در مسند
و معجم کبیر رسولا نبیا مرویست معنی اینست راضی شدیم بربوبیت خدای
عز و جل و بدین اسلام و برسالت محمد صلی الله علیه و سلم بروایت ابو سلام
رضی الله عنه که دعای مذکور سه بار بخواند معنی گذشت در حدیث است
هر که در صبح و شب دعای مذکور خواند خدای تعالی روز قیامت او را خوشنود
کند اللّٰهمّ ما اصبح بی من نعمة او باحد من خلقک فمنک وحدک
لا شریک لک فلک الحمد ولک الشکر د س حب ی در سنن ابی داود
و نسائی و صحیح ابن حبان و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت عبد الله بن غنام رضی الله عنه که دعای مذکور خواند که رسول

العافیه دفاع الله عن العبد ... [only partly legible]

الاغتیال ناگاه کشتن و هلاک کردن ... [only partly legible]

فرمود هر که این دعا وقت صبح خواند شکر آن روز گذارده باشد و هر که
شبانگاه خواند شکر آن شب گذارده باشد معنی اینست ای بار خدای
هر نعمتی که بمن یا بیکی از خلق تو بامداد کرده است پس آن نعمت از تست تو تنها
تنهایی شریک نیست مر تراست حمد و شکر اللّٰهمّ عافنی فی بدنی اللهم عافنی
فی سمعی اللهم عافنی فی بصری لا اله الا انت ثلث مرات اللهم انی اعوذ بک
من الکفر والفقر اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر لا اله الا انت ثلث
مرات د س ی در سنن ابو داود و نسائی و کتاب عمل الیوم واللیل
ابن سنی است بروایت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که این هر دو دعای
مذکور را سه کان بار بخواند در حدیث است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه
گفت رسول صلی الله علیه وسلم را شنیدم که صباح و شبانگاه این هر دو
دعا را سه کان بار خواندی معنی اینست ای بار خدای عافیت ده مرا در
تن من ای بار خدای عافیت ده مرا در گوش من ای بار خدای عافیت
ده مرا در چشم من نیست معبود بحق جز تو ای بار خدای پناه میجویم بتو از کفر
و از فقر ای بار خدای پناه میجویم بتو از عذاب قبر جز تو معبود بحق نیست
سبحان الله وبحمده لا قوة الا بالله ما شاء الله کان وما لم یشأ
لم یکن اعلم ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علماً
د س ی در سنن ابی داود و نسائی و کتاب عمل الیوم واللیل ابن
سنی است بروایت دختر پیغامبر صلی الله علیه وسلم که دعای مذکور
خواند معنی دعا اینست خدای تعالی را بپاکی یاد میکنم و حمد او میگویم نیست

قوة جز خدای تعالی آنچه او تعالی خواست موجود شد و آنچه او تعالی نخواست
موجود نگشت میدانم که خدای تعالی بر هر چیز توانا است و علم او جل و علا هر چیز را
در گرفته است اصبحنا علی فطرة الاسلام وکلمة الاخلاص وعلی دین
نبینا محمد صلی الله علیه وسلم وعلی ملة ابینا ابراهیم حنیفا مسلما وما کان من
المشرکین اط در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت عبد الله بن ابزی رضی
الله عنه که دعای مذکور خواند معنی دعا اینست بامداد کردیم بر طریقت اسلام
و کلمه اخلاص و بر دین پیغامبر ما که محمد است صلی الله علیه وسلم و بر دین پدر ما که
ابراهیم است علیه السلام آنکه او مایل بوده است از ادیان باطل مسلم بوده است
و نبوده است از مشرکان فی الصباح والمساء س فی الصباح فقط یا حی
یا قیوم برحمتک استغیث اصلح لی شانی کله ولا تکلنی الی نفسی
طرفة عین س ص ر در سنن نسائی است که دعا مذکور در بامداد و
شبانگاه خواند و هم در سنن نسائی و صحیح مستدرک و مسند بزار است
بروایت انس رضی الله عنه که در بامداد خواند معنی دعا اینست ای
زنده ای پاینده برحمت تو فریاد رسی میخواهم هم کارهای مرا راست آرد
مرا بنفس من یک چشم زدن مسپار اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی
وانا عبدک وانا علی عهدک ووعدک ما استطعت ابوء لک بنعمتک
علیّ وابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت
اعوذ بک من شر ما صنعت خ س در بخاری و سنن نسائی است بروایت
شداد بن اوس رضی الله عنه که دعای مذکور خواند معنی دعا اینست

ای بار خدای توئی پروردگار من جز تو معبود بحق نیست مرا تو آفریدی و من
بندهٔ توام و من بر عهد توکه روز میثاق بود و بر وعدهٔ توکه بعث و نشور
و ثواب و عقاب است استطاعت ندارم اقرار میکنم بنعمت توکه بر منست و اقرار
میکنم بگناه خود پس بیامرز زیرا که گناهان را جز تو کسی نیامرزد پناه میجویم
بتو از بدی کردار خود اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی و انا
عبدک و انا علی عهدک و وعدک ما استطعت اعوذ بک من شر ما صنعت
ابوء لک بنعمتک علیّ و ابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب
الا انت دی در کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنّی است بروایت بریده
رضی الله عنها که دعای مذکور خواند معنی همان است که گذشت اللهم انت
احقّ مَنْ ذُکِرَ و احقّ مَنْ عُبِدَ و انصرُ مَنِ ابتُغِیَ و ارأفُ مَنْ
مَلَکَ و اجود مَنْ سُئِلَ و اوسع من اعطی انت الملک لا شریک
لک و الفرد لا ندّ لک کل شیءٍ هالک الا وجهک لن تطاع
الا باذنک و لن تعصی الا بعلمک تُطَاعُ فتشکرُ و تعصی فتغفر
اقرب شهید و ادنی حفیظ حُلْتَ دُوْنَ النُّفُوْسِ و اَخَذْتَ
بالنواصی و کتبتَ الآثار و نسختَ الآجالَ القلوبُ لکَ
مُفْضِیَةٌ و السرُّ عندکَ علانیةٌ الحلالُ ما احللتَ و الحرامُ
ما حرّمتَ و الدین ما شرعتَ و الامرُ ما قضیتَ و الخلقُ
خلقکَ و العبدُ عبدُکَ و انت اللهُ الرؤفُ الرحیم
اسالکَ بنور وجهک الذی اشرقتْ له السموات و الارض

و بکل حق هو لک و بحق السائلین علیک ان تقیلنی فی هذه
الغداة و فی هذه العشیة و ان تجیرنی من النار بقدرتک طب
در معجم کبیر و کتاب دعای طبرانی است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که دعای
مذکور خواند معنی دعا اینست ای بار خدای توئی سزاوارتر بذکر از هر که
ذکر او کنند و توئی سزاوارتر از هر که عبادت بعبادت او کنند و توئی
یاری دهنده تر از هر که از و یاری جویند و توئی مهربان تر از هر که
مالک است و توئی جوادتر از هر که از و بخواهند و توئی فراخ عطاتر از هر که
بدهد توئی بادشاه بی شریک و توئی تنها بی همتا همه چیزها نیست جز ذات
پاک تو فرمان برداری تو نکنند جز باذن تو و بی فرمانی نکنند جز بعلم تو فرمان برداری
تو کنند پس جزا دهی و بی فرمانی تو کنند پس بیامرزی توئی قریب ترین حاضر
و نزدیک ترین نگاهبان مانع میشوی همه نفسها را آن ارزوی و نشانها
خلق بید قدرت تست نبشته اثرهای خلق و نسخته اجلهای خلق را اثار
و آجال بیک معنی است از معنی اجل آمده است چنانچه در حدیث است
مَنْ سَرَّهُ ان یَبْسُطَ اللهُ فی رزقه و یُنْسَأَ فی اثره فَلْیَصِلْ رَحِمَه
و دلها خلق را از خود را بتو میرسانند و پنهان نزد تو آشکار است آنچه تو حلال
کرده حلال است و آنچه تو حرام کردانیده حرام است و دین جز نیست که بیان
کردن و کار جز نیست که تو تمام کردی و بنده تست و توئی خداوند مهربان
رحمت کننده میخواهم از تو بنور ذات تو که آسمانها و زمین بدان روشن اند
و میخواهم بهر حق که مر تراست و میخواهم بحق سائلان که بر در تو اند آنکه عفو کنی

ازمن درین بامداد وشبانگاه و انگه امان دهی مرا از آتش بقدرت خویش
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
سبع مرات ی درکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت
ابو الدردا رضی الله عنه که دعای مذکور هفت بار بخواند معنی دعا اینست
بسنده است مرا خدائی که جز او معبود نیست بر وتعالی توکل کردم و او تعالی
پروردگار عرش عظیم است لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر عشر مرات س حب اطی درسنن نسائی وصحیح
ابن حبان ومسند امام احمد وموطا بروایت ابو ایوب رضی الله عنه
ودرکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که دعای مذکور ده بار خواند معنی دعا واضح است سبحان الله العظیم وبحمده
مایة مرة م د ت س حب مس عو درمسلم وسنن ابی داود وترمذی
ونسائی وصحیح مستدرک وصحیح ابن حبان وصحیح ابو عوانه است که تسبیح مذکور
صد بار گوید معنی تسبیح گذشت سبحان الله مایة مرة الحمد لله مایة مرة لا اله
الا الله مایة مرة الله اکبر مایة مرة ت درسنن ترمذی است بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما که صد بار سبحان الله گوید وصد بار الحمد لله گوید وصد بار
لا اله الا الله گوید وصد بار الله اکبر گوید ویُصَلّی علی النبی صلی الله علیه وسلم
عشر مرات ط درمعجم کبیر است بروایت ابو الدردا رضی الله عنه که بر پیغامبر
صلی الله علیه وسلم ده بار درود گوید وَاِنْ بُتُلِیَ بِهَمٍّ اَوْ دَیْنٍ فَلْیَقُلْ اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْکَسَلِ وَاَعُوذُ بِکَ

من الجبن

مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّیْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ د درسنن
ابو داود است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که اگر مهمی یا دینی متحقق
باشد پس گوید دعای مذکور گوید معنی اینست ای بار خدای پناه میجویم بتو از هم وحزن
وپناه میجویم بتو از عجز وکاهلی وپناه میجویم بتو از غرذلی وبخل وپناه میجویم بتو از غلبه
دین وقهر مردمان یعنی از قهر وجور سلطان وفرق میان هم وحزن اینست که هم
درکاری که پیش آینده است وحزن درکاری که واقع است الی ههنا یقال فی
الصباح والمساء جمیعا ولکن یقال فی المساء مکان اصبح امسی ومکان هذا الیوم
هذه اللیلة ومکان التذکیر التانیث ومکان النشور المصیر کما کتبنا فی الحمرة فوق
کل کلمة تا اینجا در بامداد وشبانگاه گویند ولیکن درشبانگاه بجای اصبح امسی
گویند وبجای هذا الیوم هذه اللیلة گویند وبجای مذکر تانیث گویند وبجای النشور
المصیر گویند چنانچه بالای هر کلمه بسرخی نوشتم ویزاد فی المساء فقط امسینا وامسی
الملک لله والحمد لله اعوذ بالله الذی یمسک السماء ان یقع علی الارض الا باذنه
من شر ما خلق وذرء وبرء ط درمعجم کبیر است که درشبانگاه دعای مذکور زیادت
کنند معنی اینست شب کردیم وشب کرد جمیع ملکی که مر خدای عز وجل راست
وجمیع سپاس مر خدای تعالی راست بخدائی که باز میدارد آسمانرا از افتادن
بر زمین مگر باذن او تعالی پناه میجویم بذات الله که آفریده است او تعالی خلق
وذرء وبرء بیک معنی است ویزاد فی الصباح فقط اصبحنا واصبح الملک لله
والکبریاء والعظمة والخلق والامر واللیل والنهار وما یضحی فیهما لله وحده
اللهم اجعل اول هذا النهار صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا اسالک

خیر الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین در مصنف ابی بکر است بروایت عبد الله
بن ابی اوفی رضی الله عنه که در بامداد دعاء مذکور را زیادت کنند معنی دعا
اینست بامداد کردیم و بامداد کرد جمیع ملکی که مر خدا تعالی راست و بزرگی و عظمت
و همه خلق و همه امر و شب و روز و آنچه در شب و روز و آنچه در شب و روز بگردد
یعنی در آید و خود را ظاهر کند مر خدای تعالی راست او تعالی تنهاست ای بار خدا
اول این روز را صلاح گردان و میانه روز را رستگاری گردان و آخر این روز را
بروزی گردان میخواهم از تو بهترین دنیا و آخرت ای مهربان ترا از مهربانان
لبیک اللهم لبیک لبیک وسعدیک والخیر فی یدیک ومنک والیک اللهم ما قلت
من قول او حلفت من حلف او نذرت من نذر فمشیئتک بین یدی
ذلک کله ما شئت کان وما لم یشأ لا یکون لا حول ولا قوة الا بک انک
علی کل شیء قدیر اللهم ما صلیت من صلوة فعلی من صلیت وما لعنت
من لعن فعلی من لعنت انت ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی
مسلما والحقنی بالصالحین ی مس اط در کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی
و صحیح مستدرک و مسند امام احمد حنبل و معجم کبیر است که دعای مذکور خواند
که رسول صلی الله علیه وسلم زید بن ثابت را رضی الله عنه دعاء مذکور آموخت
معنی دعا اینست اجابت کردیم ترا ای بار خدای اجابتی پس از اجابتی
و اعانت میکنم بر طاعت تو اعانتی پس از اعانتی و همه نیکی در قبض تست
و از تست و سوی تست ای بار خدای سخنی که گفتیم یا نذری که کردیم خواست
تو پیش از جمیع آنست آنچه تو خواهی شود و آنچه تو نخواهی نشود و هیچ حیله و قوة

جز بتوست بدرستی که تو بر همه چیز توانائی ای بار خدای درودی که فرستادم
آن درود بر کسی است که تو بر وی فرستادی و لعنتی که کردم آن لعنت بر کسی است
که تو بر وی کردی تو ئی دوست و ناصر من در دنیا و آخرت مرا با اسلام بمیران و مرا
با صالحان لاحق گردان اللهم انی اسالک الرضا بعد القضاء وبرد العیش
بعد الموت ولذة النظر الی وجهک وشوقا الی لقائک فی غیر ضراء مضرة ولا
فتنة مضلة واعوذ بک من ان اظلم او اظلم او اعتدی او یعتدی علی او
اکتسب خطیئة او ذنبا لا یغفره اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب
والشهادة ذا الجلال والاکرام فانی اعهد الیک فی هذه الحیوة الدنیا واشهدک
وکفی بک شهیدا انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک لک الملک
ولک الحمد وانت علی کل شیء قدیر واشهد ان محمدا عبدک ورسولک واشهد
ان وعدک الحق ولقائک حق والساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث من
فی القبور وانک ان تکلنی الی نفسی تکلنی الی ضعف وعورة وذنب وخطیئة
وانی لا اثق الا برحمتک فاغفر لی ذنوبی کلها انه لا یغفر الذنوب الا انت
وتب علی انک انت التواب الرحیم مس اط در صحیح مستدرک و مسند امام احمد
و معجم کبیر است بروایت زید بن ثابت رضی الله عنه که دعای مذکور خواند
معنی دعا اینست ای بار خدای میخواهم از تو رضای خود را بعد قضاء تو و میخواهم
خنکی عیش بعد مرگ و میخواهم لذت نظر سوی ذات تو و میخواهم شوق سوی لقاء تو
در غیر زیانی که زیان رساند یعنی در زیانی که در آن صبر ممکن نبود و در غیر فتنتی که گمراه
گرداند و پناه میجویم بتو از ینکه ظلم کنم یا کسی بر من ظلم کند یا از حد تجاوز کنم یا کسی بر من

از صبح و در کنند با گناهی کنم که آنرا نیامرزی ای بار خدای ای آفریننده آسمانها
و زمین ای داننده غیب و حضور ای خداوند عظمت و بزرگواری بدرستی که من عهد
میکنم بسوی تو درین حیوة دنیا و تو بسنده بگواهی بدرستی که من گواهی میدهم
بدین که جز تو معبود نیست تو تنهایی بی شریک مر تراست همه ملک و همه حمد و تویی
توانا بر همه چیزها و گواهی میدهم بدین که محمد بنده و رسول تست و گواهی میدهم
بدین که وعده تو حق است و لقای تو حق است و قیامت بیشک آمدنی است
و تو برانگیزی مردگان را از گورها و اگر مرا بسوی نفس من سپاری بسوی ضعف
و خلل جسم و گناه سپاری و استواری ندارم جز رحمت تو پس همه گناهان
من بیامرزی بدرستی که جز تو کسی گناهان را نیامرزد و توبه من قبول کن بدرستی
که تویی قبول کننده توبه و رحمت کننده فاذا طلعت الشمس قال الحمد لله

بیان طلوع الشمس

الذی اقالنا یومنا هذا ولم یهلکنا بذنوبنا م ر در کتاب دعا
ابن مردویه و مسلم است که چون آفتاب بر آمد حضرت پیغامبر صلی الله علیه و سلم
این دعا خواند معنی اینست حمد مر خدای را که درین روز از ما عفو کرد و ما را بگناهان
ما هلاک نکرد اینست الحمد لله الذی وهب لنا هذا الیوم و اقالنا فیه عثراتنا
ولم یعذبنا بالنار م ط ی در کتاب دعا ابن مردویه و معجم کبیر و کتاب
عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که پیغامبر
صلی الله علیه و سلم بعد طلوع آفتاب دعا مذکور خواند معنی دعا اینست حمد
مر خدای تعالی را که ما را این روز بخشید و گناهان ما را درین روز عفو کرد و ما را
عذاب آتش نکرد ثم یصلی رکعتین ت ط در سنن ترمذی و معجم کبیر است

بروایت انس و ابوامامه رضی الله عنه که بعد از آن پیغمبر صلی الله علیه و سلم دو رکعت
نماز میکرد (بیگذارد) عن الله تعالی ابن آدم ارکع لی اربع رکعات اول النهار
اکفک آخره ت د س در سنن ترمذی و ابوداود و نسائی است
بروایت ابو الدرداء و ابوذر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم
از خدای عز و جل فرمود که ای فرزند آدم اول روز چهار رکعت برای من
گذار تا بسنده باشم ترا در آخر روز ما یقال فی النهار این بیان چیزیست

بیان چیزیست که در روز خوانند

که در روز خوانند لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو
علی کل شیء قدیر مائة مرة خ م ت س ق مص در بخاری و مسلم و سنن
ترمذی و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابوبکر است بروایت ابوهریره رضی
الله عنه که دعای مذکور روزی صد بار گوید مائتی مرة در مسند امام احمد است
بروایت عبدالله بن عمرو رضی الله عنه که دعا مذکور در روزی دویست بار
خوانند سبحان الله وبحمده مائة مرة م ت س مص در مسلم و سنن ترمذی
و نسائی و مصنف ابوبکر است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که تسبیح
مذکور صد بار گوید من استعاذ بالله فی الیوم عشر مرات من
الشیطان وکل الله به ملکا یرد عنه الشیاطین ص در مسند
ابویعلی موصلی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود هر که پناه جوید بخدای تعالی در روزی ده بار بگمارد خدای تعالی بر وی
فرشته را که شیاطین را ازو باز گرداند من استغفر للمؤمنین والمؤمنات
کل یوم سبعا و عشرین مرة او خمسا و عشرین مرة احد العددین

کان مِنَ الذین یُستجابُ لَهُم و یرزق بهم اهل الارض. در معجم کبیر است
بروایت ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که
امرزش خواهد هر روزی برای مردان و زنان مومنان بیست و هفت بار
یا بیست و پنج بار بهر عددی که خواهد باشد او از کسانی که دعا ایشان
مستجاب بود و از کسانی که بسبب ایشان اهل زمین را رزق رسد
اَیَعجِزُ اَحَدُکُم اَنْ یَکْسِبَ کُلَّ یومٍ اَلفَ حَسَنَةٍ یُسَبِّحُ
مِایَةَ تَسْبِیحَةٍ فَیُکْتَبُ لَهُ اَلْفُ حَسَنَةٍ اَوْ یُحَطُّ وَ یُحَطُّ
عنه الف خَطِیئَةٍ م ت س حب ت س حب در مسلم و ترمذی
و سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت سعد بن ابی وقاص رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود او که عاجز شود یکی از شما از این که
هر روزی هزار نیکی کسب کند وان انیست که سبحان الله صد بار گوید
پس برای او هزار نیکی بنویسند یا هزار بدی از و فرو نهند در روایت غیر مسلم
و یحط هست معنی انیست که هزار نیکی برای او بنویسند و هزار بدی از و فرو نهند
وَلْیَقُلْ عِنْدَ اَذانِ المَغْرِبِ اَللّٰهُمَّ هٰذا اِقْبالُ لَیْلِکَ
وَاِدْبارُ نَهارِکَ وَاَصْواتُ دُعاتِکَ فَاغْفِرْ لِی
د ت مس در سنن ابی داود و ترمذی و صحیح مستدرک
بروایت ام سلمه رضی الله عنها که نزد بانگ نماز مغرب دعا مذکور
گو بد معنی دعا انیست ای بار خدای این وقت آوردن
شب تست و وقت پشت دادن روز تست و این آوازهای

واعیان

واعیان تست بس مرا بیامرز ما یقال فی اللیل این بیان چیزیست که در شب
بخوانند آمَنَ الرَّسُولُ الآیتین اَوْ اٰخِرُ البَقَرَةِ ع در
اصول است بروایت ابو مسعود رضی الله عنه که آمن الرسول تا آخر سوره بقره خوانند
وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ خ م س در بخاری و سنن نسائی است بروایت
ابو سعید خدری رضی الله عنه و قل هو الله احد خوانند و قراءة مایة آیة مس
در صحیح مستدرک بروایت ابو هریره رضی الله عنه و صد آیه قرآن خوانند
و قراءة عشر آیات مس در صحیح مستدرک است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما
و ده آیات قرآن خوانند و قراءة عشر آیات اربع من اول
البقرة و آیة الکرسی و آیتین بعدها و خواتمها مو ط در کتاب
دعای ابن مردویه و معجم کبیر است که ده آیات خوانند چهار آیت از اول سوره
بقره و قراءة یس حب در صحیح ابن حبان است بروایت جندب رضی الله عنه
و سوره یس خوانند ما یقال فی اللیل و النهار جمیعاً این بیان چیزیست که
در شب و روز خوانند سید الاستغفار اللهم انت ربی لا اله
الا انت خلقتنی و انا عبدُکَ و انا علی عهدک و انا
علی عهدک و وعدک ما استطعت اعوذ بک من شر
ما صنعتُ ابوءُ لک بنعمتک علیَّ و ابوء بذنبی فاغفر لی
فانه لا یغفر الذنوب الا انت مَنْ قالها من النهار
مُوقِناً بها فمات فهو مِنْ اهل الجنة و من قالها من
اللیل و هو موقن بها فمات فهو من اهل الجنة خ س

در بخاری و سنن نسائی است بروایت شداد بن اوس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود سید استغفار دعای مذکور است هرکه این کلمات را
در ساعتی از روز بایقین خواند دران روز بمیرد از اهل بهشت بود و هرکه
این کلمات را در ساعتی از شب بایقین خواند و دران شب بمیرد از اهل
بهشت بود معنی این دعا گذشت مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَهُ
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قوة الا بالله فی یوم
او فی لیلة او فی شَهرٍ ثُمَّ مات ذلک الیوم او فی تلک
اللیلة او فی ذلک الشَّهرِ غُفِرَ لَهُ ذَنبُهُ س در سنن نسائی
است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه کلمات مذکوره را در روزی
یا شبی یا ماهی خواند پس دران روز یا شب یا ماه بمیرد گناهان او آمرزیده
شود معنی کلمات واضح است دعای صلی الله علیه وسلم بسلمان فارسی
رضی الله عنه فقال اِنَّ نبی الله یُرِیْدُ اَنْ یَمْنَحَکَ کَلِمَاتٍ
من الرحمن تَرْغَبُ اِلَیْهِنَّ وَتَدْعُوا بِهِنَّ فِی اللَّیْلِ
والنهار ط در معجم اوسط است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم سلمان فارسی را رضی الله عنه خواند و فرمود
که پیغامبر خدای میخواهد که ترا کلماتی از خدا تعالی بدهد که تو او را میخواستی
در شب و روز بدان دعا کنی و آن کلمات اینست اللهم انی اسالکَ
صِحَّةً فِی اِیمَانٍ وَاِیمَانًا فِی حُسْنِ خُلُقٍ وَنَجَاحًا یَتْبَعُهَا فلاح

درحمة

ورحمةً وعافیة ومغفرة ورضوانا طس ای بار خدای میخواهم از تو صحتی که در
ایمانست و ایمانی که در حسن خلق است و رستگاری که پی رو وی کند او را بر و زی میخواهم
رحمتی و عافیتی و آمرزشی و خشنودی از تو وَاِذَا دَخَلَ بَیْتَهُ فَلْیَقُلْ
اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ خَیْرَ الْمَوْلِجِ وَخَیْرَ الْمَخْرَجِ بِسْمِ اللّٰهِ وَلَجْنَا وَبِسْمِ
اللّٰهِ خَرَجْنَا عَلَی اللّٰهِ رَبِّنَا تَوَکَّلْنَا ثُمَّ لِیُسَلِّمْ عَلَی اَهْلِهِ در سنن
ابی داود است بروایت ابو مالک اشعری رضی الله عنه که چون در خانه خود درآید
این دعا خواند بعد ازان بر اهل خود سلام گوید معنی دعا اینست ای بارخدای
میخواهم از تو بهترین درآمدن و بهترین بیرون شدن بنام خدای تعالی که
پروردگار ماست اِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَیْتَهُ فَذَکَرَ اللّٰهَ عِنْدَ دُخُولِهِ
وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّیْطَانُ لَا مَبِیْتَ لَکُمْ وَلَا عَشَاءَ وَاِذَا دَخَلَ
فَلَمْ یَذْکُرِ اللّٰهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّیْطَانُ اَدْرَکْتُمُ الْمَبِیْتَ وَاِذَا لَمْ
یَذْکُرِ اللّٰهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّیْطَانُ اَدْرَکْتُمُ الْمَبِیْتَ وَالْعَشَاءَ
م س د ق ی در مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و کتاب
عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود چون مرد در خانه خود درآید و نزدیک دخول و طعام ذکر خدای
عز وجل کند شیطان اعوان خود را گوید درین خانه شما را نه جای خواب است
و نه طعام است ازین خانه بیرون شوید و چون نزد دخول ذکر خدای تعالی نکند
شیطان گوید جای خواب و طعام یافتید ازین خانه بیرون مروید اذا کان
جُنْحُ اللَّیْلِ فَکُفُّوا صِبْیَانَکُمْ فَاِنَّ الشَّیَاطِیْنَ تَنْتَشِرُ حِیْنَئِذٍ فاذا

وَبَتِّ سَاعَةً مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمْ وَاغْلِقْ بَابَكَ وَاذْكُرِ اللّٰهَ وَاطْفِ
مِصْبَاحَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللّٰهِ وَاوْكِ سِقَاءَكَ وَاذْكُرِ اللّٰهَ وَخَمِّرْ اِنَاءَكَ
وَاذْكُرِ اسْمَ اللّٰهِ وَلَوْ اَنْ تَعْرِضَ عَلَيْهِ شَيْئًا ع در اصول ست بروایت
جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه فرمود که چون طایفهٔ اول از شب
شود بچگان خود را از بیرون شدن باز دارید زیرا چه شیاطین دران وقت
پراکنده می شوند پس چون ساعتی از وقت عشا بگذرد بچگان را بگذارید
که بیرون روند و در خود در ابسته کن و ذکر خدای عز و جل بگو و چراغ خود را بکش
و ذکر خدای عز و جل بگو و دهن مشک خود را بسته کن و ذکر خدای تعالی گو
و آوند خود را بپوش و ذکر خدای عز و جل گو و اگرچه بر آوند چیزی نهی یعنی
چوبی عند النوم این بیان ذکر است که نزد خواب گوید اِذَا اَتَى فِرَاشَهُ
وَهُوَ طَاهِرٌ ذا و فَلْيَتَطَهَّرْ طس اَیْ فَلْيَتَوَضَّأْ وُضُوْءَهُ لِلصَّلٰوةِ ع
در سنن ابی داود است بروایت بزار رضی الله عنه که چون بر خوابگاه
خود بیاید و حال این است که پاک بوده در اوسط طبرانی است بروایت ابن عباس
رضی الله عنه که پس گوید که پاک شود و در اصول است بروایت بزار رضی الله عنه
که یعنی وضو سازد مثل وضوی نماز ثُمَّ يَأْتِيْ اِلٰى فِرَاشِهِ فَيَنْفُضُهُ بِصَنِفَةِ ثَوْبِهِ ثَلٰثًا
وَاِنْ لَمْ يَتَغَلَّ در اصول است و مصنف ابوبکر است بروایت ابوهریره رضی الله
عنه که پس سوی خوابگاه خود بیاید و خوابگاه را بکرانه جامهٔ خود سه بار بیفشاند
پس این دعا بگوید بِاسْمِكَ رَبِّيْ وَضَعْتُ جَنْبِيْ وَبِكَ اَرْفَعُهُ اِنْ اَمْسَكْتَ
نَفْسِيْ فَاغْفِرْ لَهَا وَاِنْ اَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهٖ عِبَادَكَ الصَّالِحِيْنَ

الفراش بستر و هرچه بار بسته باشد

ذکریست که بر دل خواب گوید

ع ص بنام تو ای پروردگار پهلوی خود را نهادم و بنام تو بردارم اگر نفس مرا
برداری پس بیامرز و اگر بگذاری پس نگاه دار بدانچه بندگان صالح خود را نگاه میدار
وَلْيَضْطَجِعْ عَلٰى شِقِّهِ الْاَيْمَنِ ص ع در مسند ابی یعلی بروایت ابوهریره
رضی الله عنه و اصول است بروایت بزار رضی الله عنه و گوید که بر جانب راست
خود بغلطد وَيَتَوَسَّدْ يَمِيْنَهُ د در سنن ابی داود است و دست راست خود را
بالشت سازد اَیْ يَضَعُهَا تَحْتَ خَدِّهٖ د ت س در سنن ابی داود
ترمذی و نسائی است بروایت حفصه رضی الله عنها که یعنی بنهد دست راست
خود در زیر کلهٔ خود ثم يقول بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِيْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ وَاَخْسِئْ شَيْطَانِيْ
وَفُكَّ رِهَانِيْ وَثَقِّلْ مِيْزَانِيْ وَاجْعَلْنِيْ فِي النَّدِيِّ الْاَعْلٰى د س در سنن
ابی داود و صحیح مستدرک است بروایت ابوالازهر رضی الله عنه که بعد از
دعاء مذکور خواند معنی دعا اینست بنام خدای عز و جل پهلوی خود را نهادم
ای بار خدایا بیامرز مرا گناه من و شیطان مرا بران و گرو مرا رها کن و میزان مرا
گران ساز و مرا در اهل مجلس اعلی کن اَللّٰهُمَّ قِنِيْ عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ
ر مص در مسند بزار و مصنف ابوبکر است بروایت انس رضی الله عنه
که دعاء مذکور گوید معنی دعا اینست ای بار خدایا نگهدار مرا از عذاب خود روزی که
برانگیزی بندگان خود را ثلث مرات ر س ت در سنن ابی داود
و نسائی و ترمذی است بروایت حفصه رضی الله عنها که دعاء مذکور سه بار
گوید بِاسْمِكَ رَبِّيْ فَاغْفِرْ ذَنْبِيْ در مسند امام احمد است بروایت ابن عمر
رضی الله عنهما که دعاء مذکور خواند معنی اینست بنام تو ای پروردگار پهلوی خود

نهادم پس بیامرز گناه من باسمک وضعت جنبی فاغفرلی حص در مصنف
ابوبکر است که دعاء مذکور خواند معنی همان است که گذشت اللهم باسمک اموت
واحیی خ م د ت س در بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی است بروایت حذیفه رضی الله عنه که دعای مذکور خواند معنی دعا اینست
ای بار خدای بنام تو می میرم و زنده می شوم یعنی خواب میکنم و بیدار میگردم
سبحان الله ثلثا و ثلثین الحمد لله ثلثا و ثلثین الله اکبر اربعا و ثلثین خ م
د ت س حب در بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی
و صحیح ابن حبان است بروایت علی و ابن عمر رضی الله عنهما که سی و سه بار
سبحان الله گوید سی و سه بار الحمد لله گوید سی و چهار بار الله اکبر گوید و تجمع
کفیه ثم ینفث فیهما فیقرأ قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس ثم یمسح بهما ما استطاع من جسده یبدأ بهما علی رأسه
و وجهه و ما اقبل من جسده یفعل ذلک ثلث مرات خ عه در بخاری
و چهار سنن است بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله
علیه و سلم بر فراش خود آمدی دو کف دست خود را جمع کردی و سوره اخلاص
و معوذتین خواندی و در هر دو کف دست دمیدی پس بر سر و روی و بر جسد خویش
خود مالیدی همچنین سه کرت میکردی و تقرأ آیة الکرسی خ س مص
و سنن نسائی و مصنف ابوبکر است بروایت ابوهریره و علی رضی الله
عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم آیة الکرسی خواندی الحمد لله الذی اطعمنا
و سقانا و کفانا و آوانا فکم ممن لا کافی له و لا موری م ت س در مسلم
و سنن

ای ثم یرید ان ینفث ای ینفخ علی الخفیفة من التفل الخ ٥

النفث در ریمان ... ٥

اعوذ بالله ...

عن انس رضی الله عنه ان رسول الله صلی الله علیه و سلم کان اذا اوی الی فراشه قال الحمد لله الی ٥ م

و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت انس رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم چون بر فراش خود آمدی دعاء مذکور خواندی
معنی دعا اینست حمد مر خدای راست که ما را طعام و آب داده و ما را بسنده
شد یعنی ما را از شر موذیات نگاه داشت و ما را جای داد بسیار کسانند
که ایشان را کسی بسنده و جای دهنده نیست الحمد لله الذی کفانی
و آوانی و اطعمنی و سقانی و الذی من علی فافضل و الذی اعطانی
فاجزل الحمد لله الذی علی کل حال اللهم رب کل شیء و ملیکه و اله
کل شیء اعوذ بک من النار د ت س حب مس عو در سنن
ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و صحیح ابی
عوانه است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه و سلم دعای مذکور خواندی معنی دعا اینست حمد مر خدای راست که ...
داد پس احسان کرد مرا عطا بخشید پس بسیار گردانید حمد مر خدای راست
بر همه حال ای پروردگار هر چیز و مالک و پادشاه او و معبود هر چیز
پناه میجویم از آتش اللهم رب السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة
انت رب کل شیء اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک
و اشهد ان محمدا عبدک و رسولک و الملائکة یشهدون اعوذ
بک من الشیطان و شرکه و اعوذ بک ان اقترف علی نفسی سوءا او اجره
الی مسلم ط در مسند امام احمد و معجم کبیر است که رسول صلی الله علیه
و سلم دعاء مذکور خواندی معنی دعا اینست ای بار خدای پروردگار

الملا و الملیک بمعنی المالک ... و بمعنی ... ٥

الکسب الاقتراف ای ... ٥

آسمانها و زمین ای داننده غیب و حضور توئی پروردگار هر چیز گواهی میدهم
برین که جز تو معبودی بحق نیست توئی تنهائی شریک و گواهی میدهم برین که محمد
صلی الله علیه وسلم بنده و رسول تست و گواهی میدهند فرشتگان پناه میجویم
بتو ازین که بر نفس خود بدی کنم یا بدی را بمسلمی بکشم اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ دت س حب مس در سنن ابی داود
و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و مصنف ابو بکر بروایت
ابو بکر صدیق رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی
معنی دعا همانست که گذشت اَللّٰهُمَّ خَلَقْتَ نَفْسِي وَاَنْتَ تَوَفَّاهَا لَكَ
مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا اِنْ اَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَاِنْ اَمَتَّهَا فَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْاَلُكَ الْعَافِيَةَ م س در مسلم و سنن نسائی است بروایت ابن عمر
رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی
دعا اینست ای بار خدای نفس مرا تو آفریدی و تو میرانی مر تراست حیوة
و موت نفس من یعنی حیوة و موت را تو آفریدی اگر زنده داری پس نگاه
دار و اگر بمیرانی پس بیامرز ای بار خدای از تو عافیت میخواهم اَللّٰهُمَّ اَعُوذُ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ اَللّٰهُمَّ لَا يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدُكَ
وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ د س مص
در سنن ابی داود و نسائی و مصنف ابو بکر است بروایت علی رضی الله

عنه که

اصل
بتوفاها ۵م
و ای نبات حدیث
احدیها سمصش

ای خالصه بوجهک
ما اموت علیه من الله
والعمل الصالح ما احییتنی
فی حیاتی ۵م

عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی دعا اینست ای بار خدای
پناه میجویم بذات کریم تو و بکلمهای تمام تو از بدی آنچه در ملک و قبض تست ای
خدای تو دور کنی قرض و گناه را ای خدای لشکر تو شکسته نشود و وعده تو
خلاف نگردد و هیچ غنی را غنا از تو نفع نکند ای بار خدای ترا پاکی یاد میکنم و حمد تو
میکنم اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ ثلث
مرات ت در سنن ترمذی است بروایت سعید خدری رضی الله عنه که
استغفار مذکور سه بار گوید معنی اینست آمرزش میخواهم از خدای که جز او معبودی
نیست آنکه زنده و پاینده است و باز میگردم بخدای سبحانه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
شریک حب مو س در صحیح ابن حبان و سنن نسائی بروایت ابو هریره
رضی الله عنه اما در نسائی موقوف است که دعاء مذکور خواند معنی دعا ظاهر است
و بقول وهو مضطجع اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ وَرَبَّ الْاَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوٰى وَمُنْزِلَ التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ
وَالْقُرْآنِ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ
فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ
فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ اِقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاَغْنِنَا
مِنَ الْفَقْرِ م عه مص ص در مسلم و چهار سنن و مصنف ابو بکر و مسند
ابی یعلی موصلی است بروایت ابو هریره و عایشه رضی الله عنهما که چون
پیغامبر صلی الله علیه وسلم بر پهلو می غلطید دعاء مذکور میگفت معنی دعا اینست

او از عذاب

وله الحمد
وهو علی کل شیء قدیر لا حول و لا
قوة الا بالله سبحان الله

ای بارخدای ای پروردگار آسمانها و زمینها و پروردگار عرش عظیم ای پروردگار
ما و پروردگار همه چیز ای آفریننده دانه و هسته و فرو آرنده توریت و انجیل و زبور
و فرقان پناه میجویم بتو از بدی هر چیزی که تو قادری بر ان و موی پیشانی او بدست
قدرت تست ای بارخدای توئی اول هر چیز پس پیش از وجود تو چیزی نبوده
یعنی ترا ابتدای نیست که چیزی پیش از ابتدای تو باشد و توئی آخر هر چیز پس
بعد تو چیزی نباشد یعنی ترا انتهای نیست که بعد از تو چیزی باشد و توئی ظاهر
و غالب پس بالای قدرت تو چیزی نیست و توئی باطن پس نزد تو چیزی حجاب
ای بارخدای ادا کن از ما دین را و ما را از فقر بی نیاز کن بسم الله س اللهم اسلمت نفسی
الیک و فوضت امری الیک و الجأت ظهری الیک رغبة و رهبة الیک لا
ملجأ منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و نبیک الذی ارسلت
و لیجعلهن آخر ما یتکلم به ع در سنن نسائی است بروایت عایشه رضی الله عنها
که دعای مذکور با بسم الله است و در بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی
و ابن ماجه است بروایت براء رضی الله عنه که دعای مذکور بی بسم الله است
معنی دعا اینست ای بارخدای ذات خود را بتو تسلیم کردم و روی خود را بتو توجه
گردانیدم و کار خود را بتو سپردم و تکیه بر کرم تو کردم از جهت خواهش ثواب و ترس از عقاب
تو جای پناه و نجات از عذاب تو جز سوی تو نیست ایمان آوردم بکتاب تو که فرود آورده
او را باشد یعنی خواندن این دعا سخن نگوید در خواب رود در حدیث است که هر که این دعا
وقت خواب خواند و در آن شب بمیرد بر دین اسلام مرده باشد و لیقرأ قل یا ایها
الکافرون ط در معجم کبیر است بروایت جبلة بن حارثة رضی الله عنه و لیقرأ قل یا ایها

قوله و رهبة الیک

الکافرون بخواند ثم لینم علی خاتمتها د ت س حب مس مص در سنن ابی داود
و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و مصنف ابوبکر است بروایت نوفل
اشجعی رضی الله عنه پس لوگو که خواب کند بر ختم آن سوره یا هر چه قرائة آن سوره بیزار است از
شرک و کان صلی الله علیه و سلم یقرأ المسبحات قبل ان یرقد و یقول ان فیهن
آیة خیر من الف آیة د ت س در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی
است بروایت عرباض رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه و سلم پیش از خواب
سورتهای که ابتدا آن بتسبیح است میخواند و میفرمود درین سورتها آیتی است
که بهتر از هزار آیت و مسبحات الحدید و الحشر و الصف و الجمعة و التغابن و سبح اسم ربک الاعلی
سی مس در کتاب دعا ابن مردویه و سنن نسائی است بروایت معاویه
بن صالح رضی الله عنه که سورتهای مذکور سوره حدید و حشر و صف و جمعه و تغابن
و اعلی است و حتی یقرأ الم السجدة و تبارک الملک س ت مس مص در سنن
نسائی است و ترمذی و صحیح مستدرک و مصنف ابوبکر است بروایت جابر
رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه و سلم خواب نمیکرد تا الم سجده و سوره
الملک میخواند و حتی یقرأ بنی اسرائیل و الزمر ت س مس مص در سنن ترمذی
و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت عائشه رضی الله عنها که پیغمبر صلی الله
علیه و سلم خواب نمیکرد تا سوره بنی اسرائیل و سوره زمر میخواند ما کنت اعلم
احدا یعقل ینام قبل ان یقرأ الآیات الثلث الاواخر من سورة البقرة
مر صحیح در کتاب دعا ابن مردویه است بروایت علی رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود نمیدانم هیچ عاقلی را که خواب کند پیش از آنکه

قوله و حتی یقرأ بنی اسرائیل ای و کان النبی صلی الله علیه و سلم لا یرقد حتی یقرأ

آخر از سوره بقره خواند یعنی لله ما فی السموات تا آخر و این حدیث صحیح است اِذَا وَضَعْتَ
جَنْبَکَ عَلَی الْفِرَاشِ قَرَأْتَ فَاتِحَةَ الْکِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ فَقَدْ اَمِنْتَ مِنْ
کُلِّ شَیْءٍ اِلَّا الْمَوْتَ ر در مسند بزار است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود چون پهلوی خود را بر بستر نهادی و فاتحه و اخلاص خواندی
پس بدرستی که از هر چیزی ایمن شدی جز مرگ مَا مِنْ رَجُلٍ یَأْوِیْ اِلٰی فِرَاشِهٖ فَیَقْرَأُ
سُوْرَةً مِنْ کِتَابِ اللّٰهِ اِلَّا بَعَثَ اللّٰهُ اِلَیْهِ مَلَکًا یَحْفَظُهٗ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ یُؤْذِیْهِ
حَتّٰی یَهُبَّ مِنْ نَوْمِهٖ مَتٰی هَبَّ ا در مسند امام احمد است بروایت شداد
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ مردی بر بستر خود نیاید
پس سورتی از قرآن خواند مگر که فرستد خدای تعالی فرشته را که او را نگاه دارد
از هر چیزی که او را بیازارد تا هر وقتی که از خواب بیدار گردد اِذَا اَوَی الرَّجُلُ
اِلٰی فِرَاشِهٖ اِبْتَدَرَهٗ مَلَکٌ وَشَیْطَانٌ فَیَقُوْلُ الْمَلَکُ اخْتِمْ بِخَیْرٍ وَیَقُوْلُ الشَّیْطَانُ
اخْتِمْ بِشَرٍّ فَاِنْ ذَکَرَ اللّٰهَ ثُمَّ نَامَ بَاتَ الْمَلَکُ یَکْلَؤُهٗ اَلْحَدِیْث بِاَتَمِّ تَتِمَّتِهٖ
س حب مس ص در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک
و مسند ابی یعلی است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود چون مرد سوی بستر خود بیاید فرشته و شیطان سوی او بشتابند
فرشته گوید ختم سخن به نیکی کن و شیطان گوید ختم سخن به بدی کن پس اگر
ذکر خدای تعالی کرد پس خواب کند فرشته او را نگاه دارد و مصنف گفته
است که تتمه این حدیث بیشتر خواهد آمد و درین کتاب تتمه نیست تتمه دعا
آورده است و آن اینست فَاِنْ وَقَعَ عَنْ سَرِیْرِهٖ فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ پس اگر

دران شب

بیان پهلو بر زمین نهادن

عن شداد بن اوس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما من مسلم یاوی ه م

الابتدار آزردن کسی را از خواب بیدار شدن ه

الابتدار شتافتن ه

ابتدار القوم الشی اذا تسارعوا اخذه شمس العلوم ه

ضعیف قوله اختم فی الموضع قوله فی الموضع بعد قوله یکلؤه بصیغة الامر تا تتمه فان وقع عن سریره فمات دخل الجنة ه

بیان و اذا رای فی منامه

دران شب افتاد از خوابگاه خود پس مرد درآید در جنت وَاِذَا
رَاٰی فِیْ مَنَامِهٖ مَا یُحِبُّ فَلْیَحْمَدِ اللّٰهَ عَلَیْهَا وَلْیُحَدِّثْ بِهَا
خ م س در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت
ابی سعید خدری رضی الله عنه و چون به بیند در خواب آنچه خوش
دارد پس حمد بگوید خدای را بر آن رؤیای خود و بگوید آنرا بمردم
وَلَا یُحَدِّثْ بِهَا مَنْ لَا یُحِبُّ خ م در صحیح بخاری و مسلم است
بروایت ابی قتادة رضی الله عنه و نگوید آنرا بکسی که دوست ندارد
وَاِذَا رَاٰی مَا یَکْرَهُ فَلْیَتْفُلْ خ م و نیز در صحیح بخاری و مسلم است
بروایت ابی قتادة رضی الله عنه و چون به بیند در خواب آنرا
که بد می برد از آن پس تف کند اَوْ لِیَبْصُقْ م و در صحیح مسلم است
بروایت جابر رضی الله عنه یا لعاب دهن بیندازد اَوْ لِیَنْفُثْ
ع و در صحاح ستة است بروایت ابی قتادة رضی الله عنه یا تف کند
ثَلٰثًا ثَلٰثًا عَنْ یَسَارِهٖ وَلْیَتَعَوَّذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ وَشَرِّهَا ع
و نیز در ستة است از ابی قتادة رضی الله عنه سه کرت از طرف
چپ خود و پناه جوید بخدای از شیطان و بدی خواب مذکور
ثَلٰثًا ثَلٰثًا وَلَا یَذْکُرْهَا لِاَحَدٍ خ م د س ق و در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی و ابن ماجه قزوینی است بروایت
ابی قتادة رضی الله عنه سه کرت تعوذ مذکور او باشد و نه
گوید آنرا به احدی فَاِنَّهَا لَا تَضُرُّهٗ ع و در ستة بروایت ابی

سعید خدری رضی الله عنه است پس بدرستی همین خواب ضرر نرساند
به او وَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ م و در صحیح مسلم است
بروایت جابر رضی الله عنه و بگردد از همان پهلوی خود که بود
بر آن اَوْ لِيَقُمْ فَلْيُصَلِّ خ و در صحیح بخاری است بروایت ابی
هریره رضی الله عنه و یا ایستاده شود پس نماز بگذارد وَاِذَا فَزِ
عَ اَوْ وَجَدَ وَحْشَةً فَلْيَقُلْ اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّةِ مِنْ
غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ وَ
اَنْ يَحْضُرُوْنِ وکان عبد الله بن عمر رضی الله عنهما يُلَقِّنُهَا مَنْ
عَقَلَ مِنْ وُلْدِهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهَا فِي صَكٍّ ثُمَّ عَلَّقَهَا فِي
عُنُقِهِ د ت س مس و در سنن ابی داؤد و ترمذی و نسائی
و مستدرک حاکم است بروایت عمرو بن شعیب رضی الله عنه و هرگاه بتر
سد یا بیدار کند ناآرامی را در خواب پس بگوید پناه میجویم به سخنهای
منسوبه بخدای آنکه در ان هیچ نقصانی نیست و نسبت تعلق آن به
همه عالمیان و جمله ازمنه و امکنه و دنیا و عقبی است از خشم او تعالی و عقاب
او و بدی بندگان او و از تمسخر شیطانان و آنکه حاضر شوند نزد
من و بود عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که یاد میداد این کلمات تعوذ را به
آنکه میدانست از اولاد او و نوشته میکرد برای آنکه نه میدانست در کاغذ و لبته
مرخود آنرا بگردن او اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا
يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
يَعْرُجُ فِيْهَا وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَاَ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ
شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَفِتَنِ النَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِلَّا
طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمٰنُ ط و در معجم اوسط طبرانی است بروایت خالد بن الولید

بگوید در هنگام فزع و یا فتن وحشت در خواب

پناه میجویم

پناه میجویم بکلمات خدای تعالی که تمام اند آنکه نگردد از آن هیچ کار و نه بد از بدی
آنچه فرود آید آن از آسمان و از بدی آنچه بالا رود در آسمان و از بدی آنچه
خدای تعالی در زمین آفریده است و از بدی آنچه از زمین بیرون آید و از بدی
فتنهای شب و فتنهای روز و از بدی در آینده گان شب و روز مگر آینده که در آید
بخیر ای رحمن و فی الارقا شرع در بیان دفع ارقست ارق بیخوابی شدن علت است
اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظَلَّتْ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ وَمَا اَقَلَّتْ
وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ وَمَا اَضَلَّتْ كُنْ لِيْ جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ اَجْمَعِيْنَ
اَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ اَحَدٌ مِنْهُمْ اَوْ اَنْ يَطْغٰى عَزَّ جَارُكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ طس
مص در معجم اوسط و در مصنف ابوبکر است بروایت خالد ولید رضی الله
عنه که چون او شکایت از بیخوابی کرد رسول صلی الله علیه وسلم او را دعا
مذکور آموخت یعنی دعا اینست ای بار خدای ای پروردگار هفت آسمان
و آنچه آنرا هفت زمین بر داشته و ای پروردگار شیاطین و کسانی که آن را
شیاطین گمراه ساخته نگاه دارنده من باش از شر جمیع خلق خود آنکه کسی بر من با
شتابد یا تجاوز از حد کند غالب محفوظ است ملتجی تو و با برکت و نیکی است
نام تو اَللّٰهُمَّ غَارَتِ النُّجُوْمُ وَهَدَاَتِ الْعُيُوْنُ وَاَنْتَ حَيٌّ قَيُّوْمٌ لَا تَاْخُذُ
كَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اَهْدِئْ لَيْلِيْ وَاَنِمْ عَيْنِيْ ی در کتاب عمل الیوم
و اللیل ابن سنی است بروایت زید بن ثابت رضی الله عنه که هرگاه که زید
شکایت بیخوابی کرد رسول صلی الله علیه وسلم فرا داد دعا مذکور فرمود یعنی دعا

بیان ارق است یعنی بیخواب شدن

بیان بیدار شدن از خواب

اینست ای بارخدای ستارگان رفتند و چشمها آرام گرفتند و توئی زنده
و پاینده ترا خواب و غنودن نگیرد ای زنده ای پاینده شب مرا آرام ده و چشم
مرا خواب ده ۞ اِذَا انْتَبَهَ مِنَ النَّوْمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ رَدَّ اِلَیَّ نَفْسِیْ وَلَمْ
یُمِتْهَا فِیْ مَنَامِهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُمْسِکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا
وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ کَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِیْ یُمْسِکُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ
لَرَءُوْفٌ رَّحِیْمٌ **س حب مس ص** در سنن نسائی و صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک و مسند ابی یعلی است بروایت جابر رضی الله عنه که چون رسول
صلی الله علیه و سلم از خواب بیدار شدی دعاء مذکور خواندی معنی دعا اینست
جمیع ستایش مر خدای را که روح مرا بمن بازگردانید و در خواب نمیرانید و جمیع
ستایش مر خدای را که میدارد آسمانها و زمین را از آنکه زایل شوند و هر اینه اگر
زایل شوند ندارد آن هر دو را هیچ یکی جز آن خدای تعالی هر آینه که او تعالی بردبار
آمرزنده است جمیع ستایش مر خدای را که میدارد آسمان را از افتادن بر زمین
جز باذن او تعالی هر آینه که خدای جل و علا مهربانست بر مردمان رحیم است بر ایشان
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُحْیِی الْمَوْتٰی وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ **مس** در صحیح مستدرک است
که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خواب بیدار میشد حمد مذکور میفرمود معنی
اینست جمیع ستایش مر خدای را که مردگان را زنده گرداند و او تعالی بر همه چیز
توانا است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَحْیَانَا بَعْدَ مَا اَمَاتَنَا وَاِلَیْهِ النُّشُوْرُ **خ د ت س مص**
در بخاری و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و مصنف ابوبکر است بروایت عائشه
رضی الله عنها که چون حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم از خواب بیدار شدی
حمد مذکور میفرمودند معنی اینست جمیع ستایش مر خدای را که ما را زنده گردانید
بعد آنکه ما را میرانید و بسوی او تعالی است برانگیختن و زنده شدن لا اله الا انت
لا شریک لک سبحانک اللهم انی استغفرک لذنبی و اسالک رحمتک اللهم زدنی
علما و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
د ت س حب مس در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک است بروایت عائشه رضی الله عنها که گفت چون رسول صلی الله
علیه و سلم از خواب بیدار شدی دعای مذکور بخواندی معنی دعا اینست معبود بحق جز
تو نیست نیست ترا شریکی پاکی است مر ترا ای بارخدای بدرستیکه گناه خود را از تو آمرزش
میخواهم و از تو رحمت تو میخواهم ای بارخدای علم مرا زیادت گردان و دل مرا
بسوی باطل مساز بعد آنکه راه حق نمودی و مرا از رحمت خود ببخش بدرستیکه توئی
بسیار بخشنده لا اله الا الله الواحد القهار رب السموات والارض وما بینهما
العزیز الغفار **س حب مس** در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح
مستدرک است که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خواب می جنبید لا اله الا الله
تا آخر میگفت و معنی اینست نیست معبود بحق جز خدای تعالی که واحد قهار است
پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن است آنکه عزیز غفار است من تعار
من اللیل فقال لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی

هو تبرک من ابو الولید بن مسلم الحافظ وهو شیخ شیوخ البخاری والی داود العر وغیرهم

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي او بدعوا فیستجاب له فَاِنْ تَوَضَّأَ وَصَلّٰى قُبِلَتْ صَلٰوتُه
خ عو در بخاری و چهار سنن است بروایت عبادة بن صامت رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که از خواب شب بیدار شود پس دعاء مذکور یا دعاء غیر این
دعا خواند دعاء او مستجاب شود پس اگر وضو کند و نماز گذارد نماز او مقبول گردد
معنی دعا ظاهرست مَنْ قَالَ حِيْنَ يَتَحَرَّكُ مِنَ اللَّيْلِ بِسْمِ اللّٰهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
عَشْرًا اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوْتِ عَشْرًا وُقِيَ كُلَّ شَيْءٍ يَتَخَوَّفُهُ وَلَمْ يَنْبَغِ لِذَنْبٍ
اَنْ يُدْرِكَهُ اِلٰى مِثْلِهَا طس در معجم اوسط است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که وقت جنبیدن از خواب شب ده کلمات بار
کلمات مذکوره گوید محفوظ گردد از هر چیزی که از و بترسد و او را هیچ گناهی در قتل
آن شب در نیابد وَاِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ عَنْ فِرَاشِهٖ ثُمَّ عَادَ اِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ
بِصَنِفَةِ اِزَارِهٖ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ فَاِنَّهٗ لَا يَدْرِيْ مَا خَلَفَهٗ عَلَيْهِ فَاِذَا اضْطَجَعَ
فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ وَضَعْتُ جَنْبِيْ وَبِكَ اَرْفَعُهٗ اِنْ اَمْسَكْتَ نَفْسِيْ
فَارْحَمْهَا وَاِنْ رَدَدْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهٖ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ
الصَّالِحِيْنَ ت ی در سنن ترمذی و در کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی
است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون
کسی شب از فراش خود برخیزد پس سوی آن باز گردد گو که فراش را بکناره
ازار خود سه بار بیفشاند زیرا چه او نمیداند که بعد خاستن او چه چیز بر ان فراش

صلی الله علیه وسلم ... [illegible]

من الوفاية نگاه داشتن

الطاغوت ... خدای عز وجل

النفض بیفشانید

بیان

آنکه کسی درست از فراش خود برخیزد

آمده است

آمده است پس چونکه بغلطد باسْمِكَ اللّٰهُمَّ تا آخر گوید معنی اینست بنام تو ای
خدای پهلوی نهادم و بنام تو پهلو را بر دارم اگر روح مرا بداری پس بر و رحمت کن
و اگر باز گردانی پس او را نگاه دار بر انچه نگاه داری بندگان صالح خود را فَاِذَا قَامَ
بِتَهَجُّدٍ فَاِنْ دَخَلَ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مص ی در مصنف
ابوبکر و در کتاب عمل الیوم واللیل است بروایت علی رضی الله عنه که چون کسی ایستاده
شود تا نماز تهجد کند پس اگر در ان جانب رود بسم الله گوید زیرا چه رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده است بسم الله پرده است میان عورت امت من و میان چشم شیاطین
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ ع مص در اصول است
و مصنف ابوبکر است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم نزد
دخول آنجا نه اللهم تا آخر میفرمود معنی اینست ای بار خدای بتو پناه میجویم از نران
و نران شیاطین استعاذت در خلا ازینست که خلا جای حضور شیاطین است
وَاِذَا خَرَجَ غُفْرَانَكَ حب ع مص در صحیح ابن حبان و چهار سنن و مصنف ابوبکر
است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم از انجا نه بیرون شدی
غفرانک فرمودی یعنی آمرزش از تو میخواهم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَذْهَبَ عَنِّي الْاَذٰى
وَعَافَانِيْ س ی مو مص در سنن نسائی و کتاب عمل الیوم واللیل
ابن سنی است بروایت ابو ذر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از انجا
نه بیرون می شدند الحمد لله تا آخر میفرمودند و در مصنف ابوبکر موقوف بروایت
ابو حذیفه رضی الله عنه معنی اینست جمیع ستایش مر خدای را که از من آزار برد
و مرا عافیت داد وَاِذَا تَوَضَّأَ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ د ت ق در سنن ابی داود

جناب الثانی روز شنبه ۲ یوم السبت

بیان

تهجد

لان رسول الله صلی الله علیه وسلم اللهم الی ... وحصن الهدایة وان الباطن یجعل لانه لحمه فیها ذکر الله

ذکور الشیاطین واناس الشیاطین

الدعا المطلق ای قال غفرانک ای النبی اسالک غفرانک

ابن حبان ... توضأ فلیقل الله ...

فی الحصن الحصین ... من الوضوء ... ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

و ترمذی و ابن ماجه است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که چون خواهد که وضو سازد گوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید پس بگوید اللهم اغفر لی ذنبی و وسع لی فی داری و بارک لی فی رزقی **س ی** در سنن نسائی و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابو موسی رضی الله عنه که چون پس دعای مذکور خواند یعنی ای بار خدای گناه من بیامرز و خانه مرا فراخ گردان و در رزق من برکت کن و اذا فرغ من الوضوء رفع نظره الی السماء **د س** در سنن ابی داود و نسائی است که چون از وضو فارغ شود چشم خود را سوی آسمان بردارد و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله **م د س ق مص ی** در مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت عمر و انس رضی الله عنهما و گوید شهادت مذکوره گوید قول بدین هر دو شهادت بعد وضو اشارتست بر اخلاص عمل و طهارت قلب از شرک و ریا بعد طهارت اعضا از حدث و جنب **در حدیث است** هر که بعد وضو اشهد ان لا اله الا الله تا آخر گوید برای او هشت در بهشت کشاده کنند از هر دری که خواهد در آید ثلث مرات **ق مص ی** در سنن ابی ماجه و مصنف ابو بکر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت انس رضی الله عنه که شهادت مذکوره سه بار گوید اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین **ت** در سنن ترمذی است که دعای مذکور خواند یعنی ای بار خدای مرا از تائبان گردان و مرا از پاکان گردان سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا انت

استغفرک

القول بالشهادتین عقب الوضوء اشارة الی اخلاص العمل و طهارة القلب ... الاعضاء ...

اسْتَغْفِرُکَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْکَ **مس س** در صحیح مستدرک و سنن نسائی است بروایت سعید رضی الله عنه که دعای مذکور خواند معنی اینست پاکی و حمد ترا است ای بار خدای گواهی میدهم که جز تو معبودی نیست آمرزش از تو میخواهم و بسوی تو باز میگردم مَنْ تَوَضَّاءَ فَقَالَ سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُکَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْکَ کُتِبَ لَهُ فِیْ رَقٍّ ثُمَّ جُعِلَ فِیْ طَابِعٍ فَلَمْ یُکْسَرْ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ **طس** در معجم اوسط است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که وضو کند پس دعای مذکور خواند ثواب آن در کاغذی نبشته مهر کنند پس آن مهر تا قیامت نشکنند و ضو را باید که همه اذکار مذکوره بعد وضو خواند تا بر همه احادیث عمل شود **التهجد** این تهجد است افضل الصلوة بعد المکتوبة الصلوة فی جوف اللیل در مسلم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بهترین نماز بعد فریضه نماز در میانه شب است زیرا چه آن نماز از ریا دور است و موجب اخلاص و حضور است افضل الصلوة صلوة المرء فی بیته الا المکتوبة **خ م** در بخاری و مسلم است بروایت زید بن ثابت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود ... بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نماز شب دوگانه دوگانه است و در مسند امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که نماز شب و روز دوگان دوگان است یعنی نوافل شب و روز دوگانه دوگانه گذارد و در دو رکعت سلام گوید و کان اذا قام من اللیل یتهجد قال اللهم لک الحمد انت قیم السموات و الارض و من فیهن

بیان تهجد است

الطابع ختم البارهره ... بطبع به و یختم من الخاتم ...

الرق کاغذ ...

لانها ابعد عن الریاء و الانقطاع ... الصواب

بهترین نماز نماز مرد در خانه اوست جز نماز فرض صلوة اللیل **خ م** و النهار مثنی مثنی **خ م ا** در بخاری و مسلم است

وَلَكَ الحَمْدُ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ ذٰلِكَ اَنْتَ الحَقُّ
وَوَعْدُكَ الحَقُّ وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَالجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ
حَقٌّ وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ وَمُحَمَّدٌ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ
آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْكَ اَنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ
حَاكَمْتُ اَنْتَ رَبُّنَا وَاِلَيْكَ المَصِيرُ فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ
وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ اَنْتَ المُقَدِّمُ وَاَنْتَ المُؤَخِّرُ اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ ع عو در اصول است وصحیح ابو عوانه است بروایت ابن
عباس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از خواب شب
میخواست که نماز تهجد کند دعای مذکور میگفت معنی دعا اینست ای بار خدای
مر تراست حمد وتوئی پادشاه ومالک آسمانها وزمین وهر که در آن است
ومر تراست حمد وتوئی روشن کننده آسمانها وزمین وهر که در آن است
ومر تراست حمد توئی حق ووعده تو حق است ودوزخ حق است وپیغامبران
حق اند ومحمد صلی الله علیه وسلم حق است ای بار خدای برای تو انقیاد
کردم وبتو ایمان آوردم وبر تو توکل کردم وسوی تو بازگشتم وبحجت تو خصومت
با خصم کردم وکار خود سوی تو برداشتم وترا حکم کردم تا میان من وخصم حکم
کنی تو پروردگار وسوی تست بازگشت ما پس گناهان متقدم ومتأخر
وگناهان پنهان وآشکار ای من بیامرز توئی پیش کننده وپس دارنده
وتوئی معبود من جز تو معبود بحق نیست وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
خ در اصول است این کلمه زیادت است بر دعای مذکور سَمِعَ اللّٰهُ

ولقای تو حق است وقول تو حق است
وبهشت حق است صح

لمن حمده

کلمه مذکوره زیادت

لِمَنْ حَمِدَهُ الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ ت در سنن ترمذی است یعنی اجابت
قبول کرد خدای تعالی حمد کسی که او را ستود سبحان الله وبحمده دس در سنن
ابی داود ونسائی بروایت ربیعة بن کعب رضی الله عنه کلمه مذکوره زیادت
فَقَعَدَ الثُّلُثَ الآخِرَ مِنَ النَّوْمِ فَنَظَرَ اِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ
وَالاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِاُولِي الاَلْبَابِ العَشْرَ الآيَاتِ اَوَاخِرَ
مِنْ آلِ عِمْرَانَ حَتّٰى خَتَمَهَا ثُمَّ قَامَ فَتَوَضَّأَ وَاسْتَنَّ فَصَلّٰى اِحْدٰى عَشْرَةَ
رَكْعَةً ثُمَّ اَذَّنَ بِلَالٌ فَصَلّٰى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ خَرَجَ فَصَلَّى الصُّبْحَ خ م دس در بخاری
ومسلم وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه است بروایت ابن عباس رضی الله
عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم در ثلث آخر شب از خواب بنشست پس
سوی آسمان دید پس آیت اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ تا آخر سوره آل عمران
خواند پس برخاست ومسواک کرد ووضو ساخت پس یازده رکعت نماز
گزارد پس بلال رضی الله عنه بانگ نماز گفت پس رسول صلی الله علیه
وسلم دو رکعت نماز کردند پس از خانه بیرون آمدند ونماز صبح گزاردند
وَكَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَلٰثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً يُوتِرُ مِنْ ذٰلِكَ بِخَمْسٍ لَا يَجْلِسُ
فِي شَيْءٍ اِلَّا فِي آخِرِهِنَّ خ م در بخاری ومسلم است بروایت عائشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم سیزده رکعت نماز در شب میگزاردند
پنج رکعت از جمله آن وتر میگزاردند ودر آن پنج رکعت جز در آخر نمی نشستند
وَكَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ اِحْدٰى عَشْرَةَ رَكْعَةً يُوتِرُ مِنْهَا بِوَاحِدَةٍ خ م
در بخاری ومسلم است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم

در شب یازده رکعت نماز میگزاردند از ان جمله یک رکعت وتر میگزاردند و اذا قام
لِصَلٰوةِ اللَّیْلِ کَبَّرَ عَشْرًا وَحَمِدَ عَشْرًا وَسَبَّحَ عَشْرًا وَاسْتَغْفَرَ اللّٰهَ عَشْرًا د س ق حص
در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر و صحیح ابن حبان است بروایت
عائشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم بجهت نماز شب برخاست
ده بار الله اکبر و ده بار الحمد لله و ده بار سبحان الله و ده بار استغفر الله میگفت و قال
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ وَاهْدِنِیْ وَارْزُقْنِیْ وَعَافِنِیْ د س ق حص در سنن ابی داود
و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابی بکر است که رسول صلی الله علیه و سلم این دعا هم
میگفت یعنی ای بار خدای مرا بیامرز و مرا راه راست نمای یعنی بر راه راست
ثابت دار و مرا روزی ده و در عافیت دار عشرًا حب در صحیح ابن حبان است
که دعای مذکور ده بار میگفتند تَعَوَّذَ بِاللّٰهِ مِنْ ضِیْقِ الْمَقَامِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ د س
ق م حص در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح مسلم و مسند
ابی یعلی است که رسول صلی الله علیه و سلم اعوذ بالله من ضیق تا آخر
میگفت یعنی پناه میجویم بخدای تعالی از تنگی مقام در روز قیامت
یعنی از شداید و مکاره آن روز زیرا که هر کرا رنجی و یا خوفی رسد زمین برو
تنگ شود قال الله تعالی وَضَاقَتْ عَلَیْکُمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ و تنگ شد
بر شما زمین با فراخی خود در روز حنین عشرًا حب در صحیح ابن حبان است که رسول
صلی الله علیه و سلم تعوذ مذکور ده بار میگفت وَاِذَا افْتَتَحَ صَلٰوةَ اللَّیْلِ
قَالَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِیْلَ وَمِیْکَائِیْلَ وَاِسْرَافِیْلَ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ
الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْکُمُ بَیْنَ عِبَادِکَ فِیْمَا کَانُوْا فِیْهِ

یختلفون

یَخْتَلِفُوْنَ اِهْدِنِیْ لِمَا اخْتُلِفَ فِیْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِکَ اِنَّکَ تَهْدِیْ مَنْ تَشَاءُ اِلٰی صِرَاطٍ
مُسْتَقِیْمٍ م ع حب در صحیح مسلم و چهار سنن و صحیح ابن حبان است
بروایت عائشه رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم میخواستی که
نماز شب آغاز کند دعای مذکور میگفت یعنی ای بار خدای ای پروردگار
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ای آفریننده آسمانها و زمین ای داننده غیب
و حضور تو حکم کنی میان بندگان خود در آنچه اختلاف کردند راه نما مرا باذن خود
سوی آنچه در ان اختلاف کردند از حق بدرستی که تو راه نمائی سوی راه راست
کسی را که میخواهی وَاِذَا صَلَّی الْوِتْرَ ثَلٰثًا قَرَاَ فِی الْاُوْلٰی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ وَفِی الثَّانِیَةِ
قُلْ یٰاَیُّهَا الْکٰفِرُوْنَ وَفِی الثَّالِثَةِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ د ت س ا ق حب ی

بیان نماز وتر

این شروع است در بیان نماز وتر در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و مسند
امام احمد و سنن ابن ماجه و صحیح ابن حبان و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن
سنی است بروایت عائشه و ابی رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه و سلم
نماز وتر سه رکعت میگزاردند در رکعت اول سبح اسم ربک در دوم قل یا ایها الکافرون
در سوم قل هو الله میخواندند و المعوذتین دا ق ت حب در سنن ابی داود
و مسند امام احمد و سنن ابن ماجه و ترمذی و صحیح ابن حبان است
که رسول صلی الله علیه و سلم در رکعت سوم معوذتین نیز میخواندند وَیَفْصِلُ
بَیْنَ الشَّفْعِ وَالْوِتْرِ بِتَسْلِیْمَةٍ یُسْمِعُنَاهَا اَوْ لَا یُسَلِّمُ اِلَّا فِیْ اٰخِرِهِنَّ س ی
در سنن نسائی و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت عائشه رضی
الله که رسول صلی الله علیه و سلم جدائی میکردند میان دو رکعت و یک رکعت

بسلامی که دیگر از رامی خوانند یا جزء در آخر سلام نمیگفت او توتر بواحدة خم در
بخاری و مسلم است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم
وتر بیک رکعت میکرد او بخمس او بسبع او بتسع قطنی در سنن دارقطنی و سنن
کبر بیهقی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بپنج
رکعت یا بهفت رکعت وتر میکرد او بتسع او باحدی عشرة رکعة او اکثر من ذلک سی
در سنن کبر بیهقی است که رسول صلی الله علیه و سلم سه رکعت یا یازده یا بیشتر از یازده رکعت
وتر میکردند و یقنت فی الآخرة اذا رفع راسه من الرکوع مس در صحیح مستدرک است
بروایت حسین بن علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم در رکعت آخر وتر چون
سر از رکوع بر میداشت قنوت میخواند فیقول اللهم اهدنی فیمن هدیت و عافنی
فیمن عافیت و تولنی فیمن تولیت و بارک لی فیما اعطیت و قنی شر ما قضیت
انک تقضی و لا یقضی علیک و انه لا یذل من والیت و لا یعز من عادیت
موالات ای کسی دوستی کرده
تبارکت ربنا و تعالیت نستغفرک و نتوب الیک ح حب مص در حبان سنن
و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و مصنف ابو بکر است بروایت حسن بن
علی رضی الله عنهما که پس رسول صلی الله علیه و سلم در قنوت دعا مذکور میخواند
معنی دعا اینست ای بار خدای بگردان مرا در جمله کسانی که ایشان را راه راست نمودی
و بگردان مرا از جمله کسانی که ایشان را عافیت دادی و بگردان مرا از جمله کسانی که
ایشان را دوست داشتی و برکت ده در چیزی که مرا دادی و نگاه دار مرا از
بدی آنچه حکم کردی بدرستی که تو بر همه حکم کنی و بر تو کسی حکم نکند و بدرستی که خوار
نگردد کسی که تو او را دوست داشتی و عزیز نشود کسی که تو او را دشمن داشتی

الآخره
اجمل

فانک

انتعالی بنده شدن

ای پروردگار

تویی بزرگ و برتر آمرزش گناهان از تو میخواهیم و سوی تو باز میگردیم و صلی الله علی النبی
س در سنن نسائی است که رسول صلی الله علی النبی میگفت اللهم اغفر لنا
و للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و الف بین قلوبهم و
اصلح ذات بینهم و انصرهم علی عدوک و عدوهم اللهم العن الکفرة
الذین یصدون عن سبیلک و یکذبون رسلک و یقاتلون اولیاءک
اللهم خالف بین کلمتهم و زلزل اقدامهم و انزل بهم باسک الذی
لا ترده عن القوم المجرمین بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انا نستعینک
و نستغفرک و نثنی علیک و لا نکفرک و نخلع و نترک من یفجرک
سی
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ایاک نعبد و لک نصلی و نسجد و الیک
نسعی و نحفد نخشی عذابک الجد و نرجو رحمتک ان عذابک الجد بالکفار
ملحق مس مص سی در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابو بکر و سنن کبر بیهقی است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم در قنوت دعای مذکور
میخواند معنی اینست ای بار خدای بیامرز مردان و زنان مومنان را و مردان و زنان
مسلمانان را و الفت بده میان دلهای ایشان و اصلاح کن میان ایشان و ایشان را
نصرت ده بر دشمن خود و دشمن ایشان ای بار خدای لعنت کن بر کافران که
مردم را از راه تو باز میدارند و رسولان ترا تکذیب میکنند و با دوستان تو
کارزار میکنند ای بار خدای خلاف افکن میان سخنهای ایشان و بلرزان
قدمهای ایشان را و فرود آر بر ایشان عذاب خود که آن را از قوم گناهکار
رد نکنی ای بار خدای بدرستی که ما از تو یاری میخواهیم و آمرزش میخواهیم و ثنای تو

بسکونیم و بتو کافر نمی شویم بر دین میکنیم و ترک میدهیم کسی را که سزبانی تو کند ای بار خدای
ترا می پرستیم و برای تو نماز و سجده میکنیم و از جهت عبادت تو کوشش میکنیم و سوی
خدمت تو می شتابیم از عذاب حق تو میترسیم و امید از رحمت تو داریم بدرستی عذاب
تو که خواست بکافران لاحق است واذا سلم منه قال سبحان الملک القدوس
ثلاث مرات یمد صوته فی الثالثة ویرفع س د مص قط
در سنن نسائی و ابی داود و مصنف ابوبکر و سنن دار قطنی است بروایت
ابی رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از نماز سلام دادی سبحان
الملک القدوس سه بار میفرمود و در سیوم کرت آواز خود را بلند و دراز میساخت
رب الملائکة والروح قط در سنن دار قطنی است که رسول صلی الله علیه
وسلم رب الملائکة والروح نیز میفرمود اللهم انی اعوذ برضاک
من سخطک وبمعافاتک من عقوبتک واعوذ بک منک لا احصی
ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک عه طس مس در چهار سنن
و معجم اوسط و مصنف ابوبکر است بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند یعنی دعا اینست ای بار خدای بدرستی که من
پناه میجویم بخوشنودی تو از خشم تو و بعافیت تو از عقوبت تو و پناه میجویم برحمت
تو از عذاب تو من طاقت ندارم ثنای تو چنانچه بر ذات خود ثنا گفتی واذا صلی
رکعتی الفجر یزاد فی الاولی قل یا ایها الکافرون وفی الثانیة
قل هو الله احد م حب در صحیح مسلم و صحیح ابن حبان است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم در رکعت سنت فجر

میکردند

بیان طریق گذاردن سنت نماز بامداد

میکردند در اول قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد میخواندند
او فی الاولی قولوا آمنا بالله الآیة وفی الثانیة قل یا اهل الکتاب
تعالوا الآیة م در صحیح مسلم است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما
که رسول صلی الله علیه وسلم در سنت فجر در رکعت اول قولوا آمنا بالله
وما انزل الینا وما انزل الی ابراهیم واسمعیل واسحاق ویعقوب
والاسباط وما اوتی موسی وعیسی وما اوتی النبیون من ربهم
لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون میخواندند و در رکعت دوم
قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا وبینکم ان لا نعبد
الا الله ولا نشرک به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون
الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون میخواندند ویقول وهو جالس
اللهم رب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل ومحمد النبی صلی الله علیه وسلم
اعوذ بک من النار ثلث مرات مس ی در صحیح مستدرک و کتاب
عمل الیوم واللیلة ابن سنی است بروایت ابی اسامة بن عمیر رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم بعد سنت فجر دعاء مذکور نشسته سه بار میخواندند
یعنی اینست ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و محمد مختار صلی الله
علیه وسلم پناه میجویم بتو از آتش ثم لیضطجع علی شقه الایمن د ت
در سنن ابی داود و ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه
پس که بغلطد بر جانب راست خود یعنی بعد سنت فجر واذا خرج من
بیته قال بسم الله توکلت علی الله اللهم انا نعوذ بک من ان نزل

أَوْ نَزِلَّ أَوْ نُضِلَّ أَوْ نَظْلِمَ أَوْ نُظْلَمَ أَوْ نَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيْنَا عه مس ی
در چهار سنن و صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت ام سلمه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه وسلم از خانه
خود بیرون می شدند دعای مذکور میخواندند یعنی ابتدا بنام خدای تعالی
بیرون می شوم و توکل بر خدای تعالی کردم ای بار خدای بدرستی که ما
پناه بتو میجوییم از این که بلغزیم یا خوار شویم یا گمراه کردیم یا ظلم کنیم یا جهالت
کنیم یا کسی بر ما جهالت کند بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
التُّكْلَانُ عَلَى اللّٰهِ مس ق ی در صحیح مستدرک و سنن ابن
ماجه و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو هریره رضی
الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از خانه بیرون میشدند دعای
مذکور میخواندند یعنی ابتدا بنام خدای تعالی بیرون میشوم حیله برگشت از معصیت
و قوت بر طاعت جز بخدای تعالی نیست و توکل بر خدای تعالی است بِسْمِ اللّٰهِ
تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ د ت س حب ی
در سنن ابی داود و ابن ماجه است بروایت ام سلمه رضی الله عنها گفت
هیچ گاهی رسول صلی الله علیه وسلم از خانه من بیرون نمی شدند مگر که چشم خود را
بسوی آسمان بر میداشت پس دعای مذکور میخواندند یعنی ابتدا ای
بار خدای بدرستی که من پناه میجویم بتو از این که گمراه شوم یا کسی مرا گمراه کند
یا بلغزم یا کسی مرا بلغزاند یا ستم کنم یا کسی بر من ستم کند یا جهالت کنم یا کسی
بر من جهالت کند فَإِذَا خَرَجَ لِلصَّلٰوةِ قَالَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي

وترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت انس رضی الله عنه که چون
رسول صلی الله علیه وسلم از
خانه بیرون می شدند دعای مذکور
میخواندند یعنی همان است که گذشت
مَا خَرَجَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَيْتِي
قَطُّ إِلَّا رَفَعَ طَرْفَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَزِلَّ
أَوْ أُزَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ
د ت در سنن ابی [illegible]

نورا

نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَخَلْفِي
نُورًا وَاجْعَلْنِي نُورًا خ م د س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی
و ابن ماجه است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله
علیه وسلم از خانه خود برای نماز بیرون می شدند دعای مذکور میخواندند یعنی ابتدا ای بار
خدایا بگردان در دل من نور و در چشم من نور و در گوش من نور و از راست من نور و از
چپ من نور و از پس من نور و بگردان برای من نور وَفِي عَصَبِي نُورًا وَفِي لَحْمِي
نُورًا وَفِي دَمِي نُورًا وَفِي شَعْرِي نُورًا وَفِي بَشَرِي نُورًا خ م د س ق در بخاری
و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است که رسول صلی الله علیه وسلم این
کلمات مذکوره نیز میخواندند یعنی ابتدا و بگردان در رگ من نور و در گوشت من نور
و در خون من نور و در موی من نور و در اندام من نور وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي
نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا م در صحیح مسلم است که رسول صلی الله علیه وسلم این کلمات
مذکوره نیز میخواند یعنی ابتدا و بگردان در زبان من نور و بگردان در ذات من نور
و بزرگ کن برای من نور وَاجْعَلْنِي نُورًا س مس در سنن نسائی و صحیح
ابن مستدرک است که رسول صلی الله علیه وسلم این کلمات نیز میگفت یعنی ابتدا
بگردان مرا نور اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي سَمْعِي
نُورًا وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ أَمَامِي نُورًا
وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي نُورًا م د س
در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابن عباس رضی الله
عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم چون از خانه برای نماز بیرون میشدند دعای

دخول مسجد

مذکور میشود معنی همان است که گذشت وعند دخول المسجد أعوذ بالله العظیم
وبوجهه الکریم وسلطانه القدیم من الشیطان الرجیم د س ق در سنن
ابی داود ونسائی وابن ماجه است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم نزد دخول مسجد دعای مذکور میفرمود معنی اینست پناه میجویم بخدای که عظیم
است وبذات او که کریم است وبسلطان او که قدیم است از شیطان رانده
واز رحمت دور مانده در حدیثست هر که این کلمات گوید شیطان گوید که خود را در
باقی روز از من نگاه داشت وإذا دخله فلیسلم علی النبی صلی الله علیه
وسلم د س ق حب مس ی در سنن ابی داود ونسائی وابن ماجه
است وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است

بیان دخول مسجد

بروایت ابو حمید یا ابو اسید رضی الله عنه که چون در مسجد در آید پس گو که
سلام بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم گوید ولیقل اللهم افتح لی ابواب
رحمتک م د س ق حب مس در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی
وابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
دیگر که دعای مذکور خواند معنی اینست ای بار خدای ابواب رحمت خود برای من
کشاده کن اللهم افتح لنا ابواب رحمتک وسهل لنا ابواب رزقک
ق عو در سنن ابن ماجه وصحیح ابو عوانه است بروایت ابو حمید
رضی الله عنه که دعای مذکور گوید معنی اینست ای بار خدای ابواب رحمت
خود برای من کشاده کن وابواب رزق بر من آسان گردان او تقول بسم الله
والسلام علی رسول الله ق ت مص مه در سنن ابن ماجه و

ومصنف ابو بکر

ومصنف ابو بکر وصحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی الله عنها که با کلمات
مذکوره گوید چون در مسجد در آید معنی اینست بنام خدای تعالی در می آیم وسلام
بر رسول خدای تعالی است صلی الله علیه وسلم ودر نسخه وعلی سنة رسول
الله بجای والسلام علی رسول الله ای والسلام علی رسول الله دارد است
معنی آن اینست وبر سنت رسول صلی الله علیه وسلم در می آیم اللهم صل علی
محمد وعلی آل محمد مه ودر صحیح ابن خزیمه است که درود گوید اللهم اغفر لی
ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک ق ت مص مه در سنن ابن
ماجه وترمذی ومصنف ابو بکر وصحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی
الله عنها که دعای مذکور خواند معنی اینست ای بار خدای گناهان مرا بیامرز
وابواب رحمت خود برای من کشاده کن وبعد دخوله السلام علینا و
علی عباد الله الصالحین مو مص در کتاب دعاء ابن مردویه
ومصنف ابو بکر است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که بعد دخول
مسجد سلام مذکور گوید فاذا خرج منه فلیسلم علی النبی صلی الله علیه
وسلم ولیقل اللهم اعصمنی من الشیطان الرجیم ق س حب
مس ی در سنن نسائی وابن ماجه وصحیح ابن حبان وصحیح مستدرک
وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که چون از مسجد بیرون شود گو که بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم درود گوید
واللهم تا آخر گوید معنی اینست ای بار خدای نگاه دار مرا از شیطان رجیم
ق در سنن ابن ماجه است که من الشیطان الرجیم گوید رجیم

راندہ را گوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ م دس در صحیح مسلم و سنن
ابی داؤد و نسائی است بروایت ابی اسید یا ابو حمید رضی اللّٰه عنه
که چون از مسجد بیرون شود دعاء مذکور گوید یعنی التماس می بار خدایا فضل تو
از تو میخواهم و بسم اللّٰه والسلام علی رسول اللّٰه مص ت ق مه
در مصنف ابو بکر و سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن خزیمه است بروایت
فاطمه رضی اللّٰه عنها که با بسم اللّٰه تا آخر گوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی
آلِ مُحَمَّدٍ مه در صحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی اللّٰه عنها که درود
مذکور گوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ وَافْتَحْ اَبْوَابَ فَضْلِکَ مص ت
ق مه در مصنف ابو بکر و سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن خزیمه است
بروایت فاطمه رضی اللّٰه عنها که چون از مسجد بیرون شود دعاء مذکور خواند
یعنی گذشت ذکر رحمت در وقت دخول و ذکر فضل در وقت خروج از آنست
که دخول برای عبادتست پس ذکر سزاوار است وَلَا یَجْلِسْ حَتّٰی یُصَلِّیَ رَکْعَتَیْنِ
خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت ابو قتاده رضی اللّٰه عنه که در
مسجد ننشیند تا که دو رکعت تحیت گذاردن وَاِنْ سَمِعَ مَنْ یَّنْشُدُ
ضَالَّةً فِی الْمَسْجِدِ فَلْیَقُلْ لَا رَدَّهَا اللّٰهُ عَلَیْکَ فَاِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ
لِهٰذَا م دق در صحیح مسلم و سنن ابی داؤد و ابن ماجه است بروایت ابو هریره
رضی اللّٰه عنه که چون بشنود کسی را که در مسجد گم شده جوید پس باید که او را لا ردها
اللّٰه علیک تا آخر گوید یعنی رد نکند خدای تعالی آن گم شده را بر تو زیرا که
مساجد را برای این ساخته اند بنا مساجد برای عبادت خدا است

بیان ... [illegible]

طلب امور دنیا در مساجد نا رواست وَاِنْ رَاٰی مَنْ یَّبِیْعُ اَوْ یَبْتَاعُ
فِی الْمَسْجِدِ فَلْیَقُلْ لَا اَرْبَحَ اللّٰهُ تِجَارَتَکَ ت س مس حب
در سنن ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک و صحیح ابن حبان است بروایت ابو هریره
رضی اللّٰه عنه که اگر ببیند کسی را که در مسجد بیع و یا شرا میکند پس او را گوید خدای تعالی
تجارت ترا سودمند نکرداند وَالْاَذَانُ تِسْعَ عَشْرَةَ کَلِمَةً معروف عه مه
این شروع در بانگ نماز است در چهار سنن و مسند امام احمد و صحیح ابن
خزیمه است بروایت ابو محذوره رضی اللّٰه عنه که بانگ نماز نوزده کلمه معروفست
و یزاد فی اذان الصبح الصلوة خیر من النوم مرتین دق طمه در سنن
ابی داؤد است بروایت ابو محذوره رضی اللّٰه عنه و در سنن دار قطنی
بروایت انس رضی اللّٰه عنه و در صحیح ابن خزیمه است بروایت فاطمه رضی
اللّٰه عنها که در بانگ نماز صبح کلمه مذکوره را دو بار زیاد کنند یعنی البته
نماز بهتر است از خواب وَاِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ فَلْیَقُلْ کَمَا یَقُوْلُ ع ی
در اصول است و کتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی است بروایت ابو سعید
و عبد اللّٰه بن عمرو رضی اللّٰه عنهم که چون از مؤذن بانگ نماز بشنود پس
گو که بگوید چنانچه مؤذن بگوید الا الحیعلة لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ خ م د س
در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی است بروایت عمر رضی
اللّٰه عنه که بعد حی علی الصلوة و حی علی الفلاح لا حول تا آخر گوید
اِذَا قَالَ ذٰلِکَ مِنْ قَلْبِهٖ دَخَلَ الْجَنَّةَ م د س در صحیح مسلم و سنن
ابی داؤد و نسائی است بروایت عمر رضی اللّٰه عنه که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم

بیان بانگ نماز است

زمود که چون آن جمیع مذکور از اخلاص دل گوید در بهشت در آید من قال
حین یسمع المؤذن اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان
محمدا عبده ورسوله رضیت بالله ربا وبمحمد رسولا وبالاسلام دینا
غفر له ذنبه م عه ی در صحیح مسلم و چهار سنن و کتاب عمل الیوم واللیل
ابن سنی است بروایت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده که وقت شنیدن بانگ نماز شهادت مذکوره تا آخر گوید گناه
او آمرزیده گردد معنی شهادت اینست گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه وسلم
بنده و رسول او تعالی است خوشنود شدم بربوبیت خدای تعالی و برسالت
محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و بدین اسلام من قال مثل ما قال یعنی المؤذن
وشهد مثل شهادته فله الجنة ص در مسند ابی یعلی موصلی است بروایت
انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که مثل قول مؤذن
گوید و مثل شهادت او شهادت ادا کند پس را در اهل بهشت و کان اذا
سمع المؤذن یتشهد قال وانا وانا حب مص در سنن ابی داود و صحیح
ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم چون مؤذن را می شنید که اشهد میگفت خود وانا اشهد وانا اشهد
وانا اشهد میفرمود ثم لیصل علی النبی صلی الله علیه وسلم ثم یسال الله
الوسیلة م د ت س ی در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی
ابی داود و ترمذی و نسائی و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابن
عمر رضی الله عنهما پس گوید که بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم درود گوید پس از خدای تعالی

برای علیه الصلوة والسلام وسیلت خواهد وسیلت چیزی را گویند که بدان قرب
سوی غیر حاصل شود و مراد اینجا منزلتی است در بهشت یقول اللهم رب هذه
الدعوة التامة والصلوة القائمة آت محمدا الوسیلة والفضیلة وابعثه مقاما
محمودا الذی وعدته خ عه حب در صحیح بخاری و چهار سنن و صحیح ابن حبان
و سنن کبیر بیهقی است بروایت جابر رضی الله عنه که دعای مذکور گوید معنی دعا
اینست ای بار خدای ای پروردگار این دعوت که تمام است و پروردگار این نماز
که در حال قیام است محمد صلی الله علیه وسلم را وسیلت و فضیلت بده و در مقام که
وعده کرده او را بفرست انک لا تخلف المیعاد ط در سنن کبیر بیهقی است که بعد
عادته انک تا آخر گوید معنی اینست بدرستی که تو خلاف نکنی وعده را اما من سمع النداء
فیکبر ویقول اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله
ثم یقول اللهم اعط محمدا الوسیلة والفضیلة واجعله فی الاعلین درجته
وفی المصطفین محبته وفی المقربین ذکره الا وجبت له الشفاعة یوم القیمة
ط در معجم کبیر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده نیست هیچ مسلمی که بانگ مؤذن
شنود پس مؤذن الله اکبر گوید و او هم الله اکبر گوید و اشهد ان لا اله الا الله
تا آخر گوید بعده اللهم تا آخر گوید مگر کسی که در روز قیمة شفاعت من برای او
واجب گردد معنی اینست ای بار خدای محمد صلی الله علیه وسلم وسیلت و فضیلت
عطا کن و آن درجه او را در بلندترین مردان و گردان محبت او را در برگزیدگان
و گردان ذکر او را در مقربان من قال حین ینادی المنادی اللهم رب هذه
الدعوة التامة والصلوة النافعة صل علی محمد وارض عنی

الاعلی
بزرگوار

المصطفی
برگزیده

ای یؤذن المؤذن ۵

ای من الدایمة التی لا یغیرها دین او لا دینه بعد محمد علیه الصلوة
والسلام ۵

رضا لا تسخط بعده استجاب الله دعوته طس ی در مسند امام احمد

ومعجم اوسط وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است که رسول صلی الله علیه

وسلم فرموده که وقت نداء مؤذن دعای مذکور گوید خدای تعالی دعوت

او را مستجاب کند معنی دعا اینست ای بارخدای پروردگار این دعوت تمام

و پروردگار این نماز که قایم است بدوام آنکه نافع است برای خواص وعوام

بر محمد صلی الله علیه وسلم درود بفرست و از من راضی شو برضای که بعد

آن خشم نکنی من نزل به کرب او شدة فلیتحین المنادی فاذا کبر کبر واذا

تشهد تشهد واذا قال حی علی الصلوة قال حی علی الصلوة واذا قال

حی علی الفلاح قال حی علی الفلاح ثم یقول اللهم رب هذه الدعوة

الصادقة المستجاب لها دعوة الحق وکلمة التقوی احینا علیها

وامتنا علیها وابعثنا علیها واجعلنا من خیار اهلها احیاء وامواتا ثم

یسال الله حاجته مس ی در صحیح مستدرک وکتاب عمل الیوم واللیل ابن

سنی است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که هر که غم یا سختی فرود آمده باشد پس

گو که وقت مؤذن را انتظار کند پس چون مؤذن الله اکبر گوید خود هم بگوید و چون

مؤذن اشهد بگوید خود هم بگوید و چون مؤذن حی علی الصلوة گوید خود هم

بگوید و چون مؤذن حی علی الفلاح گوید خود هم بگوید پس اللهم تا آخر گوید پس

خدای تعالی حاجت خواهد معنی اینست ای بارخدای پروردگار این دعوت

صادقه که هر کرا مستجاب آن کند آنکه دعوت حق وکلمه تقوی است ما را

دعوت زنده دار و بران دعوت بمیران و ما را بران دعوت برانگیز و ما را از

قالوا فما نقول یا رسول الله
قال سلوا الله ص

بهترین آن دعوت گردان در حال حیات و ممات فالدعاء بین الاذان

والاقامة لا یرد د ت س حب ص در سنن ابی داود و ترمذی

ونسائی وصحیح ابن حبان ومسند ابی یعلی موصلی است بروایت انس رضی

الله که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده دعا میان بانگ نماز و اقامت رد

کرده نشود دعا مقبول است ص در مسند ابی یعلی است پس دعا کنید فاسئلوا الله العافیة

فی الدنیا والآخرة ت در سنن ترمذی است که فرمود پس بخواهید از خدای تعالی

عافیت را در دنیا و آخرت والاقامة الله اکبر الله اکبر اشهد ان لا اله الا

الله اشهد ان محمدا رسول الله حی علی الصلوة حی علی الفلاح قد قامت

الصلوة قد قامت الصلوة الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله ادق

مه ت این شروع در بیان اقامت است در مسند امام احمد و سنن ابی

داود و ابن ماجه وصحیح ابن خزیمه وسنن ترمذی است بروایت عبدالله

بن زید رضی الله عنه که اقامت این مذکور است یعنی یکان بارست

اوهی کالاذان الا فی الترجیع اعرمه در مسند امام احمد و چهار

سنن وصحیح ابن خزیمه است بروایت ابو محذوره رضی الله عنه که با اقامت همچو بانگ

نماز است یعنی دوگان بارست جز در ترجیع و زیادت قد قامت الصلوة دو بار

یعنی در اقامت ترجیع نکنند و قد قامت الصلوة دو بار زیادت کنند و ترجیع

در بانگ نماز نزد شافعی رحمه الله است و آن اینست که مؤذن الله اکبر الله اکبر

بلند گوید پس اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان لا اله الا الله آهسته گوید

پس همین شهادت را بلند گوید باز نماز را بلند باز گردانند در الفاظ دیگر ترجیع نیست

وإذا قام إلى الصلوة المكتوبة حب ت قال م عر حب بعد التكبير م ت وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين اللهم انت الملك لا اله الا انت ربي وانا عبدك ظلمت نفسي واعترفت بذنبي فاغفر لي ذنوبي جميعا انه لا يغفر الذنوب الا انت واهدني لاحسن الاخلاق لا يهدي لاحسنها الا انت واصرف عني سيئها لا يصرف عني سيئها الا انت لبيك وسعديك والخير كله في يديك والشر ليس اليك انا بك واليك تباركت ربنا وتعاليت استغفرك واتوب اليك م عر حب ط

این شروع در بیان نماز است در صحیح ابن حبان و سنن ترمذی و صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت علی رضی الله عنه و در معجم کبیر است بروایت ابو رافع رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم سوی نماز فرض می ایستاد بعد تکبیر وجهت وجهی تا آخر میخواند یعنی اعنی مستقبل کردانیدم روی خود را یعنی توجه بعبادت کردم و اخلاص دران آوردم برای آنکسی که آسمانها و زمین را آفرید در ان حال که مایلم سوی دین حق اسلام آرنده ام بصدق و نیستم از مشرکان بادرستی که نماز من و عبادت من و حیوة من و موت من برای خدای تعالی رب که پروردگار جهانیان است نیست شریکی و بدین مذکور که اخلاص است مامور شده ام و من از مسلمانم ای بار خدای توئی پادشاه جز تو معبودی نیست توئی پروردگار من و من بنده توام بر ذات خود ستم کردم و بگناه خود اقرار کردم

لا یعرف سیئها

پادشاه جز

پس جمیع گناهان من بیامرز بدرستی که جز تو کسی گناهان را نیامرزد و راه بنما مرا سوی نیکوترین خلقها که جز تو کسی سوی آن راه ننماید و دور دار از من بدی خلقها که جز تو کسی آنرا دور نکرداند مدام و ثابت هستم در طاعت تو میکنم و همه نیکی در قبض تست و بدی منسوب سوی تو نیست من بتو موجود شده ام و سوی تو بازگشت تو بزرگ و برتر آمرزش از تو میخواهم و سوی تو باز میگردم اللهم باعد بيني وبين خطاياي كما باعدت بين المشرق والمغرب اللهم اغسل خطاياي بالماء والثلج والبرد خ م د ت س ق مصنف در دیباچه گفته است که علامات این شش کتاب ع خواهم آورد و اینجا حروف آورده در اصول ست است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد تکبیر دعای مذکور میخواند یعنی ای بار خدای دوری کردان میان من و میان گناهان من چنانچه دوری کردانیدی میان مشرق و مغرب ای بار خدای بشوی گناهان مرا باب و برف و ژاله یعنی بشو گناهان مرا بانواع مغفرت که در محو کردن گناهان بمنزله این انواع مذکوره است در ازالت نجاست سبحانك اللهم وبحمدك تبارك اسمك وتعالى جدك ولا اله غيرك ت س ط م در سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه و صحیح مستدرک بروایت عایشه رضی الله عنها و در معجم کبیر بروایت انس رضی الله عنه و در مسلم موقوف است بروایت عمر رضی الله عنه که بعد تکبیر سبحانك اللهم تا آخر خواند یعنی اثبت پاکی و حمد مر تراست ای بار خدای نام تو بزرگ است و عظمت تو برتر است غیر تو معبودی نیست الله اكبر كبيرا والحمد لله كثيرا

ای میگوید اللهم اغسلنی من خطایای

قال الخطابی رحمه الله لم یرد بها اعیان هذه الصفات وانما اراد بها التوكيد في التطهير من الخطايا والذنوب والمبالغة في محوها عنه

سُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا م ت س در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی است بروایت عمر رضی اللّٰه عنه که چون رسول صلی اللّٰه علیه وسلم برای نماز ایستاده بشنیدی الله اکبر کبیرا تا آخر میفرمودند معنی اینست خدای تعالی بزرگست و حمد مر خدای تعالی را بسیارست و بپاکی یاد میکنم خدای تعالی را در بامداد و شبانگاه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا كَثِيْرًا طَيِّبًا مُّبَارَكًا فِيْهِ م د س در صحیح مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی است بروایت انس رضی اللّٰه عنه که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم بعد تکبیر الحمد تا آخر میفرمودند اما در مسلم لفظ فیه نیست معنی اینست حمد مر خدای تعالی راست حمدی بسیار پاک از ریا مبارک تعظیم البسیار کرد اند اللّٰهم باعد بيني وبين ذنبي كما باعدت بين المشرق والمغرب ونقني من خطيئتي كما نقيت الثوب من الدنس ط در معجم کبیر است بسمره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد تکبیر دعاء مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای دوری کردان میان من و میان گناهان من چنانچه دوری کرد اندی میان مشرق و مغرب دور از گناهان من پاک کن چنانچه پاک کرد اندی جامه را از ریم و فی صلوة التطوع اللّٰه اكبر كبيرا ثلثا الحمد لله كثيرا ثلثا سبحان الله بكرة واصيلا ثلثا اعوذ بالله من الشيطان الرجيم من نفخه ونفثه وهمزه دق حب س مص سنی در سنن ابی داؤد و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و مصنف ابو بکر و سنن کبیر بیهقی است بروایت جبیر بن مطعم رضی اللّٰه عنه که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم در نماز نفل بعد تکبیر الله اکبر کبیرا سه بار میفرمودند الحمد لله کثیرا سه بار میفرمودند سبحان الله بكرة واصيلا سه بار میفرمود و بعده اعوذ بالله تا آخر

التنقیة پاک کردن

الدنس یعنی چرک

بیان نماز نفل

النفخ در دمیدن

الهمز نفزدن [illegible]

جار فی تفسیره ان همز الوتة دفی السعت ونفثه الکبر ونفخه دالشعر

[illegible]

میفرمود معنی اینست پناه میجویم بخدای تعالی از شیطان رانده از دمیدن او و نفث زدن او و افشردن او و در مشکوة است که عمر رضی اللّٰه عنه نفخ را به تکبر و نفث را بشعر و همز را بجنون بیان کرد سُبْحَانَ ذِي الْمَلَكُوْتِ وَالْجَبَرُوْتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ طس در معجم اوسط است بروایت حذیفه رضی اللّٰه عنه که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم بعد تکبیر سبحان الله تا آخر میفرمود معنی اینست پاکیست مر خداوند پادشاهی را خداوند بزرگی و بزرگواری و عظمت را وَاِذَا قَالَ الْاِمَامُ غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ فَلْيَقُلِ الْمَأْمُوْمُ اٰمِيْنَ يُجِبْهُ اللّٰهُ م د س ق در صحیح مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابی موسی اشعری رضی اللّٰه عنه که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم فرمود چون امام ولا الضالین گوید که مقتدی آمین گوید تا خدای تعالی اجابت کند وَاِذَا اَمَّنَ الْاِمَامُ فَلْيُؤَمِّنِ الْمَأْمُوْمُ فَمَنْ وَّافَقَ تَاْمِيْنُهٗ تَاْمِيْنَ الْمَلٰٓئِكَةِ غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت ابو هریره رضی اللّٰه عنه که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم فرمود چون امام آمین گوید پس گو که مقتدی آمین گوید زیراچه فرشتگان هم آمین گویند پس هر که آمین او موافق آمین فرشتگان آید گناهان گذشته او مغفور گردد وَلَمَّا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰمِيْنَ مَدَّ بِهَا صَوْتَهٗ ت مص رَفَعَ بِهَا صَوْتَهٗ د در مسند امام احمد و سنن ابی داؤد و ترمذی و مصنف ابو بکر مرویست و ایل بن حجر رضی اللّٰه عنه گهر کا که رسول صلی اللّٰه علیه وسلم آمین فرمود آواز خود را بامتین دراز کرد و در سنن ابی داؤد است در حدیثی دیگر که آواز خود را با آمین بلند کرد وَكَانَ اِذَا قَالَ اٰمِيْنَ يَسْمَعُ مَنْ يَّلِيْهِ مِنَ الصَّفِّ الْاَوَّلِ دق در سنن ابی

عطف علی مقرا ابن العاری فامنوا فان الملائکه یومن فمن وافق ه

ای المعنی من آمین گفتن ه التابعین

الامن کان یفرده السریع بالمنه اود الخشوع في الخشوع

[illegible]

الارتجاج
آواز بلند کردن

قوله فیرتج ارتج بمعنی اضطرب وهو افتعل من الرج وهو الحرکة الشدیده ٥

داؤد و ابن ماجه است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم چون آمین میفرمود هر که قریب او از صف اول بود می شنید فیرتج
بها المسجد ق در سنن ابن ماجه است پس مسجد بآواز آمین می جنبید
وقال آمین ثلث مرات ط در معجم کبیر است بروایت وایل ابن حجر رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم سه بار آمین فرمود و حین قال
ولا الضالین قال رب اغفرلی آمین ط در معجم کبیر است بروایت وایل
بن حجر رضی الله عنه که گفتی که رسول صلی الله علیه وسلم ولا الضالین فرمود رب
اغفرلی آمین نیز فرمود و اذا رکع سبحان ربی العظیم م عه مس ر در
صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت حذیفه رضی الله عنه و در صحیح مستدرک
بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه و در مسند بزار بروایت ابن مسعود رضی
الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم رکوع میکرد سبحان ربی العظیم میفرمود
ثلثا ر در مسند بزار است که سه بار میفرمود و ذلک ادناه در سنن ابی داود
است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که سه بار گفتن ادنی است سبحانک
اللهم ربنا وبحمدک اللهم اغفرلی خ م د س ق در صحیح بخاری و مسلم
و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت عایشه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم در رکوع سبحانک اللهم تا آخر میفرمود معنی اینست
بپاکی یاد میکنم ترا ای بارخدای ای پروردگار ما و حمد تو میگویم ای بارخدای بیامرز
مرا سبحان الله وبحمده ثلث مرات ا ط در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت
ابومالک اشعری رضی الله که رسول فرمود اللهم لک رکعت وبک آمنت ولک

اسلمت

الخشوع والخضوع
فروتنی کردن مرعدیع ٥

اسلمت خشع لک سمعی وبصری وعظمی وعصبی م د س در صحیح مسلم و سنن
ابی داود و نسائی است بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
در رکوع اللهم تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای برای تو رکوع کردم و بتو ایمان
آوردم و برای تو فروتنی کردم و ساکن گشت و فروتنی کرد برای تو گوش من و چشم من
و مغز من و استخوان من و دل من سبوح قدوس رب الملائکة والروح م د س

السبوح
پاک وکذا القدوس ٥

در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی است بروایت عایشه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم در رکوع سبوح تا آخر میخواند معنی اینست تویی پاک
پروردگار فرشتگان و روح معنی سبوح قدوس یکی است و مراد از روح روحی است
که بدان خود با جبرئیل علیه السلام است تخصیص او بفضل اوست رکع لک
سوادی وخیالی وآمن بک فؤادی ابوء بنعمتک علی هذه یدای وما
جنیت علی نفسی مس در صحیح مستدرک است که رسول صلی الله علیه وسلم در رکوع
رکع لک تا آخر میخواند معنی اینست سجده کرد برای تو کالبد من و صورت من و ایمان
آورد بتو دل من اقرار میکنم بنعمت تو که بر من است این دو دست من و جنایتی
که بر نفس خود کردم سبحان ذی الجبروت والملکوت والکبریاء والعظمة
د س در سنن ابی داود و نسائی است بروایت عوف ابن مالک رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در رکوع سبحان تا آخر میخواند معنی گذشت
واذا قام من الرکوع قال سمع الله لمن حمده س عه ط در مسلم و چهار سنن
است بروایت حذیفه رضی الله عنه و در معجم کبیر بروایت ابن مسعود رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم از رکوع ایستاده میشد میگفت سمع الله لمن حمده

السواد
کالبدن

ملکوت
پادشاه

جبروت
بزرگوار

سمع الله سمع حمده
ای اجابه

میفرمود معنی اینست اجابت کرد خدای کسی را که حمد او کفت اللهم ربنا لک
الحمد خ م ت س د در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی
و ابی داود است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
و سلم بعد قیام از رکوع کلمه مذکوره میفرمود معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار
ما مر تراست حمد ربنا و لک الحمد م خ در صحیح مسلم و بخاری است که رسول صلی الله
علیه و سلم بعد قیام از رکوع کلمه مذکوره میفرمود ربنا لک الحمد خ در صحیح بخاری است
که رسول صلی الله علیه و سلم کلمه مذکوره میفرمود ربنا و لک الحمد حمدا کثیرا طیبا مبارکا
فیه خ د س در صحیح بخاری و سنن ابی داود و نسائی است بروایت رفاعة رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم ربنا و لک الحمد تا آخر میفرمود معنی گذشت اللهم
لک الحمد ملاء السموات و ملاء الارض و ملاء ما شئت من شیء بعد اللهم طهرنی بالثلج
و البرد و الماء البارد اللهم طهرنی من الذنوب و الخطایا کما ینقی الثوب الابیض
من الوسخ م ت ق در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه
بروایت عبد الله بن ابی اوفی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد قیام از
رکوع اللهم لک الحمد تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدای مر تراست حمد پری
آسمانها و پری زمین و پری آنچه خواهی ای بار خدای پاک گردان مرا به برف و ژاله و آب
سرد ای بار خدای پاک گردان مرا از گناهان چنانکه پاک کنند جامه سفید را از چرک
اللهم ربنا لک الحمد ملاء السموات و ملاء الارض و ملاء ما بینهما و ملاء ما شئت
من شیء بعد اهل الثناء و المجد احق ما قال العبد و کلنا لک عبد لا مانع لما اعطیت
و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد م د س در صحیح مسلم و سنن
ابی داود

ابی داود و نسائی است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه و سلم بعد قیام از رکوع اللهم ربنا آتنا تا آخر میخواند بعضی معنی گذشت
و بعضی اینست ای اهل ثنا و عظمت سزاوارتر آنچه بنده گفته است اینست که
برای کسی را که تو بدهی مانعی نیست و کسی را که تو منع کنی دهنده نیست و صاحب
غنا را از عذاب تو غنا او نفع نکند و ما همه بندگان توایم اللهم ربنا لک الحمد ملاء
السموات و ملاء الارض و ملاء ما بینهما و ملاء ما شئت بعد اهل الثناء و اهل الکبریاء
و المجد لا مانع لما اعطیت و لا ینفع ذا الجد منک الجد ط در معجم است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد قیام
از رکوع اللهم ربنا تا آخر میخواند معنی همان است که گذشت

ذکر سجده

و اذا سجد
سبحان ربی الاعلی م عه حب مس در صحیح مسلم و چهار سنن
و مسند بزار و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت عقبة بن عامر
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم سجده میکرد سبحان ربی الاعلی
میفرمود یعنی پاکیست پروردگار مرا که برتر است از نقایص و عیوب ثلاثا ر
در مسند بزار است بروایت ابن مسعود رضی الله که سه بار میفرمود و ذلک
ادناه د در سنن ابی داود است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که سه بار
ادنی است اللهم انی اعوذ برضاک من سخطک و بمعافاتک من عقوبتک
و اعوذ بک منک لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک
م عه در صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت عایشه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه و سلم در سجده اللهم تا آخر میخواند معنی در ادعیه نماز وتر

كذشت اللهم لك سجدت وبك آمنت ولك اسلمت سجد وجهي
للذي خلقه وصوره فاحسن صوره وشق سمعه وبصره تبارك الله
احسن الخالقين م د س در صحيح مسلم وسنن ابی داود ونسائی است بروایت
علی رضی الله عنه كه رسول صلی الله علیه وسلم در سجده اللهم لك سجدت
تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای برای تو سجده کردم وبتو ایمان آوردم
وبرای تو کردن نهادم سجده کرده است روی من برای کسی که روی مرا آفریده
است وصورت او کرد پس صورتهای او را نیک کردانید وجای کوش وچشم
او را شکافت کرد بزرکست خدای تعالی که نیکترین آفرینندکانست خشع سمعی وبصری
ودمی ولحمی وعظمی وعصبی وما استقلت به قدمی لله رب العالمین
س حب در سنن نسائی وصحیح ابن حبان است بروایت جابر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سجده خشع سمعی تا آخر میخواند معنی اینست
سکون کشت وفروتنی کرد مر خدای تعالی را که پروردکار جهانیانست کوش من وچشم من
وخون من وکوشت من واستخوان مغز و پی من وآنچه برداشته است آنرا قدم من
یعنی تمام اندام من سبوح قدوس رب الملائکة والروح م د س در صحیح مسلم
وسنن ابی داود ونسائی است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی
الله علیه وسلم در سجده سبوح تا آخر میفرمود معنی کذشت سبحانك اللهم ربنا
وبحمدك خ م د س ق در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی
وابن ماجه است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
در سجده سبحانك تا آخر میفرمود معنی کذشت اللهم اغفرلی ذنبی کله دقه وجله و

ادله

خشوع السمع ای لا یسمع ما نهی عنه
خشوع البصر ای بصر الی ما لا ینبغ
مسندا او لا ینظر الی الجامعه

زاد ابن حبان ما شغلت به
قدمی لله رب العالمین ٥

تحفة النجاح

قوله والروح هو الذی به
قوام کل حی او جبرئیل خص
بالذکر تفضیلا علی سایر
الملائکة او صنف من الملائکة

ع

رکله واوله وآخره وعلانیته وسره م د در صحیح مسلم وسنن ابی داود است
بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سجده اللهم
تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای بیامرز کناه صغیر وکبیر من وکناه
اول وآخر من وکناه آشکار ونهان من اللهم سجد لك سوادی وخیالی
وبك آمن فؤادی ابوء بنعمتك علی وهذا ما جنیت علی نفسی یا
عظیم یا عظیم اغفرلی فانه لا یغفر الذنوب العظیمة الا الرب العظیم
مس در صحیح مستدرك است بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم در سجده اللهم سجد لك تا آخر میخواند معنی کذشت در دعاء رکوع سبحانك
ذی الملك والملکوت سبحان ذی العزة والجبروت سبحان الحی الذی
لا یموت اعوذ بعفوك من عقابك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ
بك منك جل وجهك الکریم مس در صحیح مستدرك است که رسول صلی الله
علیه وسلم در سجده سبحان الله تا آخر میخواند معنی اینست مر خداوند ملك با کیست
را پاکیست مر خداوند عزت بزرکی را پاکیست مر زنده را که نمرد باقی معنی کذشت
در دعاء وتر رب اعط نفسی تقواها وزکها انت خیر من زکاها انت ولیها
ومولاها ا در مسند امام احمد است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
در سجده رب اعط تا آخر میخواند معنی اینست ای پروردکار من نفس مرا
تقوی بده و پاك کردان توی بهترین کسی است که آنرا پاك کرد اینده است
توئی ناصر ونکهدارنده مالك نفس من اللهم اغفرلی ما اسررت وما اعلنت مص
در مصنف ابی بکر است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله

قوله وجعله بکلیته الجلال فینبغ
قوله وجله بکلیة الجیم ای جلیله
قوله واوله ای قلیل النسوه
قوله وآخره بعد الشبوه ٥

باکیست

علیه وسلم در سجده اللهم تا آخر میخواند یعنی اینست ای بار خدای بیامرز برای من گناهای
که نهان کردم و گناهی را که آشکارا کردم اللهم اجعل فی قلبی نوراً واجعل
امامی نوراً واجعل خلفی نوراً واجعل من تحتی نوراً واعظم لی نوراً حص
در مصنف ابوبکر است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم در سجده اللهم اجعل تا آخر میخواند یعنی در دعا خروج است از بیت [illegible]
وفی سجود القرآن سجد وجهی للذی خلقه وصوره وشق سمعه وبصره
بحوله وقوته س دت مس در سنن نسائی و ابن داود و ترمذی و صحیح
مستدرک است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
وسلم در سجده تلاوت سجد وجهی تا آخر میخواند یعنی در سجده نماز که گذشت
مراراً د در سنن ابی داود است که چند بار میخواند تبارک الله احسن الخالقین
مس در صحیح مستدرک است که در آخر دعای مذکور فتبارک الله تا آخر [illegible]
اللهم اکتب لی عندک بها اجراً وضع عنی بها وزراً واجعلها لی عندک
ذخراً وتقبلها منی کما تقبلتها من عبدک داود ت ق حب
مس در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم در سجده تلاوت
اللهم تا آخر میخواند یعنی الهی ای بار خدای بدین سجده نزد خود برای من اجر
ثابت کن و بدین سجده گناه را از من فرو نه و این سجده را نزد خود برای من ذخیره
گردان و این سجده را از من قبول کن چنانکه از بنده خود داود علیه السلام قبول کردی
کما وضع رجل جبهته لله ساجداً فقال یا رب اغفر لی ثلثاً الا رفع

رأسه

فی سمعی نوراً واجعل فی بصری نوراً واجعل ۴

ای قوله فی السجود التلاوة سجد وجهی للذی الی آخره ٥

بیان سجده تلاوت

عن عائشه رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول فی سجود القرآن ٥ مشکوة

التقبل پذیرفتن ٥

قوله ذخراً ای ذخیره ٥

رأسه وقد غفر له مرحص در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابوبکر
است بروایت ابوسعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمودند هیچ مردی پیشانی خود را در حالت سجده برای خدای تعالی
پس سه بار یا رب اغفر لی نگفت مگر که برداشت سر خود را در آن حال که آمرزیده
گشت و اذا جلس بین السجدتین اللهم اغفر لی وارحمنی وعافنی
واهدنی وارزقنی دت ق مس سنی در سنن ابی داود
ترمذی و ابن ماجه و صحیح مستدرک و سنن کبیر بیهقی است بروایت
ابن عباس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
میان دو سجده نماز می‌نشست اللهم اغفر لی تا آخر میخواند یعنی
اینست ای بار خدای برای من بیامرز و رحمت کن و مرا در عافیت دار
و براه راست ثابت گردان و مرا رزق ده واجبرنی ت سنی
در سنن ترمذی و سنن کبیر بیهقی است یعنی حال مرا نیک گردان وارفعنی
مس ق سنی در صحیح مستدرک و سنن ابن ماجه و سنن کبیر بیهقی
است وارفعنی یعنی مرتبه مرا بر دار وقنت فی الفجر ر مص
مر مص در مسند بزار و صحیح مستدرک بروایت انس است
رضی الله عنه و در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابوبکر است
بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در فجر دعای
قنوت میخواند و فی سایر الصلوات ان نزل نازلة اذا قال سمع
الله لمن حمده فی الرکعة الاخرة وبدعو من من خلفه ا در مسند

بیان نیاحت دو سجده نماز

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال کان النبی صلی الله علیه وسلم یقول ٥

برمن

الجبر نیکو کردن حال کسی ٥

مکان ارفعنی ارفعنی من الرفعه ٥

الی النبی صلی الله علیه وسلم

بیان قنوت در فجر

امام احمد وسنن ابی داود است بروایت ابن عباس رضی الله عنه
که اگر حادثه نازل میشد رسول الله صلی الله علیه وسلم در دیگر نماز فرض
قنوت میخواندند چون سمع الله لمن حمده در رکعت اخره میفرمودند وآمین میفرمودند
کسانی که پس رسول صلی الله علیه وسلم بوده اند واذا جلس للتشهد التحیات
لله والصلوات والطیبات السلام علیک ایها النبی ورحمة
الله وبرکاته السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین اشهد
ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله ع سنی
در اصول ستة است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه ودر سنن
کبری بیهقی هست بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله
علیه وسلم برای تشهد می نشست التحیات تا آخر میخواندند اما در سنن
نسائی بجای السلام سلام وارد است واشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمدا وارد است معنی اینست بقا وملک
مر خدای تعالی راست ورحمتها و پاکیها ای پیغامبر بر تو سلام ورحمت
وبرکتهای خدای تعالی است سلام بر ماست و بر بندگان صالح خدای
تعالی گواهی میدهم که جز خدای تعالی معبود بحق نیست وگواهی میدهم
که محمد صلی الله علیه وسلم بنده ورسول خدای تعالی است التحیات
المبارکات الصلوة الطیبات لله السلام علیک ایها النبی ورحمة الله
وبرکاته السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین اشهد ان لا اله
الا الله واشهد ان محمدا رسول الله م عه س حب در صحیح مسلم
وچهار سنن

معنی قوله السلام علیک ایها ای سلمت من المکاره

بیان تشهد

ای ما بلا وسلبلذ و
قبل الکلمات الذاکیة
علی الخبر کناه الله

وچهار سنن وصحیح ابن حبان است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم در تشهد التحیات بطریق مذکور میگفت اما در سنن نسائی
وترمذی بجای السلام هر دو جا سلام وارد است التحیات الطیبات الصلوات
لله السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علینا وعلی
عباد الله الصالحین اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله
موس طا در کتاب دعا ابن مردویه وصحیح مستدرک وموطاست
بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم التحیات بطریق مذکور
میخواند بسم الله وبالله خیر الاسماء التحیات الطیبات الصلوة لله
واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا وان الساعة آتیة لا ریب فیها
السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علینا وعلی
عباد الله الصالحین اللهم اغفر لی واهدنی طس در معجم کبیر اوسط است
بروایت ابن الزبیر رضی الله عنهما التحیات بطریق مذکور میخواندند معنی بعضی
الفاظ که اینجا زیاده است اینست گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه وسلم
بنده ورسول خدای تعالی است فرستاده است او را بحق مژده دهنده نعیم
وبیم کننده جحیم وگواهی میدهم که قیامت بیشک آمدنیست ای بار خدای
مرا بیامرز وبر راه راست ثابت دار وکیفیت الصلوة علی النبی صلی الله علیه
وسلم این شروع است در کیفیت درود که در تشهد چگونه درود گوید اللهم صل
علی محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک

بیان شروع درود است

علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمیدٌ
مجیدٌ ع در اصول است بروایت کعب بن عجره رضی الله عنه که درود
در تشهد بطریق مذکور گوید یعنی ابینت ای بارخدای درود بفرست بر محمد صلی الله
علیه وسلم و بر آل محمد چنانچه درود فرستادی بر ابراهیم علیه السلام و بر آل ابراهیم
بدرستی که توئی ستوده بستایشهای بسیار بزرگوار ای بارخدای برکت کن
بر محمد صلی الله علیه وسلم و بر آل محمد چنانچه برکت کردی بر ابراهیم [علیه السلام و بر آل ابراهیم] بدرستی که توئی
ستوده بزرگوار اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ
اللهم بارک علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ کما بارکت علی ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ
خ م س در صحیح بخاری ومسلم وسنن نسائی است بروایت کعب
بن عجره رضی الله عنه که درود بطریق مذکور گوید اللهم صل علی محمدٍ وعلی آل
محمدٍ کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ
اللهم بارک علی محمدٍ وآل محمدٍ کما بارکت علی ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ
خ م در صحیح بخاری ومسلم است که درود بطریق مذکور گوید اللهم صل علی
محمدٍ وازواجه وذریته کما بارکت علی ابراهیم خ م د س ق حب
انک حمیدٌ مجیدٌ خ در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی
وابن ماجه وصحیح ابن حبان است بروایت ابو حمید ساعدی رضی الله عنه
که درود بطریق مذکور گوید اما در مسلم انک حمیدٌ مجیدٌ زیادتست م اللهم
صل علی محمدٍ عبدک ورسولک کما صلیت علی ابراهیم وبارک علی محمدٍ
وعلی آل محمدٍ کما بارکت علی آل ابراهیم خ س ق در صحیح بخاری

ابراهیم وعلی

وسنن

وسنن نسائی وابن ماجه است بروایت ابوسعید خدری رضی الله عنه که درود
بطریق مذکور است گوید اللهم صل علی محمدٍ کما صلیت علی ابراهیم خ در صحیح
بخاری است بروایت ابوسعید خدری رضی الله عنه که درود بطریق مذکور گوید
اللهم صل علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ کما صلیت علی آل ابراهیم وبارک علی محمدٍ
وعلی آل محمدٍ کما بارکت علی ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید م د ت
س در صحیح مسلم وسنن ابی داود وترمذی ونسائی است بروایت ابو مسعود رضی
الله عنه که درود بطریق مذکور گوید اللهم صل علی محمدٍ النبی الامی وعلی آل محمد
د س در سنن ابی داود ونسائی است که بطریق مذکور گوید کما صلیت علی
ابراهیم وبارک محمدٍ النبی الامی کما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید س
در نسائی ابن مذکور بر مقدم زیادت است اللهم صل علی محمدٍ وعلی آل محمدٍ کما صلیت
وبارکت علی ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ ز در مسند بزار است بروایت
ابوهریره که بطریق مذکور گوید اقبل رجل حتی جلس بین یدی رسول الله
اما السلام علیک فقد عرفناه وکیف نصلی علیک اذا نحن صلینا
علیک فی صلوتنا صلی الله علیک فصمت حتی احببنا ان
الرجل لم یسأله ثم قال اذا صلیتم علی فقولوا اللهم صل علی
محمدٍ النبی الامی وعلی آل محمدٍ کما صلیت علی ابراهیم وعلی
آل ابراهیم وبارک علی محمدٍ النبی الامی وعلی آل محمدٍ کما بارکت
علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمیدٌ مجیدٌ حب مس در صحیح
ابن حبان وصحیح مستدرک است بروایت ابوسعید خدری رضی الله عنه

الصمت والصمات
والصموت خاموش بودن
من حد نصر

عن عفیف بن عمار
[illegible]
الاقبال
روی [illegible]

که مردی آمده پیش رسول صلی الله علیه وسلم نشست و ما نزد رسول
صلی الله علیه وسلم بودیم پس گفت که ای رسول سلام بر تو گفتن دانستیم
بر تو درود در نماز چگونه گوئیم پس رسول صلی الله علیه وسلم خاموش
ماند تا که دوست داشتیم که این مرد نمی پرسیدی پس رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود چون خواهید که درود بر من گوئید پس طریق مذکور بگوئید
مَنْ سَرَّهُ اَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْاَوْفَى اِذَا صَلَّى عَلَيْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ
فَلْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَاَزْوَاجِهِ اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ
وَذُرِّيَّتِهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ د در سنن
ابی داؤد است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که خوش کرد اند که اجر خود به پیمانهٔ تمام تر گیرد چون گفتن درود در نماز یعنی
اهل بیت خواهد پس گو که بطریق مذکور گوید مَنْ صَلّٰى عَلٰى مُحَمَّدٍ فَقَالَ اَللّٰهُمَّ
اَنْزِلْهُ الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَجَبَتْ لَهٗ شَفَاعَتِيْ
ر ط طس در مسند بزار و معجم کبیر و اوسط است بروایت رویفع بن
ثابت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بر محمد صلی الله
علیه وسلم درود گوید پس دعاء مذکور خواند شفاعت من برای او واجب
شود یعنی ابنست ای بار خدای فرود آر محمد صلی الله علیه وسلم را در جای
که مقرب است نزد تو ثُمَّ لِيَتَخَيَّرْ مِنَ الدُّعَاءِ اَعْجَبَهُ اِلَيْهِ فَيَدْعُوْ خ در صحیح
بخاری است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
صحابه را التشهد آموخت پس فرمود که اختیار کند بعد تشهد و درود دعای

که سوی او دوست بود پس دعا بدان کند و لیستعذ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ
بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ
وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيْحِ الدَّجَّالِ م ع ه حب در صحیح مسلم و صحاح سنن
و صحیح حبان است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود چون یکی از شما از تشهد اخیر فارغ شود پس گو که تعوذ بطریق
مذکور گوید یعنی اینست ای بار خدای بدرستی که من بتو پناه میجویم از عذاب
دوزخ و از عذاب گور و از فتنهٔ زندگانی که فوت مال و موت و بلای جراحت
و از فتنهٔ مرگ مکان و اهوال است و از شر فتنهٔ مسیح دجال مسیح را از آن
گویند که یک چشم او ممسوح است یا که تمام زمین را مساحت کند یعنی در تمام زمین
بگردد اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيْحِ الدَّجَّالِ
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْمَاْثَمِ
وَالْمَغْرَمِ خ م د س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم
در نماز اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ تا آخر میخواند بعضی معنی گذشت و بعضی اینست ای بار خدای
بدرستی که من بتو می پناهم از گناه و دین اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا
اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ
مِنِّيْ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ م د ت س
در صحیح مسلم و سنن ابی داؤد و ترمذی و نسائی است بروایت
علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد تشهد اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ

تا آخر میخواند معنی اللهم ای بار خدای بیامرز برای من گناه پیشین و گناه پسین

من و گناه پنهان من و گناه آشکار من و اسراف من یعنی کاری که

بیهوده کردم و گناهی که بدان داناتری از من که شبهه بار پائی آمده باشد

و مرا بدان علم نبود و توئی پیش کننده و پس دارنده اللهم انی ظلمت

نفسی ظلما کثیرا و لا یغفر الذنب الا انت فاغفر لی مغفرة من عندک

و ارحمنی انک انت الغفور الرحیم دس مس در صحیح بخاری و مسلم

و سنن ترمذی و ابن ماجه است بروایت ابو بکر صدیق رضی الله عنه

و نسائی

که گفتیم ای رسول خدای مرا دعای بیاموز که بدان در نماز دعا کنم پس رسول

صلی الله علیه و سلم دعای مذکور فرمود معنی اللهم ای بار خدای بدرستی که من

بر نفس خود ظلم بسیار کردم و گناهان را جز تو کسی نیامرزد پس مغفرت کن برای من

مغفرتی از نزد خود و بر من رحمت کن بدرستی که توئی آمرزنده رحمت کننده

اللهم انی اعوذ بک من عذاب جهنم و اعوذ بک من عذاب القبر و اعوذ

بک من فتنة المسیح الدجال و اعوذ بک من فتنة المحیا و الممات

م در صحیح مسلم است که رسول صلی الله علیه و سلم بعد تشهد اللهم انی تا

آخر میخواند پیش از سلام مثل این حدیث بروایت عائشه رضی الله عنها گفته

است اللهم انی اسالک یا الله الاحد الصمد الذی لم یلد و لم

یولد و لم یکن له کفوا احد ان تغفر لی ذنوبی انک انت

الغفور الرحیم دس مس در سنن ابی داود و نسائی و صحیح

مستدرک است بروایت محجن رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم

بعد تشهد

بعد تشهد دعاء مذکور می خواند معنی اللهم ای بار خدای بدرستی که من از تو میخواهم

آنکه گناهان بیامرزی بدرستی که توئی غفور رحیم ای خدای که یکی هستی یاد هم

خلقی آنکه نزاده است و نه کسی او را زاده است و هیچ یکی مر او را همتا نیست

اللهم حاسبنی حسابا یسیرا مس در صحیح مستدرک است که رسول صلی الله علیه

و سلم بعد تشهد اللهم تا آخر میخواند معنی اللهم ای بار خدای حساب کن ما را حسابی

آسان نرد لیقل اللهم انی اسالک من الخیر کله ما علمت منه و ما لم اعلم

اللهم انی اسالک من خیر ما سالک به عبادک الصالحون و اعوذ بک من

شر ما عاذ منه عبادک الصالحون ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة

حسنة و قنا عذاب النار ربنا اننا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد

آمنا ۱۲ ج

مس مص در کتاب دعاء ابن مردویه و مصنف ابو بکر است بروایت عمر

بن سعد رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون یکی از شما از

تشهد فارغ شود پس گو که بگوید اللهم انی اسالک تا آخر گوید معنی اللهم ای بار خدای

بدرستی که من میخواهم از تو همه نیکی را آنچه میدانم و آنچه نمیدانم ای بار خدای بدرستی

که من از تو میخواهم بهترین آنچه خواسته اند از تو بندگان صالح تو و بتو می پناهم از بدی

آنچه پناهیده اند از آن بندگان صالح تو ای پروردگار ما ما را در دنیا و آخرة

نیکی بده و ما را از عذاب آتش نگاه داری پروردگار ما بدرستی که ما ایمان آوردیم

پس ما را گناهان بیامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار ای پروردگار ما بده ما را

آنچه بر رسل خود وعده کرده و در روز قیامت ما را خوار مکن بدرستی که تو وعده را خلاف نکنی

بیان سید الاستغفار

بکنی سید الاستغفار ان یقول الرجل اذا جلس فی صلوته اللهم انت
ربی لا اله الا انت خلقتنی و انا علی عهدک و وعدک
ما استطعت اعوذ بک من شر ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی
و ابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت ر در مسند
بزار است بروایت بریده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
سید استغفار آنست که مرد چون در نماز خود بنشیند اللهم انت ربی تا آخر
بخواند معنی در ادعیه صباح گذشت

و اذا سلم

و اذا سلم لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر ثلث مرات اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی
لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد خ م د س ر ط ی در صحیح
بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و مسند بزار و معجم کبیر و کتاب
عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت مغیره بن شعبه رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم سلام از نماز می گفت لا اله الا الله تا آخر
می فرمود معنی در ادعیه صباح و قیام از رکوع گذشت او لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد و هو علی کل شیء قدیر ثلث
مرات خ س در صحیح بخاری و سنن نسائی است که رسول صلی الله
علیه وسلم بعد از سلام لا اله الا الله تا آخر سه بار میگفت او دبره و بعده
لا حول و لا قوة الا بالله لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه له
النعمة وله الفضل وله الثناء الحسن لا اله الا الله مخلصین

له الدین ولو کره الکافرون م د س مص در مسلم و سنن ابی
داود و نسائی و مصنف ابوبکر است بروایت عبد الله بن الزبیر رضی الله
عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم بعد از نماز میفرمود با آواز بلند یکبار
لا اله الا الله وحده تا آخر و بعده لا حول و لا قوة الا بالله تا آخر
میفرمود معنی اینست نیست حیله و قوة جز بخدای تعالی نیست معبود بحق جز
خدای تعالی و نمی پرستیم جز او تعالی را و را است نعمت و فضل و ثنا نیک
جز او تعالی معبود نیست خالص میکردانیم برای او تعالی دین را اگرچه
کافران کراهیت کرده اند م د س مص استغفر الله ثلاث مرات
اللهم انت السلام و منک السلام تبارکت استغفر الله ثلث مرات
اللهم انت السلام و منک السلام تبارکت یا ذا الجلال و الاکرام
م عه ط ی در صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت عایشه رضی الله عنها
و در معجم کبیر است بروایت عمر رضی الله عنهما و در کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی
بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه وسلم نماز را تمام
میکردند سه بار استغفار میفرمودند و اللهم انت السلام تا آخر میفرمود معنی اینست
ای بار خدای توئی سالم از عیوب و نقایص و سلامتی ما از تست تو بزرگی ای
خداوند عظمت و گرامی سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر لتکون منهن
کلهن ثلثا و ثلثین مرة خ م س در صحیح بخاری و مسلم و نسائی است

سنن

بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سبحان
الله و الحمد لله و الله اکبر سی و سه بار گویند تا آنکه هر یکی ازین سی و سه بار گردد یا

و احدی عشرة و معدی

گویند همه سی و سه بار باشد چنانچه در حدیث فرو نیز می آید او احدی عشرة
و احدی عشرة فذلک کله ثلاث و ثلاثون م در صحیح مسلم است با که
یازده بار یازده بار گویند پس آن همه سی و سه بار است او عشر اعشرا خ

اعشر

در صحیح بخاریست بروایت ابو هریره و عبد الله بن عمرو عاص رضی الله عنهم با که
ده کان بار گویند پس آن همه صد بار است من سبح الله دبر کل صلوة ثلثا و ثلثین
و حمد الله ثلثا و ثلثین و کبر الله ثلثا و ثلثین ثم قال تمام المائة لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر
غفرت خطایاه و ان کانت مثل زبد البحر م د س در صحیح بخاری و سنن
ابی داود و نسائی است بروایت ابو هریره رضی الله که رسول صلی الله
علیه و سلم فرموده که بعد هر نماز فرض سبحان الله والحمد لله والله اکبر
سی و سه بار بگوید که آن نود و نه بار گردد پس در بار صدم لا اله الا الله
وحده تا آخر گوید گناهان او مغفور شوند اگرچه مثل کف دریا باشد معقبات
لا یخیب قائلهن او فاعلهن دبر کل صلوة مکتوبة ثلث و ثلثون

عکاده ب

تسبیحة و ثلث و ثلثون تحمیدة و اربع و ثلثون تکبیرة م ت س
در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی است بروایت کعب بن عجره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود کلمهای که پس از یکدیگر می آیند
یا گویند کلمهای که گناه را محو می کنند چنانچه در لا معقبات لکلمه گفته اند از
کلمها که زبان زده و نوسیده گردد هر که آنرا بعد هر نماز فریضه گوید سی
تسبیح اند و سی و سه تحمید اند و سی و چهار تکبیر اند من سبح دبر کل صلوة مکتوبة

مائة و کبر مائة و هلل مائة و حمد مائة غفرت له ذنوبه و ان کانت اکثر من زبد البحر
س در سنن نسائی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه و سلم فرموده که بعد از هر نماز فریضه صد بار سبحان الله گوید و صد
بار الله اکبر گوید و صد بار لا اله الا الله گوید و صد بار الحمد لله گوید گناهان او
مغفور گردد اگرچه بیشتر از کف دریا باشد او من کل خمسا و عشرین س حب
س در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت زید
بن ثابت رضی الله عنه که هر که از هر تسبیح و تکبیر و تهلیل و تحمید بیست و پنج بار
گوید او فضیلت مذکور حاصل کرد او من کل من التسبیح و التحمید ثلثا
و ثلثین و التکبیر اربعا و ثلثین و لا اله الا الله عشر مرات ت س
در سنن ترمذی و نسائی است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که هر که
تسبیح و تحمید سی بار گوید و تکبیر سی و چهار بار گوید و تهلیل ده بار گوید او را فضیلت
مذکور حاصل کرد او کذلک و التکبیر ثلثا و ثلثین س در سنن نسائی
است که هر که تسبیح و تحمید سی بار و تهلیل ده بار و تکبیر سی بار گوید او را فضیلت
مذکور حاصل کرد او من کل من التسبیح و التحمید و التکبیر مائة مائة مع
لا اله الا الله وحده لا شریک له و لا حول و لا قوة الا
بالله لو کانت خطایاه مثل زبد البحر لمحتها ا در مسند امام

لمحتها م

احمد است بروایت ابو زید رضی الله عنه که با هر که از تسبیح و تحمید و تکبیر چندان بار
لا اله الا الله تا آخر گوید گناهان او هم محو گردد اگرچه مثل کف دریا باشد این کلمات آنرا
محو کنند او آیة الکرسی دبر کل صلوة مکتوبة لم یمنعه من دخول الجنة

بیان آیة الکرسی

إِلَّا أَنْ يَمُوتَ س حب ی در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و کتاب
عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود هر که آیة الکرسی بعد هر نماز فریضه خواند او را از دخول
بهشت جز در رسیدن موت مانع نباشد چون بمیرد در بهشت رود وَكَانَ فِي كُلِّ دُبُرِ مکتوبة
الله إِلَى الصَّلوٰةِ الْأُخْرَى ط در معجم کبیر است بروایت حسن رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بعد هر نماز فریضه آیة الکرسی خواند او تا نماز
دیگر در عهد امان خدای تعالی ماند و بسوره المعوذتین دُبُرَ كُلِّ صَلوٰةٍ ت د
س حب مس ی در سنن ترمذی و ابی داؤد و نسائی و صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت عقبه بن عامر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم مرا امر کرد تا بخوانم قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس بعد هر نماز فریضه و در روایتی المعوذات وارد است
پس مراد این هر دو سوره است و قل هو الله احد یا قل یا ایها الکافرون
باشد از جهت تغلیب با آنکه اقل جمع دو است اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ خ ت س در صحیح بخاری
و سنن ترمذی و نسائی است بروایت سعد بن وقاص رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه و سلم بعد هر نماز اللهم انی اعوذ بک تا آخر میخواند
معنی اینست ای بار خدای بزرگ که من می پناهم بتو از بد دلی و بخیلی و می
پناهم بتو از آنکه تا عمری رذیل مانم و می پناهم بتو از فتنه دنیا

و می پناهم بتو از گمراهی تا عمر مرا از عذاب قبر رَبِّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ أَوْ تَجْمَعُ
عِبَادَكَ عو م عه در صحیح ابو عوانه و صحیح مسلم و چهار سنن است
بروایت براء بن عازب رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
بعد هر نماز فریضه رب قنی تا آخر میگفت معنی میگفت معنی اینست ای
پروردگار من مرا از عذاب خود نگاهدار روزی که برانگیزی یا جمع کنی بندگان
خود را اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي عو در صحیح ابو عوانه است بروایت
سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد هر فریضه نماز اللهم اغفر لی
تا آخر میگفت یعنی در ادعیه نماز گذشت اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ
أَعِذْنِي مِنْ حَرِّ النَّارِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ طس در معجم اوسط است بروایت
عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم بعد هر نماز فریضه اللهم رب
تا آخر میخواند یعنی اینست ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل در پناه دار
مرا از گرمی آتش و عذاب قبر اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ
وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ
الْمُؤَخِّرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ د م ت حب در سنن ابی داؤد و صحیح مسلم و سنن
ترمذی و صحیح ابن حبان است که رسول صلی الله علیه و سلم بعد هر نماز اللهم
تا آخر میخواند یعنی در ادعیه تشهد گذشت اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ
وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ د س حب مس ی در سنن ابی داؤد و نسائی و صحیح
ابن حبان و مستدرک و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت معاذ
بن جبل رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم مرا دست گرفته فرمود

ای معاذ ترا دوست میدارم و ترا وصیت میکنم که پس هر نماز فریضه کلمات
مذکوره ترک نکنی معنی اینست ای بار خدای یاری بده مرا بذکر خود و بشکر
خود و حسن عبادت خود اللهم ربنا و رب کل شیء انا شهید ان محمدا
صلی الله علیه وسلم عبدک و رسولک اللهم ربنا و رب کل شیء
اجعلنی مخلصا لک و اهلی فی کل ساعة فی الدنیا و الآخرة
ذا الجلال و الاکرام اسمع و استجب الله اکبر الله الاکبر حسبی الله
و نعم الوکیل الله اکبر الله الاکبر **س دی** در سنن نسائی و ابی داود
و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت زید بن ارقم رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد هر فریضه اللهم ربنا تا آخر میخواند
معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز من گواهم
که توئی پروردگار تنها و بی شریک ای بار خدای ای پروردگار ما و پروردگار
هر چیز من گواهم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول تست ای بار خدای
پروردگار ما و پروردگار هر چیز من گواهم که همه بندگان تو برادران اند ای
پروردگار ما و پروردگار هر چیز مرا و اهل مرا مخلص برای طاعت خود گردان
در هر ساعت دنیا و آخرت ای خداوند عظمت و بزرگی قبول کن و مستجاب
گردان دعای مرا خدای تعالی بزرگست بسنده است مرا خدای تعالی
و نیکوست وکیل خدای تعالی بزرگست اللهم انی اعوذ بک من الکفر و الفقر
و عذاب القبر **س مس مص ی** در سنن نسائی و صحیح مستدرک
و مصنف ابو بکر و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابو بکر

انک الرب وحدک لا شریک لک اللهم ربنا و رب کل شیء انا شهید

انا شهید ان العباد اخوة اللهم ربنا و رب کل شیء

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه اللهم انی تا آخر میخواند
معنی کذشت اللهم اصلح لی دینی الذی جعلته عصمة امری و اصلح لی
دنیای التی جعلت فیها معاشی اللهم انی اعوذ بک برضاک من سخطک
و بعفوک من نقمتک و اعوذ بک منک لا مانع لما اعطیت و لا
معطی لما منعت و لا راد لما قضیت و لا ینفع ذا الجد منک
الجد **س حب** در سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت صهیب
رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه اللهم اصلح لی تا آخر
میخواند معنی اینست ای بار خدای راست گردان برای من دین من
که آنرا نگهدارنده کار من کردانیدی باقی معنی گذشت اللهم اغفر خطایای
و عمدی اللهم اهدنی لصالح الاعمال و الاخلاق لا یهدی لصالحها
و لا یصرف سیئها الا انت **ز** در مسند بزار است بروایت ابن عمر
رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه اللهم اغفر
تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدای بیامرز گناه و خطای مرا و گناه
عمد مرا ای بار خدای مرا راه نمای صالح اعمال و صالح اقوال را نه نماید
سوی صالح آن جز تو و دور نکرداند اعمال و اقوال بد را جز تو اللهم
انی اعوذ بک من عذاب النار و عذاب القبر و من فتنة المحیا
و الممات و من شر المسیح الدجال **عو مس** در صحیح ابو عوانه
و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم بعد نماز فرض اللهم انی تا آخر میخواند معنی آن

و نعوذ بک من نقمتک

گذشت اللهم اغفر لی خطایای وذنوبی کلها اللهم انعشنی طی
واجبرنی وارزقنی واهدنی لصالح الاعمال والاخلاق انه
لا یهدی لصالحها ولا یصرف سیئها الا انت مس طی
در صحیح مستدرک است بروایت ابو ایوب رضی الله عنه و در معجم کبیر
و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو امامه رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه اللهم انعشنی
تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای مرتبه مرا بر دار و مرا در رضای
خود زنده دار و در کتاب آخر بجای واجبرنی واجرنی وارد است
معنی آن اینست که حال مرا راست آر باقی معنی گذشت اللهم اصلح
لی دینی ووسع لی فی داری وبارک لی فی رزقی اط ص
در مسند امام احمد و معجم کبیر و مصنف ابوبکر است بروایت ابو موسی
اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فرض
اللهم اصلح لی تا آخر میخواند معنی اینست ای بارخدای دین مرا راست
دار و سرای مرا فراخ گردان و در رزق من برکت کن سبحان ربک
رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین ص ی در مسند ابی یعلی موصلی و کتاب عمل الیوم
واللیل ابن سنی است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز نزد رفتن سبحان ربک رب العزة
تا آخر میفرمود معنی پاکیست برای پروردگار تو ای محمد که پروردگار

عزت از آنچه کافران او را بدان وصف میکنند و سلام خدای تعالی
بر رسولان است و سپاس مر پروردگار جهانیان راست و کان صلی
الله علیه وسلم اذا صلی و فرغ من صلوته مسح بیمینه علی راسه
وقال بسم الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم اللهم اذهب
عنی الهم والحزن رطس ی در مسند بزار و معجم اوسط و
کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت انس رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم چون از نماز فارغ می شد بدست راست
خود بر سر خود مسح میکرد و بسم الله الذی تا آخر میگفت معنی اینست بنام
بنام خدای تعالی که نیست معبودی جز او که رحمن و رحیم است ای بارخدای
ببر از من غم و اندوه را و دبر صلوة صلوة الصبح وهو ثان رجلیه
طس ی قبل ان یتکلم ت س لا اله الا الله وحده لا شریک له

و دران روز در پناه از شر شیطان باشد اللهم انی اسالک

گذشت اللهم اغفر لی خطایای و ذنوبی کلها اللهم انعشنی طی
واجبنی وارزقنی واهدنی لصالح الاعمال والاخلاق انه
لا یهدی لصالحها ولا یصرف سیئها الا انت س طی
در صحیح مستدرکست بروایت ابو ایوب رضی الله عنه و در معجم کبیر
و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو امامه رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه اللهم انعشنی
تا آخر میخواند یعنی ابنعشنی ای بار خدای مرتبهٔ مرا بردار و مراد از [illegible]
خود زنده دار و در کتاب آخر بجای واجبنی واجرنی وارادا
معنی آن اینست که حال مرا است آر یا تی یعنی گذشت اللهم اصلح
لی دینی ووسع لی فی داری وبارک لی فی رزقی اطص
در مسند امام احمد و معجم کبیر و مصنف ابو بکر است بروایت ابو موسی
[illegible]
تا آخر میفرمود یعنی پاکیست برای پروردگار تو ای محمد که پروردگار

عزت است از آنچه کافران او را بدان وصف میکنند و سلام خدای تعالی
بر رسولان است و سپاس مر پروردگار جهانیان راست و کان صلی
الله علیه وسلم اذا صلی و فرغ من صلوته مسح بیمینه علی راسه
و قال بسم الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم اللهم اذهب
عنی الهم والحزن ع ر طس ی در مسند بزار و معجم اوسط و
کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت انس رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم چون از نماز فارغ می شد بدست راست
خود بر سر خود مسح میکرد و بسم الله الذی تا آخر میگفت یعنی ابتدا میکنم
بنام خدای تعالی که نیست معبودی جز او که رحمن و رحیم است ای بار خدای
ببر از من غم و اندوه را و دبر صلوة صلوة الصبح وهو ثان رجلیه
طس ی قبل ان یتکلم ت س لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت س طس بیده الخیر وهو
علی کل شیء قدیر عشر مرات ت س مائة مرة طس ی در سنن
ترمذی و نسائی و معجم اوسط و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت ابوذر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که
ده بار و در کتاب آخر است که هر که صد بار بعد نماز صبح پیش از سخن در
حالیکه خود دو تو کرده باشد یعنی از حال تشهد تغیر نداده باشد لا اله الا الله
وحده تا آخر گوید ده نیکی برای او بنویسند و ده بدی از او محو کنند
و در آن روز در پناه از شر شیطان باشد اللهم انی اسالک

رزقاً طیباً وعلماً نافعاً وعملاً متقبلاً ص ط ی در معجم صغیر و کتاب
عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ام سلمه رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز صبح اللهم انی تا آخر میگفت
یعنی الهی بیت ای بارخدای بدرستی که من از تو رزق حلال و علم نافع
و عمل مقبول میخواهم و دُبُر المغرب والصبح جمیعاً لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء
قدیر عشر مرات س حب اط در سنن نسائی و صحیح ابن حبان
و مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت ابو ایوب رضی الله
عنه و در مشکوة بروایت عبدالرحمن بن غنم است که رسول صلی
الله علیه وسلم فرموده که بعد نماز مغرب و صبح لا اله الا الله
وحده تا آخر گوید ده نیکی برای او بنویسند و ده بدی از او محو کنند
و ده درجه برای او برآرند و او در آن روز در پناه باشد از شیطان
قبل ان یتکلم وینصرف ویثنی رجلیه منهما او بعد صلوتی الصبح
والمغرب ایضاً قبل ان یتکلم اللهم اجرنی من النار سبع مرات
د س حب در سنن ابی داود و نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت
مسلم بن حارث رضی الله عنه که لا اله الا الله وحده که
مذکور است پیش از خاستن و زانو برداشتن گوید با آنکه بعد
نماز صبح و مغرب اللهم اجرنی من النار هفت بار نیز گوید و بعد
صلوة الضحی اللهم بک احاول وبک اصاول وبک اقاتل و

ودبر المغرب والصبح جمیعاً

نسخه بیده الخیر

ی در کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت صهیب
رضی الله عنه که بعد نماز ضحی اللهم بک تا آخر گوید یعنی الهی
ای بارخدای بنام تو و با عانت تو بر دشمن می جهم و با عانت تو
با دشمن قتال میکنم یعنی احاول و اصاول یکی است واذا دعی
الی طعام فلیجب م د ت س در صحیح مسلم و سنن ابی
داود و ترمذی و نسائی است بروایت ابو هریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما را سوی
طعام خوانند پس گو که اجابت کند ولا سیما ولیمة العرس د
ق عو در سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح ابو عوانه است که
وخصوصاً طعام ولیمه کار خیر را اجابت کند فان کان صائماً فلیصل
م د ت س در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است
که اگر روزه دار باشد برای صاحب طعام دعا کند صلوة بمعنی دعا است
ودعا بالبرکة د ق عو در سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح ابو عوانه است
که برای صاحب طعام دعا کند و برکت خواهد یعنی بارک الله فیک گوید واذا
افطر قال ذهب الظماء وابتلت العروق وثبت الاجر ان شاء الله
د س مس در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابن عمر
رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم روزه افطار میکرد ذهب الظماء
تا آخر میگفت یعنی رفت تشنگی و رگها تر گشت و اجر ثابت شد اگر خدای
خواسته است اللهم انی اسألک برحمتک التی وسعت کل شیء ان

واذا دعی علی طعام فلیجب

بیان افطار روزه

تغفر لی ذنوبی مر س ق ی در کتاب دعا ابن مردویه و صحیح مستدرک
و سنن ابن ماجه و کتاب عمل الیوم ابن سنی است بروایت ابن عمر رضی الله
عنهما که چون رسول صلی الله علیه و سلم روزه افطار میکرد اللهم انی تا آخر میگفت
یعنی الهی ای بار خدای بدرستی که میخواهم از تو برحمت تو که همه چیز را در گرفته است
آنکه گناه مرا بیامرزی فان افطر عند قوم قال افطر عندکم الصائمون و اکل

فان افطر عند قوم

طعامکم الابرار و صلت علیکم الملائکة ق حب در سنن ابن ماجه و صحیح
ابن حبان است بروایت انس و عبدالله بن زبیر رضی الله عنهم که چون رسول صلی الله
علیه و سلم نزد قومی افطار میکرد افطر عندکم تا آخر میگفت یعنی افطار کرده اند
نزد شما روزه داران و خورده اند طعام شما را نیک کاران و آمرزش خواسته اند برای شما
فرشتگان از پروردگار و اذا حضر الطعام فلیسم الله و لیأکل مما یلیه

در بیان حاضر شدن بر طعام

خ م ت س در صحیح بخاری و مسلم و ترمذی و نسائی است بروایت
عمر بن ابی سلمه رضی الله عنهما که چون طعام حاضر شود پس بگو بسم الله
و بخور بدست راست از نزدیک خود خورد عمر مذکور رضی الله عنه روایت
کند من خورد بودم در کنار رسول صلی الله علیه و سلم طعام میخوردم و دست
خود را دراز میکردم رسول صلی الله علیه و سلم فرمود ای غلام بسم الله بگو و بخور
بدست راست از نزد خود بخور فان الشیطان یستحل الطعام الذی لا یذکر
اسم الله علیه م د س در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی است
بروایت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بدرستی که شیطان
حلال دارد یعنی خوردن تواند طعامی را که بسم الله بران نگویند یا بر طعام

بو برد

بو برد قالوا یا رسول الله انا نأکل و لا نشبع قال فلعلکم تأکلون متفرقین
قالوا نعم قال فاجتمعوا علی طعامکم و اذکروا اسم الله یبارک لکم
فیه د ق مس در سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت
وحشی رضی الله عنه که صحابه گفتند ای رسول خدای ما طعام میخوریم و سیر نمیشویم
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود شاید که شما جدا جدا میخورید گفتند آری رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود که شما بر طعام خود جمع شوید یعنی یکجا بخورید و بسم الله گوئید تا در
طعام شما برکت شود و امر صلی الله علیه و سلم الصحابة فی الشاة المسمومة
التی اهدتها الیه الیهودیة ان اذکروا اسم الله و کلوا فاکلوا فلم یصب
احدا منهم شیء مس در صحیح مستدرک است بروایت ابو سعید خدری رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم امر کرد صحابه را بسم الله گفتن و خوردن
خوردن گوسپندی زهر آلوده که زینب یهودیه روز فتح خیبر هدیه فرستاده بود پس
صحابه بسم الله گفتند و خوردند پس هیچ یکی را از اثر زهر چیزی ضرر نرسید و فی
حدیث مسیره و ابی بکر و عمر الی بیت ابی الهیثم و اکلهم الرطب
و اللحم و شربهم الماء و قوله صلی الله علیه و سلم ان هذا هو النعیم الذی
تسألون عنه یوم القیمة فلما کبر علی اصحابه قال اذا اصبتم
مثل هذا و ضربتم بایدیکم فقولوا بسم الله و علی برکة الله و اذا
شبعتم فقولوا الحمد لله الذی هو اشبعنا و اروانا و انعم
علینا و افضل فان هذا کفاف بهذا مس در صحیح مستدرک است
که رسول صلی الله علیه و سلم و ابوبکر و عمر رضی الله عنهما سوی خانه ابو الهیثم

رضی الله عنه رفتند و خرما و تره و گوشت خوردند و آب نوشیدند رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود این نعیم است که روز قیامت شمار از این خواهند پرسید
پس چون این سخن بر صحابه بزرگ نمود رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون
مثل این طعام رسید و دست بر خوردن زنید بسم الله و علی برکة الله
گوئید و چون سیر شوید الحمد لله تا آخر گوئید پس بدرستی که این قول باز دارنده از
آن سوال است یعنی اینست که حمد مر خدای را که مارا الطعام و آب سیر گردانید
و بر ما انعام بسیار کرد وَاِنْ نَسِيَ التَّسْمِيَةَ اَوَّلَ الطَّعَامِ فَلْيَقُلْ
بِسْمِ اللّٰهِ اَوَّلَهُ وَآخِرَهُ د ت س حب مس در سنن ابی داود
و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت عائشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما طعام
خورد پس گو که بسم الله گوید اگر در اول طعام بسم الله را فراموش کند
پس گو که بسم الله اوله و آخره گوید وَاِنْ اَكَلَ مَعَ مَجْذُومٍ اَوْ ذِي
عَاهَةٍ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ ثِقَةً بِاللّٰهِ وَتَوَكُّلًا عَلَيْهِ ت د ق حب
مس ی در سنن ترمذی و ابی داود و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح
مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت جابر رضی الله
عنه که اگر رسول صلی الله علیه وسلم با بسته با خداوند آفتی و مرضی طعام
میخورد بسم الله ثقة تا آخر میگفت یعنی اینست طعام میخورم بنام خدای تعالی
از جهت استواری بخدای عز و جل و علا و توکل بر و تعالی فَاِذَا فَرَغَ مِنَ
الْاَكْلِ وَالشُّرْبِ قَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا

بیان فارغ شدن از طعام وشراب

طیبا

طَيِّبًا مُبَارَكًا غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُوَدَّعٍ وَلَا مُسْتَغْنًى عَنْهُ رَبَّنَا وَلَا مُوَدَّعٍ
خ عه در صحیح بخاری و چهار سنن است بروایت ابو امامه رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم از اکل و شرب فارغ می شد الحمد لله حمدا
تا آخر میگفت یعنی اینست حمد مر خدای تعالی را است ای بار خدای عزیز است
حمد بسیار پاک خالی از ریا که در آن برکت باشد یعنی رساننده نعمت بود
در طیبی شرح مشکوه غیر مکفی و ما بعد آنرا به سه معنی بیان کرده است
اگر غیر را منصوب خوانند پس محمول است و ضمیر راجع سوی طعام یا حمد است
اگر سوی طعام است معنی اینست که غیر طعام مردود و مغلوب آرند و غیر
متروک و غیر محتاج الیه بود و اگر راجع سوی حمد است معنی اینست که حمدی
غیر مردود و غیر متروک و غیر محتاج الیه بر این معنی وجه ربنا منصوب بحذف
حرف ندا است و دیگر را مرفوع خوانند پس ربنا مرفوع بود بر ابتداء
و غیر خبر مقدم بود و مکفی مفعل باشد از کفایت معنی اینست پروردگار ما
کافی و مطعم است و غیر متروک طلب از و غیر محتاج الیه است الحمد لله
الَّذِي كَفَانَا وَاَرْوَانَا غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مَكْفُورٍ خ در صحیح بخاری است
که چون رسول صلی الله علیه وسلم از طعام فارغ می شدند الحمد لله الذی
تا آخر میگفتند یعنی اینست حمد مر خدای را که ما را کفایت الطعام کرد و سیراب
گردانید در آن حال که آن طعام غیر مردود و غیر ناسپاسی کرده شده باشد
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ عه ی در چهار
سنن و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابو سعید خدری

ازفراغ

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد طعام الحمد لله تا آخر میگفت
معنی اینست حمد مر خدای راست که ما را طعام و آب داد و ما را مسلمان
گردانید الحمد لله الذی اطعم وسقی وسوغه وجعل له مخرجا د
س حب در سنن ابی داود و سنن نسائی و صحیح ابن حبان
است بروایت ابو ایوب رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم بعد فراغ از طعام الحمد لله تا آخر می گفت معنی اینست حمد مر
خدای را که ما را طعام و آب داد و آنرا گوارنده ساخت و او را مخرج
گردانید الحمد لله الذی اطعمنی هذا الطعام ورزقنیه من غیر
حول منی ولا قوة د ت ف س ی در سنن ابی داود و ترمذی
و ابن ماجه و صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت
معاذ بن انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد فراغ از طعام
الحمد لله تا آخر میگفت معنی اینست حمد مر خدای راست که مرا این طعام
داد و بی حیله و قوة این طعام را رزق کرد اذا اکل الطعام فلیقل
اللهم بارک لنا فیه واطعمنا خیرا منه د ت ق در سنن ابی
داود و ترمذی و ابن ماجه است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما طعام خورد پس گوید
اللهم تا آخر بگوید معنی اینست ای بار خدای برکت کن برای ما در این طعام
و ما را بهتر از این بده فان کان لبنا فلیقل اللهم بارک لنا فیه وزدنا
منه د ت ق در سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه است بروایت

ابن عباس

ف
من فوائد الدعاء بعد الطعام غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر

بیان
طعام خوردن

ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون طعام سیر
باشد پس بگوید اللهم تا آخر گوید معنی اینست ای بار خدای برکت کن برای ما
در این طعام و زیاده کن ان الله لیرضی عن العبد ان یاکل الاکلة
فیحمده علیها او یشرب الشربة فیحمده علیها م ت س ی
در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است
بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی
که خدای تعالی خوشنود میشود از بنده خود از جهت آنکه یک لقمه بخورد پس بر آن
حمد گوید یا یک نوشیدنی آب بنوشد پس بر آن حمد گوید اذا غسل
یده الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم من علینا فهدانا واطعمنا وسقانا
وکل بلاء حسن ابلانا الحمد لله غیر مودع ولا مکافأ ولا مکفور
ولا مستغنی عنه الحمد لله الذی اطعم من الطعام وسقی من
الشراب وکسا من العری وهدی من الضلالة وبصر من العمی
وفضل علی کثیر ممن خلق تفضیلا الحمد لله رب العالمین س
حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است
بروایت عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم بعد اکل طعام دست می شست الحمد لله الذی تا آخر میگفت
معنی اینست حمد مر خدای تعالی است که همه را طعام دهد و او را کسی
طعام ندهد بر ما منت نهاد پس ما را راه راست نمود و ما را طعام
و آب داد و هر عطای نیک ما را داد حمد مر خدای تعالی راست

ولا یطعم

ف
دست شستن
بعد طعام

برطعام که غیر متروک باشد و آنرا مکافات بود و غیر ناسپاسی بر آن بود و غیر
محتاج الیه باشد حمد مر خدای تعالی راست آنکه ما را طعام و آب داد
و ما را از برهنگی پوشانید و از گمراهی راه نمود و از نابینائی بینا کرد و بسیار
و بر بسیاری از خلق فضل داد حمد مر خدای تعالی راست که پروردگار جهانیان
است اَللّٰهُمَّ اَشْبَعْتَ وَاَرْوَيْتَ فَهَنِّئْنَا وَرَزَقْتَنَا فَاَكْثَرْتَ وَ
اَطْيَبْتَ فَزِدْنَا مر مص در کتاب دعای ابن مردویه و مصنف
ابوبکر است بروایت سعد بن جبیر تابعی رضی الله عنه که چون رسول صلی الله
علیه وسلم بعد اکل طعام دست می شست و اللّٰهم تا آخر میگفت
معنی اینست ای بارخدای ما را طعام و آب سیر گردانیدی پس گوارا
گردان برای ما و ما را رزق بسیار و حلال دادی پس آنرا زیادت
کن وَيَدْعُوْا لِاَهْلِ الطَّعَامِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِيْمَا رَزَقْتَهُمْ فَاغْفِرْ لَهُمْ
وَارْحَمْهُمْ م ت س مص در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی
و مصنف ابوبکر است بروایت عبد الله بسر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم چون طعام کسی میخورد برای اهل او دعا میکرد اَللّٰهُمَّ
بَارِكْ لَهُمْ تا آخر میگفت معنی اینست ای بارخدای برکت کن برای
ایشان در رزقی که دادی پس ایشانرا بیامرز و بر ایشان رحمت کن
اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْ مَنْ اَطْعَمَنِيْ وَاَسْقِ مَنْ سَقَانِيْ م در صحیح مسلم است
بروایت مقداد رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
در خانه کسی طعام میخورد اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْ تا آخر میگفت معنی اینست

ای بارخدای

ای بارخدای طعام ده کسی را که مرا طعام داد و آب ده کسی را که مرا آب
داد وَاِذَا لَبِسَ شَيْئًا قَالَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهُ ی در کتاب عمل الیوم و اللیل
ابن سنی است بروایت عمر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
جامه یا سلاحی می پوشید اللّٰهم انی تا آخر میگفت معنی اینست ای
بارخدای بدرستی که میخواهم از تو خیر این ملبوس و خیر آنچه مصنوعست
این ملبوس برای آن و می پناهم بتو از شر این ملبوس و شر آنچه مصنوعست
برای آن وَاِنْ كَانَ جَدِيْدًا سَمَّاهُ بِاسْمِهِ عِمَامَةً اَوْ قَمِيْصًا اَوْ
غَيْرَهُ ثُمَّ يَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ كَسَوْتَنِيْهِ اَسْاَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ
مَا صُنِعَ لَهُ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ د ت س حب مس
در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است
بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که اگر جامه نو می بود رسول صلی الله
علیه وسلم نام آن جامه بگرفت چون پیراهن یا دستار یا غیر آن پس اللّٰهم
تا آخر میگفت معنی اینست ای بارخدای مر تراست حمد این پیراهن یا دستار
تو مرا پوشانیدی یا بمعنی گذشت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ كَسَانِيْ مَا اُوَارِيْ
بِهِ عَوْرَتِيْ وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِيْ حَيَاتِيْ ت ق مص س در سنن
ترمذی و ابن ماجه و مصنف ابوبکر و صحیح مستدرک است بروایت عمر رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که جامه نو پوشد الحمد لله
تا آخر گوید و چون آن جامه کهنه گردد تصدق دهد او در حفظ خدای تعالی

بیان لبس مر شیء

میپوشید

درجات و حسنات باشد یعنی اینست حمد خدای تعالی را که پوشانید مرا این
جامه که بدان عورت خود می پوشم و جمال نیک در جهت خود ظاهر
میکنم و من لبس ثوبا فقال الحمد لله الذی کسانی هذا و رزقنیه
من غیر حول منی و لا قوة غفر له ما تقدم من ذنبه دت ق مس
و ما تاخر د در سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه و صحیح مستدرک است
بروایت معاذ بن انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
هر که جامه نو پوشد پس الحمد لله تا آخر گوید گناه متقدم و موخر او معفو گردد یعنی
اینست حمد خدای را که این جامه مرا پوشانید و از غیر حیله و قوة مرا
این جامه روزی کرد فاذا رای علی صاحبه ثوبا جدیدا قال
تبلی و یخلف الله د مس در سنن ابی داود و صحیح مستدرک است بروایت
ام خالد رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم بر صاحب خود
جامه نو میدید تبلی تا آخر میگفت یعنی اینست این جامه کهنه کنی
و خدای تعالی ترا بعد این جامه خلعت باز دهد ابل و اخلق ثم
ابل و اخلق ثم ابل و اخلق خ در صحیح بخاری و سنن ابی داود است
بروایت ام خالد رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم چون
بر صاحب خود جامه نوی دید ابل و اخلق سه بار میگفت تکرار از
جهت بشارت طول عمر است یعنی اینست این جامه را کهنه کن
یعنی ابل و اخلق یکی است فاذا خلع ثیابه فستر ما بین اعین
الجن و عوراته ان یقول بسم الله مص ی در مصنف ابو بکر

کتاب

کتاب عمل الیوم و اللیلة ابن سنی است بروایت انس رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون مردی جامه خود را از اندام برون
کشد پس پرده میان چشم جن و عورت او اینست که بسم الله گوید که اذا
هم بامر فلیرکع رکعتین من غیر الفریضة ثم لیقل اللهم انی استخیرک
بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسألک من فضلک العظیم
فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب
اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی و معاشی
و عاقبة امری او عاجل امری و آجله فاقدره لی و یسره لی
ثم بارک لی فیه و ان کنت تعلم ان هذا الامر شر لی فی
دینی و معاشی و عاقبة امری او عاجل امری و آجله فاصرفه
عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر حیث کان ثم رضنی
ارضنی به خ عه این شروع در بیان نماز استخاره و
دعاء آنست در صحیح بخاری و چهار سنن است بروایت جابر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم در همه امور ما را استخاره
میفرمود و می آموخت چنانچه سوره قرآن می آموخت و میفرمود
چون یکی از شما قصد کاری کند پس گو که دوگانه نماز غیر فریضه گزارد
پس اللهم انی تا آخر بگوید و چون تا ان هذا برسد نام حاجت خود گیرد
یعنی اینست ای بار خدای بدرستی که من از تو نیکی میخواهم بعلم تو
و از تو قدرت میخواهم بقدرت تو و از فضل عظیم تو میخواهم

در بیان استخاره

الاستخاره
نیکی و خیر بخواهی
خود سنت از خدای تعالی
م

زیرا چه بپرسشی که بر همه چیز بتوانی و من نمیتوانم و تو همه چیز میدانی و من نمیدانم
و تو ئی داننده غیبها ای بار خدای اگر میدانی که این کار که من میخواهم و نام آن
کار بگیرد بهتر بود برای من در دین من و در زندگانی من و در عاقبت کار من
یا در کار دنیا و آخرت این شک راوی است پس آن کار را بنقد و من ساز و مهیا
برای من گردان و اگر تو میدانی ای بار خدای که این کار بد بود برای من باز دار
و مرا از ان باز دار و بنقد و من ساز نیکی را هر جا که باشد پس مرا بدان راضی
گردان ان کان خیرا فی دینی و معاشی و عاقبة امری فقدره
لی و یسره لی و بارک لی فیه و ان کان شرا فی دینی و معادی و معاشی
و عاقبة امری فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و قدر لی الخیر و رضنی
به حب مس در صحیح ابن حبان و مصنف ابو بکر است بروایت جابر رضی
الله عنه که از ان ازکار بدین طریق مذکور خواند یعنی همانست که گذشت خیرا
لی فی دینی و خیرا لی فی معیشتی و خیرا لی فی عاقبة امری فاقدره لی
و بارک لی فیه و ان کان غیر ذلک خیرا لی فاقدر لی الخیر حیث ما
کان و رضنی بقدرک حب در صحیح ابن حبان است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که خراج الی بطریق مذکور خیرا لی فی دینی و معیشتی
و عاقبة امری فاقدره لی و یسره و ان کان کذا و کذا الامر
الذی یرید شرا لی فی دینی و معیشتی و عاقبة امری فاصرفه
عنی ثم اقدر لی الخیر اینما کان لا حول و لا قوة الا بالله حب
در صحیح ابن حبان است که از جل الی بطریق مذکور خواند و اسألک من

و معادی

شر

فضلک

فضلک و رحمتک فانهما بیدک لا یملکهما احد سواک فانک تعلم
و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام الغیوب اللهم ان کان
هذا الامر الذی یرید به خیرا لی فی دینی و دنیای و عاقبة امری
فوفقه و سهله و ان کان غیر ذلک خیرا لی فوفقنی للخیر حیث
کان ر در مسند بزار است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که از و اسألک
بطریق مذکور خواند یعنی ابتدا میخواهم از تو فضل و رحمت تو زیرا چه بپرستی
که فضل و رحمت تو در قبض قدرت تست جز تو کسی آنرا مالک نیست باقی یعنی همان
است که مذکور شد فان کان زواجا فلیکتم الخطبة ثم لیتوضأ
فیحسن وضوءه ثم لیصل ما کتب الله له ثم یحمد الله و یمجده
ثم لیصل ما کتب الله له ثم لیحمد اللهم انک تقدر و لا اقدر و تعلم
و لا اعلم و انت علام الغیوب فان رایت ان فی فلانة و
یسمیها باسمها خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاقدرها
لی و ان کان غیرها خیرا لی منها فی دینی و دنیای و آخرتی
فاقدرها لی حب مس در صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک
است بروایت ابو ایوب رضی الله عنه که چون آن کار نکاح باشد
خواستگاری را پنهان کند پس وضوی نیک سازد و نماز عا که خدای
تعالی او را مقدر کرده است گذارد پس حمد خدای تعالی گوید
و خدا تعالی را تعظیم یاد کند پس اللهم انک تا آخر گوید چون
تا ان رایت ان فی برسد نام آن زن گیرد یعنی همان زنی که خطبه کرد

در بیان خطبه

لی

اراده

در بیان آنکه سعادت بنده در استخاره است و شقاوت بنده در ترک استخاره ٥

من سعادة ابن آدم استخارته الله ومن شقوته تركه استخارة
الله مس ت در صحیح مستدرک وسنن ترمذی است بروایت سعد بن ابی وقاص
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود از نیکبختی فرزند آدم است خواستن
خیریت از خدای تعالی و از بدبختی اوست ترک آن ابن السنی روایت کرده
است از رسول صلی الله علیه وسلم که انس رضی الله عنه را فرمود ای انس
چون قصد کاری کنی پس هفت بار استخاره کن بعد از ان هرچه در دل تو بگذرد
خیر در ان است وان تولی عقد الخطبة ان الحمد لله نحمده ونستعينه
ونستغفره ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سيئات اعمالنا من
يهده الله فلا مضل له ومن يضلله واشهد ان محمدا عبده ورسوله
يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وخلق
منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا الله
الذي تساءلون به والارحام ان الله كان عليكم رقيبا يا
ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم
مسلمون . يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا
يصلح لكم اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله ورسوله فقد
فاز فوزا عظيما عه مس عو در چهار سنن وصحیح مستدرک وصحیح ابو
عوانه است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که چون رسول صلی الله
علیه وسلم عقد نکاح کسی میکرد پس خطبه او الحمد لله تا آخر بود یعنی جمیع
محامد مر خدای تعالی راست ستایش او تعالی میکنیم و یاری و آمرزش

فلا هادي له واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له

ازو میخواهم

ازو میخواهیم و از بدیهای نفس و اعمال خود بخدای تعالی می پناهیم هرکرا که خدای تعالی
راه راست نماید او را کسی گمراه نسازد و هرکرا که خدای تعالی گمراه کرد او را کسی در راه
راست نیارد و گواهی میدهیم که نیست معبود بحق جز خدای تعالی تنها و بی شریک و گواهی
میدهیم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول اوست تعالی ای مردمان از خدای تعالی
بترسید و سخن راست و استوار گوئید تا خدای تعالی اعمال شما را راست گرداند و گناه
شما را آمرزد و هرکه اطاعت خدای تعالی و رسول او کند پس بدرستی که او رستگاری
عظیم یابد ورسوله ارسله بالحق بشيرا ونذيرا بين يدي الساعة من يطع الله
ورسوله فقد رشد ومن يعصهما فانه لا يضر الا نفسه ولا يضر الله شيئا
د در سنن ابی داود است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که واشهد
ان محمدا عبده ورسوله ارسله تا آخر یعنی از اول تا اینجا موافق است
یعنی اینست که گواهی میدهیم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و رسول اوست
تعالی او را بحق مژده دهنده و بیم کننده پیش از قیامت فرستاده است
هرکه خدای تعالی و رسول او را اطاعت کند پس بدرستی که او راه راست یابد
و هرکه خدای تعالی و رسول او را نافرمانی کند پس بدرستی که او جز نفس
خود را زیان نرساند و خدای تعالی را چیزی زیان نرساند ونسال الله ان
يجعلنا ممن يطيعه ويطيع رسوله ويتبع رضوانه ويجتنب سخطه
فانما نحن به وله م د در کتاب دعا ابن مردویه و سنن ابی داود
است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
ويسال الله تا آخر نیز میگفت یعنی اینست و میخواهیم از خدای تعالی

آنکه ما را از جمله مطیعان خود و مطیعان رسول خود کرد انده از جمله کسانی کرد اند
ایشان را اتباع رضوان و اجتناب سخط او تعالی گشتند بدرستی که ما موجود و بنده
تعالی گشته‌ایم و مملوک او هستیم و یقول لمن تزوج بارک الله لک
مود در صحیح بخاری و مسلم است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم مر کسی را که زن میخواست بارک الله لک حم میگفت یعنی مبارک کناد الله
تعالی مر ترا زن ترا و بارک الله علیک وجمع بینکما فی خیر عه حب مس
در جامع سنن و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت ابوهریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بارک الله ترا آخر نیز میگفت یعنی البته
و خدای تعالی زن ترا بر تو مبارک کرداند و جمع کند در میان شما دو نیکی او فبارک
الله علیک خ م ت س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی
است بروایت جابر رضی الله عنه که با فبارک لنا و میگفت ولما زوج
صلی الله علیه وسلم علیا فاطمة رضی الله عنها دخل البیت فقال لفاطمة
رضی الله عنها ایتینی بماء فقامت الی قعب فی البیت فاتت فیه
بماء فاخذه ومج فیه ثم قال لها تقدمی فتقدمت فنضح
بین ثدییها وعلی راسها وقال اللهم انی اعیذها بک وذریتها
من الشیطان الرجیم ثم قال لها ادبری فادبرت فصب
بین کتفیهما ثم قال اللهم انی اعیذها بک وذریتها من الشیطان
الرجیم ثم قال ایتونی بماء قال علی فعلمت الذی یرید
فقمت فملات القعب ماء واتیته به فاخذه ومج فیه ثم قال

ویقول لمن تزوج

ذکر تزویج فاطمه رضی الله عنها با علی کرم الله وجهه

تقدم

تقدم فتقدمت فصب علی راسه و بین یدیه ثم قال اللهم انی
اعیذه بک وذریته من الشیطان الرجیم ثم قال ادبر فادبر
فصب بین کتفیه فقال اللهم انی اعیذه بک وذریته من الشیطان
الرجیم ثم قال ادخل باهلک بسم الله والبرکة حب در صحیح ابن
حبان است بروایت انس رضی الله عنه که هرگاه که رسول صلی الله علیه
وسلم بی بی فاطمه را رضی الله عنها برای حضرت علی کرم الله وجهه زنی داد
در خانه در آمد پس فاطمه را رضی الله عنها فرمود که آب بیا فاطمه رضی الله عنها
در کاسه خورد آب آورد رسول صلی الله علیه وسلم آنرا گرفت و آب در دهن
کرده دران انداخت پس فاطمه رضی الله عنها فرمود پیش بیا بی بی رضی الله
عنها پیش آمد پس رسول صلی الله علیه وسلم میان دو پستان و بر سر او ترشک(?)
آب زد و فرمود ای بار خدای در پناه تو می آرم این را و ذریت این را از شیطان
رانده شده پس حضرت بی بی را رضی الله عنها فرمود که پشت ده بی بی رضی
الله عنها پشت داد پس رسول صلی الله علیه وسلم در دوشانه او آب زد
و فرمود ای بارخدای در پناه می آرم این را و ذریت این را از شیطان رانده پس
فرمود که آب بیارید علی رضی الله عنه فرمود دانستم که چه میخواهد پس برخاستم
و همان آوند پر کرده آب آوردم پس رسول صلی الله علیه وسلم آنرا گرفت
و آب در دهن کرده دران انداخت پس مرا فرمود که پیش بیا من پیش آمدم
پس آب را بر سر من و میان دو دست من ریخت پس فرمود ای بارخدای
در پناه تو می آرم این را و ذریت این را از شیطان رانده پس مرا فرمود

کہ پشت دہ من پشت دادم پس آب را میان دوشانہ من ریخت
و فرمود ای بارخدای در پناه تو می آرم این را و ذریت این را از شیطان
رانده شده پس امر فرمود که بر اہل خود در آی بنام خدای تعالی و برکت

و اذا دخل باهله او اشتری رقیقا

او و اذا دخل باہلہ او اشتری رقیقا فلیأخذ بناصیتہا
دس ص در سنن ابی داود و نسائی و مسند ابی یعلی موصلی
است بروایت عمرو بن شعیب از پدر او از جد او که رسول صلی الله
علیہ وسلم فرمود که چون یکی از شما بعد نکاح بر زن خود در آید یا بنده را
خرید کند پس گو که موی پیشانی آن بگیرد ثم لیقل اللهم انی اسألک
من خیرہا و خیر ما جبلتہا علیہ دس ق ص مص در سنن
ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مسند ابی یعلی موصلی و مصنف
ابی بکر است بروایت ابن عمر رضی الله عنه پس بگوید که اللهم انی اسألک
تا آخر گوید یعنی ای بارخدای میخواهم از تو خیر این را و خیر آنچه
این را بران آفریدی و می پناهم بتو از شر این و شر آنچه این را بدان
آفریدی وکذلک فی الدابة ویأخذ بذروة سنام البعیر
دس ص در سنن ابی داود و نسائی و مسند ابی یعلی است
بروایت ابن عمر رضی الله عنه که چون چهارپائی بخرد همچنان موی پیشانی
او گرفته دعای مذکور خواند و اگر اشتر بخرد سر کوهان او را گرفته دعای
مذکور خواند کان اذا اشتری مملوکا قال اللهم بارک فیه
واجعله طویل العمر کثیر الرزق مو مص در کتاب دعاء

ابن مردویه

ابن مردویه و مصنف ابوبکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که چون
رسول صلی الله علیه وسلم مملوکی میخرید اللهم بارک تا آخر میگفت یعنی ای
بارخدای درین مملوک برکت کن و عمر این دراز و رزق این بسیار گردان
مو مص و اذا اراد الجماع قال بسم الله اللهم جنبنا الشیطان

بیان جماع زن

وجنب الشیطان ما رزقتنا ع در اصول سته است بروایت ابن عباس
رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون یکی از شما جماع زن خواهد
بسم الله تا آخر گوید یعنی ابتدا بنام خدای این کار میکنم ای بارخدای دور دار
ما را از شیطان و دور دار شیطان را از فرزندی که ما را روزی کردی ع فاذا انزل
قال اللهم لا تجعل للشیطان فیما رزقتنی نصیبا مو مص در کتاب دعا ابن
مردویه و مصنف ابوبکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه پس چون انزال

ف

چون انزال شود

کند اللهم تا آخر گوید یعنی ای بارخدای برای شیطان نصیب مگردان
فرزندی که ما را روزی کردی و اذا اوتی بمولود اذن فی اذنه حین

در بیان فرزند نوزاده

ولادته دت در سنن ابی داود و ترمذی است بروایت ابو رافع مولی
رسول صلی الله علیه وسلم که چون بر رسول صلی الله علیه وسلم فرزند نوزاده
می آوردند در گوش او بانگ نماز میگفت در هنگام ولادت او و وضعه
فی حجره و حنکه بتمرة و دعا له و برک علیه خ م در صحیح بخاری
و مسلم است بروایت اسما بنت ابوبکر صدیق رضی الله عنهما و رسول صلی الله
علیه وسلم آن مولود را در کنار خود می نهاد و خرما را می خائید و بکام مولود می مالید و او را
دعا برکت میکردی خ م و امر رسول الله صلی الله علیه وسلم بتسمیة

الْمَوْلُودِ يَوْمَ سَابِعِهِ وَوَضْعِ الْاَذَى عَنْهُ وَالْعَقِّ ت درسنن

ترمذی است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که امر کرده است رسول صلی الله

علیه وسلم بنام نهادن مولود هفتم روز وامر کرده است بدور کردن پلیدی

از وی وامر کرده است بحلق سر وذبح گوسپندی که آنرا عقیقه گویند وتعویذ طفل

اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ

كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ ع د درصحیح بخاری وحبار سنن است بروایت ابن

مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم حسن وحسین را رضی الله

عنهما باعوذ بکلمات تا آخر تعویذ میکرد ودر مسند بزار اُعِيْذُكَ وارد است

یعنی ایمنیت در پناه آرم ترا بکلمات تامه خدای تعالی از بدی هر شیطان

بیان گویا شدن فرزند

ومار وگزدم واز هر چشم که بدی رساند وَاِذَا اَفْصَحَ الْوَلَدُ فَلْيُعَلِّمْهُ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ی درکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است که رسول

صلی الله علیه وسلم فرمود چون فرزند گویا شود پس گو که او را لا اله الا الله

بیاموزد ومثل این حدیث بروایت ابوهریره رضی الله عنه وارد است

که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که زبان کودکان تمام بقول لا اله الا الله گشاید

وَكَانَ اِذَا اَفْصَحَ الْوَلَدُ مِنْ بَنِيْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَلَّمَهُ وَقُلِ الْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ

وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيْرًا ی درکتاب عمل الیوم واللیل

ابن سنی است بروایت انس رضی الله عنه که چون فرزند بنی عبد المطلب

گویا شدی رسول صلی الله علیه وسلم او را آیت وقل الحمد لله الذی

تا آخر می آموخت

تا آخر می آموخت یعنی بگوای محمد حمد خدای تعالی راست آنکه فرزند نگرفته است

ونه او را شریک در ملک او نیست ونه او را یاری دهی وناصری نیست از ذل

یعنی او تعالی را احتیاج وذل نیست که بناصری حاجت باشد وبزرگی

یاد کن او را تعالی اِضْرِبُوْهُ عَلَى الصَّلٰوةِ بِسَبْعٍ وَاَعْزِرُوْا فِرَاشَهُ لِتِسْعٍ وَ

بیان آداب فرزند

ذَوِّجُوْهُ لِسَبْعَ عَشَرَةَ ثُمَّ اِذَا فَعَلَ ذٰلِكَ فَلْيُجْلِسْهُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ لِيَقُلْ

لَا جَعَلَكَ اللّٰهُ عَلَيَّ فِتْنَةً ی درکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است

که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بزنید فرزند را بر ترک نماز بهفت سال

وفراش او را جدا کنید چون بنه سال رسیده او را زن بدهید بهفده سال

پس یکی از شما چون این مذکور کند پس گو که آن فرزند را پیش خود بنشاند

پس بگوید لَا جَعَلَكَ اللّٰهُ عَلَيَّ فِتْنَةً یعنی نگرداند خدای تعالی ترا بر من فتنه

نگرداند وَاِنْ كَانَ مُسَافِرًا صَافَحَ وَقَالَ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِيْنَكَ وَاَمَانَتَكَ

بیان وداع گرفتن در وقت سفر

وَخَوَاتِيْمَ عَمَلِكَ س د ت مس حب درسنن نسائی وابی داؤد

وترمذی وصحیح مستدرک وصحیح ابن حبان است بروایت ابن عمر

رضی الله عنه که اگر مسافر جهت وداع بر خیزد بیاید مقیم دست او گرفته

استودع الله تا آخر گوید یعنی امین ودیعت میدهم خدای تعالی

را دین تو واهل ومال تو که امانت است پیش خود نهادی وخواتیم عمل تو

وَاَقْرَاُ عَلَيْكَ السَّلَامَ س درسنن نسائی است که وَاِقْرَاءُ عَلَيْكَ السَّلَامُ

نیز گوید یعنی بر تو سلام میخوانم وَيَقُوْلُ الْمُقِيْمُ نَوْدَعُهُ اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ

الَّذِيْ لَا يُخَيِّبُ اَوْ لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ ی طب درکتاب عمل الیوم واللیل

ابن سنی است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که چون سفر خواهد پس کسی را با او وداع کند و خلیفه سازد استودعک تا آخر
گوید یعنی بسپارم برای سپردن گوید یعنی امانت ترا بودیعت میدهم بخدای را
که ودیعتهای او ضایع نگردد و من قال اریدا السفر فاوصنی قال له علیک
بتقوی الله والتکبیر علی کل شرف فلما ولی قال اللهم اطو له
البعد وهون علیه السفر ت س ق در سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم مردی را که سفر خواست و وصیت طلبید فرمود تقوی
لازم گیر و بر هر بلندی تکبیر گو پس چون آن مرد پشت داد رسول صلی الله
علیه وسلم اللهم تا آخر فرمود یعنی ای بار خدای بعد زمین برای او
نزدیک گردان و سفر را بر او آسان کن زودک الله التقوی وغفر
ذنبک ویسر لک الخیر حیثما کنت ت مس در سنن ترمذی
و صحیح مستدرک است بروایت انس رضی الله که رسول صلی الله
علیه وسلم او را زودک الله تا آخر فرمود یعنی خدای تعالی تقوی را
توشه تو کرد و گناه تو بیامرزد و هر جا که باشی ترا خیر آسان کرداند
جعل الله التقوی زادک وغفر ذنبک ووجهک للخیر
حیثما توجهت رط در مسند بزار و معجم کبیر است بروایت قتاده
بن عیاش رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم او را جعل الله
تا آخر گفت معنی همان است که گذشت و اذا امر امیرا علی

بیان امیر ساختن بر لشکری یا بر یکی

جیش او سریة اوصاه فی خاصته بتقوی الله ومن معه من المسلمین
خیرا ثم قال اغزوا باسم الله ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا
ولیدا م عه در صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت بریده رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم صحابی را بر لشکری یا بر سریه امیر ساخت او را بخاصه تقوی
وصیت میکرد و اهل اسلام را که با او بودند وقت خبر میکرد نیز میفرمود بنام خدای
تعالی غزا کنید و خیانت در غنیمت و غدر مکنید و اطراف مبرید و کودک را مکشید
انطلقوا باسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله لا تقتلوا شیخا فانیا ولا طفلا
ولا صغیرا ولا امراة ولا تغلوا وضموا غنائمکم واصلحوا واحسنوا ان الله
یحب المحسنین د در سنن ابی داود است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم آن امیر و سپاهی را میفرمود که روان شوید بنام خدای تعالی و
بیاری خدای تعالی و بر دین رسول خدای تعالی پیر فانی و طفل شیرخوار و کودک نابالغ و
زن را مکشید و در غنیمت خیانت مکنید و غنیمت را یکجا کنید و اصلاح و احسان ورزید
که خدای تعالی محسنان را دوست دارد فاذا مشی معهم فقال انطلقوا علی اسم الله
اللهم اعنهم مس در صحیح مستدرک بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که چون
رسول صلی الله علیه وسلم با ایشان قدم چند میرفت میفرمود که روان شوید بتوکل بر نام خدای
تعالی الهی بار خدای ایشان را یاری ده و اذا اراد سفرا قال اللهم بک اصول وبک احول
وبک اسیر زا در مسند بزار و مسند امام احمد است بروایت علی رضی الله عنه که
چون رسول صلی الله علیه وسلم سفر خواست میفرمود اللهم بک اصول تا آخر میفرمود
یعنی ای بار خدای باعانت تو حمله میکنم بر کافران و بمحافظت تو در راه

بیان
آنکه کسی از دشمن
دیا عز دشمن بترسد

بر دم یعنی اصول و احوال یکی است وَاِنْ خافَ من عدوٍّ او غیره فقرأ لایلٰف
قریش امانٌ من کل سوءٍ مجرب مس در کتاب دعاء ابن مردویه است که اگر از
دشمن و عز دشمن بترسد پس خواندن لایلاف قریش امان است از هر بلای مصنف
گفت این مجربست فَاِذا وضع رجله فی الرکاب قال بسم الله فاذا
استوی علی ظهرها قال الحمد لله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی
ربنا لمنقلبون ثم الحمد لله ثلث مرات الله اکبر ثلث مرات لا اله الا الله
مرة سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت
د ت س حب امس در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
و مسند امام احمد و صحیح مستدرک است بروایت علی رضی الله عنه که چون مسافر
پای خود در رکاب نهد بسم الله گوید و چون بر پشت دابه قرار گیرد الحمد لله و سبحان
الذی تا منقلبون گوید یعنی اینست حمد مر خدای را است تعالی و پاکی مر خدای را
که رام کردانید برای ما این مرکب را و ما طاقت برای رام او نداشتیم و ما سوی
پروردگار خود باز گردیم بعد آن الحمد لله سه بار گوید الله اکبر سه بار گوید لا اله الا الله
یکبار گوید بعد آن سبحانک انی ظلمت نفسی تا آخر گوید یعنی اینست پاکیست مر ترا
که من بر نفس خود ظلم کردم پس مرا بیامرز بدرستی که جز تو کسی گناهها را نیامرزد وَاِذا غزی
کبّر ثلثا و قرأ سبحان الذی سخر لنا هذا الآیة فقال اللهم انا نسألک
فی سفرنا هذا واطو عنا بعده اللهم انت الصاحب فی السفر وکآبة
المنظر وسوء المنقلب فی المال والاهل والولد واذا رجع قال هن
وزاد فیهن آیبون تائبون عابدون لربنا حامدون م د ت س

چون از سفر گردد

در صحیح مسلم

بیان
سوار شدن

در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما
که چون رسول صلی الله علیه و سلم بر پشت مرکب قرار میگرفت سه بار الله اکبر میگفت
و سبحان الذی سخر لنا تا آخر میخواند و اللهم انا نسألک تا آخر میگفت یعنی اینست
ای بار خدای بدرستی که ما در این سفر خود از تو نیکی و تقوی و عمل مرضی تو میخواهیم ای بار خدای
این سفر ما را بر ما آسان گردان و بُعد این سفر را نزدیک گردان ای بار خدای توی صاحب
در سفر یعنی نگهبان و خلیفه توئی خلیفه در اهل یعنی باصلاح امور ای بار خدای بدرستی که من
می پناهم بتو از رنج و سختی سفر و از غمناکی منظر که در اهل و مال بکروهی به بینم و از بازگشتن
بد در مال و اهل و فرزند و چون رسول صلی الله علیه و سلم از سفر رجوع میکرد همین کلمات
مذکور میگفت و زیادت در آن آیبون تا آخر میگفت یعنی اینست ما باز گشته ایم تائب شده ایم
عبادت کرده ایم پروردگار خود را حمد گفته ایم وَاِذا رکب مد اصبعه ثم قال
اللهم انت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل اللهم اصحبنا بنصحک واقلبنا
بذمة اللهم ازولنا الارض وهون علینا السفر انی اعوذ بک من وعثاء السفر
وکآبة المنقلب ت س در سنن ترمذی و نسائی است ابوهریره رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه و سلم سوار میشد انگشت خود را دراز میکرد دعا اللهم تا آخر
میخواند یعنی اینست ای بار خدای توئی صاحب در سفر و خلیفه در اهل ای بار خدای
بنصیحت تو مصاحب گردیم و بعهد تو سوی آوردیم ای بار خدای با هم سپیچ برای ما زمین را
باقی معنی گذشت ما من بعیر الا فی ذروته شیطان فاذکروا اسم الله عز وجل
اذا رکبتموه کما امرکم الله ثم امتهنوها لانفسکم فانما یحمل الله
عز وجل اط در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت ابولاس خزاعی رضی الله

عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ شتری نیست مگر که در سر کوهان او شیطانیست
پس چون شتر سوار شوید نام خدای تعالی را یاد کنید چنانچه خدای تعالی امر کرده است
یعنی آیت سبحان الذی سخر لنا هذا تا آخر خوانید پس شتر را خادمت آرید یعنی روان
دارید زیرا چه بر عنبارد شما را جز خدای تعالی وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ
السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَالْحَوْرِ بَعْدَ الْكَوْرِ وَدَعْوَةِ الْمَظْلُومِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ
وَالْمَالِ م ت س ق در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت
عبد الله بن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سفر اللهم
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السفر تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای
می پناهم بتو از سختی سفر و از غمناکی بازگشت و از نقصان بعد زیادت و از دعوت
مظلوم و از بدی نظر در اهل و مال اللَّهُمَّ بَلَاغًا يَبْلُغُ خَيْرًا وَمَغْفِرَةً مِنْكَ
وَرِضْوَانًا بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ
وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا السَّفَرَ وَكَآبَةَ الْمُنْقَلَبِ ص ی
در مسند ابی یعلی موصلی و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت
بزار رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سفر اللهم بلاغا تا آخر
میگفت معنی اینست ای بار خدای میخواهم از تو رسانیدنی که برسیم بنیکی و میخواهم
از تو مغفرت و رضوان ترا که همه نیکی در قبض قدرت تست و توئی بر همه چیز توانا
یا فی معنی گذشت اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ
اللَّهُمَّ اصْحَبْنَا فِي سَفَرِنَا وَاخْلُفْنَا فِي أَهْلِنَا ت س در سنن ترمذی و نسائی
است بروایت عبد الله بن رجس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در سفر

اللهم انت

اللهم انت تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای ما را در سفر نگاه دار و اصلاح امور
در اهل ما کن وَإِذَا عَلَا ثَنِيَّةً كَبَّرَ وَإِذَا هَبَطَ سَبَّحَ خ د س در صحیح بخاری
و سنن ابی داود است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله
علیه وسلم بر بلندی بر آمدی الله اکبر فرمودی و چون فرود آمدی سبحان الله فرمودی
وَإِذَا أَشْرَفَ عَلَى وَادٍ هَلَّلَ وَكَبَّرَ ع در اصول است بروایت ابو موسی
اشعری رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر کذر رود آمدی لا اله الا
الله والله اکبر میفرمود وَإِنْ عَثَرَتْ بِهِ دَابَّتُهُ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ س مس ط در
سنن نسائی و صحیح مستدرک و معجم کبیر است بروایت اسامه بن عمیر رضی الله عنه و در
مسند امام احمد است بروایت ابو ملیح رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود چون دابه کسی بسر آید پس گوید بسم الله گوید فایده در جواب الجن انست
که طبرانی در معجم اوسط آورده است که انس رضی الله عنه روایت کرده که
انبندگان یا صبیان یا دواب بدخوی دارد در گوش او این آیت بخوانند
أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا
وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ معنی اینست که پس این کافران بغیر دین خدای تعالی
میجویند و گردن نهاده است مر او تعالی را بطوع و کره هر که در آسمانها و زمین است و بسوی
خدای تعالی ایشان باز گردانیده شوند وَإِذَا رَكِبَ الْبَحْرَ كَانَ مِنْ الْغَرَقِ
أَنْ يَقُولَ بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ الآية وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ
حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ الآية في الزمر ط ی ص در معجم کبیر و عمل الیوم

بیان هر رود کذرشدن

حنا جا الوایه روز دوشنبه ۹ یوم الاثنین

ف بوقت سوار شدن کشتی

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ

وقت رکوب البحر

واللیل ابن سنی ابی یعلی موصلی است بروایت حسین بن علی رضی الله عنهما
که چون کسی در دریا سوار شود امان او از غرق اینست که بسم الله مجریها تا آخر آیت
که سوره زمر است بخواند آیت اول اینست بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور
رحیم یعنی اینست بنام خدای تعالی است روان شدن و ماندن کشتی است بدرستی
که پروردگار من هر آینه غفور رحیم است آیت دوم اینست وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ
وَالْاَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌ بِيَمِينِهٖ سُبْحَانَهُ
وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ یعنی اینست نشناختند اندازه خدای تعالی را حق
شناختن او و تمام زمین روز قیامت در قبض او تعالی خواهد بود و آسمانها
بقدرت او تعالی پیچیده گردد پاکی است مر او تعالی را از عیب و نقص و برتر است
او تعالی از شرک کافران وَاِذَا انْفَلَتَتْ دَابَّةٌ فَلْيُنَادِ اَعِيْنُوْا عِبَادَ اللّٰهِ

انفلات الدابه

و اذا انفلتت دابه

رَحِمَكُمُ اللّٰهُ مص در مسند بزار و کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابو بکر است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که چون دابه کسی رم شود ببین گو که ندا کند
که ای بندگان خدای مرا یاری کنید و خدای تعالی شما را رحمت کند در دو کتاب
آخر حکم الله و روایت است وَاِنْ اَرَادَ عَوْنًا فَلْيَقُلْ يَا عِبَادَ اللّٰهِ
اَعِيْنُوْنِيْ يَا عِبَادَ اللّٰهِ اَعِيْنُوْنِيْ يَا عِبَادَ اللّٰهِ اَعِيْنُوْنِيْ ط وقد
جُرِّبَ ذٰلِكَ در معجم کبیر است بروایت عتبه بن غزوان رضی الله عنه که اگر
او یاری خواهد پس گو که یا عباد الله اعینونی سه بار گوید بعض
گفته این مجربست وَاِذَا اَشْرَفَ عَلٰى مَكَانٍ مُرْتَفِعٍ قَالَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ
عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ حَالٍ اص ی در مسند امام احمد

و مسند

بشهر در آمدن

سنن نسائی و

و مسند ابی یعلی و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت انس رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر جای بلند بر می آمد اللهم لک الشرف تا
آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای مر تراست بزرگواری بر هر بلندی و مر تراست
حمد بر هر حال وَاِذَا رَاٰى بَلْدَةً يُرِيْدُ دُخُوْلَهَا قَالَ حِيْنَ يَرَاهَا اَللّٰهُمَّ رَبَّ
السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَلْنَ
وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ فَاِنَّا نَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ
الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ اَهْلِهَا وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا س
حب مس در صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت صهیب
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم میخواست در شهری در آید وقتی
که آن شهر را میدید اللهم رب السموات تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار
هفت آسمان و آنچه ایشان آنرا سایه بران افکنده اند و ای پروردگار هفت زمین
و آنچه ایشان آنرا برداشته اند و ای پروردگار شیاطین و آنچه ایشان را گمراه
ساخته اند و ای پروردگار بادها و آنچه ایشان آنرا ریخته اند بدرستی که ما را از نیکی
این دیه و نیکی اهل او میخواهیم و از بدی این دیه و بدی اهل او و بدی آنچه درو است
می پناهیم اَسْاَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيْهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ
مَا فِيْهَا ط در معجم کبیر است بروایت ابو لبابه بن منذر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم اسالک خیرها تا آخر میگفت وَعِنْدَ مَا يُرِيْدُ اَنْ يَدْخُلَهَا اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا
فِيْهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا جَنَاهَا وَحَبِّبْنَا اِلٰى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِيْ
اَهْلِهَا اِلَيْنَا طس در معجم اوسط است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله

بیان
در آمدن در شهر

بیان فرود آمدن در منزل

علیه وسلم چون میخواست که در شهری در آید نزدیک در آمدن اللهم بارک لنا فیها
سه بار میگفت بعد اللهم ارزقنا تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای باران
و ارزانی این شهر ما را روزی گردان و ما را سوی ما محبوب گردان و اذا نزل
منزلا اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق فانه لا یضره شیء حتی
یرتحل م ت س ق ا ط مص در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه و مسند امام احمد و مصنف ابوبکر است بروایت خوله حکیم رضی الله
عنها و در معجم کبیر است بروایت عبدالرحمن بن عائش رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده هر که در منزلی فرود آید پس اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق گوید
هیچ چیز او را زیان نرساند تا که از آنجا روان شود و اذا امسی و اقبل اللیل
یا ارض ربی و ربک الله اعوذ بالله من شرک و شر ما خلق
فیک و شر ما یدب علیک اعوذ بالله من اسد و اسود و من
الحیة و العقرب و من ساکنی البلد و من والد و ما ولد د س مس

نسخه

در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابن عمر رضی الله
عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم در منزلی شب میکرد و شب اقبال می آورد
تا آخر میفرمود معنی اینست ای زمین پروردگار من و پروردگار تو خدای تعالی
است می پناهم بخدای تعالی از بدی تو که خسف و سقوط در چاه و مغاک
و دهشت و حیرت بیابان است و بدی آنچه مخلوق است در تو و بدی آنچه
بر تو می جنبد و می پناهم بخدای تعالی از شیر و مار سیاه بزرگ و مار خورد و کژدم
و از ساکنان زمین که جن اند و از والد و مولود که ابلیس و ذریت اوست

یا هر والد

بیان وقت سحر

یا هر والد و مولود که زیان رساند و بلد زمین را گویند که جای جوانی باشد اگرچه دران
بنیان نباشد و بعضی گویند مراد از ساکنی البلد انس اند که غالب سکونت در
بلد از ند و بلد را معمار ند برین وجه بلد بمعنی شهر باشد و وقت السحر یقول سمع
سامع بحمد الله و نعمته و حسن بلائه علینا ربنا صاحبنا و افضل
علینا عائذا بالله من النار م د س عو در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی
و صحیح ابو عوانه است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
وقت سحر سمع سامع تا آخر میگفت در آن حال که از آتش بخدای تعالی
می پناهید اگر بنسخ سمع بتشدید میم خوانند معنی چنین بود که سامع این قول من
دیگری را شنوانید یعنی خود هم گفت و دیگری را رسانید و اگر سمع بکسر میم و تخفیف میم
خوانند یعنی چنین بود شنید شنونده حمد ما که برای خدای تعالی کنیم و شنید
افضال او تعالی را که بر ما کرد و بعضی سمع را بمعنی امر غایب بعید از ند یعنی
چنین گویند گو که سامع بشنود و گواه گواهی دهد بر حمد ما که خدای تعالی را
میکنیم و بر حسن عطای او تعالی ای پروردگار ما ما را یاری بده و ما را نگاه دار
و بر ما فضل کن بدین که آن نعمت را زیادت کنی و مدام گردانی و قال صلی الله
علیه وسلم اتحب یا جبیر اذا خرجت فی سفر ان تکون امثل اصحابک
هیئة و اکثرهم زادا فقلت نعم بابی انت و امی قال
فاقرأ هذه السور الخمس قل یا ایها الکافرون و اذا جاء نصر الله
و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و افتتح کل سورة ببسم الله الرحمن الرحیم و اختم قراءتک بها

قال جبير وكنت غنيا كثير المال فكنت اخرج في سفر فاكون ابذهم
هيئة واقلهم زادا فما زلت منذ علمتهن من رسول الله صلى الله
عليه وسلم وقرأت بهن اكون من احسنهم هيئة واكثرهم
زادا حتى ارجع من سفري ص در مسند ابو یعلی موصلی است
بروایت جبیر بن مطعم رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای
جبیر تو دوست داری که نیکوترین اصحاب باشی خود از روی هیئت
و بیشترین ایشان را از روی توشه باشی چون در سفر بیرون شوی جبیر رضی الله
عنه گفت ای رسول خدا در و پدر من بر تو فدا باد آری دوست دارم
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود چون دوست داری پس پنج سوره که مذکور
بخوان و آغاز و تمام هر سوره بسم الله الرحمن الرحیم کن جبیر رضی الله
عنه گفت من غنی بودم در سفر میرفتم پس بدترین حال و اندکترین توشه
میگشتم پس از آن مدت که این سورتها از رسول صلی الله علیه وسلم آموختم و خواندم
با حسن حال و اکثر توشه می باشم تا که از سفر خود باز می آیم ما من راکب یخلو فی
مسیره بالله وذکره الا ردفه الله بملک ولا یخلو بشعر ونحوه الا ردفه
بشیطان ط در معجم کبیر است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ سواری
در سیر خود بخدای تعالی و ذکر او خلوت نکند مگر که خدای تعالی ردیف او فرشته
کند و هیچ سواری بشعر و مانند آن خلوت نکند مگر که خدای تعالی ردیف او
بشیطان کرده اند وان كان في حج فاذا استوت به راحلته على
البيدا احمد الله وسبح وكبر این شروع در بیان حج است در صحیح بخاری است
بروایت

در بیان آداب حج

بروایت انس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم در سفر بودی
و شتر او علیه الصلوة والسلام بر زمین بیابان آمدی رسول صلی الله علیه وسلم
حمد و تسبیح و تکبیر میفرمودی فاذا احرم لبى لبيك اللهم لبيك لا شريك لك
لبيك ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك ص در اصول است بروایت
ابن عمر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم احرام می بست لبيك اللهم لبيك
تا آخر میگفت معنی اجبت اجابت و اطاعت تو کردم ای بار خدای ترا شریک
نیست بدرستی که حمد و نعمت و ملک مر تراست و ترا شریک نیست لبيك
وسعديك والخير بيديك لبيك والرغباء اليك والعمل لبيك مرم ع در کتاب
دعاء ابن مردویه و صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم لبيك وسعديك تا آخر میفرمود یعنی اجبت اجابت
تو کردیم و در طاعت تو سعادت آوردیم همه نیکی در قبض تست و سوال
و طلب از تست و عمل برای تست لبيك اله الحق لبيك س ق حب مس
در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است و صحیح مستدرک است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم لبیک تا آخر فرمود
كان اذا فرغ من تلبيته سأل الله مغفرته ورضوانه واستعفاه
من النار ط در معجم کبیر است بروایت خزیمه بن ثابت رضی الله که چون رسول
صلی الله علیه وسلم از لبیک گفتن فارغ شدی از خدای آمرزش و خشنودی
و آزادگی از آتش خواستی فاذا طاف كلما اتى الركن كبر خ در صحیح بخاری است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم طواف

کردی هرگاه که برکن یمانی آمدی تکبیر فرمودی و میگفت میان هر دو رکن رَبَّنَا آتِنَا
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ د س حب مس
در سنن ابی داود و نسائی و صحیح ابن حبان ست بروایت عبد الله بن السائب
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم میان دو رکن یمانی ربنا آتنا تا آخر
فرمودی جانب استوار از رکن گویند یعنی الیمنت ای پروردگار ما در دنیا
و آخرت ما را نیکی بده و ما را از عذاب آتش نگاه دار و کذلک بَيْنَ الرُّكْنِ
وَالْحَجَرِ مص در مصنف ابوبکر ست بروایت عبد الله مذکور رضی الله عنه همچنا
میان رکن و حجر اسود ربنا آتنا تا آخر گفتی فی الطواف مس او بَيْنَ الرُّكْنِ
وَالْمَقَامِ اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَاخْلُفْ عَلَى كُلِّ غَائِبَةٍ
لِي بِخَيْرٍ مس مو مص در صحیح مستدرک ست بروایت ابن عباس رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه و سلم در طواف یا میان رکن و مقام ابراهیم
علیه السلام قنعني تا آخر میفرمود اما در مصنف ابوبکر موقوف ست یعنی الیمنت
ای بار خدای مرا قانع گردان بدانچه روزی کردی و برای من در آن برکت ده
و بر هر غائب من خلیفه بخیر باش لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مر مص در کتاب
دعا ابن مردویه و مصنف ابوبکر است که رسول صلی الله علیه و سلم
لا اله الا الله وحده تا آخر فرمودی فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الطَّوَافِ
تَقَدَّمَ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَقَرَأَ وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى
وَجَعَلَ الْمَقَامَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَيْتِ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فِي الْأُولَى

وصحیح مستدرک

قل یا ایها الکافرون

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى
الرُّكْنِ فَيَسْتَلِمُهُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ الْبَابِ إِلَى الصَّفَا فَإِذَا دَنَا مِنْهُ
قَرَأَ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ بِهِ فَيَبْدَأُ فِي الصَّفَا حَتَّى يَرَى الْبَيْتَ فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ
فَيُوَحِّدُ اللَّهَ وَيُكَبِّرُهُ وَيَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ
ثُمَّ يَدْعُو بَيْنَ ذَلِكَ وَيَقُولُ مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَرْوَةِ
حَتَّى إِذَا انْصَبَّتْ قَدَمَاهُ فِي بَطْنِ الْوَادِي سَعَى حَتَّى إِذَا أَتَى الْمَرْوَةَ
فَعَلَ عَلَى الْمَرْوَةِ كَمَا فَعَلَ عَلَى الصَّفَا م د س ق عو در صحیح مسلم و سنن
ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابو عوانه است بروایت جابر
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم از طواف کعبه فارغ
شد سوی مقام ابراهیم پیشتر شد پس وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ
مُصَلًّى خواند یعنی الیمنت و مقام ابراهیم را جای نماز خود سازید
پس مقام ابراهیم را میان خود و میان کعبه گردانید و دو رکعت نماز
گذارد در اول رکعت قل یا ایها الکافرون و در دوم اخلاص
خواند پس سوی رکن یمانی باز گشته حجر الاسود را دست مالیده بوسه
دادند پس سوی کوه صفا بیرون آمدند چون نزد کوه صفا رسیدند
إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ خواندند یعنی الیمنت بدرستی که کوه صفا

وگفته شده از علامات مناسک حج ای عبادات خدای تعالی است پس رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود آغاز میکنم بدانچه خدای تعالی آغاز کرده است
یعنی صفا را خدای تعالی مقدم کرده من هم مقدم میکنم پس بر صفا بر آمد
تا کعبه را دید پس استقبال قبله کرد و توحید و تکبیر خدای تعالی فرمود لا اله
الا الله وحده لا شریک له تا هزم الاحزاب وحده خواند معنی اینست
نیست معبود بحق جز خدای تعالی شریک که وعده خود که فتح مکه کرده بود
وفا کرد و انبوه بنده خود محمد صلی الله علیه وسلم را نصرت داد و گروهها
کفار که در جنگ خندق جمع شده بودند تنهایی بواسطه صبا و شکست داد یعنی
فرستاد که خیام کفار را بلند انید و آتش ایشان را برانید و ایشان را از میان
خود چنان بید و ترسان آن بکثر شدند کفار منهزم گشتند پس رسول صلی الله
علیه وسلم بر صفا دعا کرد و مثل این مذکور سه بار کرد پس فرود آمد تا مروه
بر آمد تا آنکه قدمهای مبارک او صلی الله علیه وسلم در میان وادی بوادی
شتاب روان شدند تا که بر کرانه وادی بر آمدند آهسته رفتند تا که بر کوه مروه
بر آمدند و کرد آنچه بر کوه صفا کرده بودند وَاِذَا رَقِیَ الصَّفَا کَبَّرَ ثَلٰثًا
وَیَقُوْلُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ
وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ یَصْنَعُ ذٰلِکَ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَیَصِیْرُ مِنَ التَّکْبِیْرِ
اِحْدٰی وَعِشْرُوْنَ وَمِنَ التَّهْلِیْلِ سَبْعٌ وَیَدْعُوْا فِیْمَا بَیْنَ ذٰلِکَ
وَیَسْأَلُ اللّٰهَ ثُمَّ یَهْبِطُ فَاِذَا رَقِیَ عَلَی الْمَرْوَةِ صَنَعَ کَمَا صَنَعَ عَلَی الصَّفَا
حَتّٰی یَفْرُغَ موطا مص در کتاب دعا ابن مردویه و موطا امام

مالک و مصنف

مالک و مصنف ابوبکر است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون رسول
صلی الله علیه وسلم بر صفا بر آمدی سه بار تکبیر گفتی و هفت بار لا اله الا الله
وحده تا آخر فرمودی پس تکبیر بیست و یکبار شدی و تهلیل هفت بار شدی
و میان آن مذکور دعا کردی و آنچه خواستنی بود از خدای تعالی خواستی پس از
کوه صفا فرود آمدی چون بر کوه مروه رفتی چنانچه بر کوه صفا کرده بودند
می کردندی وَیَدْعُوْا عَلَی الصَّفَا اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ اُدْعُوْنِیْ اَسْتَجِبْ لَکُمْ
وَاِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ وَاِنِّیْ اَسْأَلُکَ کَمَا هَدَیْتَنِیْ لِلْاِسْلَامِ
اَنْ لَا تَنْزِعَهٗ مِنِّیْ حَتّٰی تَتَوَفَّانِیْ وَاَنَا مُسْلِمٌ مو در کتاب دعا ابن
مردویه و موطا امام مالک است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی
الله علیه وسلم بر کوه صفا دعا میکرد اللهم انک تا آخر میخواند معنی اینست ای
بار خدای بدرستی که تو گفتی مرا بخوانید تا استجابت تمام کنم و بدرستی که تو وعده
خلاف نکنی و من از تو میخواهم که چنانچه سوی اسلام مرا راه نمودی اسلام را
از من بیرون نکشی تا مرا بمیرانی و من مسلمان باشم وَبَیْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ
رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ مر مص در کتاب دعای ابن
مردویه و مصنف ابوبکر است که رسول صلی الله علیه وسلم میان صفا و مروه
رب اغفر تا آخر میخواند معنی اینست ای پروردگار من بیامرز و رحمت کن
بدرستی که توئی اعز و اکرم وَاِذَا سَارَ اِلٰی عَرَفَاتٍ لَبّٰی وَکَبَّرَ م د
در صحیح مسلم و سنن ابی داود است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که چون
رسول صلی الله علیه وسلم سوی کوه عرفات میرفت تلبیه و تکبیر میگفت

وخير الدعاء يوم عرفة وخير ما قلت انا والنبيون من قبلي لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير اللهم اجعل
في قلبي نورا وفي سمعي نورا وفي بصري نورا اللهم اشرح لي صدري
ويسر لي امري واعوذ بك من وساوس الصدر وشتات الامر وفتنة
القبر اللهم اني اعوذ بك من شر ما يلج في الليل وشر ما يلج في النهار وشر
ما تهب به الرياح مص در مصنف ابوبکر است بروایت علی
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بهترین دعای من و دعای
پیغمبران گذشته روز عرفه لا اله الا الله وحده لا شریک له تا آخر آنچه ثبت
معنی ابیات ای بار خدای سینه مرا گشاده کن و کار مرا آسان گردان
و می پناهم بتو از وسوسهای سینه و پراگندگی کار و فتنه قبر ای بار خدای
می پناهم بتو از شر آنچه در شب در آید و از شر آنچه در روز در آید و از شر آنچه
باد بران رود والتلبية بعرفات سنة س مص در سنن نسائی و صحیح
مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که لبیک گفتن در عرفات سنت
است ولما وقف بعرفات وقال لبيك قال انما الخير خير الآخرة طس
در معجم اوسط است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که هرگاه رسول صلی
الله علیه وسلم وقوف بعرفات کرد و تلبیه گفت انما الخیر خیر الآخرة گفت معنی ابیات
نیست نیکی جز نیکی آخرت فاذا صلى العصر وقف بعرفات يرفع يديه
ويقول الله اكبر ولله الحمد الله اكبر الله اكبر ولله الحمد لا اله الا الله وحده
لا شريك له له الملك وله الحمد اللهم اهدني بالهدى ونقني بالتقوى

ولله الحمد

واغفرلي

واغفرلي في الآخرة والاولى ثم يرد يديه فيسكت قدر ما يقرأ
انسان فاتحة الكتاب ثم يعود فيرفع يديه ويقول مثل ذلك مر مص
در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابوبکر است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما
که چون رسول صلی الله علیه وسلم نماز عصر گذاردی وقوف بعرفات کردی و دو دست
خود برداشتی الله اکبر ولله الحمد سه بار فرمودی لا اله الا الله وحده تا آخر
یکبار فرمودی معنی ابیات ای بار خدای راه نمای مرا براه راست و پاک
گردان مرا بتقوی و مرا در آخرت و دنیا بیامرز پس رسول صلی الله علیه وسلم
دو دست خود را باز گردانیدی پس مقدار خواندن فاتحه ساکت ماندی پس باز
دو دست خود برداشتی و مثل آن مذکور فرمودی واذا رجع والی المشعر
الحرام استقبل القبلة ودعا الله وكبره وهلله ووحده فلم يزل واقفا
حتى اسفر جدا م د س ق عو در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی
و ابن ماجه و صحیح ابوعوانه است بروایت جابر رضی الله عنه که چون رسول
صلی الله علیه وسلم از عرفات باز گشت و در مشعر حرام که کوهی است در مزدلفه
آمد روی بقبله آورد و دعا کرد و تکبیر و تهلیل و توحید فرمود و آنجا ایستاده
ماند تا که صبح بمبالغت روشن گشت ولم يزل يلبي حتى رمى الجمرة اي جمرة العقبة
ع در اصول است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم تلبیه میگفت تا که سنگ ریزها عقبه می انداخت عقبه راه میگویند واذا
رمى الجمار فاذا اتى الجمرة الدنيا رماها بسبع حصيات يكبر على اثر كل
حصاة خ س در صحیح بخاری و سنن نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله

عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم رمی جمار یعنی انداختن سنگ ریزها بجمرات
پس چون جمره که قریب است می آمد نزد آن جمره قریب هفت سنگ ریزه می انداخت
که پس هر سنگ ریزه تکبیر میفرمود ویکبر مع کل حصاة م دس قا مص در صحیح
مسلم وسنن ابی داود ونسائی وابن ماجه ومصنف ابوبکر است بروایت
جابر رضی الله عنه که با هر سنگ ریزه تکبیر میفرمود ثم یتقدم فیسهل فیقوم مستقبل
القبلة قیاما طویلا فیدعو ویرفع یدیه ثم یرمی الجمرة الوسطی کذلک فیاخذ
ذات الشمال فیسهل فیقوم مستقبل القبلة قیاما طویلا فیدعو ویرفع یدیه
ثم یرمی الجمرة ذات العقبة من بطن الوادی ولا یقف عندها خ س
در صحیح بخاری ونسائی هست بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که پس رسول صلی
الله علیه وسلم از جمره دنیا تنها متشدی و در زمین نرم مستقبل قبله با دیر می ایستادی
پس دعا میکردی و دو دست بر داشتی پس رمی جمره وسطی همچنان هفت بار کردی
ذکر فرمودی پس راست جمره وسطی رفتی و در زمین نرم مستقبل قبله با دیر ایستادی
پس دعا میکردی و دو دست برداشتی پس رمی جمره ذات العقبه که در میان وادی
است کردی و نزد آن وقوف نکردی یعنی ایستاده نماندی ویستبطن الوادی حتی
اذا فرغ قال اللهم اجعله حجا مبرورا وذنبا مغفورا مص مو مص
در مصنف ابوبکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه وهم در مصنف است موقوف
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما یعنی بروایت ابن مسعود مرفوع است و بروایت ابن
عمر موقوف است که رسول صلی الله علیه وسلم در شکم وادی در آمدی تا که چون از
رمی جمار فارغ شدی اللهم اجعله حجا تا آخر فرمودی یعنی اینست ای بار خدای این

سُنن

مقبول کردان ۲

را

حج را مقبول گردان وگناه را مغفور گردان ویدعو عند الجمرات کلها ولا یوقت
شیئا مو مص در کتاب دعا ابن مردویه ومصنف ابوبکر است بروایت
حسن بصری رحمه الله که رسول صلی الله علیه وسلم نزد همه جمرات دعا میکرد وچیزی
از دعا تعیین نساخت هر دعا که میخواست میکرد واذا ذبح سمی وکبر ووضع
رجله علی صفاحها ای عرض خدها ع در اصول است بروایت انس رضی الله
عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم ذبح قربانی کردی بسم الله والله اکبر
فرمودی و پای مبارک خود را بر کله قربانی نهادی ویقول فی الاضحیة بسم الله یعنی
اللهم تقبل منی ومن امة محمد م د در صحیح مسلم وسنن ابی داود ونسائی
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم در قربانی
بسم الله اللهم تا آخر میفرمود یعنی اینست بنام خدای تعالی ذبح میکنم ای بار خدای
قبول کن از من واز امت محمد صلی الله علیه وسلم انی وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم حنیفا وما انا من
المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین
لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله
والله اکبر ثم یذبح د ق مس در سنن ابی داود وابن ماجه وصحیح
مستدرک است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در ذبح قربانی
انی وجهت تا آخر میفرمود بعد آن بسم الله والله اکبر میفرمود پس ذبح
میکرد یعنی در تکبیر باز گذشت وقال صلی الله علیه وسلم لفاطمة رضی الله عنها
قومی الی اضحیتک فاشهدیها فانه یغفر لک عند اول قطرة من

بیان ذبح وقت قربانی

وما كان ذنب عملته وقولي انّ صلوتي ونسكي الى آخره قال عمران
قلت يا رسول الله انّ هذا لك ولاهل بيتك خاصّة قال بل للمسلمين عامّة
مس در صحیح مستدرک است بروایت عمران بن حصین رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فاطمه را رضی الله عنها فرمود که ای فاطمه بایست نزد قربانی
کن دبر قربانی خود حاضر شو زیرا چه هر گناهی که تو کرده نزد اول قطره او مغفور گردد
و بگوی انّ صلوتي ونسكي تا آخر که راوی حدیث عمران رضی الله عنه
گفت که ای رسول خدا این غفران خاصه برای تو و اهل بیت تو است
فرمود بلکه عام است برای مسلمانان فان كان بدنة فليقل اذا ذبحها بسم الله
الله اكبر الله اكبر اللهم منك ولك ثم يطعم الله ثم لينحر وان كانت عقيقة
فعل كما لاضحية موس در کتاب دعا ابن مردویه و صحیح مستدرک است [illegible]
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که اگر قربانی اشتر بود پس [illegible]
کرد اند پس الله اکبر سه بار گوید اللهم منك ولك گوید یعنی ای بار خدای این
قربانی از تست و برای تست پس بسم الله الله اکبر گوید پس ذبح کند و اگر عقیقه
بود فعل او همچو فعل قربانی کند يسمّي على العقيقة كما يسمّي على الاضحية
بسم الله عقيقة فلان موس در هر دو کتاب مذکور است که تسمیه گوید
بر عقیقه چنانچه بر اضحیه بسم الله تا آخر گوید معنی النبت بنام خدای تعالی
این ذبح میکنم این عقیقه فلان است واذا دخل البيت كبّر في نواحيه
خ د در صحیح بخاری و سنن ابی داود است بروایت ابن عباس
رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم در کعبه درآمدی در هر جانب

کعبه تکبیر میگفتی

وان كان عقيقة

طریق عقیقه طفل

کعبه تکبیر میفرمود خ فی رد ایاه د در سنن ابی داود است که در هر کنج کعبه
تکبیر بود و بدعوا في نواحيه كلها فاذا خرج ركع في قبل البيت ركعتين
م س در صحیح مسلم و سنن نسائی است بروایت اسامه بن زید رضی
الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم در هر جانب کعبه دعا میکرد پس چون
از کعبه بیرون می آمد دو رکعت نماز در پیش کعبه مستقبل در میکرد و دخل النبي
صلى الله عليه وسلم الكعبة هو واسامة وعثمان بن طلحة الحجبي
وبلال ابن رباح فاغلقها عليه ومكث فيها فسألت بلالا حين خرج
ماذا صنع رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال جعل عمودا عن
يساره وعمودين عن يمينه وثلاثة اعمدة وراءه وكان البيت
يومئذ على ستّة اعمدة ثم صلّى خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت
اسامه بن زید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم و اسامه و عثمان
و بلال رضی الله عنهم در کعبه درآمدند پس رسول صلی الله علیه وسلم در کعبه
را بست و درنگ در کعبه کرد چون بیرون آمد اسامه از بلال پرسید که رسول صلی
الله علیه وسلم در کعبه چه کرد بلال گفت یک ستون را طرف چپ داشت و یک
ستون طرف دست راست خود داشت و سه ستون را پس خود داشت پس
نماز کرد و کعبه در آن روز بر شش ستون بود ولما دخل صلى الله عليه وسلم
البيت امر بلالا فاجاف الباب والبيت اذ ذاك على ستّة
اعمدة فمضى حتى اذا كان بين الاسطوانتين اللتين تليان
باب الكعبة فجلس فحمد الله واثنى عليه وسأله واستغفره ثم قام

حتى اذا اتى ما استقبل من دبر الكعبة فوضع وجهه وخده عليه
وسأله واستغفره ثم انصرف الى كل ركن من اركان الكعبة فاستقبله
بالتكبير والتهليل والتسبيح والثناء على الله والمسألة والاستغفار
ثم خرج فصلى ركعتين مستقبل وجه الكعبة ثم انصرف س
در سنن نسائی است بروایت اسامة بن زید رضی الله عنهما که چون رسول
صلی الله علیه وسلم در کعبه در آمد بلال را گفت رضی الله عنه تا در بست
و کعبه در آن روز بر شش ستون بود پس رسول صلی الله علیه وسلم پیشتر رفتند
تا که میان دو ستون که قریب در اند آمده نشست پس حمد و ثنای خدای
تعالی فرمود و از وی حاجت خواست و طلب آمرزش کرد پس ایستاد تا که رسید پشت
کعبه در آمد پس روی و کله مبارک خود را آنجا نهاد و حاجت و آمرزش خواست
پس سوی جانب کعبه روان شد پس استقبال آن به تکبیر و تهلیل و تسبیح
و ثنای خدای تعالی و خواهش حاجت و طلب آمرزش کرد پس از کعبه بیرون
آمد پس دو رکعت نماز مستقبل در کعبه کرد پس روان گشت و اذا شرب
ماء زمزم فليستقبل القبلة وليذكر اسم الله وليتنفس ثلاثا وليتضلع
منها فاذا فرغ فليحمد الله ان آية ما بيننا وبين المنافقين انهم لا
يتضلعون من زمزم ق س در سنن ابن ماجه و صحیح مستدرک است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که چون کسی آب زمزم نوشد پس گو که رو
بقبله آرد و بسم الله گوید و سه دم بس کل بخورد پس چون فارغ شود حمد
خدای تعالی گوید بدرستی که علامت جدائی ما و میان منافقان نیست

که ایشان

بیان نوشیدن آب زمزم

که ایشان آب زمزم سیر نخورند و ماء زمزم لما شرب له فان شربته تستشفي
به شفاك الله وان شربته مستعيذا اعاذك الله وان شربته ليقطع
ظمأك قطعه وكان ابن عباس اذا شرب ماء زمزم قال اللهم اني
اسألك علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء من كل داء مس در صحیح مستدرک است
بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آب زمزم را به نیت
هر چیز که بخورند بآن نیت بخورند اگر نیت شفا بخوری خدای تعالی ترا شفا دهد
و اگر نیت پناه بخوری خدای تعالی ترا پناه دهد و اگر نیت قطع تشنگی بخوری تشنگی تو
منقطع کرده و ابن عباس رضی الله عنه چون آب زمزم می نوشید اللهم انی اسألك
تا آخر میگفت معنی اینست ای بار خدای از تو علم نافع و رزق فراخ و شفا از همه بیماری
میخواهم ولما اتى الامام الحجة عبد الله بن المبارك زمزم واستقى منه شربة
ثم استقبل القبلة قال اللهم ان ابن ابي الموال حدثنا عن محمد بن المنكدر عن جابر
رضي الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ماء زمزم لما
شرب له وهذا اشربه لعطش يوم القيمة ثم شرب مصنف گوید هرگاه که
امام حجة عبد الله بن مبارک بر چاه زمزم آمد آب از جا کشید مستقبل قبله شد گفت
آمد
ای بار خدای ابن ابی موال از محمد بن منکدر بروایت جابر بار گفت که رسول
صلی الله علیه وسلم فرموده است که آب زمزم برای هر کاری که بخورند آن کار بر آید
و من این را از جهت قطع تشنگی روز قیامت میخورم پس آب زمزم خورد قلت
بلا شك صحيح والراوي عن المبارك ذلك سويد بن سعيد ثقة روى
له مسلم في صحيحه فصح الحديث والحمد لله مصنف گوید این سند صحیح است

و راوی از ابن مبارک که سوید بن سعید است گفته است مسلم در صحیح خود روایت آورده است
پس حدیث مذکور صحیح شد و حمد مر خدای تعالی راست و ان کان فی سفر غزاة او
لقی العدو قال اللهم انت عضدی و نصیری بک احول و بک اصول و بک اقاتل
د ت س حب مص عو در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
ابو عوانه است بروایت انس رضی الله عنه و در مصنف ابو بکر است بروایت او
رضی الله عنه اگر در سفر غزا باشد یا دشمن را ملاقات شود اللهم انت عضدی تا آخر
گوید معنی اینست ای بار خدای توئی معین و ناصر من بنصرت تو بر حمله میکنم و بیاری تو کارزار
میکنم رب بک اقاتل و بک اصاول و لا حول و لا قوة الا بک عو در صحیح ابو عوانه است
بروایت انس رضی الله عنه که اللهم تا آخر گوید و اذا ارادوا لقی العدو وانتظر الامام
حتی مالت الشمس ثم قام فقال یا ایها الناس لا تتمنوا لقاء العدو و سلوا
الله العافیة فاذا لقیتموهم فاصبروا واعلموا ان الجنة تحت ظلال السیوف ثم
قال اللهم منزل الکتاب و مجری السحاب و هازم الاحزاب اهزمهم و انصرنا
علیهم خ م د در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود است بروایت عبد الله بن
ابی اوفی رضی الله عنه که چون مسلمانان خواهند که دشمنان را ملاقات کنند باید که زوال
آفتاب انتظار کنند پس ایستاده کرد و بگوید ای مردمان آرزوی لقای دشمن مکنید
و از خدای تعالی عافیت خواهید پس چون دشمنان را ملاقات کنید صابر باشید از قتال رو گردان مشوید
و بدانید که بهشت زیر سایه های شمشیرهاست اللهم منزل تا آخر گوید معنی اینست ای بار خدای
ای فرو آرنده کتاب و روان کننده ابر و شکننده گروههای کفار ایشان را شکست ده و ما را بر
ایشان نصرت ده اللهم منزل الکتاب سریع الحساب اهزم الاحزاب اللهم اهزمهم

سفر غزا

منع فرمودن از آرزوی لقاء عدو ۵

و زلزلهم

و زلزلهم خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت عبد الله بن ابی اوفی رضی
الله عنه که اللهم منزل الکتاب تا آخر گوید معنی همانست و اذا اشرف علی بلد
الله اکبر خربت ای البلد التی قصدها انا اذا نزلنا بساحة قوم فساء صباح
المنذرین خ م ت س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه است بروایت انس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر شهر
کافران بر آمدی تکبیر گفتی و فرمودی که این شهر خراب شد یعنی بدرستی که ما چون بمیان
قومی فرود آئیم پس صباح بیم کرده شدگان بد گردد و فی ثلاث مرات م در صحیح مسلم است
که کلام مذکور سه بار میفرمود و اذا خاف قوما اللهم انا نجعلک فی نحورهم و نعوذ بک
من شرورهم د س حب مس در سنن ابی داود و نسائی و صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه
وسلم از دشمنان ترسیدی اللهم نجعلک تا آخر فرمودی معنی اینست ای بار خدای
ما ترا در مقابل ایشان می کردانیم و از بدیهای ایشان بتو پناه میبریم فان حصروا
عدو اللهم استر عوراتنا و آمن روعاتنا ط در مسند بزار و مسند امام احمد است
بروایت جابر رضی الله عنه که چون مسلمانان را دشمنان حصر کنند اللهم استر تا آخر گویند
معنی اینست ای بار خدای عورات ما را بپوش و ترس ما را امن گردان فان اصابته
جراحة قال بسم الله س در سنن نسائی است بروایت جابر رضی الله عنه
که اگر او را جراحت رسد بسم الله فاذا انهزم العدو سوی الامام الجیش
صفوفا خلفه ثم قال اللهم لک الحمد کله لا قابض لما بسطت و لا باسط
لما قبضت و لا هادی لما اضللت و لا مضل لما هدیت و لا معطی لما منعت

خ م ت س ق

اذ بر آمدی سوی دشمنان

اللهم انا نجعلک فی نحورهم تا آخر

بیان اگر جراحت رسد بسم الله گوید ۵

بیان منهزم شدن دشمنان

ولا مانع لما اعطیت ولا مقرب لما باعدت ولا مباعد لما قربت اللهم
ابسط علینا من برکاتک ورحمتک وفضلک ورزقک اللهم انی اسألک
النعیم المقیم الذی لا یحول ولا یزول اللهم انی اسألک الامن یوم الخوف
اللهم عائذ بک من شر ما اعطیتنا ومن شر ما منعتنا اللهم حبب الینا
الایمان وزینه فی قلوبنا وکره الینا الکفر والفسوق والعصیان
واجعلنا من الراشدین اللهم توفنا مسلمین والحقنا بالصالحین غیر
خزایا ولا مفتونین اللهم قاتل الکفرة الذین یکذبون رسلک و
یصدون عن سبیلک واجعل علیهم رجزک وعذابک اله الحق
آمین س حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است
بروایت رفاعة بن رافع رضی الله عنه که چون دشمنان منهزم شوند پادشاه لشکر را پس
خود صفها سازد پس اللهم لک الحمد تا آخر گوید معنی اینست ای بارخدای همه حمد ترا
تنگ کننده نیست مر چیزی را که تو فراخ کردی و فراخ کننده نیست مر چیزی را که تو تنگ کردی
و راه نماینده نیست مر کسی را که تو گمراه کردی و گمراه کننده نیست مر کسی را که تو راه نمودی
و دهنده نیست مر کسی را که تو منع کردی و منع کننده نیست مر کسی را که تو دادی و نزدیک سازنده
نیست مر کسی را که تو دور کردی و دور کننده نیست مر کسی را که تو نزدیک کردی ای بارخدای
برکات و رحمت و فضل و رزق خود را بر ما فراخ کن ای بارخدای میخواهم از تو نعیم
پاینده که متغیر نشود و زایل نگردد ای بارخدای از تو امن از خوف میخواهم ای
بارخدای بتو می پناهم از شر آنچه ما را دادی و از شر آنچه از ما باز داشتی ای بار
خدای ایمان را سوی ما دوست گردان و ایمان را در دلهای ما آراسته ساز

وکفر

و کفر و فسق و عصیان را سوی ما مکروه کن و ما را از اهل رشد و از اهل عقل گردان
ای بارخدای ما را مسلمان بمیران و لاحق بصالحان گردان در آن حال که خوار نگشته
زده نباشیم ای بارخدای بکش کافران را که رسولان ترا تکذیب میکنند و مردمان را از راه
تو باز میدارند و عذاب خود بر ایشان کن ای آله حق دعای مرا مستجاب گردان
د بکلم من اسلم اللهم اغفر لی وارحمنی واهدنی وارزقنی عو در صحیح ابوعوانه
است بروایت طارق بن اشیم رضی الله عنه که هر که مسلمان شدی رسول الله صلی الله
علیه و سلم او را اللهم اغفر لی تا آخر آموختی فاذا رجع من سفره یکبر علی کل
شرف من الارض ثلث تکبیرات ثم یقول لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر آیبون تائبون عابدون ساجدون
لربنا حامدون صدق الله وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده
خ م د ت س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است
بروایت ابن عمر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم از سفر باز گشتی
بر سر بلندی زمین سه بار تکبیر گفتی پس لا اله الا الله وحده تا آخر فرمودی
معنی گذشت فاذا اشرف علی بلده آیبون تائبون عابدون لربنا حامدون
فلا یزال یقولها حتی یدخل بلده خ م س در صحیح بخاری و مسلم و سنن
نسائی است بروایت انس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم
بر شهر خود مطلع شدی تا که در شهر در آمدی آیبون حامدون فرمودی فاذا
دخل علی اهله قال توبا توبا لربنا اوبا لا یغادر علینا حوبا
ط ی در مسند امام احمد و معجم کبیر و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت

ابن عباس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم بر اهل خود از سفر
در آمدی توبا تا آخر گفتی یعنی اینست توبه و رجوع سوی پروردگار خود کردیم توبه
و رجوع که گناهی را بر ما نگذارد آئبون تائبون لربنا حامدون ... بار ص
در مسند بزار و مسند ابو یعلی موصلی است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که
چون رسول صلی الله علیه وسلم از سفر بر اهل خود آمدی اوبا تا آخر بعدی یعنی
همان است

بیان ومن نزل به غم او کرب او امر مهم

وَمَنْ نَزَلَ بِهِ غَمٌّ أَوْ كَرْبٌ أَوْ أَمْرٌ مُهِمٌّ فَلْيَقُلْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَظِيمُ
الْحَلِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّمٰوَاتِ
وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ خ م ت س ق در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که هرگاه
غم یا اندوه یا کاری مهم رسد پس بگوید لا اله الا الله العظیم تا آخر گوید معنی اینست
ظاهر لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ خ عو
در صحیح بخاری و صحیح ابو عوانه است که لا اله الا الله الحلیم تا آخر گویند بعد
ذلک دعا در صحیح ابو عوانه است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که بعد آن دعا
کند و حاجت خواهد لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللهِ وَتَبَارَكَ اللهُ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مص س حب مس در مصنف ابو بکر بروایت ابن عباس
رضی الله عنه و در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت علی
رضی الله عنه که لا اله الا الله الحلیم تا آخر گوید وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
س حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است والحمد لله

سبحان العظیم

رَبِّ الْعَالَمِينَ گوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ
السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
شَرِّ عِبَادِكَ عص صحیح السند لابن ابی عاصم فی کتاب الدعا در چهار
سنن است که لا اله الا الله الحلیم تا آخر گوید مصنف گفت ابن حدیث
سند است برای ابن ابی عاصم در کتاب او که نام آن دعاست حَسْبُنَا اللهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ خ ت س در صحیح بخاری و سنن ترمذی و نسائی است بروایت
ابن عباس رضی الله عنهما که در وقت حزن حسبنا الله تا آخر گوید یعنی اینست
بسنده است ما را خدای تعالی و نیکوست وکیل ما او جل و علا حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
خ در صحیح بخاری است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که حسبی الله تا آخر گوید
اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا د س ق مص طس در سنن ابی
داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت اسما بنت عمیس رضی الله عنها که
الله الله تا آخر گوید یعنی اینست خدای تعالی پروردگار من است چیزی را انبار
شریک نمیکنم اللّٰهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ثلث مرات طب در کتاب
دعا طبرانی است بروایت عائشه رضی الله عنها که الله الله تا آخر سه بار

و در مصنف ابو بکر و معجم اوسط بروایت عائشه رضی الله عنها ۴

گوید اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ
شَيْئًا حب در صحیح ابن حبان است بروایت عائشه رضی الله عنها که الله الله
تا آخر دو بار گوید تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ
تَكْبِيرًا مس در صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که توکلت

تا آخر کوید معنی اینست توکل کردم بر زنده که نمیرد و حمد مر خدای تعالی راست که فرزند
نگرفته و مر او را در ملک شریکی نیست و مر او را ناصری از ذل نیست یعنی او تعالی را
ذل و عجز نیست که محتاج بناصر شود و او تعالی را ببزرگی یاد کن ای محمد اَللّٰهُمَّ
رَحْمَتَكَ اَرْجُوْ فَلَا تَكِلْنِيْ اِلٰى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَاَصْلِحْ لِيْ شَاْنِيْ كُلَّهٗ
د حب مص ط ی در سنن ابی داؤد و صحیح ابن حبان و مصنف ابوبکر و معجم کبیر و کتاب
عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت ابوبکره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود دعوات غم زده این است اللهم رحمتک ارجو تا آخر کوید معنی اینست
ای بار خدای امید رحمت تو دارم پس مرا یک چشم زدنی سوی نفس من مسپار و
کارهای مرا راست آر لا اله الا انت حب مص ی در صحیح ابن حبان و مصنف
ابوبکر و کتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است لا اله الا انت کوید یا حی یا قیوم
برحمتک استغیث مس ی در صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیل است
بروایت انس رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم را کاری در حزن
آوردی یا حی یا قیوم تا آخر گفتی معنی اینست ای زنده پاینده برحمت تو فریاد
رسی میخواهم و دیگر و هو ساجد یا حی یا قیوم س مس در سنن نسائی
و صحیح مستدرک است بروایت علی رضی الله عنه که یا حی یا قیوم در سجده تکرار کند
در مشکوة است علی رضی الله عنه گوید که روز بدر کارزار کردم پس آمدم تا رسول
صلی الله علیه وسلم را بینم که در چه کار است رسول صلی الله علیه وسلم در سجده
یا حی یا قیوم برحمتک استغیث میفرمود پس باز رفتم و قتال کردم و آمدم
رسول صلی الله علیه وسلم در سجده همان میفرمود سه بار همچنان رفتم و آمدم

و رسول صلی الله علیه وسلم

و رسول صلی الله علیه وسلم را در همان حال دیدم پس خدای تعالی فتح داد
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین س ی در کتاب عمل الیوم
واللیل است بروایت سعد وقاص رضی الله عنه که لا اله الا انت تا آخر
کوید معنی اینست جز تو معبودی نیست پاکی است مر ترا ای پروردگار هر آینه
که هستم از مردان ستمکار لم یدع بها رجل مسلم فی شیء قط الا استجاب الله
له ت س مس مص ا رص در سنن ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک بروایت
سعد وقاص و در مسند امام احمد و مسند بزار و مسند ابی یعلی موصلی است
بروایت عدی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دعا نکرد هیچ کس
مسلمان در هیچ چیز بکلمه لا اله الا انت تا آخر مگر که خدای تعالی دعاء او
مستجاب کرده است وقال عبد اصابه هم او حزن اللهم انی عبدک
وابن عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک
عدل فی قضاؤک اسألک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک
او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت
به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن العظیم ربیع قلبی ونور
بصری وجلاء حزنی وذهاب همی الا اذهب الله همه وابدله
مکان حزنه فرحا حب مس اص مص ط در صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک و مسند امام احمد و مسند ابو یعلی موصلی و مسند بزار و مصنف
ابوبکر و معجم کبیر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود و گفته است اللهم انی عبدک تا آخر هیچ بنده که او را

حدیث قدسی الآدم عبدی والحوی امتی ۝

ای اخترت — برگزیدی تو او را در علم نزد خود یعنی هیچ مخلوق را بدان ۱۲ اطلاع نداده ۝

اندیشه یا غم رسیده باشد مگر که خدای تعالی هم و غم او را برده است و بجای
اندوه او خوشی بدل کرده است معنی اللهم ای بار خدای بدرستی که من بنده
توام و پسر بنده توام و پسر کنیزک توام موی پیشانی من در قبض تست حکم تو
در من جاری است قضای تو در من عدل است بهر نام که تو ذات خود را
نام بدان نهادی یا در کتاب خود آنرا فرود فرستادی یا کسی از خلق خود را
تعلیم آن کردی یا آنرا در علم غیب خود اختیار کردی که کسی را بران علم ندادی
میخواهم که قرآن را راحت دهنده دل من و روشنائی چشم من و دفع کننده اندوه
و برنده اندیشه من گردانی

فی من قال لا حول ولا قوة الا بالله

مَنْ قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ كَانَتْ
لَهُ دَوَاءً مِنْ تِسْعَةٍ وَتِسْعِينَ دَاءً أَيْسَرُهَا الْهَمُّ مس ط در صحیح مستدرک است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه و در معجم کبیر است بروایت ابن عامر عنهما که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود هر که لا حول ولا قوة الا بالله گوید او را این کلمه از نود و نه زحمت دوا بود
که آسان ترین آن زحمت اندیشه و غم است فایده منقولست از فضایل که عوف
بن مالک اشجعی رضی الله عنه که پیش رسول صلی الله علیه و سلم آمده گفت پسر مرا
دشمنان اسیر گرفته اند و مادر او اندوه میکند ما را چه میفرمائی رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود شما هر دو را میفرمایم که لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بسیار گوئید او
زن خود را گفت هر دو این کلمه میگفتند که پسر جاه هزار گوسفندان دشمنان آورد من
لَزِمَ الْاِسْتِغْفَارَ دق حب مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْاِسْتِغْفَارِ س جَعَلَ اللّٰهُ لَهُ مِنْ
كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ د س ق حب
در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما

که رسول

که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که استغفار لازم گیرد و در سنن نسائی است
هر که استغفار بسیار گوید خدای تعالی او را از هر تنگی بیرون شدنی و از هر غم و اندیشه
رهایشی کرده اند و او را رزق رسانند از جائی که ندانند و تَقَدَّمَ مَا يَقُولُ مَنْ نَزَلَ بِهِ
كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ عِنْدَ سَمَاعِ الْمُؤَذِّنِ س در پیش گذشته است آنچه بگوید آنکه رسد او را غم
و سختی نزد شنیدن بانگ نماز گوینده از نقل صحیح مستدرک است بروایت ابو امامه رضی الله
عنه وَإِنْ تَوَقَّعَ بَلَاءً وَأَدْرَكَ أَمْرًا مُهِمًّا أَوْ وَقَعَ فِي أَمْرٍ عَظِيمٍ قَالَ حَسْبُنَا اللّٰهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا ت مص در سنن ترمذی و مصنف ابو بکر است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که اگر بلای یا کار مخوف را چشم دارد یا
کاری عظیم افتاده باشد حسبنا الله تا آخر گوید وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَلْيَقُلْ

بیان مصیبت

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أَحْتَسِبُ مُصِيبَتِي فَأْجُرْنِي فِيهَا وَأَبْدِلْنِي
مِنْهَا خَيْرًا ت س ق در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابو سلمه
رضی الله عنه که چون او را مصیبتی رسد بس گوید که انا لله تا آخر گوید معنی آیت
مملوک خدای تعالی ایم و سوی او تعالی باز گردیم ای بار خدای اجر مصیبت خود
از تو میطلبم پس مراد ازان اجر بده و ازان بدل نیک گردان إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
اللَّهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا م در صحیح مسلم است بروایت
ام سلمه رضی الله عنها که از مصیبت رسد انا لله تا آخر گوید معنی همانست که گذشت اَحْمَدُ
اللّٰهَ اللَّهُمَّ اكْفِنَاهُ بِمَا شِئْتَ صحیح رواه ابو نعیم فی المستخرج علی مسلم چون از کسی
بترسد اللهم اکفناه بما شئت گوید معنی اللهمّ ای بار خدای تو مارا کافی
باش از و بدانچه خواهی مصنف گوید این حدیث صحیح است ابو نعیم بر این حدیث

اَلْفِنَاهُ
ای بار خدایا کافی شو در اندوه

روایت کرده است در صحیح خود که بر مسلم نوشته است اللهم انا نعوذ بک من شرورهم
وندرء بک فی نحورهم عو در صحیح ابو عوانه است بروایت ابو موسی اشعری رضی
الله عنه که چون از کسی ترسد اللهم تا آخر گوید معنی آنست ای بار خدای بدرستی که ما
از بدی ایشان بتو می پناهیم و باز میداریم ایشان را بتو در مقابل ایشان اللهم
انی تا آخر گوید معنی آنست ای بار خدای بدرستی که من حفظ ترا در مقابل ایشان
میگردانم و از بدی ایشان بتو می پناهم و ان خاف سلطانا او غیره فلیقل
الله اکبر الله اعز من خلقه جمیعا الله اعز مما اخاف و احذر و اعوذ
بالله الذی لا اله الا هو الممسک السماء ان تقع علی الارض
الا باذنه من شر عبدک فلان و جنوده و اتباعه و اشیاعه من الجن
و الانس اللهم کن لی جارا من شرهم جل ثناؤک و عز جارک
و لا اله غیرک ثلث مرات طو مص رعو ط در معجم کبیر است بروایت
ابن مسعود رضی الله عنه و در مصنف ابو بکر و مسند بزار و صحیح ابو عوانه
و معجم کبیر موقوف است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که اگر از سلطانی
یا ظالمی بترسد پس گوید الله اکبر تا آخر سه بار گوید معنی آنست خدای تعالی
بزرگتر است خدای تعالی غالب تر است از جمیع خلق خود خدای تعالی
غالب تر است از آنچه من می ترسم می پناهم بخدای که نیست معبودی جز او که
بازدارنده آسمانست از افتادن بر زمین جز باذن او تعالی می پناهم
بتو از شر بنده تو که فلان است اینجا نام او بگیرد و از لشکرهای او و اتباع
و پس روان او از جن و انس ای بار خدای مرا نگاهدار از شر ایشان

ازکست

غمگین و ترسناک بود یغمایک سکینک
بغمایک سایلکلیغمایک که از جهت
دفع خوف مجربست ده بار هفت
مرتبه بگوید

بزرگست ثنای تو و غالب است پناهی تو و جز تو معبودی نیست اللهم انا نعوذ بک
ان یفرط علینا احد منهم او ان یطغی مر ی در کتاب دعاء ابن مردویه
و کتاب عمل الیوم و اللیله است بروایت علقمه بن مرثد رضی الله عنه اللهم انا نعوذ
تا آخر بگوید معنی آنست ای بار خدای بدرستی که ما بتو می پناهیم از بیم که یکی از ایشان
بر ما شتابی کند یا از حد تجاوز کند اللهم اله جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و اله ابراهیم
و اسماعیل و اسحاق عافنی و لا تسلطن احدا من خلقک علی بشیء لا طاقة
لی به مر مص در کتاب دعاء ابن مردویه و مصنف ابو بکر است که اللهم اله جبرئیل
تا آخر بگوید معنی آنست ای بار خدای آنکه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم السلام و ای
آنکه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق علیهم السلام مرا در عافیت دار و هیچ یکی را
از خلق خود مسلط مگردان بر من چیزی که مرا طاقت آن نباشد رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا
و بمحمد صلی الله علیه و سلم نبیا و بالقرآن حکما و اماما مر مص در دو کتاب مذکور است
که رضیت بالله تا آخر گوید معنی آنست راضی شدم بربوبیت خدای تعالی و بدین اسلام
و بنبوت محمد صلی الله علیه و سلم و بحکومت و امامت قرآن و ان خاف شیئا ما
او غیره اعوذ بوجه الله الکریم و بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا
فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر ما ینزل من السماء و من شر ما یعرج
فیها و من شر ما ذرأ فی الارض و من شر ما یخرج منها و من شر فتن اللیل
و النهار و من شر کل طارق الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن ا طب س ط ص
در مسند امام احمد و معجم کبیر و مسند ابو یعلی موصلی و مصنف ابو بکر است بروایت
عبدالرحمن بن خنبش رضی الله عنه و در سنن نسائی و کتاب دعاء طبرانی است

عمل بجهة دفع خوف مجربست

بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که اگر از شیطان یا غیر او بترسد اعوذ بوجه الله
تا آخر گوید یعنی اینست که در ادعیه خواب گذشت فایده منقولست از خواجه الوان
چون کسی بر خود از قتل یا عذاب یا غیر آن بترسد نرینه میش فربه سیاه از عیوب
چنانچه قربانی در محل خالی مستقبل قبله شتاب ذبح کند و نزد ذبح بگوید اللهم لک
فدائی فتقبله و گوگی نگاه دارد خون او جران ماند بعد آن خاک بر خون اندازد تا خون
او پامال نشود و آن میش را شست پرکاله سازد و خود کسی که نیت او را واجبست از آن
چیزی نخورد فقرا و مساکین را بدهد و از مکروهی که از ان میترسد نرسد و آن میش فدای
او باشد این مجربست و اذا تغولت الغیلان نادی بالاذان ص د مص
در صحیح مسلم است بروایت ابوهریره رضی الله عنه و در مسند بزار است بروایت سعد
وقاص رضی الله عنه و در مصنف ابوبکر است بروایت جابر رضی الله عنه که چون غول
بیابانی بترساند بصورت نماند بانگ نماز کند و قراءة آیة الکرسی ت مص
در سنن ترمذی و مصنف ابوبکر است بروایت ابوایوب رضی الله عنه که آیة الکرسی
بتر خواند و من فزع فلیقل اعوذ بکلمات الله التامة من غضبه وعقابه ومن شر عباده
ومن همزات الشیاطین وان یحضرون د ت س در سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که هر که از چیزی بترسد پس بگوید اعوذ بکلمات
الله تا آخر گوید یعنی اینست می پناهم بکلمات خدای تعالی که تمام از خشم او و عذاب او
تعالی و از شر بندگان او و از وسواس شیاطین و از ینکه ایشان نزد من حاضر شوند
ومن غلبه امر فلیقل حسبی الله ونعم الوکیل د س ی در سنن ابی داود و نسائی
و کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت عوف بن مالک رضی الله عنه که اگر

بیان غول بیابانی

بر و کاری غلبه کند پس بگوید حسبی الله تا آخر گوید یعنی گذشت ومن وقع له ما لا یختاره
فلا یقل لو انی فعلت کذا و کذا ولکن لیقل قدر الله وما شاء فعل م س ق ی
در صحیح مسلم و سنن نسائی و ابن ماجه و کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت ابوهریره
رضی الله عنه که هر گاه واقع شود آنچه اختیار آن ندارد پس نگوید که اگر چنین و چنین
میکردم این واقع نمیشد ولیکن گوید که بقدرت خدای تعالی این واقع شد و آنچه
خدای تعالی خواهد بکند وان استصعب علیه امر فلیقل اللهم لا سهل
الا ما جعلته سهلا وانت تجعل الحزن اذا شئت سهلا حب ی در صحیح ابن حبان
و کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت انس رضی الله عنه که اگر بر و کاری دشوار گردد
اللهم لا سهل تا آخر گوید یعنی اینست ای بار خدای کار آسان نیست جز آنچه تو آن را
آسان گردانی و اگر تو خواهی دشوار را آسان کنی ومن کانت له حاجة الی الله او
الی احد من بنی آدم فلیتوضأ ولیحسن وضوءه ثم لیصل رکعتین ثم لیثن
علی الله ولیصل علی النبی صلی الله علیه وسلم ولیقل لا اله الا الله الحلیم
الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین اسألک موجبات
رحمتک وعزائم مغفرتک والغنیمة من کل بر والعصمة من کل ذنب والسلامة
من کل اثم ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت عبد الله
ابی اوفی که اگر کسی را حاجتی بسوی خدای تعالی یا بسوی آدمی باشد بگوید که نیک
طریق وضو سازد پس دوگانه نماز گذارد پس ثنای خدای تعالی بر زبان آرد
و درود معظم بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم گوید لا اله الا الله الحلیم تا آخر خواند
یعنی اینست که نیست معبود بحق جز خدای تعالی که حلیم کریم پاکی خدای تعالی

بیان واقع شدن غیر اختیار

استصعب

بیان نماز حاجت

راست که پروردگار عرش عظیم است حمد مر خدای تعالی راست که پروردگار جهانیان
است ای پروردگار میخواهم از تو افسونهای که بغوث رساند ومیخواهم از تو نصیبی
نام از هر نیکی ومیخواهم از تو حفظ وسلامتی از هر گناه لا تدع لی ذنبا الا
غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة هی لک رضا الا قضیتها
یا ارحم الراحمین ت در سنن ترمذی این کلمات زیاد است پس
یا ارحم الراحمین باید خواند معنی اینست مگذاری هیچ گناه مرا مگر بیامرزی
ومگذاری هیچ اندوه مرا مگر دور کنی ومگذاری هیچ حاجت مرا که در ان رضای
تست مگر که روا کنی ای مهربانتر از همه مهربانان ومن کانت له الی الله حاجة
فلیتوضأ فلیحسن وضوءه ت س ق مس ویصلی رکعتین س ثم یدعو
اللهم انی اسألک واتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة یا محمد
انی اتوجه بک الی ربی فی حاجتی هذه لتقضی لی اللهم فشفعه فی ت
س ق مس در سنن ترمذی ونسائی وابن ماجه وصحیح مستدرک است بروایت عثمان
بن حنیف رضی الله عنه که هر کرا ضرورت یعنی درماندگی باشد پس باید که وضو نیک
سازد معنی گذشت در سنن نسائی است که دو رکعت نماز گذارد پس اللهم انی تا آخر
خواند معنی اینست ای بار خدای بدرستی که من از تو میخواهم ومتوجه میگردانم
سوی تو ای پروردگار محمد صلی الله علیه وسلم را که نبی رحمت است تا او را ذریعه
شفاعت دهی ای محمد علیک الصلوة والسلام بدرستی که من باعانت
تو سوی پروردگار خود متوجه می شوم در قضای این حاجت خودی بار خدای
پس شفاعت او در حق من قبول کن ومن اراد حفظ القرآن فاذا کان

صلوة الحاجة لابن ورة
حاجت مجربست

ادعیه کسی که مصحف ادراک ...

لیلة الجمعة فان استطاع ان یقوم فی ثلث اللیل الآخر فانها ساعة مشهودة
والدعاء فیها مستجاب فان لم یستطع ففی وسطها فان لم یستطع ففی اولها فیصلی
اربع رکعات یقرأ فی الاولی الفاتحة وسورة یس وفی الثانیة الفاتحة وحم الدخان
وفی الثالثة الفاتحة والم تنزیل السجدة وفی الرابعة الفاتحة وتبارک الذی بیده الملک
فاذا فرغ من التشهد فلیحمد الله ولیحسن الثناء علی الله ولیصل علی النبی
صلی الله علیه وسلم ولیحسن وعلی سائر النبیین ولیستغفر للمؤمنین والمؤمنات
ولاخوانه الذین سبقوه بالایمان ثم لیقل فی آخر ذلک اللهم ارحمنی
بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی وارحمنی ان اتکلف ما لا یعنینی
وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم بدیع السموات والارض
یا ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام اسألک یا الله یا رحمن بجلالک
ونور وجهک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی وارزقنی ان اتلوه
علی النحو الذی یرضیک عنی اللهم بدیع السموات والارض ذا الجلال
والاکرام والعزة التی لا ترام اسألک یا الله یا رحمن بجلالک ونور
وجهک ان تنور بکتابک بصری وان تطلق به لسانی وان تفرج
به عن قلبی وان تشرح به صدری وان تغسل به بدنی فانه لا یعیننی
علی الحق غیرک ولا یؤتیه الا انت ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم تفعل ذلک ثلث جمع او خمسا او سبعا تجاب باذن الله والذی
بعثنی بالحق ما اخطا مؤمنا قط ت س در سنن ترمذی وصحیح
مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که هر که حفظ قرآن خواهد پس جمعه

اگر تواند در ثلث آخر خیزد که در آن ساعت رحمت حاضر میشود و دعا مستجاب میگردد
واگر نتواند در نیم شب خیزد واگر نتواند اول شب خیزد پس چهار رکعت نماز گزارد
در رکعت اول بعد فاتحه سورهٔ یس و در دوم بعد فاتحه حم دخان و در سوم بعد
فاتحه الم تنزیل سجده و در چهارم بعد فاتحه سورهٔ تبارک الملک بخواند پس چون از تشهد
فارغ شود حمد و ثنای خدای تعالی نیک طریق گوید و درود بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم
و بر دیگر پیغامبران نیکو خواند و برای مردان و زنان مومنین و برای برادران مومن
که با یمان سبقت کرده اند آمرزش خواهد پس در آخر آن اللهم ارحمنی تا آخر گوید
سه جمعه یا پنج جمعه یا هفت جمعه همچنان کند دعای او باذن الله عز وجل قبول
شود رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوگند با آن خدای که مرا بحق فرستاد که این
فعل مذکور هیچ مومنی را خطا نکرده یعنی هرکه این فعل کرده دعای او مستجاب شده است
معنی دعا اینست ای بار خدای رحمت کن بر من بدین که ترک معاصی کنم تا دام که
زنده داری و رحمت کن بر من بدین که فعلی کنم که مرا از طاعت تو مشغول نکرد اندر او
در اندیشه نیارد و روزی کن مرا نیک نظر در فعلی که ترا خشنود کند ای بار ای تو آفریننده
آسمانها و زمین ای خداوند عظمت و کرم و عزتی که دریافته نشود از تو میخواهم
ای خدای ای رحمن بعظمت و نور ذات تو آنکه حفظ قرآن را در دل من لازم گردانی
چنانچه مرا تعلیم کردی و روزی کن آنکه مرا آنکه من قرآن را بخوانم بطریقی که ترا خوشنود
گردانم ای تو آفریننده آسمانها و زمین میخواهم از تو بعظمت و نور ذات تو آنکه بگشایی مرا
بکتاب خود و روشن بکنی زبان مرا بکتاب خود روان گردانی و آنکه اندوه مرا از دل من
بکتاب خود ببری و آنکه سینه مرا بکتاب خود گشاده کنی و آنکه اندام مرا بکتاب خود بکار بگیری

ازاله غم

زیرا که جز تو کسی مرا بر حق اعانت نکند و جز تو کسی مرا حق ننهد و صلهٔ بیقوت نیست
جز بخدای که بزرگ است وَاِذَا اَخْطَاَ وَاقْتَرَفَ ذَنْبًا فَاَحَبَّ اَنْ يَتُوبَ اِلَى
اللهِ مِنْ خَطِيْئَاتِهِ فَلْيَمُدَّ يَدَيْهِ اِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ يَقُولُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتُوبُ اِلَيْكَ
مِنْهَا لَا اَرْجِعُ اِلَيْهَا اَبَدًا فَاِنَّهُ يُغْفَرُ لَهُ مَا لَمْ يَرْجِعْ فِي عَمَلِهِ ذٰلِكَ مس

بیان خطا و ذنب

در صحیح مستدرک است بروایت ابوالدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود چون آدمی خطا یا گناه کند پس دوست دارد که بسوی خدای تعالی توبه
کند پس گو که در خلوت باید دو دست دراز کند اللهم انی اتوب الیک گوید پس بر تحقیق
که او مغفور شود مادام که از آن عمل خود باز گردد وَمَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا ثُمَّ يَقُومُ
فَيَتَطَهَّرُ ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللهَ اِلَّا غُفِرَ لَهُ ذٰلِكَ الذَّنْبُ عه

بیان صلوٰة توبه

ج ی در چهار سنن و صحیح ابن حبان و کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت
ابوبکر صدیق رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیست هیچ مردی که گناه
کند پس بایستد و وضو یا غسل سازد پس دوگانه نماز گزارد پس از خدای تعالی
آمرزش خواهد مگر که آمرزیده شود وَجَاءَ رَجُلٌ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ
وَا ذُنُوبَاهْ وَا ذُنُوبَاهْ فَقَالَ اَللّٰهُمَّ مَغْفِرَتُكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتُكَ
اَرْجٰى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَقَالَ لَهُ قُلْهَا ثُمَّ قَالَ عُدْ فَعَادَ ثُمَّ قَالَ عُدْ فَعَادَ
فَقَالَ قُمْ فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَكَ مس در صحیح مستدرک است بروایت جابر رضی الله
عنه که مردی پیش رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت ای وای بر گناه من رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود اللهم تا آخر بگو او گفت فرمود باز گو او گفت فرمود باز
او گفت فرمود باز گو فرمود برو که خدای تعالی ترا آمرزید معنی اینست ای بار خدای

صلی الله علیه وسلم عمل

آمرزش تو فراخ است از گناه من و رحمت تو برجوتر است نزد من از عمل خود
إِنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ
مُسِيءُ اللَّيْلِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا مس م در صحیح مسند رکست و صحیح
مسلم بروایت ابوموسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
خدای تعالی رحمت خود را در شب فراخ کند تا گناه کار روز توبه کند و خود را در روز فراخ
کند تا گناه کار شب توبه کند تا که آفتاب از مغرب برآید وجاءه رجل فقال
يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَدُنَا يُذْنِبُ قَالَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَيَتُوبُ
قَالَ يُغْفَرُ لَهُ وَيُتَابُ عَلَيْهِ قَالَ فَيَعُودُ فَيُذْنِبُ قَالَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ فَيَعُودُ
فَيُذْنِبُ قَالَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَيَتُوبُ قَالَ يُغْفَرُ لَهُ وَيُتَابُ
عَلَيْهِ وَلَا يَمَلُّ اللَّهُ حَتَّى تَمَلُّوا ط در معجم اوسط و کبیر است بروایت عقبه بن عامر رضی
الله عنه که مردی بپیش رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت ای رسول خدا یکی از ما گناه
کند فرمود گناه او بنویسند او گفت پس او آمرزش خواهد و توبه کند فرمود او مغفور گردد
و توبه او مقبول شود او گفت باز او گناه کند فرمود گناه او بنویسند او گفت پس او آمرزش
خواهد و توبه کند فرمود او مغفور گردد و توبه او مقبول شود و خدا تعالی از آمرزش باز نماند
تا که شما از توبه باز مانید إِذَا قَحَطَ الْمَطَرُ فَلْيَجْثُوا عَلَى الرُّكَبِ ثُمَّ لْيَقُولُوا يَا رَبِّ
يَا رَبِّ عو این شروع در بیان استسقاست در صحیح ابوعوانه است بروایت
سعد وقاص رضی الله عنه که چون از مردمان باران باز داشته شود پس بر زانو
بنشینند پس یا رب یا رب بگویند و دعا استسقا بگویند اللهم اسقنا اللهم اسقنا
اللهم اسقنا خ در صحیح بخاری است بروایت انس رضی الله عنه که دعای خواستن

باران

بیان استسقاست

باران اللهم اسقنا سه بار است یعنی ابنت ای بار خدای آب بده ما را اللهم اغثنا
اللهم اغثنا اللهم اغثنا مس در صحیح مسلم است بروایت انس رضی الله عنه
که دعای خواستن باران اللهم اغثنا سه بار است یعنی ابنت ای بار خدای
فریاد رس ما را وَإِنْ كَانَ إِذَا مَا خَرَجَ إِذَا بَدَا حَاجِبُ الشَّمْسِ فَقَعَدَ عَلَى الْمِنْبَرِ وَكَبَّرَ
وَحَمِدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ
أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْنَا قُوَّةً وَبَلَاغًا إِلَى حِينٍ ثُمَّ رَفَعَ
يَدَيْهِ حَتَّى يَبْدُوَ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ ثُمَّ يُحَوِّلُ إِلَى النَّاسِ ظَهْرَهُ وَيُحَوِّلُ رِدَاءَهُ وَهُوَ رَافِعٌ
يَدَيْهِ ثُمَّ يُقْبِلُ عَلَى النَّاسِ وَيَنْزِلُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ د حب مس
در سنن ابی داود و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت عایشه رضی الله عنها که آن حضرت
اعلم باشد بیرون آید چون سر آفتاب برآید پس بر منبر نشیند و تکبیر و حمد و ثنای خدای تعالی گوید
پس الحمد لله تا الی حین خواند پس دو دست خود را بردارد تا که سپیدی بغل ظاهر شود پس
روی را بپشت مردم و چادر خود را گرداند و هر دو دست مرفوع باشد پیش مردمان آمده از
منبر فرود آید پس دوگانه نماز گذارد معنی دعا اینست حمد مر خدای تعالی راست که پروردگار
جهانیان است آنکه رحمن و رحیم است مالک روز جزاست نیست معبود بحق جز خدای تعالی
نیست او تعالی بکند آنچه خواهد ای بار خدای تویی خدا که جز تو معبود نیست تو غنی بی نیاز
و ما محتاجیم باران بر ما فرود آر و بگردان چیزی را که بر ما فرستادی سبب قوت و مدد
برای ما تا هنگامی دراز اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيئًا مَرِيعًا نَافِعًا
غَيْرَ ضَارٍّ عَاجِلًا د مص غَيْرَ آجِلٍ د مص در سنن ابی داود است بروایت

جابر رضی الله عنه و در مصنف ابو بکر است بروایت کعب ابن مره رضی الله
عنه که اللهم اسقنا تا آخر گوید معنی اغثنا ای بار خدای آب بده ما را بارانی
فریاد رسنده یعنی ما را از دشواری کشنده گوارنده تا آن بسیار نفع کننده غیر زیان
رساننده شتاب غیر درنگ کننده و در مصنف بجای آجل رائث وارد است
معنی هر دو یکیست اللهم اسق عبادک و بهائمک وانشر رحمتک واحی
بلدک المیت د در سنن ابی داود است بروایت عمر رضی الله عنه که اللهم
تا آخر بگوید معنی اغثنا ای بار خدای بندگان و بهایم خود را آب ده رحمت خود را
پراکنده کن و زمین مرده خود را زنده کن اللهم انزل فی ارضنا زینتها وانزل
علینا سکنها عو در صحیح ابو عوانه است که اللهم انزل تا آخر گوید معنی انزل ای بار
خدای در زمین ما زینت او و اعانت و قرار و قوت اهل او را فرود آر اللهم ضاحت
جبالنا واغبرت ارضنا وهامت دوابنا معطی الخیرات من اماکنها ومنزل
الرحمة من معادنها ومجری البرکات علی اهلها بالغیث المغیث انت المستغفر
الغفار فنستغفرک للجامات من ذنوبنا ونتوب الیک من عوام
خطایانا اللهم فارسل السماء علینا مدرارا واصل بالغیث واکف من
تحت عرشک حیث ینفعنا ویعود علینا غیثا عاما طبقا غدقا مجللا غدقا
خصبا راتعا ممرع النبات عو در صحیح ابو عوانه است بروایت حمزه رضی
الله عنه اللهم ضاحت تا آخر خواند معنی ضاحت ای بار خدای کوههای ما برای
آفتاب ظاهر شدند یعنی گیاه آن رفت یا کوه بلندکوههای ما شکافته شد و زمین
ما غبارگشت و مواشی ما تشنه شد ای دهنده خیرات از جاهای آن و فرود

آرنده رحمت

آرنده رحمت از کانهای آن و روان کننده برکات بر اهل آن بباران
که فریاد رسد یعنی از دشواری کشنده تویی آنکه از و آمرزش خواهند تویی آمرزنده
از تو میخواهم برای خاصه گناهان ما سوی تو توبه می کنیم از عامه گناهان ما ای خدای
پس بارانی ریزنده بفرست و باران را بگشا و از زیر عرش خود یکجا جائی که
ما را نفع کند و بما بازگردد در حال که بارانی عام بود و در شب بارد و آب عام بسیار
روان از زمین را یا بسیار گیاه کرده اند و استسقی عمر بن الخطاب رضی الله عنه
فما زاد علی الاستغفار مص در مصنف ابو بکر است که عمر رضی الله عنه باران خواست
پس بر استغفار دعائی زیادت نکرد و اذا رای سحابا مقبلا اللهم انا نعوذ بک
من شر ما ارسل به اللهم صیبا نافعا فان کشفه الله ولم یمطر حمد الله
علی ذلک د س ق در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت
عائشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم ابری میدید که رو آورده است
اللهم تا آخر نافعا گفتی پس بار خدای بر آن میکشف معنی دعا اللهم ای بار خدای
پناه میجوییم بتو از شر آنچه با این ابر فرستاده شده است ای بار خدای
ابر را عطای جریانی نافع کردان و اذا رای المطر اللهم صیبا خ در صحیح بخاری
است بروایت عائشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم باران را
دید اللهم صیبا نافعا گفتی معنی اغثنا ای بار خدای این باران را نافع کردان
اللهم سیبا نافعا مرتین او ثلاثا مص در مصنف ابو بکر است بروایت عائشه
رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم باران دیدی اللهم سیبا
نافعا دو بار یا سه بار گفتی فاذا اکثر و خیف الضرر اللهم حوالینا ولا علینا

بیان ابر و باران

حاجی الحامی [illegible] روز [illegible] شنبه [illegible]

بیان باران

بیان شنیدن آواز ابر

اللهم علی الآکام والآجام والظراب والاودیة ومنابت الشجر خ م در صحیح
بخاری و مسلم است که چون باران بسیار شدی و خوف ضرر بودی رسول صلی الله
علیه وسلم اللهم حوالینا تا آخر فرمودی معنی اینست ای بارخدای باران را بر پیرامون ما بریز
نه بر ما ای بارخدای بریز باران را بر پشتها و درختستانها و بلندیها و وادیها
و جای روئیدن درخت واذا سمع الرعد والصواعق اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا
تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک ت س مس در سنن ترمذی و نسائی
و صحیح مستدرک است بروایت عمر رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم
از ابر آواز رعد با سختی شنیدی اللهم لا تقتلنا تا آخر فرمودی معنی
اینست ای بارخدای ما را بخشم خود مکش بعذاب خود هلاک مکن و پیش از آن ما را در عافیت
دار سبحان الذی یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته مو ط در موطا موقوف بروایت
عبدالله ابن زبیر رضی الله عنهما که چون او آواز رعد شنیدی سبحان الذی تا آخر فرمودی
معنی اینست پاکیست آن خدای را که رعد و فرشتگان از ترس او تسبیح با حمد میگویند
واذا هاجت الریح استقبلها بوجهه وجثا علی رکبتیه وقال طب ط
در معجم کبیر طبرانی و کتاب دعای اوست بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که چون
باد خاستی رسول صلی الله علیه وسلم استقبال او بروی خود کردی و بر دو زانو
و دوبت شدی وقال اللهم انی اسألک خیرها وخیر ما فیها وخیر ما ارسلت
به م ت س طب در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی و کتاب طبرانی است
بروایت عایشه رضی الله عنها که چون باد خاستی رسول صلی الله علیه وسلم اللهم
انی اسألک تا آخر گفتی معنی اینست ای بارخدای بدرستی که من از تو میخواهم

نیکی این

نیکی این باد و نیکی آنچه درین باد هست و نیکی آنچه این باد بسبب او فرستاده شده
است و می پناهم بتو از بدی این باد و بدی آنچه درین باد هست و بدی آنچه این باد
بسبب او فرستاده است اللهم اجعلها ریاحا ولا تجعلها ریحا اللهم اجعلها رحمة
ولا تجعلها عذابا طب ط در کتاب دعای طبرانی و معجم کبیر بروایت ابن عباس
رضی الله عنهما که چون باد خاستی رسول صلی الله علیه وسلم اللهم اجعلها تا آخر
فرمودی معنی اینست ای بارخدای باد را ریاح گردان و این باد را ریح مگردان
که ریاح برای رحمت و ریح برای عذاب است ای بارخدای این باد را رحمت گردان
و این باد را عذاب مگردان وان جاء مع الریح ظلمة تعوذ بالمعوذتین د در سنن
ابی داود است بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه که ما را باد تاریکی آمدی پس
رسول صلی الله علیه وسلم قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
خواندی اللهم انا نسألک من خیر هذه الریح وخیر ما فیها وخیر ما امرت به
ونعوذ بک من شر هذه الریح وشر ما فیها وشر ما امرت به ت س در سنن
ترمذی و نسائی است بروایت ابی بن کعب رضی الله عنه که چون باد خاستی رسول
صلی الله علیه وسلم اللهم انا نسألک تا آخر فرمودی معنی گذشت اللهم انی اسألک
من خیر ما امرت به واعوذ بک من شر ما امرت به ص در مسند ابو یعلی
موصلی است بروایت انس رضی الله عنه که چون باد خاستی رسول صلی الله علیه وسلم
اللهم انی تا آخر فرمودی معنی اینست ای بارخدای میخواهم از تو نیکی این باد را که
مامورست و می پناهم بتو از بدی آنچه این باد بدان مامورست اللهم لقحا لا عقیما
حب طس در صحیح ابن حبان و معجم اوسط است بروایت سلمه بن الاکوع رضی الله

بیان دفع باد

عنه که چون باد خاستی رسول صلی الله علیه وسلم اللهم تا آخر فرمودی معنی اینست
ای بار خدای این باد را بادی گردان که ابر را بیارد و باران بارد این باد را
بی باران مگردان واذا سمع صیاح الدیکة فلیسئل الله من فضله خ م د س
ت در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی و ترمذی است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که چون کسی بانگ خروس بشنود پس گوید که از خدای تعالی فضل او خواهد
واذا سمع نهیق الحمر فلیتعوذ بالله من الشیطان الرجیم خ م د س در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی و ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که چون بانگ خر بشنود پس گوید اعوذ بالله تا آخر گوید و سگ از بانگ
اذا سمع نباح الکلاب د س حب درسنن ابی داؤد و نسائی و صحیح مستدرک است
بروایت جابر رضی الله عنه که همچنان اعوذ بالله گوید چون بانگ سگ بشنود
واذا رأی الکسوف فلیدع الله ولیکبر ولیصل ولیتصدق خ م د س
در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی بروایت عائشه رضی الله عنها
که چون کسی بی نور شدن آفتاب یا ماهتاب ببیند پس گوید که خدای تعالی را بخواند
تکبیر او تعالی گوید و نماز گزارد و صدقه دهد واذا رأی الهلال الله اکبر می در مسند
دارمی است بروایت طلحه رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
ماه نو دیدی الله اکبر فرمودی اللهم اهله علینا بالیمن والایمان والسلامة
والاسلام والتوفیق لما نحب وترضی ربی وربک الله ت حب ی
در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و مسند دارمی است بروایت ابن عمر رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد الله اکبر گفتی اللهم اهله تا آخر میفرمود

بیان بانگ خروس

بیان بانگ خر

بالله

بیان بانگ سگ

بیان کسوف

بیان دیدن ماه نو

معنی این

معنی اینست ای خدای طالع گردان بر ما این ماه را با یمن و ایمان و سلامتی و اسلام
و توفیق بر کاری که تو دوست داری و خوشنود باشی ای ماه پروردگار من و پروردگار
خدای تعالی است هلال خیر و رشد اللهم انی اسئلک من خیر هذا الشهر و خیر القدر
واعوذ بک من شره ثلث مرات ط در معجم کبیر است بروایت رافع بن خدیج رضی الله
عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم ماه نو دیدی هلال خیر تا آخر سه بار فرمودی
معنی اینست این ماه خیر و رشد است ای بار خدای از تو نیکی این ماه و نیکی قدر
بخواهم و از بدی این ماه بتو پناهم اللهم ارزقنا خیره و نصره وبرکته و فتحه ونوره
ونعوذ بک من شره وشر ما بعده مو مص در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف
ابو بکر است بروایت علی رضی الله که چون رسول صلی الله علیه وسلم ماه نو دیدی
اللهم ارزقنا تا آخر فرمودی معنی اینست ای بار خدای خیر این ماه و نصر این ماه
و برکت این ماه و فتح این ماه و نور این ماه ما را روزی کن و از بدی این ماه و بدی
که بعد اوست بتو پناهم واذا نظر الی القمر فلیقل اعوذ بالله من شر هذا الغاسق
ت س مس در سنن ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت عائشه رضی الله عنها
که چون کسی سوی ماه نو نظر کند پس گوید اعوذ بالله تا آخر گوید معنی اینست می پناهم
بخدای تعالی از بدی این ماه که تاریکی کننده است چون بی نور گردد زیرا چه کسوف دلالت
بر حدوث بلیه واذا رأی لیلة القدر فلیقل اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی ت س
ق مس در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت عائشه رضی الله
عنها شب قدر را ببیند پس گوید اللهم انک تا آخر گوید معنیش ای بار خدای تو عفو کننده
که عفو را دوست داری پس از من عفو کن واذا نظر وجهه فی المرآة اللهم انت حسنت

انت

در بیان دیدن ماه نو

بیان لیلة القدر

خلقی محسن خلقی حب فی در صحیح ابن حبان است بروایت ابن مسعود رضی الله
عنه و در کتاب دعای بیهقی است بروایت عایشه رضی الله عنه که چون رسول صلی الله
علیه وسلم روی مبارک خود در آینه دیدی اللهم تا آخر فرمودی معنی ای بارخدای
تو خلق مرا نیک کردی پس زبان مرا هم نیک کن اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی
وحرم وجهی علی النار مو در دعا ابن مردویه است بروایت ابوهریره رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم چون در آینه دیدی اللهم کما تا آخر
فرمودی معنی اینست ای بارخدای

بیان سلام گفتن

چزی ۱

دران معنی ما شان من غیری ر در مسند بزار است بروایت انس رضی الله عنه
که چون رسول صلی الله علیه وسلم در آینه دیدی الحمد لله الذی تا آخر
بفرمودی معنی اینست حمد مر خدای راست که خلقت مرا راست کرد و صورت
مرا نیکو کرد انید و آراست از من من که معیوب ساخت از غیر من الحمد لله الذی
سوی خلقی فعدله وصور صورة وجهی فاحسنها وجعلنی من المسلمین
طس ی در معجم اوسط و کتاب عمل الیوم واللیل است بروایت انس
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم در آینه دیدی الحمد لله الذی
سوی تا آخر فرمودی معنی اینست حمد مر خدای راست که خلق مرا برابر کرد
پس راست کردانید و صورت روی من نگاشت پس نیک ساخت و مرا
از مسلمانان کردانید واذا سلم علی احدکم فلیقل السلام علیکم وبیدم
س در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که چون کسی خواهد که بر یکی سلام کوید پس کوید السلام علیکم کوید السلام علیک

دت س می

دت س می ورحمة الله دت س می وبرکاته دت س می در سنن
ابی داود و ترمذی و نسائی و مسند دارمی است بروایت عمران بن حصین
ومعاذ بن انس رضی الله عنهم که السلام علیک ورحمة الله وبرکاته
کوید و تکرار رموز بسبب تکرار حدیث است فاذا رد السلام وعلیکم
السلام ورحمة الله وبرکاته ع س حب در اصول است بروایت
عایشه رضی الله عنها و در صحیح ابن حبان است بروایت انس رضی الله
عنه چون خواهد که بر کسی رد سلام کند وعلیکم السلام تا آخر کوید وعلی
اهل الکتاب علیک م ت س در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی است
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون بر اهل کتاب رد سلام کند علیک کوید
او وعلیک خ م د ت س در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که یا بر اهل کتاب رد سلام با واو کنند
واذا ابلغ سلاما من احد فلیقل وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته ع در اصول است
بروایت عایشه رضی الله عنها که چون کسی را کسی سلام دیگری رساند پس کوید وعلیه السلام
تا آخر کوید او وعلیک وعلیه السلام س در سنن نسائی است که با وعلیک وعلیه السلام

بیان عطسه

کوید اذا عطس فلیقل الحمد لله خ د س در صحیح بخاری و سنن ابی داود و نسائی است
بروایت ابوهریره رضی الله عنه که چون کسی را عطسه آید پس الحمد لله کوید و علی کل
حال د ت س ق در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک و سنن
ابن ماجه است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که الحمد لله علی کل حال کوید الحمد لله
حمدا کثیرا طیبا مبارکا کثیرا فیه مبارکا علیه کما یحب ربنا ویرضی کثیرا کثیرا د س

در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت رفاعه رضی الله عنه که
الحمد لله حمداً تا آخر گوید یعنی اینست حمد مر خدای تعالی را حمدی بسیار پاک از ریا که در آن
و بران برکت بود چنانچه پروردگار ما دوست دارد و راضی بود الحمد لله رب العالمین
دت س حب در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت
سالم بن عبید رضی الله عنه که الحمد لله رب العالمین گوید و لیقل یرحمک الله خ د
س ت مس ق در صحیح بخاری و سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه و در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است و سنن ابن ماجه است بروایت
ابو ایوب رضی الله عنه که سامع برای عاطس را یرحمک الله گوید چون از و الحمد لله
بشنود و اگر علیه یهدیکم الله و یصلح بالکم خ د س ت مس در صحیح بخاری
و سنن ابی داود و نسائی و ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره
و ابو ایوب رضی الله عنه است که عاطس بر سامع رد کند یهدیکم الله تا آخر گوید
یعنی اینست خدای تعالی شما را براه راست دارد و حال شما را راست آرد یغفر
الله لی و لکم دت قحب در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
است بروایت سهم ابن عبید رضی الله عنه که یغفر الله لی و لکم گوید لنا و لکم مص ق
مس در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت علی رضی الله عنه که
یغفر الله لنا و لکم گوید یرحمنا الله و ایاکم و یغفر لنا و لکم موطا در کتاب
دعای ابن مردویه و موطاست بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که یرحمنا تا آخر گوید
یعنی اینست رحمت کند خدای تعالی بر ما و بر شما و بیامرزد ما را و شما را و اگر کان
کتابیا فقیل له یهدیکم الله و یصلح بالکم ت د س مس در سنن ترمذی و ابی داود

و نسائی و صحیح

و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله عنه که اگر عاطس یهودی
یا نصرانی باشد و الحمد لله گوید او را یهدیکم تا آخر گوید یعنی گذشت و من قال عند
کل عطسة الحمد لله رب العالمین علی کل حال ما کان لم یجد وجع ضرس و لا اذن
ابدا مو مص در کتاب دعاء ابن مردویه و مصنف ابو بکر است بروایت علی
رضی الله عنه که هر که نزد هر عطسه الحمد لله ما کان بگوید او درد دندان و گوش
کاهی نبیند یعنی اینست حمد مر خدای تعالی را است که پروردگار جهانیان است بر هر حالی که

ازحالها

باشد فایده در فتح اذا ادام غنیه ابو اللیث در بستان حارثی آورده که رسول
صلی الله علیه و سلم فرموده که من سبق العاطس بالحمد امن الشوص و اللوص و العلوص
یعنی هر که پیش از عاطس الحمد گوید از درد دندان و گوش و شکم ایمن گردد و اذا
طنت اذنه فلیذکر النبی صلی الله علیه و سلم و لیصل علیه و لیقل ذکر الله
بخیر من ذکرنی طی در معجم کبیر است و کتاب عمل الیوم و اللیلة بروایت
ابو رافع رضی الله عنه که اگر گوش کسی آواز کند پس گو که پیغامبر صلی الله
علیه و سلم را یاد کند و ذکر الله تا آخر گوید یعنی اینست ذکر کند خدای تعالی نیکی
کسی را که ذکر من کرده است و اذا اتته بما یسره فلیحمد الله خ م د س ت
در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت عائشه
رضی الله عنها که کسی را فرحه رسد که او را خوش کرد اندر پس گو که حمد خدای تعالی
گوید او حمده و کبره خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت ابو سعید خدری
رضی الله عنه که با حمد و تکبیر گوید او سجد لله شکرا مس ا در صحیح مستدرک و مسند امام
احمد است بروایت ابی عوف رضی الله عنه که سجده شکر برای خدای تعالی کند

وَ اِذَا رَأَی مِنْ نَفْسِهٖ اَوْ مَالِهٖ اَوْ غَیْرِهٖ مَا یُعْجِبُهٗ فَالْیَدْعُ بِالْبَرَکَۃِ س ق مس
در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت عامر بن ربیعه رضی الله عنه که چون
کسی از نفس خود یا مال خود یا غیر آن چیزی بیند که او را خوش کرداند و بر سد که او را چشم زخم
رسد پس گو که دعای برکت کند یعنی بارک الله فیه گوید وَ اِذَا اَرَادَ تَنْمِیَۃَ مَالِهٖ فَالْیَقُلْ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُوْلِکَ وَ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ عَلَی
الْمُسْلِمِیْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ ص در مسند ابو یعلی است بروایت ابو سعید الخدری
رضی الله عنه که چون کسی خواهد که مال او بیفزاید اللهم صل علی محمد تا آخر گوید وَ اِذَا
رَأَی اَخَاهُ الْمُسْلِمَ یَضْحَکُ قَالَ اَضْحَکَ اللّٰهُ سِنَّکَ خ م س در صحیح بخاری
و مسلم و سنن نسائی است بروایت عمر رضی الله عنه که چون کسی برادر
مسلم خود در اخندان بیند او را اضحک الله سنک گوید یعنی خدای تعالی خندان کناد
دندان ترا وَ اِذَا اَحَبَّ اَخَاهُ فَلْیُعْلِمْهُ بِذٰلِکَ ی س د حب در کتاب
عمل الیوم و اللیل است بروایت مقداد و در سنن نسائی و ابی داود و در صحیح
ابن حبان است بروایت انس رضی الله عنه که چون کسی برادر مسلمان خود را
دوست دارد پس او را اعلام دهد که من ترا دوست میدارم فَاِذَا قَالَ لَهٗ
اِنِّیْ اُحِبُّکَ فِی اللّٰهِ قَالَ اَحَبَّکَ الَّذِیْ اَحْبَبْتَنِیْ لَهٗ س د حب ی
در سنن نسائی و ابی داود و صحیح ابن حبان و کتاب عمل الیوم بروایت انس
رضی الله عنه که چون محب برای محبوب گوید انی احبک فی الله یعنی بدرستی که من
ترا برای خدای تعالی دوست میدارم محبوب گوید اَحَبَّکَ الَّذِیْ اَحْبَبْتَنِیْ
لَهٗ دوست بادترا کسی که برای او مرا دوست میداری وَ اِذَا قَالَ لَهٗ غَفَرَ اللّٰهُ

بیان افزودن مال

بیان برادر مسلم دیدن

لَکَ قَالَ وَ لَکَ س در سنن نسائی است بروایت عبد الله بن سرجس رضی الله عنه
که چون کسی مر کسی را گوید غفر الله لک یعنی خدای تعالی ترا آمرزد او مر او را گوید و لک
یعنی ترا هم خدای تعالی آمرزد وَ اِذَا قِیْلَ لَهٗ کَیْفَ اَصْبَحْتَ قَالَ اَحْمَدُ اللّٰهَ اِلَیْکَ ط هـ
معجم کبیر است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که اگر کسی را کسی گوید که چگونه بامداد کردی او
گوید احمد الله الیک یعنی حمد خدای تعالی را سوی تو میرسانم وَ اِذَا نَادَاهُ رَجُلٌ قَالَ
لَبَّیْکَ ی در کتاب عمل الیوم و اللیل است بروایت عمر رضی الله عنه که چون مردی او را
خواند لبیک گوید معنی لبیک اینست که اجابت تو کردم وَ اِذَا صُنِعَ اِلَیْهِ مَعْرُوْفٌ
فَقَالَ لِفَاعِلِهٖ جَزَاکَ اللّٰهُ خَیْرًا فَقَدْ اَبْلَغَ فِی الثَّنَاءِ ت س حب در سنن
ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون
کسی سوی او نیکی کند و او گوید جزاک الله خیرا یعنی خدای تعالی ترا جزای نیکی
دهد پس بدرستی که او در ثنا مبالغت کرده باشد وَ اِذَا عَرَضَ عَلَیْهِ اَخُوْهُ
مِنْ اَهْلِهٖ وَ مَالِهٖ قَالَ بَارَکَ اللّٰهُ فِیْ اَهْلِکَ وَ مَالِکَ خ ت س ی در صحیح بخاری
و سنن ترمذی و نسائی و کتاب عمل الیوم و اللیل است بروایت انس رضی الله
عنه که چون برادر مسلم اهل و مال خود را بر و عرض کند او را گوید بارک الله
فی اهلک و مالک یعنی برکت کند خدای تعالی در اهل و مال تو وَ اِذَا اسْتَوْفٰی دَیْنَهٗ
قَالَ اَوْفَیْتَنِیْ اَوْفَی اللّٰهُ لَکَ خ م ت س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی
و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که چون کسی حق خود را
از مدیون ستاند مدیون را اوفیتنی تا آخر گوید معنی اینست تو دین من داری
خدای تعالی ترا دهد وفی الله بک خ در صحیح بخاری است که بعد اوفیتنی

بیان اگر برادر مسلم اهل و مال خود عرض کند

گوید وفی الله بک یعنی بهمان کار است وفاک الله م در صحیح مسلم است که بعد عوفیتنی
گوید وفاک الله یعنی همان است و اذا رای ما یحب قال الحمد لله الذی
بنعمته تتم الصالحات و ان رای ما یکره قال الحمد لله علی کل حال
ق مس ی در سنن ابن ماجه و صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیله است
بروایت عایشه رضی الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم چیزی محبوب
میدید الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات میگفت یعنی الست حمد مر خدای تعالی راست
که بنعمت او اعمال صالحه تمام گردد و اگر رسول صلی الله علیه و سلم چیزی مکروه
میدید الحمد لله علی کل حال فرمودی ما انعم الله علی عبد من نعمة
فقال الحمد لله الا وقد ادی شکرها فان قالها الثانیة جدد الله
له ثوابها فان قالها الثالثة غفر الله له ذنوبه مس در صحیح مستدرک
بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود خدای تعالی بر هیچ
بنده انعام نعمتی نکرده پس او الحمد لله گفته مگر ادا شکر آن را داد اگر دیگر بار دوم بار
الحمد لله گوید خدای تعالی ثواب آن جدید دهد و اگر سوم بار الحمد لله گوید خدای
تعالی گناهان او را آمرزد ما انعم الله علی عبد نعمة فقال الحمد لله رب
العالمین الا کان ما اعطی خیرا مما اخذ ی در کتاب عمل الیوم
واللیله است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
خدای تعالی بر هیچ بنده انعام نعمت نکرده پس او الحمد لله رب العالمین
گفت مگر آنچه او را داده شد بهتر از آنچه او گرفته است از نعمت و اذا ابتلی
بالدین قال اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن

بیان مبتلا شدن بدین

سوال

سواک ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت علی رضی الله
عنه که چون کسی بوام مبتلا گردد اللهم اکفنی تا آخر گوید یعنی الهی ای بار
خدای مرا بسنده باش بحلال خود از حرام و بی نیاز کن مرا بفضل خود از غیر
خود اللهم فارج الهم و کاشف الغم مجیب دعوة المضطرین رحمن الدنیا
ورحیمها انت ترحمنی فارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک
مس ر در صحیح مستدرک و مسند بزار بروایت ابوبکر رضی الله عنه که
اللهم فارج الهم تا آخر گوید یعنی الهی ای بارخدای ای دور کننده اندوه
و اندیشه ای برنده غم ای اجابت کننده دعای عاجزان ای رحمن دنیا و رحیم
تو بر من رحمت کن پس بر من رحمت کن رحمتی که مرا از رحمت غیر تو بی نیاز
گرداند اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تعز من تشاء
و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر
رحمن الدنیا والآخرة تعطیهما من تشاء و تمنع منهما من تشاء
ارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک ص ط در معجم
صغیر است بروایت انس رضی الله عنه اللهم مالک الملک تا آخر گوید یعنی
الهی ای مالک ملک هر کرا خواهی ملک دهی و از هر کرا خواهی ملک بکشی
و هر کرا خواهی عزیز گردانی و هر کرا خواهی خوار کنی همه نیکی بقبض قدرت
توئی بر همه چیز توانا ای رحمن دنیا و آخرت دنیا و آخرت دهی هر کرا
که خواهی و از دنیا و آخرت باز داری کسی را که خواهی رحمت کن بر من
رحمتی که مرا از رحمت غیر تو بی نیاز سازد حص و تقدم تا بقول اذا اصبح و اذا

ف
عن علی رضی الله عنه ان مکاتبا
جاءه فقال انی عجزت عن کتابتی
فاعنی قال الا اعلمک کلمات
علمنیهن رسول الله صلی الله علیه
وسلم لو کان علیک مثل جبل احد
دینا لاداه الله عنک قال
نعم قال قل اللهم اکفنی
بحلالک عن
حرامک ه

امسى وپیش گذشته است آنچه گوید مبتلی بدین چون بامداد وشب کند منقول
از سنن ابی داود بروایت ابو سعید رضی الله عنه د واذا اخذ احدکم
اعیاء من شغل او طلب زیادة قوة فلیسبح عند نومه ثلثا وثلثین
ولیحمد ثلثا وثلثین ولیکبر اربعا وثلثین او من کل ثلثا وثلثین
مرة خ م د س ت حب اط در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود و ترمذی
ونسائی وصحیح ابن حبان است بروایت علی رضی الله عنه اط ودر مسند
امام احمد ومعجم کبیر است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که چون کسی از کاری
درمانده شود یا زیادت قوة طلبد پس گو که نزد خواب سی وسه بار
سبحان الله وسی وسه بار الحمد لله وسی وچهار بار الله اکبر گوید یا از تمام
یکی سی وسه بار گوید یا از یکی سی وچهار بار گوید ومن دبر کل صلوة
عشرا وعند النوم ثلثا وثلثین والتکبیر اربعا وثلثین ا در مسند
امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که یا از هر یک ایشان پس بعد
هر نمازی ده کان بار گوید و نزد خواب سی وسه تا کامل بر الله اکبر سی وچهار
بار گوید ومن ابتلی بالوسوسة فلیستعذ بالله ولینته خ
د س در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود ونسائی است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که هر که مبتلا بوسوسه گردد پس گو که اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
گوید از فکر وسوسه باز ماند ولیقل آمنت بالله ورسله م در صحیح
مسلم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه با آمنت بالله ورسله
گوید الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

ثم لیتفل

ثم لیتفل عن یساره ثلثا ولیستعذ بالله من الشیطان د س ی
ومن فتنته س در سنن ابی داود ونسائی وکتاب عمل الیوم واللیلة است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که الله الصمد تا آخر گوید پس سه بار از جانب چپ
خود تف یا خوی زند واعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید س در سنن
نسائی است که ومن فتنته نیز گوید معنی آمنت خدای تعالی یکی است و خدای
تعالی پناه همه اوست خدای تعالی فرزند زاده نیست ونه او را کسی او را زاینده است
و هیچ کس او تعالی را همچو یکی همتا نیست وان کانت الوسوسة فی الاعمال فان
ذلک شیطان یقال له خنزب فلیتعوذ بالله منه ولیتفل عن
یساره ثلثا م مص در صحیح مسلم ومصنف ابو بکر است بروایت عثمان بن ابی
عاص رضی الله عنه که چون وسوسه در اعمال بود یعنی در نماز یا وضو یا غیر
آن باشد پس بدرستی که آن وسوسه از شیطانی است که او خنزب گویند پس
چون آن وسوسه دریابد پس بگو که اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و از
جانب چپ خود سه بار یا خوی تف زند ومن غضب فقال اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم ذهب عنه ما یجد خ م د س در صحیح بخاری ومسلم وسنن ابی داود
ونسائی است بروایت سلیمان بن صرد رضی الله عنه که هر که خشمناک گردد
پس اعوذ بالله تا آخر گوید خشم از وی برود ومن کان عند اللسان
فاحشة لازم الاستغفار لحدیث حذیفة شکوت الی رسول الله
صلی الله علیه وسلم ذرب لسانی فقال این انت من الاستغفار
انی لاستغفر الله فی کل یوم مائة مرة س ق مس مص ی

بیان دفع خشم

باید این ضعیف میفرماید که اگر بر یکی از شما یا
غضب مستولی گردد کلمه لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم چند بار بخوانید
اگر غضب شیطانی خواهد بود دفع خواهد شد
و الا فلا ٥

بیان دفع [illegible] که بر زبان باشد

بیان کفارت مجلس

نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک و مصنف ابوبکر و کتاب عمل الیوم واللیلة است
بروایت حذیفه رضی الله عنه هر که بدزبان باشد استغفار را ملازمت کند از جهة
حدیث حذیفه رضی الله عنه که گفت سوی رسول صلی الله علیه وسلم گله بدزبانی
خود کردم مرا فرمود تو از استغفار دوری من هر روز صد بار استغفار میگویم
حدیث مذکور پیشتر گذشت وَمَنِ انْتَهَى اِلَى مَجْلِسٍ فَلْيُسَلِّمْ فَاِنْ بَدَا لَهُ
اَنْ يَجْلِسَ فَلْيَجْلِسْ ثُمَّ اِذَا قَامَ فَلْيُسَلِّمْ د ت س در سنن ابی داود
و ترمذی و نسائی است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که هر که سوی مجلس
رسد پس باید که سلام گوید پس اگر رای او نشستن باشد بنشیند پس چون برخیزد
سلام گوید وَكَفَّارَةُ الْمَجْلِسِ اَنْ تَقُولَ قَبْلَ اَنْ تَقُومَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ س حب ط مص
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ د حب در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
و صحیح مستدرک است بروایت ابوهریره رضی الله عنه و در معجم کبیر است بروایت
عبدالله بن عمر رضی الله عنهما و در مصنف ابوبکر است بروایت ابوبرزه
رضی الله عنه که کفارت مجلس اینست که از قیام سبحانک اللهم تا آخر گوید در سنن
ابی داود و صحیح ابن حبان است که سه بار گوید یعنی در دعوات وضو گذشت
عَمِلْتُ سُوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ
س مس در سنن نسائی و صحیح مستدرک است که عملت سوءا تا آخر نیز گوید یعنی
بدی کردم و ستم بر نفس خود کردم پس مرا بیامرز بدرستی که جز تو کسی گناهان را
نیامرزد مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ

صلی الله علیه وسلم

بیان داخل شدن در بازار

صلی الله علیه وسلم اِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ تِرَةً فَاِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ وَاِنْ شَاءَ
غَفَرَ لَهُمْ د ت س حب مس در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن
حبان و صحیح مستدرک است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نه نشستند
قومی در هیچ مجلس که در آن ذکر خدای تعالی نکرده اند و درود به پیغامبر خود نگفته اند
مگر آن جلوس و عدم ذکر نقصانیست بر ایشان باشد اگر خدای تعالی خواهد ایشان را
عذاب کند و اگر خواهد آمرزش کند و مثل این حدیث در فضل صلوة بروایت
ابوهریره رضی الله عنه وارد است وَمَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَقَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ اَلْفَ اَلْفِ حَسَنَةٍ وَمَحَى
عَنْهُ اَلْفَ اَلْفِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ اَلْفَ اَلْفِ دَرَجَةٍ ت ق مس ی
وَبَنَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ ت ی در سنن ترمذی و ابن ماجه و مسند امام احمد
و صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت عمر رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که بازار در آید پس لا اله الا الله
وحده تا آخر گوید خدای تعالی برای او هزار هزار نیکی ثابت کند و هزار هزار
بدی از و محو کند و هزار هزار درجه برای او بر آرد در سنن ترمذی و کتاب
عملست که برای او خانه در بهشت بنا کند یعنی گذشت وَاِذَا دَخَلَهُ اَوْ خَرَجَ
اِلَيْهِ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ السُّوقِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا
وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُصِيبَ
فِيهَا يَمِينًا فَاجِرَةً اَوْ صَفْقَةً خَاسِرَةً مس ی در صحیح مستدرک

وکتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت بریده رضی الله عنه که چون رسول
صلی الله علیه وسلم در بازار درآمدی یا سوی بازار بیرون آمدی بسم الله اللهم
تا آخر گفتی یعنی ابتدا ای بار خدای بدرستی که من از تو نیکی این بازار میطلبم
و نیکی آنچه درین بازار هست می پناهم ای بار خدای بدرستی که من بتو
ازینکه درین بازار سوگند دروغ یا بیعی و خرائی زیانکار یعنی یا معشر
التجار ایعجز احدکم اذا رجع من سوقه ان یقرأ عشر آیات
فیکتب الله له بکل آیة حسنة ط در معجم کبیر است بروایت ابن
عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای گروه سوداگران
اگر یکی از شما عاجز میشود ازینکه ده آیت قرآن خواند چون از بازار
بازگردد پس خدای تعالی برای او بهر آیت یک نیکی ثابت کند ط واذا
رأی الباکورة تمر اللهم بارک لنا فی ثمرنا وبارک لنا فی مدینتنا
وبارک لنا فی صاعنا وبارک لنا فی مدنا م ت س ق در صحیح
مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابوهریره رضی الله
عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم اول میوه دیدی اللهم بارک لنا تا آخر
فرمودی یعنی ای بار خدای برکت برای ما در میوه ما و برکت کن
برای ما در شهر ما و برکت برای ما در صاع ما و برکت برای ما در مد ما
مدر بع صاعست فاذا اتی بشئ منه فکان اصغر ولید
حاضر فیعطیه ذلک م ت س ق در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که چون چیزی از نو

پیش رسول

پیش رسول صلی الله علیه وسلم آورده شدی کودکی خرد را که حاضر بودی
طلبیده دادی ومن رأی مبتلی فقال الحمد لله الذی عافانی مما
ابتلاک به وفضلنی علی کثیر ممن خلق تفضیلا لم یصبه ذلک البلاء
ت ق طس در سنن ترمذی و ابن ماجه است بروایت عمر رضی الله عنه
و در معجم اوسط است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که مبتلائی را ببیند پس الحمد لله الذی تا آخر گوید
او را آن بلا نرسد یعنی ابتدا حمد مر خدای راست که مرا عافیت داد
از بلائی که ترا بدان مبتلا کرد و بر بسیاری از خلق خود مرا افضل داد
یقول ذلک فی نفسه مو ت در سنن ترمذی موقوفست بروایت ابوهریره که
این دعا را در دل خود گوید آشکارا نکند که مبتلی شنود و درد دل او در رسد واذا ضاع

بیان برده که بحیلت چیزی گم شده یافتن ۵

له شئ او ابق اللهم راد الضالة وهادی الضلالة انت تهدی من الضلالة
اردد علی ضالتی بقدرتک وسلطانک فانها من عطائک وفضلک
ط در معجم کبیر است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که چون از ان کسی چیزی گم شود یا برده
بگریزد پس اللهم تا آخر گوید یعنی ابتدا ای بار خدای باز گرداننده گم شده وای
راه راست نماینده در گمراهی بقدرت و سلطان خود گم شده مرا بمن رد کن
زیرا که آن از عطا و فضل تست او یتوضأ ویصلی رکعتین ویتشهد
ویقول بسم الله یا هادی الضال وراد الضالة اردد علی ضالتی
بعزتک وسلطانک فانها من عطائک وفضلک مو مص در مصنف ابوبکر
موقوفست بروایت ابن عمر رضی الله عنه که با وضو کند و دوگانه نماز گذارد و تشهد

خواند بعد از فراغ تشهد بسم الله یا هادی تا آخر گوید معنی همانست ولا یتطیّر
فان فعل فلیقل ربه ان یقول اللهم لا خیر الا خیرک ولا طیر الا طیرک ولا اله
غیرک ط در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که فال نه بیند
اگر فال دید کفارت او اینست که اللهم لا خیر تا آخر گوید معنی اینست ای بار خدای
جز نیکی تو نیکی و جز فال تو فال نیست و جز تو معبود نیست اذا رأی احدکم من
الطیرة شیئا یکرهه فلیقل اللهم لا یأتی بالحسنات الا انت ولا یذهب
بالسیئات الا انت ولا حول ولا قوة الا بالله مص د در مصنف
ابو بکر و سنن ابی داود است بروایت عروه بن عامر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه فرمود چون از فال چیزی مکروه ببیند پس اللهم لا یأتی تا آخر گوید
معنی اینست ای بار خدای جز تو کسی نیکیها نیارد و جز تو کسی بدیها نبرد و حیل و قوة
جز تو نیست ومن اصیب بعین رقی بقوله بسم الله اللهم اذهب حرها و بردها
ووصبها ثم قال قم باذن الله س ق مس ط در سنن نسائی و ابن ماجه
و صحیح مستدرک و معجم کبیر است بروایت عامر بن ربیعه رضی الله عنه که اگر کسی را چشم زخم
رسیدی رسول صلی الله علیه و سلم او را افسون بقول خود بسم الله اللهم تا آخر خواندی
و او را فرمودی ایستاده شو بنام خدای تعالی یعنی اینست افسون میخوانم بنام خدای
تعالی ای بار خدای گرمی و سردی و درد چشم زخم ببر ازو کانت دابته فنفث
فی منخره الایمن اربعا وفی الایسر ثلثا وقال لا باس اذهب البأس
رب الناس اشف انت الشافی لا یکشف الضر الا انت مو مص
در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابو بکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه

که اگر چهارپایی

که اگر چهارپایی را چشم زخم رسیده باشد در سوراخ بینی راست او چهار بار و در سوراخ چپ
او سه بار بدمد و لا باس تا آخر گوید معنی اینست نیست باک ای پروردگار مردمان
درد ببر شفا ده توئی شفا دهنده درد را جز تو کسی دور نکند فایده منقولست
از فضایل بروایت علی رضی الله عنه که جبرئیل علیه السلام رسول را صلی الله علیه و سلم
غمناک دید گفت ای رسول خدا چه چیز است که ترا غمناک می بینم رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود حسن و حسین را چشم زخم رسیده است جبرئیل علیه السلام گفت چشم زخم حق است
حسن و حسین را بدین کلمات تعویذ نکردی رسول صلی الله علیه و سلم فرمود آن
کلمات کدام اند جبرئیل علیه السلام گفت این کلمات کو اللهم یا ذی السلطان
العظیم ذا المن القدیم ذا الوجه الکریم ولی الکلمات التامات والدعوات
المستجابات عاف الحسن والحسین عن انفس الجن واعین الانس پس رسول صلی
الله علیه و سلم اصحاب را فرمود که شما خود را و زنان و فرزندان خود را بدین تعویذ
کنید که بمثل این تعویذ کسی افسون نکرده است

بیان آسیب دیو و جن

فان اصیب احد یلم من جنه
وضع من بین یدیه عوذه باقی بکتاب اول سورة البقرة الی المفلحون
والهکم اله واحد الآیة و آیة الکرسی ولله ما فی السموات وما فی الارض
الی آخر البقرة و شهد الله الآیة و ان ربکم الله فی الاعراف الآیة
فتعالی الله الی آخره و عشر من اول والصافات الی لازب و ثلث
آیات من آخر الحشر و انه تعالی الآیة من الجن و قل هو الله احد و المعوذتین
س ق در صحیح مستدرک و سنن ابن ماجه و مسند امام احمد است بروایت
ابی بن کعب رضی الله عنه که چون یکی را دیوانگی از آسیب جن رسد او را

پیش خود بنهد و بر وی تعویذ خواند بفاتحه و الم ذلک الکتاب تا مفلحون و الهکم اله واحد تا آیه و آیه الکرسی و لله ما فی السموات و ما فی الارض تا آخر سوره بقره و شهد الله انه تا آیه و ان ربکم الله در سوره اعراف تا آیه فتعالی الله تا آخر سوره المؤمنون و ده آیه از اول سوره و الصافات تا لازب و سه آیت از آخر حشر و آیه و انه تعالی از سوره جن و قل هو الله احد و معوذتین فایده در انوار است بروایت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه که در گوش مبتلای بباد صرع چیزی خواند در حال آن مبتلی هوشیار شد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود ای عبد الله چه خواندی گفت افحسبتم تا آخر سوره خواندم رسول صلی الله علیه و سلم فرمود اگر مردی بر کوه این آیه را بایقین خواند کوه از جای خود دور گردد و رقی المعتوه بالفاتحة ثلثة ایام غدوة و عشیة کلما ختمها جمع بزاقه ثم تفله ~~ر~~ س در سنن ابی داود و نسائی است بروایت علاقه بن صحار رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دیوانه را افسون بفاتحه سه روز بامداد و شبانگاه کردی هرگاه که فاتحه تمام کردی خوی را جمع کرده بالوی تف زدی و رقی اللدیغ بالفاتحة ~~ع~~ در اصول است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم گزیده مار را بفاتحه افسون کردی سبع مرات ~~ت~~ و لدغت النبی صلی الله علیه و سلم عقرب و هو یصلی فلما فرغ قال لعن الله العقرب لا تدع مصلیا و لا غیره ثم دعا بماء و ملح فجعل یمسح علیها و یقرأ قل یا ایها الکافرون و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس ~~ص ط~~ در معجم صغیر است بروایت علی رضی الله

افسون دیوانه

المعتوه مجنون یعنی دل زده

بیان مار و گزدم افسون کردن

فجعله فی اناء ثم جعل یمسحه علی اصبعه رحمه الله تعالی

علی رضی الله عنه پیغامبر صلی الله علیه و سلم را در حالت نماز گزدم گزید چون از نماز فارغ شد فرمود لعنت کند خدای تعالی گزدم را که مصلی و غیر مصلی را نگذارد پس رسول صلی الله علیه و سلم آب و نمک طلبیده و در آوندی کرد و بر انگشت خود بریخت و بر جای که گزیده بود مسح میکرد و هر سه سوره مذکور میخواند فایده در حیوة الحیوان آمده است که افسون مجرب نافع اینست که گزیده مار یا گزدم را که درد ناک است پس آهن بنهد و این عزیمت بنگر را بخواند و آهن مسح کند و دور کرد چون درد از اعلی با سفل خود رسد کشیده برکند تا که همه درد برود و عزیمت اینست سلام علی نوح فی العالمین و علی محمد فی المرسلین من حاملات السم اجمعین کذلک نجزی عباده المحسنین ان ربی علی صراط مستقیم نوح نوح قال لکم نوح من ذکرنی لا تاکلوه ان ربی بکل شیء علیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحابه اجمعین و سلم در تفسیر معالم التنزیل است در سوره هود علیه السلام که چون نوح صلوات الله و سلامه علیه بر کشتی نشست مار و گزدم آمدند که ما را بر کشتی بر نوح صلوات الله علیه و سلامه علیه ~~گفتی محمد را اوهم کلمه~~ ایشان را آورد و گفت شما زبان کار ید کنند هر که نام مرا گیرد او را از زبان نرسانید با نوح علیه الصلوة و السلام عهد کردند بعده ایشان را در کشتی کرد هر که سلام علی نوح فی العالمین گوید مار و گزدم او را زبان نرسانند عرضنا علی رسول الله صلی الله علیه و سلم رقیة من الحمة فاذن لنا فیها و قال انما هی من مواثیق الجن بسم الله شجة قرنية ملحة بحر قفطا ~~طس~~ در معجم اوسط است بروایت عبد الله بن زید رضی الله عنه که گفت افسون زهر مار و گزدم بر رسول صلی الله علیه و سلم

بیان افسون دفع زهر مار و گزدم

عرض کردیم فرمود این افسون از عهد جاهلیت است و افسون بسم الله تربة
تا آخر است و یرقی الملدوغ بقوله اذهب الباس رب الناس اشف
انت الشافی لا شافی الا انت س ا در سنن نسائی و مسند امام احمد
بروایت محمد بن حاطب رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم سوخته را تا آخر
بقول خود اذهب الباس تا آخر افسون میکرد معنی اینست دور کن بلای
پروردگار مردمان شفا ده توئی شفا دهنده جز تو کسی شفا دهنده نیست

بیان دفع سوخته آتش

و اذا رأی الحریق فلیطفئه بالتکبیر ص مجرب در مسند بزار ابی یعلی
موصلی هست بروایت ابو هریره رضی الله عنه و در کتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی

فرو میراندن آتش

بروایت ابو عمرو رضی الله عنه که چون کسی جای آتش گرفته بیند پس گوید که آنرا
بتکبیر فرو میراند یعنی الله اکبر گوید تا آتش فرو میرد مصنف گوید که ابن الجزری گفت
ویرقی من احتبس بوله او اصابته حصاة بقوله ربنا الله

بیان باز ماندن پیشاب و یا سنگ مثانه

الذی فی السماء تقدس اسمک امرک فی السماء والارض کما رحمتک فی السماء فاجعل رحمتک
فی الارض واغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین فانزل
شفاء من شفائک ورحمة من رحمتک علی هذا الوجع فیبرأ
س د مس در سنن نسائی و ابی داود و صحیح مستدرک بروایت ابو الدرداء
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم کسی را که پیشاب او باز می ماندی
یا سنگ مثانه میرسید بقول خود ربنا الله تا آخر افسون کردی پس او به شدی
معنی اینست پروردگار ما خدای است که ملک او در آسمان است پاک و برتر است
نام تو ای پروردگار فرمان تو در آسمان و زمین است چنانچه رحمت تو در آسمان است

پس رحمت

پس رحمت خود را در زمین گردان و گناهان ما را بیامرز توئی پروردگار پاکان
پس فرو بار بر این درد شفائی از شفاهای خود و رحمتی از رحمتهای خود تا به شود

بیان کسی را که ریشی و یا آبله بودی این دوا فرمودی

من به قرحة او جرح بان یضع اصبعه السبابة بالارض ثم یرفعها
قائلا بسم الله تربة ارضنا بریقة بعضنا یشفی سقیمنا او لیشفی
سقیمنا باذن ربنا م در صحیح مسلم است بروایت عایشه رضی الله عنها
که کسی را اگر ریشی یا آبله بودی رسول صلی الله علیه وسلم او را دوا کردی بدین نوع که انگشت
سبابه خود را اول بر زمین نهادی پس برداشتی در بن خاک که بسم الله تربة
تا آخر فرمودی پس بر علت مسح کردی معنی اینست این خاک زمین ما مخلوط با آب دهن بعض ما است
شفا دهد یا تا شفا دهد مریض ما را باذن پروردگار ما در طیبی است که شیخ توره پشتی
گوید که ذکر تربت اشارت است بر خاک خلقت آدم علیه السلام و ذکر تربت اشارت است بر خاک
خلقت آدم علیه السلام و ذکر ریقه اشارت است بر نطفه آدم علیه السلام خلقت
فرزندان اوست پس چنانست که افسون کننده بزبان حال تضرع میکند ای پروردگار
تو اصل اول را از خاک آفریدی و فرزندان او را از آب خود پیدا کردی پس بر تو آسان
است که این چنین کس را صحت دهی و قاضی ناصر الدین گوید که خوی را در نضج
مزاج ... خلقت وخاک زمین وطن را در حفظ مزاج تکیات مضرات تاثیر است هم
از این در ... مسافران مذکور است که مسافر را باید که خاک زمین خود با خود گیرد تا چون آب
مخالف مزاج بیند آن خاک را در آب انداز و بخورد تا از تغیر مزاج ایمن گردد و افسون
و عزیمت را آثاری عجیب است که عقل از رسیدن بکنه آن عاجز ماند صاحب کشاف گوید شاید که
ابعض محمد صلی الله علیه وسلم است که او مفضل است بر همه انبیا علیهم السلام در شرح مسلم

که علما گفته اند که مراد از ارض تمام زمین است و بعضی گویند زمین مدینه است و اذا خدرت
رِجْلُهُ فَلْیَذْکُرْ اَحَبَّ النَّاسِ اِلَیْهِ سنی در کتاب دعا ابن السنی است
بروایت ابن عمر رضی الله عنه که چون پای کسی خواب کند پس گو که نام محبوب
مردمان کبر دو مَنِ اشْتَکٰی اَلَمًا اَوْ شَیْئًا فِی جَسَدِهِ فَلْیَضَعْ یَدَهُ الْیُمْنٰی
عَلَی الْمَکَانِ الَّذِی یَأْلَمُ وَلْیَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ وَلْیَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ
اَعُوذُ بِاللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ وَاُحَاذِرُ م عه در صحیح مسلم و چهار سنن است
بروایت عثمان بن ابی العاص رضی الله عنه که هر که از دردی یا از چیزی
در جسد خود بنالد پس بگو که دست راست خود را بر محل درد بنهد و سه بار بسم الله
تمام کند و هفت بار اعوذ بالله و قدرته تا آخر گوید معنی اینست بخدای تعالی
و قدرت او پناه میجویم از شر دردی که می یابم و از شر دردی که از وی میترسم
اَوْ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ سَبْعًا طمص در معجم کبیر
و مصنف ابوبکر است بروایت عثمان مذکور رضی الله عنه که هفت بار
اعوذ بعزة الله وقدرته علی کل شیء من شر ما اجد سبع مرات یضع
یده تحت [illegible] اط در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت کعب بن
مالک رضی الله عنه با اعوذ بعزة الله تا آخر هفت بار گوید دست خود را
زیر محل درد بنهد و بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما اجد من
وجعی هذا ثم یرفع یده ثم یعید ذلک وترا ت در سنن ترمذی است
بروایت انس رضی الله عنه که با بسم الله اعوذ بالله [illegible] گوید پس دست خود را
از محل درد بردارد پس چون باز خواند باز دست بر آن نهد [illegible]

نفسه

بیان خواب شدن پای آدمی

ف دفع دردها

تنفس بالمعوذات وینفث خ م د س ق در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود
و نسائی و ابن ماجه است بروایت عائشه رضی الله عنها که با معوذات خواند پس
بر ذات خود دمد مراد از معوذات قل یا ایها الکافرون و معوذتین است و من
اَصَابَهُ رَمَدٌ اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِی بِبَصَرِی وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّی وَاَرِنِی فِی الْعَدُوِّ
ثَارِی وَانْصُرْنِی عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِی مس ی در صحیح مستدرک و کتاب عمل الیوم
واللیله است بروایت انس رضی الله عنه که کسی را درد چشم رسد اللهم متعنی
تا آخر گوید معنی اینست ای بار خدای مرا بچشم من برخوردار وی ده و چشم مرا وارث
گردان و بنما مرا کینه من در دشمن و مرا نصرت ده بر کسی که ستم من کرده است و من
حَصَلَتْ لَهُ حُمّٰی فَلْیَقُلْ بِسْمِ اللّٰهِ الْکَبِیرِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْعَظِیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ
عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ مس مص در صحیح مستدرک و مصنف ابوبکر
است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که کسی را که تب حاصل گردد بسم الله
الکبیر تا آخر گوید معنی اینست می پناهم بخدای تعالی که عظیم است از بدی هر رگ
جنبنده و از بدی گرمی آتش وَاِنْ اَصَابَهُ ضُرٌّ وَسَئِمَ الْحَیٰوةَ فَلَا یَتَمَنَّ الْمَوْتَ
فَاِنْ کَانَ لَابُدَّ فَاعِلًا فَلْیَقُلِ اللّٰهُمَّ اَحْیِنِی مَا کَانَتِ الْحَیٰوةُ خَیْرًا لِی
وَتَوَفَّنِی اِذَا کَانَتِ الْوَفَاتُ خَیْرًا لِی خ م د ی در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ابی داود و کتاب عمل الیوم واللیله است بروایت انس رضی الله
عنه که اگر کسی را سختی رسد و از حیوة خود مانده گردد بکسی که آرزوی مرگ نکند
و اگر او را ناچار بود که آرزوی مرگ کند پس اللهم احینی تا آخر گوید معنی
اینست ای بار خدای بر زنده دار تا که مرا حیوة بهتر باشد و مرا بمیران چون مرگ [illegible]

بیان درد چشم

بیان تب

هذا اذا تمنی الضر ونحوه
فان تمنی الموت خوفا علی دینه
بفساد الزمان ونحو ذلک لم یکره

لما روی فی الحدیث
الموت تحفة المؤمن [illegible]
[illegible] ان النبی
صلی الله علیه وسلم
[illegible]

بیان اعادت مریض

ذکر بیمار پرسیدن

واذا عاد مریضا قال لا بأس طهور ان شاء الله لا بأس طهور ان شاء
الله خ س در صحیح بخاری و سنن نسائی است بروایت ابن عباس رضی الله
عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم برای پرسیدن بیمار رفتی لا بأس طهور
تا آخر دو بار فرمودی یعنی اهیت ترا باک نیست این بیماری پاک کننده گناه است
ان شاء الله بسم الله تربة ارضنا وریقة بعضنا تشفی سقیمنا خ م د س ق
باذن ربنا م باذن الله خ در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی
و ابن ماجه است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم بسم الله
تربة ارضنا تا آخر میخواند در مسلم باذن الله وارد است و یمسح بیده
الیمنی و یقول اللهم اذهب الباس رب الناس اشفه انت
الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما خ م س در صحیح بخاری
و مسلم و سنن نسائی است بروایت عائشه رضی الله عنها که چون رسول صلی
الله علیه وسلم بیمار را پرسیدی بدست راست خود او را مسح کردی
و اللهم اذهب الباس تا آخر فرمودی یعنی گذشت بسم الله ارقیک
من کل شیء یؤذیک ومن شر کل نفس او عین حاسد الله یشفیک
بسم الله ارقیک م ت س ق در صحیح مسلم و ترمذی و نسائی و ابن ماجه
است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
بر مریض بسم الله ارقیک تا آخر خواندی یعنی افسون میکنم بنام خدای
تعالی ترا افسون میکنم از هر چیز که ترا ایذا رساند و از شر هر نفس یا از شر
چشم حاسد و خدای تعالی ترا شفا دهد بسم الله ارقیک والله یشفیک

من کل

من کل داء یغنیک من شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد
س مص در سنن نسائی و مصنف ابو بکر است بروایت عائشه رضی الله
عنها که رسول صلی الله علیه وسلم بر مریض بسم الله ارقیک تا آخر خواندی
یعنی افسون میکنم بنام خدای تعالی ترا افسون میکنم از شر زنان دمنده در گرهها
و از شر حاسدی چون حسد کند و خدای تعالی ترا شفا دهد از هر رحمتی که در
ثلث مرات مس در صحیح مستدرک است که دعا مذکور را سه بار خواندی بسم الله ارقیک
والله یشفیک من شر کل حاسد اذا حسد ومن شر کل ذی عین
ا در مسند امام احمد است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم بر مریض بسم الله ارقیک تا آخر خواندی یعنی همان است اللهم
اشف عبدک ینکأ لک عدوا و یمشی لک الی جنازة د حب مس
در سنن ابی داود و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت عبد الله
بن عمرو رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مریض اللهم
اشف تا آخر خواندی یعنی اهیت ای بار خدای شفا ده بنده خود را که
دشمن ترا درد رساند برین که در راه تو قتال کند و او را بکشد و یا مجروح
سازد و برای تو سوی جنازه تو برود اللهم اشفه اللهم عافه مس ت حب
در صحیح مستدرک و سنن ترمذی و صحیح ابن حبان است بروایت علی رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بر مریض اللهم تا آخر فرمودی یعنی اهیت
ای بار خدای این را شفا ده ای بار خدای این را عافیت ده اللهم
اشفه اللهم اعفه س در سنن نسائی است بروایت علی رضی الله عنه که

رسول صلی الله علیه وسلم بر مریض اللهم تا آخر خواندی معنی همان است
یا فلان اشفی الله سقمک وغفر ذنبک وعافاک فی دینک وجسمک
الی مدت اجلک مس در صحیح مستدرک است بروایت سلمان رضی الله عنه که
گفت مریض بودم رسول صلی الله علیه وسلم برای پرسیدن آمد فرمود یا
سلمان شفی الله تا آخر معنی اینست ای فلان خدای تعالی بیماری ترا
شفا دهد و گناه ترا آمرزد و ترا در دین تو و جسم تو تا مدت اجل تو عافیت دهد
ومن عاد مریضا لم یحضر اجله فقال عنده سبع مرات اسأل الله
العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک الا عافاه
الله من ذلک المرض د ت حب مس مص در سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی و صحیح ابن حبان و مصنف ابوبکر است بروایت ابن عباس رضی الله
عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده هر که پرسش کند بیماری را که اجل او حاضر
نگشته است پس هفت بار اسأل الله تا یشفیک گوید مگر که خدای تعالی
او را از ان مرض عافیت دهد معنی اینست میخواهم از خدای تعالی که عظیم است
پروردگار عرش عظیم است انکه ترا شفا دهد و جاء رجل الی علی فقال
ان فلانا شاک فقال ایسرک ان یبرأ قال نعم قال قل یا حلیم
یا کریم اشف فلانا فانه یبرأ مو مص در مصنف ابوبکر موقوف است
بروایت حفص بن عمر رضی الله عنه که مردی سوی علی رضی الله عنه آمد
و گفت فلان دردمند است علی رضی الله عنه گفت آنکه ترا خوش کرد
انکه او به شود گفت نعم علی رضی الله عنه گفت یا حلیم تا آخر گوید بدرستی که او

خواهد شد

خواهد شد معنی اینست ای حلیم ای کریم فلان را شفا ده دعا انما مسلم دعا یونس
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین اربعین مرة فمات
فی مرضه ذلک اعطی اجر شهید وان برأ برأ وقد غفر له
جمیع ذنوبه مس در صحیح مستدرک است بروایت سعد بن مالک رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده هر که در مرض خود لا اله الا انت تا آخر
چهار بار بگوید پس در ان مرض بمیرد او را اجر شهید دهند و اگر به گردد گناهان
او مغفور شوند ومن قال فی مرضه لا اله الا الله والله اکبر لا اله الا الله
وحده لا اله الا الله لا شریک له لا اله الا الله له الملک وله الحمد
لا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله ثم مات لم تطعمه النار ت
س ق حب مس در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان
و مستدرک است بروایت ابو سعید و ابو هریره رضی الله عنهما که هر که در مرض خود
لا اله الا الله والله اکبر تا آخر گوید پس در ان مرض بمیرد او را آتش نخورد
من سأل الله الشهادة بصدق بلغه الله منازل الشهداء وان
مات علی فراشه م عه در صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت سهل بن
حنیف رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده هر که از خدای
تعالی شهادت بصدق طلبد خدای تعالی او را بمراتب شهدا رساند
و اگر چه بر فراش خود بمرض بمیرد من طلب الشهادة صادقا اعطیها ولو لم
تصبه م در صحیح مسلم است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده که هر که در حالت صدق شهادت طلبد خدای تعالی

باب فضیلت طلب شهادت ۵

او را درجهٔ شهادت دهد اگرچه او بشهادت نرسد مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
فُوَاقَ نَاقَةٍ فَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ سَأَلَ اللّٰهَ الْقَتْلَ مِنْ نَفْسِهِ
صَادِقًا ثُمَّ مَاتَ أَوْ قُتِلَ كَانَ لَهُ أَجْرُ شَهِيدٍ عه در چهار سنن است
بروایت معاذ رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که قتال کند
میان دو دوشیدن ماده شتر کارزار کند بهشت او را واجب گردد و هر که از
خدای تعالی بصدق دل کشتن خواهد پس اگر بمیرد یا کشته شود او را اجر شهید
باشد اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَهَادَةً فِي سَبِيلِكَ وَاجْعَلْ مَوْتِي بِبَلَدِ
رَسُولِكَ خ در صحیح بخاری است بروایت عمر رضی الله عنه بجهت شهادت
دعای مذکور خواند یعنی ای بار خدای شهادت در راه خود روزی کن
و مرگ مرا در شهر رسول خود گردان فَإِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ وَجَّهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ
در صحیح مستدرک است بروایت ابو قتاده رضی الله عنه که چون کسی را مرگ
حاضر شود او را سوی قبله متوجه گردانید وَيَقُولُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي
وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى خ م ت در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی
است بروایت عائشه رضی الله عنها که هر گاه موت حاضر شود اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي
تا آخر گوید یعنی المیت ای بار خدای مرا بیامرز و بر من رحمت کن و مرا
با مصاحبان اعلی لاحق گردان یعنی مرا در صحبت فرشتگان در آر لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكَرَاتٍ خ س ق در صحیح بخاری و سنن
نسائی و ابن ماجه است بروایت عائشه رضی الله عنها که لا اله الا الله
تا آخر گوید یعنی المیت بدرستی که مر موت را دشواریها است اللّٰهُمَّ

اعنی

أَعِنِّي عَلَى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِ الْمَوْتِ ت در سنن ترمذی است
بروایت عائشه رضی الله عنها که اللّٰهُمَّ أَعِنِّي تا آخر گوید یعنی المیت ای بار خدای
مرا بر سختیها و دشوارهای مرگ یاری کن يَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ عَبْدِي
عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ كُلِّ خَيْرٍ يَحْمَدُنِي وَأَنَا أَنْزِعُ نَفْسَهُ
مِنْ بَيْنِ جَنْبَيْهِ ا در مسند امام احمد است بروایت ابو هریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود خدای تعالی میفرماید بدرستی بندهٔ مومن
من نزد من بمنزله هر خیر که بدان مرا حمد میگوید و من روح او را از میان
دو پهلوی او بیرون میکشم وَمَنْ حَضَرَهُ عِنْدَهُ فَلْيُلَقِّنْهُ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ
م عه در صحیح مسلم و چهار سنن است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که
که هر که نزد مریض محتضر حاضر باشد پس گو که او را لا اله الا الله تلقین کند
مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ د س در سنن ابی داود
و صحیح مستدرک است بروایت معاذ رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود که هر که آخر کلام او لا اله الا الله باشد او در بهشت در آید وَإِذَا
غَمَّضَهُ دَعَا لِنَفْسِهِ بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤَمِّنُونَ عَلَى مَا يَقُولُ فَيَقُولُ
اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِفُلَانٍ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ
فِي الْغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ
وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ م د س ق در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است
بروایت ام سلمه رضی الله عنها چون کسی چشم میت را بسته کرد اندر دعای خیر
برای خود کند زیرا چه بدرستی که فرشتگان بر قول او آمین میگویند پس اللهم

اغفر لفلان تا آخر گوید یعنی ایمنت ای بارخدای فلان میت را بیامرز و درجه
او را بلند دار در درجهای کسانی که ایشان را راه راست نمودی و خلیفه
او باش در کسانی که باقی مانده اند از عقب او و بیامرز ما را و ویرا
ای پروردگار جهانیان و قبر او را برای او گشاده و روشن گردان و یقول
اذا مات اللهم اغفر لی وله واعقبنی منه عقبی حسنة م عه در صحیح مسلم
و چهار سنن است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که اهل میت اللهم
اغفر لی تا آخر گوید یعنی ایمنت بارخدای مرا و این میت را بیامرز
و از پی میت جزای نیک مرا میراث گردان و یلقن اذا قرئ علیه سوره
یس س صدق حب بس در سنن نسائی و ابی داود و ابن ماجه و صحیح
ابن حبان و مستدرک است بروایت معقل بن یسار رضی الله عنه که گر
اهل میت بر میت سوره یس خواند و یقول صاحب المصیبة
انا لله وانا الیه راجعون اللهم اجرنی فی مصیبتی
واخلف لی خیرا منها م در صحیح مسلم است بروایت ام سلمه رضی الله
عنها که صاحب مصیبت انا لله وانا الیه راجعون تا آخر گوید یعنی ایمنت ما
با اهل و اموال مملوک خدای تعالی ایم و بسوی حساب و جزای
او تعالی باز گردیم ای بارخدای مرا در مصیبت من اجر ده و بهتر
از آن بجای آن گردان واذا مات ولد العبد قال الله لملائکته
قبضتم ولد عبدی فیقولون نعم فیقول ماذا قال عبدی
فیقولون حمدک واسترجع فیقول ابنوا لعبدی بیتا فی الجنة

ف
معنی الحکمة فی قراءة هذه السورة علی من حضره الموت ان احوال النزع والبعث مذکورة فیها فاذا قرأت علیه تجدد له ذکر البعث والقیمة ویتسع فی خاطره حتی یموت ۵

فیقول قبضتم ثمرة فؤاده فیقول نعم فیقول ماذا ۱۲

وسموه

وسموه بیت الحمد ت حب ی در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان
و کتاب عمل الیوم واللیلة است بروایت ابو موسی رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود چون فرزند بنده مومن بمیرد خدای تعالی از ملائکه
گوید که فرزند بنده مرا قبض کردند گویند نعم ای پروردگار خدای تعالی گوید
بنده من چه چیز گفت گویند ترا ستود و انا لله تا آخر گفت خدای تعالی
فرماید که برای بنده من خانه در بهشت برآرید و نام آن بیت الحمد نهید
فاذا عزی احدا یسلم به و یقول ان لله ما اخذ ولله ما اعطی
وکل عنده باجل مسمی فلتصبر ولتحتسب ع م د س ق در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت اسامه
بن زید رضی الله عنهما که چون رسول صلی الله علیه وسلم یکی را تعزیت
بکرد بر وی سلام میفرمود و ان لله تا آخر میفرمود یعنی آنچه خدای گرفت
آنچه بستاند مر خدای تعالی راست آنچه بدهد و هر چیزی از اخذ و عطا
نزد او تعالی مقدر و موقت است پس گو صبر کند و اجر از خدای تعالی
خواهد و کتب صلی الله علیه وسلم الی معاذ یعزیه فی ابن له
بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله الی معاذ بن جبل
سلام علیک فانی احمد الله الیک الله الذی لا اله الا هو
اما بعد فاعظم الله لک الاجر والهمک الصبر ورزقنا وایاک
الشکر فان انفسنا واموالنا واهلینا واولادنا من مواهب الله
عز وجل الهنیئة وعواریه المستودعة نمتع بها الی اجل

بیان تعزیت

بیان فرمان بجانب معاذ بن جبل

مودوده وتقبضها بوقت معلوم ثم افترض علينا الشكر اذا اعطى
والصبر اذا ابتلى فكان ابنك من مواهب الله الهنية وعواريه
المستودعة متعك الله به في غبطة وسرور وقبضه منك
باجر كثير الصلوة والرحمة والهدى ان احتسبت فاصبر
ولا يحبط جزعك اجرك فتندم واعلم ان الجزع لا يرد شيئا
ولا يدفع حزنا وما هو نازل فكان قد والسلام مس ص در صحیح
مستدرک و مسند ابو یعلی موصلی است بروایت معاذ رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم سوی معاذ بجهت تعزیت پسر او بسم الله الرحمن الرحیم
من محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم سوی معاذ بن جبل است
که ای معاذ بر تو سلام است بدرستی که میرسانم سوی تو حمد خدای که جز او معبود نیست
بگویم بعد از حمد که خدای تعالی اجر ترا بزرگ گرداند و ترا الهام صبر کند و ما را و ترا شکر
کند بدرستی که ذات و مال و اهل و اولاد ما از بخشش خدای تعالی است و از عاریتهای
امانت او جل و علا است که تا وقتی معدود بران برخورداری دهد و در وقتی معلوم
قبض کند پس شکر بر ما فرض کرد چون ما را چیزی بدهد و صبر بر ما واجب گردانید
چون ما را ابتلا کند و بازستاند و پسر تو از بخششهای مبارک خدای تعالی و از عاریتهای
امانت او تعالی بود خدای تعالی ترا ابدا در نیکی و شادی و برخورداری
دادی و بعید [illegible] اجر کثیر با نماز و رحمت و هدایت است اگر او را [illegible] اجر از خدای
تعالی خواهی پس صبر کن و گریه و ناله تو اجر ترا محو نکند پس که پشیمان و بدان که ناله
و ناشکیبائی چیزی را رد نکند و اندهی را دفع نکرد اندوه آنچه مقدر بود که نازل

شود نازل شد

کبیر

قد

بیان وفات رسول صلی الله علیه وسلم

شود نازل شد والسلام و لما توفی صلی الله علیه وسلم عزتهم الملائكة
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ان في الله عزاء من كل مصيبة
وخلفا من كل فائت فبالله فثقوا واياه فارجوا فانما المحروم
من حرم الثواب والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته مس در صحیح
مستدرک است بروایت جابر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم
وفات یافت فرشتگان اهل و صحابه را تعزیت کردند یعنی خبر نمودند
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته تا آخر که بشنیدند آن را کسی ندید
لیکن سخن ایشان شنیدند یعنی السلام بر شما است سلام و رحمت و برکات
خدای تعالی بدرستی که در خدای تعالی را اجر از هر مصیبتی و بدل از هر فانی
پس ای اهل اسلام بخدای تعالی استوار شوید و رحمت او را امیدوار باشید
بدرستی که محروم کسی است که از ثواب محروم گردد و دخل رجل اشهب
اللحية جسيم صبيح فتخطى رقابهم فبكى ثم التفت الى الصحابة
فقال ان في الله عزاء من كل مصيبة وعوضا من كل فائت
وخلفا من كل هالك فالى الله فانيبوا واليه فارغبوا ونظره اليكم
في البلاء فانظروا فانما المصاب من لم يجبره فانصرف فقال
ابو بكر وعلي رضي الله عنهما هذا الخضر عليه السلام مس در صحیح

بیان حاضر شدن خضر علیه السلام

مستدرک است بروایت انس رضی الله عنه که بعد وفات رسول صلی الله
علیه وسلم مردی سفید ریش و اندام نیک خوب صورت بر صحابه رضوان الله
علیهم اجمعین آمد و فرق کرده در مجلس در آمد و گریست پس سوی صحابه دید

وامن الله عز اجرنا آخر گفت و بازگشت پس ابو بکر و علی رضی الله
عنهما گفتند که این خضر است علیه السلام معنی اینست بدرستی که مر خدای
تعالی راست صبر از هر مصیبتی و عوض از هر فایتی و بدل از هر هالکی پس
ای اهل اسلام سوی خدای تعالی باز گردید و رغبت در رحمت او کنید
و نظر رحمت او تعالی سوی شما در حالت بلا است پس منتظر رحمت او باشید
بدرستی که مصیبت زده کسی است که حال او نیک گشته است ومن رفع المیت
علی السریر او حمله فلیقل بسم الله مس مص در کتاب دعا ابن مردویه

بیان مرده بر سریر کردن

و مصنف ابو بکر است بروایت بکر مزنی رضی الله عنه که هر که مرده را بر
دارد یا او را بر دارد پس گوید بسم الله گوید و اذا صلی علیه کبر ثم قرأ
ام القرآن ثم صلی علی النبی صلی الله علیه وسلم ثم قال اللهم عبدک
وابن امتک کان یشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک
لک ویشهد ان محمدا عبدک ورسولک اصبح فقیرا الی
رحمتک واصبحت غنیا عن عذابه تخلی من الدنیا واهلها
ان کان زاکیا فزکه وان کان مخطئا فاغفر له اللهم لا تحرمنا
اجره ولا تفتنا بعده مس در صحیح مستدرک است که چون کسی خواهد که بر
میت نماز کند تکبیر احرام گوید پس فاتحه خواند پس درود بر پیغامبر صلی الله
علیه وسلم گوید پس اللهم عبدک تا آخر خواند معنی اینست ای بار خدای این
بنده تست و پسر کنیزک تست گواهی بر وحدانیت تو و بر رسالت رسول تو می داد
محتاج گشته است سوی رحمت تو و تو از عذاب او بی نیازی او خالی شد

وابن عبدک

تضلنا

اواز دنیا

او از دنیا و اهل آن بیرون آمد اگر از گناهان پاک باشد پس او را در پاکی زیادت
کن و اگر گناهکار باشد پس او را بیامرز ای بار خدای ما را از اجر او محروم مکن
و ما را بعد او فتنه زده مگردان اللهم اغفر له وارحمه وعافه واعف عنه
واکرم نزله ووسع مدخله واغسله بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطایا
کما نقیت الثوب الابیض من الدنس وابدله دارا خیرا من داره
واهلا خیرا من اهله وزوجا خیرا من زوجه وادخله الجنة
واعذه من عذاب القبر وعذاب النار م ت س ق مص در صحیح
مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر است بروایت
عوف بن مالک رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در نماز جنازه
اللهم اغفر له تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدای این میت را بیامرز و بر و
رحمت کن و از مکاره او را خلاص و عافیت ده و از و عفو کن و نصیب
او را نیک گردان و قبر او را فراخ کن و او را با آب رحمت و برف فضل و ژاله
کرم بشوی و او را از گناهان پاک کن چنانچه جامه سپید را از ریم پاک کنی
و بدل کن برای او سرای بهتر از سرای او و اهلی بهتر از اهل او و جفتی بهتر از جفت
او و او را در بهشت در آر و از عذاب قبر و آتش در پناه دار اللهم اغفر لحینا
ومیتنا وصغیرنا وکبیرنا وذکرنا وانثانا وشاهدنا وغائبنا اللهم
من احییته منا فاحیه علی الاسلام ومن توفیته منا
فتوفه علی الاسلام اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده د ت س
احب مس در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و مسند امام احمد و صحیح

ثلج بالفتح برف
و باریدن آن و بفتحتین
خنک شدن دل و آرامیدن
از کسی ۱۲ رشیدی

واعذه

الایمان تضلنا بعده

ابن حبان و مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم در نماز جنازه اللهم اغفر تا آخر خواندی معنی اینست ای بار خدای بیامرز
برای زنده و مرده ما را برای خورد و بزرگ ما را و برای مرد و زن ما را و برای
حاضر و غایب ما را ای بار خدای کسی را از ما که زنده داری پس او را بر اسلام
زنده دار و کسی را که از ما بمیرانی پس او را بر اسلام بمیران ای بار خدای
ما را از اجر او محروم مکن و ما را بعد او گمراه مکن و اللهم انت ربها وانت
خلقتها وانت هديتها للاسلام وانت قبضت روحها وانت
اعلم بسرها وعلانيتها جئنا شفعاء فاغفر له د س ابن س له د
در سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابو هریره رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه وسلم در نماز جنازه اللهم تا آخر خواندی معنی
اینست ای بار خدای توئی پروردگار این نفس مرده این را آفریدی
و سوی اسلام راه نمودی و روح او را قبض کردی و توئی داناتر
بعمل نهان و آشکار او ما باین شفاعت کننده آمده ایم پس این را
بیامرز در سنن نسائی لهما و در سنن ابی داود و ترمذی له وارد است
اللهم ان فلان بن فلان في ذمتك وحبل جوارك فقه من فتنة
القبر وعذاب النار وانت اهل الوفاء والحمد اللهم فاغفر له
وارحمه انك انت الغفور الرحيم د ق در سنن ابی
داود و ابن ماجه است بروایت واثلة بن الاسقع رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم در نماز جنازه اللهم ان تا آخر میخواند
معنی اینست

عهد زینهار ۲ رشید

معنی اینست ای بار خدای بدرستی فلان ابن فلان در عهد تست و در عهد
امان تست پس او را از فتنه قبر و عذاب آتش نگاه دار و توئی اهل وفا
که عهد خود را وفا کنی و توئی اهل حمد ای بار خدای بدرستی که توئی غفور رحیم
اللهم عبدك وابن امتك احتاج الى رحمتك وانت غني
عن عذابه ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان
مسيئا فتجاوز عنه مس در صحیح مستدرک است بروایت یزید بن
رکانه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در نماز جنازه اللهم
عبدك تا آخر خواندی معنی گذشت اللهم عبدك وابن عبدك كان يشهد
ان لا اله الا الله وان محمدا عبدك ورسولك وانت اعلم
به ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فاغفر
له ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده حب در صحیح ابن حبان است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم در نماز
جنازه اللهم عبدك تا آخر خواندی معنی گذشت واذا وضعه في قبره

بیان
مرده را دفن کردن

قال بسم الله وعلى سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم د ت حب
در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت
ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم میت را در قبر نهادی
بسم الله تا آخر بودی معنی اینست بنام خدای تعالی و بر سنت
رسول صلی الله علیه وسلم یا بر ملت رسول صلی الله علیه وسلم این میت
را در قبر می نهم در سنن ترمذی بجای سنت ملت وارد است بسم الله

قال

وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّتِ رَسُوْلِ اللّٰهِ مس در صحیح مستدرک گفت بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم بسم الله تا آخر
فرمودی مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى
بسم الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله مس در صحیح
مستدرک گفت بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
منها خلقناکم تا آخر فرمودی یعنی آفریدیم شما را از زمین آفریدیم و در
زمین باز گردانیم و از زمین دوم بار بیرون آریم باقی معنی گذشت کان اذا
فرغ من دفنه وقف على القبر فقال استغفروا الله لأخيكم وسلوا له
بالتثبيت فانه الآن يسأل د س رس در سنن ابی داود و صحیح
مستدرک و مسند بزار و سنن کبیر بیهقی است بروایت عثمان بن عفان
رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه وسلم از دفن میت فارغ شدی
بر قبر ماندی و گفتی از خدای تعالی برای برادر خود آمرزش و ثبات خواهید
زیرا که او این زمان پرسیده می شود ویُقرأ على القبر بعد الدفن اول
سورة البقرة وخاتمتها سنی در سنن کبیر بیهقی است بروایت ابن عمر
رضی الله عنه که بعد دفن اول سوره بقره تا المفلحون و آخر آن از لله
ما في السموات تا آخر سوره بخوانند واذا زار القبور فليقل السلام
على اهل الديار او السلام عليكم اهل الديار من المؤمنين والمسلمين
وانا ان شاء الله بكم للاحقون نسأل الله لنا ولكم العافية
م در صحیح مسلم و سنن نسائی و ابن ماجه است بروایت بریده رضی الله عنه

بیان زیارت قبور

که چون

که چون کسی زیارت قبور کند پس گوید السلام على اهل الديار تا آخر گوید یعنی
سلام است بر اهل این دیار یا سلام است بر شما ای اهل دیار یعنی اهل قبور از مومنان
و مسلمانان و بدرستی که ما اگر خدای تعالی خواهد با ایمان بشما لاحق شویم
یا گویند اگر خدای تعالی خواهد درین مقام لاحق شویم چه مقام ترک ثبت و ما تدری
نفس بأي أرض تموت یا ان بمعنی اذ دارند یعنی وقتی که خدای تعالی خواهد
لاحق شویم یا ان شاء الله برای تبرک و ادب باشد میخواهیم از خدای تعالی
برای ما و شما عافیت را یعنی خلاصی از مکاره انتم لنا فرط ونحن لكم تبع
س در سنن نسائی این کلام مذکور زیادت معنی اینست شمائید ما را
پیش روان و مائیم شما را پس روان فرط کسی را گویند که پیش از قافله بمنزل رود
و ما یحتاج قافله مهیا کند السلام على اهل الديار من المؤمنين والمسلمين ويرحم
الله المستقدمين منا والمستأخرين وانا ان شاء الله بكم للاحقون م س ق
در صحیح مسلم و سنن نسائی و ابن ماجه است بروایت حضرت عائشه رضی الله
عنها که السلام على اهل الديار گوید یعنی اینست سلام است بر اهل این قبور
از مومنان و مسلمانان و رحمت کند خدای تعالی بر پیشینیان و پسینیان
السلام عليكم دار قوم مؤمنين واتاكم ما توعدون غدا مؤجلون
وانا ان شاء الله بكم للاحقون م س در صحیح مسلم و سنن نسائی است
بروایت عائشه رضی الله عنها که السلام علیکم دار قوم تا آخر گوید یعنی اینست
سلام است بر شما ای اهل قبور قوم مومنان و فرود آید بر شما آنچه بر آن وعده
کرده می شود و آنچه شما را بدان مهلت داده اند یعنی قیامت السلام علیکم

حزب السادس روز
چهارشنبه یوم الاربعاء

وانا بکم قوم مؤمنین وانا ان شاء الله بکم للاحقون د در سنن ابی داود است
بروایت ابوهریره رضی الله عنه که السلام علیکم تا آخر گوید یعنی که دشت السلام
علیکم یا اهل القبور یغفر الله لنا ولکم انتم سلفنا ونحن بالاثر ت
در سنن ترمذی است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که السلام علیکم تا آخر
گوید یعنی که دشت الذکر الذی ورد فضله غیر مخصوص بوقت ولا بسبب
ولا مکان این بیان ذکریست که وارد است فضل او غیر مخصوص بوقت
ونه بسبب ونه مکان لا اله الا الله هی افضل الذکر ت در سنن
ترمذی است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
کلمه لا اله الا الله افضل ذکر است وهی افضل الحسنات ا در مسند
امام احمد است که کلمه لا اله الا الله افضل حسنات است اسعد الناس
بشفاعتی یوم القیمة من قالها خالصا من قلبه او نفسه خ در صحیح
بخاری است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
نیکبخت ترین مردمان یعنی بهره مندترین مردمان بشفاعت من روز قیامت
کسی است که کلمه لا اله الا الله باخلاص دل گفته است یخرج من النار من
قالها وفی قلبه وزن شعیرة من خیر او من ایمان ویخرج من
النار من قالها وفی قلبه وزن برة من خیر او من ایمان
ویخرج من النار من قالها وفی قلبه وزن ذرة من خیر او ایمان
خ م ت در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بیرون آرند از آتش کسی که لا اله الا الله گفته است

بیان ذکریست که وارد است فضل آن غیر مخصوص

و در دل او معتقد را نه

و در دل او معتقد را نه جو از ایمان است بیرون آرند از آتش کسی را که لا اله
الا الله گفته است و در دل او معتقد را نه گندم از ایمان است و بیرون آرند
از آتش کسی را که لا اله الا الله گفته است و در دل او معتقد را مورچه خرد
از ایمان است ما من عبد قال لا اله الا الله ثم مات علی ذلک الا دخل الجنة
وان زنی وان سرق وان زنی وان سرق وان زنی وان
سرق م در صحیح مسلم است بروایت ابوذر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود نیست هیچ بنده که لا اله الا الله گفته است پس بران مرده است مگر او
در بهشت در آید و اگرچه زنا و دزدی کرده است سه بار فرمود یعنی عاقبت در
در آید جددوا ایمانکم قیل یا رسول الله کیف نجدد ایماننا قال اکثروا
من قول لا اله الا الله اط در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت
ابوذر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای مومنان ایمان خود را
نو سازید یعنی صحابه گفتند ای رسول خدا چگونه ایمان خود را نو سازیم فرمود لا اله
الا الله بسیار گویید لیس لها دون الله حجاب حتی تخلص الیه ت
در سنن ترمذی است بروایت ابومالک اشعری رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود کلمه لا اله الا الله را نزد خدای تعالی حجاب نیست تا رسوا
او برود یعنی تا مقبول شود قولها لا یترک ذنبا ولا یسبقها عمل مس
در صحیح مستدرک است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود قول لا اله الا الله
هیچ گناهی را نگذارد و هیچ چیز مانند او نباشد لو ان اهل السموات
السبع والارضین السبع فی کفة ولا اله الا الله فی کفة

ما لقت بهم حب س د در صحیح ابن حبان و در سنن نسائی است بروایت
ابوسعید رضی الله عنه و در مسند بزار است بروایت ابن عمر رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اگر اهل هفت آسمان و هفت
زمین در یک پله ترازو باشد و ثواب کلمه لا اله الا الله در پله دیگر بود پله
ثواب لا اله الا الله بر پله اهل هفت آسمان و هفت زمین راجح
آید ما قالها عبد قط مخلصا الا فتحت له ابواب السماء حتی
تفضی الی العرش ما اجتنبت الکبائر ت س مس در سنن ترمذی
و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هیچ بنده قطعا لا اله الا الله نگفته است مگر که
برای او درهای آسمان مفتوح شده است تا که آن کلمه بعرش رسید
مادام که قائل او اجتناب کبائر کرده لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر من
قالها عشر مرات کان کمن اعتق اربعة انفس من ولد اسمعیل
خ م س ت س ا در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و مسند
امام احمد است بروایت ابوایوب رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که لا اله الا الله ده بار بگوید او همچو کسی باشد
که چهار کس از فرزندان اسمعیل علیه السلام آزاد کرده است و مرة
کعتق نسمة امص د در مسند امام احمد و مصنف ابوبکر است بروایت
بزار رضی الله عنه که هر که کلمه مذکوره یکبار بگوید چنانستی که او یک کس آزاد کرده
باشد

باشد و مائة مرة کانت له عدل عشر رقاب وکتبت له مائة
حسنة ومحیت عنه مائة سیئة وکانت له حرزا من
الشیطان ولم یأت احد بافضل مما جاء به الا احد
عمل اکثر من ذلک عو در صحیح ابوعوانه است که هر که کلمه مذکوره
صد بار بگوید مر او را برابری عتق ده برده باشد و صد نیکی برای او
بنویسند و صد بدی از و محو کنند و کلمه مذکوره برای او پناه از شیطان باشد
و نیارد هیچ یکی عملی افضل از آنچه گوینده کلمه مذکوره آورده است
جز کسی که از آن گوینده عملی اکثر کرده باشد هی التی علمها نوح
ابنه فان السموات لو کانت فی کفة لرجحت بها ولو کانت حلقة لقصمتها مص
در مصنف ابوبکر است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود کلمه مذکوره را نوح علیه السلام برای پسر خود تعلیم کرده بود پس بدرستی
که آسمانها در یک پله ترازو باشد و کلمه مذکوره در پله دیگر باشد پله کلمه مذکوره
راجح گردد و اگر آسمانها حلقه بودی کلمه مذکوره شکسته از اثر آن و آسمانها را
یکجا کردی لا اله الا الله والله اکبر کلمتان احدهما لیس لها نهایة
دون العرش والاخری تملأ ما بین السماء والارض ط در معجم کبیر است
بروایت معاذ رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود لا اله الا الله
والله اکبر دو کلمه اند که یکی آن کلمه تهلیل است جز عرش انتهایی نیست
و کلمه دیگر که کلمه تکبیر است پر کرد اندر جاها را که میان آسمان و زمین است و لا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما علی الارض احد یقولها الا کفرت

خطایاه ولو کانت مثل زبد البحر ت س در سنن ترمذی و نسائی است
بروایت عبد الله ابن عمرو رضی الله عنه ما که نگوید هیچ یکی بر روی زمین این
دو کلمهٔ مذکوره را با ولا حول ولا قوة الا بالله العظیم مگر گناهان او را محو کرده شوند و اگر چه
مانند کف دریا باشند ما من احد یشهد ان لا اله الا الله وان محمدا رسول
الله الا حرمه الله علی النار حدیث معاذ قال یا رسول الله افلا اخبر الناس
فیستبشروا قال اذا یتکلوا واخبر بها معاذ عند موته تأثما خ م در صحیح بخاری
و مسلم است بروایت معاذ رضی الله عنه او بر شتری ردیف رسول صلی الله
علیه و سلم بود رسول صلی الله علیه و سلم فرموده هر که بصدق دل لا اله الا الله
محمد رسول الله گوید خدای تعالی او را بر آتش حرام گرداند معاذ رضی الله عنه
گفت ای رسول خدای مردمان را بدین خبر کنم فرمود اکنون مردمان برین تکیه
خواهند کرد و عمل نخواهند کرد پس معاذ رضی الله عنه نزد موت خود خبر
کرد تا آثم نشود که پوشیدن علم گناه است من شهد بها کذلک حرمه الله
علی النار م ت در صحیح مسلم و سنن ترمذی است بروایت عباده رضی الله
عنه که چنانچه در حدیث سابق مذکور است که هر که کلمهٔ شهادت و کلمهٔ توحید
باخلاص گوید خدای تعالی او را بر آتش حرام گرداند بعضی گویند این حدیث
پیش از نزول فرائض و امر و نهی وارد است و بعضی گویند این حکم در حق کسی است
که نزد توبه کلمهٔ شهادت گوید و بر آن بمیرد حدیث البطاقة التی تخلق بتسعة
وتسعین سجلا کل سجل مد البصر اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان
محمدا عبده ورسوله ق حب مس در سنن ابن ماجه و صحیح ابن حبان و مستدرک

انما دخل الفصل الحدیث فی الوسط کان روایه من احد الی قوله علی النار انس رضی الله عنه وقوله اذا اخبر الی قال اذا زیاده من معاذ انس وحدث معاذ مستلا و منصوص قال الی آخره جره ظ ه ا حرام

عبده

بروایت

بروایت عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما که بر کاغذ خرد که بر وی نود و نه سجل گناهان
گران آید که هر سجل برابری نهایت نظر است الینت که اشهد ان لا اله
الا الله تا آخر در آن مکتوب باشد من قال اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله وان عیسی عبد الله وابن
امته وکلمته القاها الی مریم وروح منه وان الجنة الثمانیة شاء خ م س
در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت عباده رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم فرموده که اشهد ان لا اله الا الله وحده تا آخر گوید خدای
تعالی او را در بهشت در آرد از هر کدامی هشت در بهشت که او خواهد یعنی اینست
گواهی میدهم که معبود بحق نیست جز خدای تعالی تنها بی شریک و گواهی میدهم که محمد
صلی الله علیه و سلم بنده و رسول خدای تعالی است که آن کلمه را سوی مریم انداخت
و عیسی علیه السلام روح است از خدای تعالی و گواهی میدهم که بهشت و دوزخ
حق است عیسی علیه السلام را کلمه از آن گفت که بی پدر بکلمهٔ کن موجود و روح
گفت که مرده را زنده کردی یا آنکه خداوند روح بود بی پدر من شهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله وان عیسی عبد الله
ورسوله وابن امته وکلمته القاها الی مریم وروح منه وان الجنة
حق والنار حق ادخله الله الجنة علی ما کان من عمل من ای ابواب
الثمانیة ایها شاء خ م س در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی
است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
هر که شهادت مذکور گوید خدای تعالی او را در بهشت در آرد بر هر عملی که او باشد

حق والنار حق ادخله الله الجنة من ای ابواب الجنة الثمانیة شاء

الی الله علیها السلام

باقی معنی گذشت کان صلی الله علیه وسلم یقول لا اله الا الله وحده اعز
جنده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده فلا شیء بعده خ م س
در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است که رسول صلی الله علیه وسلم لا اله الا
الله وحده لا شریک له تا آخر گفتی معنی اینست معبود بحق نیست جز خدای
تنها خدای تعالی لشکر خود را غالب گردانید و بنده خود محمد صلی الله علیه
وسلم را نصرت داد و دیگر بهای کافران را در جنگ خندق تنها شکست داد
پس بعد از حق تعالی چیزی نیست یعنی او تعالی نهایت ندارد که بعد او چیزی باشد
وحدیث الاعرابی علمنی کلاما اقوله قال قل لا اله الا الله وحده لا
شریک له الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله رب العالمین لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم اغفر لی وارحمنی واهدنی وارزقنی
خ م س در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت سعد وقاص
رضی الله عنه که اعرابی گفت ای رسول خدای مرا کلامی آموز که آن را گویم
فرمود لا اله الا الله وحده تا آخر که معنی گذشت من قال سبحان الله وبحمده
کتبت له عشرا ومن قال عشرا کتبت له مائة ومن قالها مائة کتبت
له الفا ومن زاد زاده الله ت س در سنن ترمذی و نسائی است
بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سبحان الله وبحمده
یکبار گوید برای او ده نیکی نویسند و هر که ده بار گوید برای او صد نیکی نویسند
و هر که صد بار گوید برای او هزار نیکی بنویسند و هر که زیادت کند خدای تعالی
نیکی او را زیادت نیکی بدهد که ذکر قالها مائة مرة حطت خطایاه وان

کانت

کانت مثل زبد البحر ع و در صحیح ابو عوانه است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سبحان الله وبحمده صد بار بگوید گناهان او را
فرو اندازند و اگرچه مانند کف دریا باشد هی احب الکلام الی الله ت م ص
در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی و مصنف ابو بکر است بروایت ابو ذر رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سبحان الله وبحمده دوست ترین کلام سوی خدای
تعالی است و هی افضل الکلام الذی اصطفی الله للملائکة م ع و در صحیح مسلم
و صحیح ابو عوانه است بروایت ابو ذر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود سبحان الله وبحمده افضل کلامی است که خدای تعالی آن کلام را برای
فرشتگان خود برگزید که ایشان گفته اند ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک
فضل این کلام بر غیر از آنست که معنی تهلیل در آن است چه ظاهر معنی تهلیل توحید است
و مفهوم آن تنزیه است و ظاهر معنی تسبیح تنزیه است و مفهوم آن توحید است هی التی
امر نوح بها ابنه فانها صلوة الخلق وتسبیح الخلق وبها یرزق الخلق
مص در مصنف ابو بکر است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود کلمه سبحان الله وبحمده کلمه ایست که نوح علیه السلام پسر
خود آموخته بود زیرا چه این کلمه دعا و تسبیح خلقست و بدین کلمه خلق مرزوق
میشود من قال لها غرست له نخلة في الجنة ر در مسند بزار است بروایت
عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سبحان الله
وبحمده گوید برای او درختی در بهشت نشانند من هاله اللیل ان یکابده
او بخل بالمال ان ینفقه او جبن عن العدو ان یقاتله فلیکثر منها فانها

و معنی هذه الکلمة احب الی
الله وجه لا مزید لا ینقص
انه ارید بها زیادة خطها
و ثواب الذکر بهذه
من نحو اماه

أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنْ جَبَلِ ذَهَبٍ يُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللهِ ط در معجم کبیر است بروایت
ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود کسی را که شب از رنج ترساند
یا کسی که از نفاق مال بخل کند یا کسی از قتال دشمن عاجز دل شود پس گو که کلمه سبحان
الله وبحمده بسیار گوید که آن کلمه دوست تر است سوی خدای تعالی از آن که انفاق
کوه زر در راه خدای تعالی أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللهِ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ ع و
در صحیح ابو عوانه است بروایت ابو ذر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود دوستر ین کلام سوی خدای تعالی کلمه مذکور است مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ
نَبَتَتْ لَهُ غَرْسٌ فِي الْجَنَّةِ ا در مسند امام احمد است بروایت معاذ بن انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سبحان الله العظیم گوید برای
او درختی در بهشت دمد مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ غُرِسَتْ
لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ ت س حب مس مص در سنن ترمذی ونسائی وصحیح
ابن حبان ومستدرک ومصنف ابو بکر است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که کلمه مذکوره گوید برای او درخت خرما در بهشت نشانند
فَإِنَّهَا عِبَادَةُ الْخَلْقِ وَبِهَا تُقْطَعُ أَرْزَاقُهُمْ ر در مسند بزار است که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که کلمه مذکوره عبادت خلق است وبدان کلمه خلق را خدای
تعالی رزق میدهد تقطع از اقطاع است که بمعنی عطاست كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ
عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمٰنِ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ
سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ خ م ت مص در صحیح بخاری ومسلم وسنن ترمذی ومصنف
ابو بکر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله فرمود دو کلمه

سبکاند

سبک بر زبان گران اند در میزان دوستند سوی رحمن دو کلمه که اند مَنْ قَالَهَا
ثُمَّ أَسْتَغْفِرُ اللهَ الْعَظِيمَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ كُتِبَتْ لَهُ كَمَا قَالَهَا ثُمَّ عُلِّقَتْ بِالْعَرْشِ لَا يَمْحُو
ذَنْبٌ عَمِلَهُ صَاحِبُهَا حَتَّى يَلْقَى اللهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَخْتُومَةً كَمَا قَالَهَا ر در مسند بزار است
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که دو کلمه
استغفر الله العظیم واتوب الیه گوید آن را چنانچه گفته است برای او نویسند پس آن را
مهر کرده بعرش آویزند گناه صاحب او آن را محو نکند تا که روز قیامت با مهر چنانچه صاحب
او گفته است خدای تعالی را ملاقات کند وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِجُوَيْرِيَةَ وَقَدْ
خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا بُكْرَةً حِينَ صَلَّى الصُّبْحَ وَهِيَ فِي مَسْجِدِهَا بِالتَّسْبِيحِ ثُمَّ رَجَعَ بَعْدَ أَنْ أَضْحَى
وَهِيَ جَالِسَةٌ مَا زِلْتِ عَلَى الْحَالِ الَّتِي فَارَقْتُكِ عَلَيْهَا قَالَتْ نَعَمْ قَالَ لَقَدْ قُلْتُ
بَعْدَكِ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْتِ مُنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنَتْهُنَّ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ
خَلْقِهِ وَرِضَاءَ نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ م ع د مو در صحیح مسلم وجامع سنن
وصحیح ابو عوانه است بروایت ام المؤمنین جویریه رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم
نماز صبح کرد از پیش او بیرون آمد واو در جای نماز خود تسبیح میگفت پس رسول صلی الله
علیه وسلم در وقت ضحی باز بر او آمد واو بر جای نماز خود نشسته تسبیح میگفت او را فرمود
تو بر آن حال هستی که من ترا گذاشته بودم او گفت آری ای رسول خدای فرمود
من بعد گذاشتن تو چهار کلمات را سه بار گفتم که اگر آن را با جمیع آنچه تو گفتی وزن
کنند برابر آن شود یا گویند از آن راجح آید و آن چهار کلمات سبحان الله وبحمده
تا آخر است معنی اینست تسبیح وتحمید خدای تعالی میگویم بعدد خلق او تعالی وبمقدار
رضاء او تعالی که از مطلوبات است وبمقدار گرانی عرش وبمقدار سیاهی کلمات

صلی

تنبیه قوله لو وزنت بهن نسخه لوزنتهن ثلث مرات
مجرور بعنوان الاختیار ای
ای لو رادت علیهن
فی الوزن لغلبتها
ای رجحت
علیهن کالجبه
۱۵م

اذکر باوت از آب هفت دریاست سبحان الله عداد کلمه م س حب عو

در صحیح مسلم و نسائی و مصنف ابوبکر و صحیح ابو عوانه است که رسول صلی الله علیه
وسلم سبحان تا آخر گفت یعنی همان است الحمد لله کذلک س در سنن نسائی است
که والحمد لله بجای سبحان گفت یعنی و الحمد لله عدد خلقه الحمد لله رضاء نفسه الحمد لله زنة
عرشه الحمد لله مداد کلماته گفت سبحان الله و بحمده و لا اله الا الله و الله اکبر عداد
خلقه و رضاء نفسه و زنة عرشه و مداد کلماته س در سنن نسائی است که
رسول صلی الله علیه وسلم سبحان الله و بحمده تا آخر فرمود و قال صلی الله علیه وسلم
لا اراه دخل علیها من بین یدیها نوی او حصی تسبح به الا اخبرک بما هو ایسر علیک
من هذا او افضل فقال سبحان الله عدد ما خلق فی الارض و سبحان الله عدد
ما بین ذلک و سبحان الله عدد ما هو خالق و الله اکبر مثل ذلک و الحمد لله مثل ذلک
و لا اله الا الله مثل ذلک و لا حول و لا قوة الا بالله مثل ذلک د ت س حب مس

در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت
سعد وقاص رضی الله عنه رسول صلی الله علیه وسلم بر زنی آمد و پیش او
خسته خرما یا سنگ ریزها بود که بدان تسبیح میکرد او را فرمود ترا خبر کنم بچیزی که ازین آسان
تر است بر تو و افضل است و آن سبحان الله عدد ما خلق تا آخر است و الله اکبر عداد
ما خلق تا آخر است و الحمد لله عدد ما خلق تا آخر است و لا اله الا الله عدد ما خلق
تا آخر است و لا حول و لا قوة الا بالله عدد ما خلق تا آخر است یعنی اینست تسبیح
خدای تعالی میگویم بعدد مخلوقی که در آسمان و زمین است و بعدد مخلوقی که میان
آن و اینست و بعدد آنچه مخلوق کرده و دخل علی صفیة و بین یدیها اربعة آلاف

سبحان الله عدد خلقه سبحان الله رضا نفسه سبحان الله زنة عرشه م

فقالت نعم

فی السماء و سبحان الله عدد ما خلق

نواة

نواة تسبح بهن فقال لقد سبحت منذ قمت علی راسک اکثر من هذا فقالت
علمنی قال قولی سبحان الله عدد ما خلق د مس در سنن ابی داود و صحیح مستدرک
است بروایت ام المؤمنین صفیه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم بر وی
آمد در پیش او چهار هزار خسته خرما بود که بران تسبیح میکرد رسول صلی الله علیه وسلم
او را فرمود درین مدت که بر سر تو ایستاده ماندم تسبیح بیشتر ازین کردم صفیه گفت
مرا آن بیاموز فرمود سبحان الله عدد ما خلق بگو و قال لابی الدرداء الا اعلمک
شیئا هو افضل من ذکر الله اللیل مع النهار و النهار مع اللیل سبحان الله
عدد ما خلق و سبحان الله ملء ما خلق و سبحان الله عدد کل شیء و سبحان الله
ملء کل شیء و سبحان الله ملء ما احصی کتابه و الحمد لله عدد ما
خلق و الحمد لله ملء ما خلق و الحمد لله عدد کل شیء و الحمد لله ملء کل
شیء و الحمد لله عدد ما احصی کتابه و الحمد لله ملء ما احصی کتابه ط

دمس

در مسند بزار و معجم کبیر است بروایت ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم او را فرمود ای ابو الدرداء ترا چیزی بیاموزم که افضل است از ذکر
خدای تعالی در شب تا روز و در روز تا شب این است که سبحان الله عدد
ما خلق تا آخر گوی یعنی اینست تسبیح خدای تعالی میگویم بعدد مخلوق او و بپری
مخلوق او و بعدد هر چیزی و پری هر چیزی و بعدد چیزی که لوح محفوظ آنرا در
گرفته است و بعدد پری آنچه لوح محفوظ آنرا در گرفته است و قال لابی
امامة الا اخبرک الا اخبرک باکثر او افضل من ذکرک اللیل مع النهار
و النهار مع اللیل ان تقول سبحان الله عدد ما خلق سبحان الله

جلالُه ما خلق سبحان الله عددَ ما فی الأرض والسماء وسبحان عددَ ما أحصی کتابُه
وسبحان الله عددَ کلِّ شیءٍ وسبحان ملءَ کلِّ شیءٍ والحمد لله مثل ذلک س حب مس
در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود ای ابو امامه ترا خبر کنم باکثر یا افضل از ذکر تو در شب
یا روز و در روز یا شب اینست که سبحان الله عدد ما خلق تا آخر گوی و الحمد لله
عدد ما خلق تا آخر مثل آن گوی معنی همان است که گذشت رواه ط سوی التکبیر
و همچنان طبرانی در معجم کبیر خود حدیث مذکور را روایت کرده است لیکن بجای
سبحان الله الحمد لله گفته است بعد آن تسبیح مثل آن و تکبیر مثل آن آورده است
و همچنان امام احمد در مسند خود حدیث مذکور را روایت کرده است لیکن تکبیر
نیاورده و قالت سلمی امّ بنی ابی رافع یا رسول الله اخبرنی بکلمات
ولا تکثر علیّ فقال قولی عشر مرات الله اکبر یقول الله هذا لی وقولی
سبحان الله عشر مرات یقول الله هذا لی وقولی اللهم اغفر لی یقول الله
قد فعلت فتقولین عشر مرات ویقول قد فعلت ط در معجم کبیر است که
سلمی رضی الله عنها گفت ای رسول خدا خبر کن مرا بکلماتی اندک که بسیار نکنی بر من
فرمود الله اکبر ده بار گو خدای تعالی گوید این برای منست و سبحان الله ده بار گو
خدای تعالی گوید این برای منست و اللهم اغفر لی ده بار گو خدای تعالی ده بار گوید
آمرزش کردم افضل الکلام سبحان ربی وبحمده سبحان ربی وبحمده سبحان
ربی وبحمده ت در سنن ترمذی است بروایت ابو ذر رضی الله عنه که
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود افضل کلام سبحان ربی وبحمده سه بار

سبحان الله

قوله ولا تکثر علیّ یحتمل ان یکون
نهیا معطوفا علی اخبرنی وان یکون
مرفوعا علی ان یکون
نفیا حالا من الفاعل
المستتر فی اخبرنی
منه

سبحان الله والحمد لله تملآن ما بین السماء والأرض والحمد لله تملأ المیزان م ت و صحیح
مسلم و سنن ترمذی است بروایت ابو مالک اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود سبحان الله والحمد لله پر میکند ثواب جایی که میان آسمان و زمین است والحمد لله
پر میکند ترازو را احبُّ الکلام الی الله اربعٌ سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر لا یضرّک بأیّهن بدأت م ت در دو کتاب مذکور است
بروایت سمره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود دوست ترین کلام سوی
خدای تعالی چهار است یکی سبحان الله دوم الحمد لله سوم لا اله الا الله چهارم
والله اکبر بهر کدام که آغاز کنی ترا زیان نکند افضل الکلام بعد القرآن وهنّ
من القرآن اص در مسند امام احمد است بروایت سمره رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود این چهار کلمه مذکوره افضل کلام است بعد قرآن و این
از قرآن است من قالها کُتب له بکل حرف عشر حسنات ط در معجم کبیر
بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که این چهار
کلمه مذکوره گوید بهر حرفی ده نیکی برای او نویسند لأن أقولهن احبّ
الیّ مما طلعت علیه الشمس م ت س حص عو در صحیح مسلم و سنن ترمذی
و نسائی و مصنف ابو بکر و صحیح ابو عوانه است بروایت ابو هریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه گفتن این چهار کلمه دوست تر است
سوی من از آنچه آفتاب بر وی برآمده است انّ الجنة طیّبة التربة عذبة الماء
وانها قیعان وانّ غراسها هذه ط در سنن ترمذی بروایت ابن مسعود رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خاک بهشت خوش بو است و آب بهشت شیرین است

لا تنفل ای کل واحدة
من الاربع بالمعنی المقصود
منه

قوله لا یضرک بعد ایراد الکلمات
علی النسق والترتیب بشرط ان
العطف اما بالعکس الترتیب
والعدول عنه
رخصة منه

در زمین جنت هموار است و درختان جنت این چهار کلمه مذکوره اند نغرس لک بکل
واحدة شجرة في الجنة ق مس طس در سنن ابن ماجه و صحیح مستدرک و معجم اوسط
است فرمود برای تو بهر یکی ازین چهار کلمه درختی در بهشت نشانده شود خذوا
جنتکم من النار قولوا یعنی هذه فانهن یأتین یوم القیمة مجنبات
ومعقبات وهن الباقيات الصالحات س مس صط طس در سنن
نسائی و صحیح مستدرک و معجم صغیر و معجم اوسط است بروایت ابوهریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم از آتش سپر خود گیرید این چهار کلمه مذکوره که بگوئید که
آن روز قیامت آتش را از شما دور گردانند و پس از بلا نگه دارند و این کلمات باقیات
صالحات اند و کل تسبیحة صدقة م دق در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجه است
بروایت ابوذر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر تسبیح این کلمات صدقه
است و هر تحمید آن صدقه است و هر تهلیل آن صدقه است و هر تکبیر آن صدقه است وهن
اللواتي تقلن في صلوة التسبيح وذلك لانه قال لعمه العباس يا عباس يا عماه
الا اعطيك الا امنحك الا احبوك الا افعل بك عشر خصال اذا انت
فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك اوله واخره قديمه وحديثه خطأه
وعمده صغيره وكبيره سره وعلانيته عشر خصال ان تصلي اربع ركعات
تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وسورة فاذا فرغت من القراءة
في اول ركعة وانت قائم قلت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر خمس عشرة مرة ثم تركع فتقولها وانت راكع عشرا ثم
ترفع راسك من الركوع فتقولها عشرا ثم تهوي ساجدا فتقولها

بیان صلوة التسبیح

تقرأ في صلوة التسبيح الهاكم التكاثر والعصر وقل يا ايها الكافرون وقل هو الله احد ٥

عشرا ثم ترفع من السجود فتقولها عشرا ثم تسجد فتقولها عشرا ثم ترفع راسك
من السجود فتقولها عشرا قبل ان تقوم فذلك خمس وسبعون مرة في كل
ركعة تفعل ذلك في اربع ركعات ان استطعت ان تصليها في كل يوم
مرة فافعل فان لم تفعل ففي كل جمعة فان لم تفعل ففي كل شهر مرة
فان لم تفعل ففي كل سنة مرة فان لم تفعل ففي كل عمرك مرة دق
مس حب در سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح مستدرک و صحیح ابن حبان است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که این چهار کلمه مذکوره کلماتیست که در نماز تسبیح
خوانند که رسول صلی الله علیه وسلم او در خود عباس را رضی الله عنه گفت که ای
او در ترا چیزی که بدهم که چون آنرا بکنی خدای تعالی ده انواع گناهان ترا محو کند و در شرح
مشکوة است که مراد از عشر خصال ده تسبیح است که چون در قیام ده کان
بار بخوانند بدین وجه یعنی ایست ترا ده خصال بدهم که چون آنرا بکنی خدای تعالی
این انواع گناهان را مغفور سازد و آن اینست که چهار رکعت نماز کنی در هر رکعتی
بعد از فاتحه و سوره دیگر سبحان الله تا آخر پانزده بار گوئی پس رکوع کنی
و در رکوع ده بار گوئی از رکوع سر برداری و ده بار گوئی پس سجده کنی و ده بار
گوئی پس از سجده سر برداری و ده بار گوئی پس سجده دوم کنی و ده بار گوئی پس
سر از سجده برداری و ده بار گوئی پیش از آنکه برخیزی پس تسبیح مذکور در هر رکعتی
هفتاد و پنج بار شود همچنان در چهار رکعت کنی اگر هر روز این نماز توانی پس
هر روز بکن و اگر نه در هر جمعه یکبار کن و اگر نه در هر ماه یکبار کن و اگر نه در هر سال یکبار کن
و اگر نه در عمر خود یکبار کن و پنجم منها لا حول ولا قوة الا بالله فانهن من الباقيات

الصالحات ومن یخطلطن الخطایا کما تحط الشجرة ورقها وهن من کنوز الجنة
ط در معجم کبیر است بروایت ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که این کلمات چهارگانه مذکوره با ولا حول ولا قوة الا بالله فضیلت بسیار دارد
که از باقیات صالحات اند و آن گناهان را فرو می‌ریزد چنانچه درخت برگ خود را
فرو می‌ریزد و آن کلمات چهار با ولا حول ولا قوة الا بالله از گنجهای جنت اند
تجزی من القرآن من لا یستطیعه مص در مصنف ابو بکر است بروایت عبد الله
ابن ابی اوفی رضی الله عنه آن کلمات چهار با ولا حول ولا قوة الا
بالله بسنده باشد از قراءة قرآن کسی را که قرآن خواندن نتواند و گذشت اللهم
ارحمنی وارزقنی وعافنی واهدنی تجزی من القرآن لمن لا یستطیعه ومن لم
اخذه فقعد ملا ابدء من الخیر د س در سنن ابی داود و نسائی است که همچنان آن
کلمات چهار با لا حول ولا قوة الا بالله با اللهم ارحمنی تا واهدنی بسنده باشد
از قراءة قرآن کسی که قرآن خواندن نتواند هر که آنرا بگیرد پس بدرستی که او دست
خود را از نیکی پر کرد در مشکوة است عبد بن اوفی روایت کرده که مردی پیش رسول خدا
گفت قرآن خواندن نمی‌توانم از آن چیزی بیاموز که بسنده باشد فرمود سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله گو او گفت ای رسول خدای این
خدای تعالی راست مرا چیست فرمود اللهم ارحمنی تا واهدنی گو یعنی در ادعیه باز گفت
فهن ایضا یعز الدعاء وتبارک الله فیقبض علیهن تحت جناحه ثم صعد بهن
لا یمر علی جمیع من الملائکة الا استغفروا لقائلهن حتی یحیی بهن وجه الرحمن
مر مص در کتاب دعا ابن مردویه و مصنف ابو بکر است بروایت ابن مسعود رضی الله

عنه

عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که گوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله وتبارک الله فرشته این کلمات را قبض
کند زیر بازوی خود دارد و بر آسمان رود بر فرشتگان که بگذرد قایل این را آمرزش
خواهند تا که آن فرشته بدین کلمات ذات پاک رحمن را ستایش کند ان الله اصطفی
من الکلام اربعا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
فمن قال سبحان الله کتب له عشرون حسنة وحطت عنه عشرون
سیئة ومن قال الحمد لله فمثل ذلک ومن قال الله اکبر فمثل ذلک
ومن قال لا اله الا الله فمثل ذلک ومن قال الحمد لله رب العالمین
من قبل نفسه کتب له ثلثون حسنة وحطت عنه ثلثون سیئة
س امس ر در سنن نسائی و مسند امام احمد و صحیح مستدرک و مسند بزار است
بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
خدای تعالی چهار کلام را گزیده است یکی سبحان الله دوم والحمد لله سوم
ولا اله الا الله چهارم والله اکبر پس هر که سبحان الله گوید بیست
نیکی برای او بنویسند و بیست بدی از و فرو کنند و هر که الحمد لله گوید او را
نیز مثل آن مذکور است و هر که لا اله الا الله گوید او را نیز مثل آن مذکور است
و هر که والله اکبر گوید او را نیز مثل آن مذکور است و هر که الحمد لله رب العالمین گوید
از جانب نفس خود گوید برای او سی نیکی بنویسند و سی بدی از و فرو کنند
الا یستطیع احدکم ان یعمل کل یوم مثل احد عملا قالوا یا رسول الله
ومن یستطیع ذلک قال کلکم یستطیعه قالوا یا رسول الله ماذا

الله
بیان چهار کلمه که گزیده اند

قال سبحان الله اعظم من احد و لا اله الا الله اعظم من احد و الحمد لله اعظم
من احد و الله اکبر اعظم من احد ط در مسند بزار و معجم کبیر است بروایت عمران بن
حصین رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم صحابه را فرمود اگر نتوانند یکی از شما
آنکه هر روز مثل کوه احد عمل کند گفتند ای رسول خدای این عمل بزرگ تواند نمود هر یکی
از شما میتوانند گفتند آن چگونه است فرمود ثواب سبحان الله از کوه احد بزرگتر است و ثواب
لا اله الا الله از کوه احد بزرگتر است و ثواب و الحمد لله از کوه احد بزرگتر است و ثواب
و الله اکبر از کوه احد بزرگتر است سُبحانَ اللهِ مائةً تَعدِلُ مائةَ رَقَبةٍ مِن وُلدِ
اسمعیل و الحمدُ لله مائةً تعدلُ مائةَ فَرَسٍ مُسرَجةٍ مُلجَمةٍ تُحمَلُ علیها فی سبیلِ الله و الله
اکبرُ مائةً تعدلُ مائةَ بَدَنةٍ مُقَلَّدةٍ مُتَقَبَّلةٍ س ق مس ط مص تُنحَرُ بمکّةَ
ط در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح مستدرک و مسند امام احمد و معجم کبیر و مصنف ابوبکر
است بروایت ام هانی رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود سبحان الله
صد بار برابر شود با عتق صد برده از فرزندان اسمعیل علیه السلام و قول الحمد لله صد بار
برابر شود با صد اسب بزین و لجام کرده برای غزاة سوار شوند و قول و الله
اکبر صد بار برابر شود با صد شتر قربانی که مقبول باشند در معجم کبیر است که در مکه ذبح کنند
لا اله الا الله فلا یبلغ ما بین السماء و الارض س ق مس ط در سنن نسائی
و ابن ماجه و صحیح مستدرک امام احمد و معجم کبیر است بروایت ام هانی رضی الله عنها
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود ثواب قول لا اله الا الله پر کند جائی که میان
آسمان و زمین است بخٍ بخٍ لخمسٍ ما اثقلهنّ فی المیزان لا اله الا الله و سبحان
الله و الحمد لله و الله اکبر و الولد الصالح یُتوفّی للمرء المسلم فیحتسبه س حب مس ط

کنند صحابه آ

در سنن نسائی

در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است و مسند بزار و امام احمد و معجم کبیر
بروایت ابو سلام ثوبان رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بخ بخ پنج
چیز که چه چیز گران کرده اند پنج را در میزان یکی لا اله الا الله دوم سبحان الله
سوم الحمد لله چهارم الله اکبر پنجم فرزند صالح که از ان مسلمانی بمیرد و او بجهت
طلب اجر صبر کند انّ مما تذکرون من جلال الله سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله ینعطفن حول العرش لهنّ دویٌّ کدوی النحل تذکّر بصاحبها
اما یحبّ احدکم ان یکون او لا یزال له من یذکّر به ق مس در سنن
ابن ماجه و صحیح مستدرک است بروایت نعمان بن بشیر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود بدرستی از آنچه تمام ذکر عظمت خدای تعالی میکنید این است که سبحان
الله تا آخر گوئید این کلمات که در عرش خود را دور تو سازند و آواز زنبور آواز مگس انگبین
بر آرند صاحب خود ملا اعلی را یاد دهند تا فرشتگان او را آمرزش خواهند باز رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود آیا یکی از شما دوست ندارد که کسی ملا اعلی ابد جمیعت یاد دهند
اِستکثِروا من الباقیات الصالحات الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان
الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله س حب در سنن نسائی و صحیح
ابن حبان است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود بسیار گوئید باقیات صالحات را الله اکبر و لا اله الا الله تا آخر حدیث
قل لا حول و لا قوة الا بالله فانها کنز من کنوز الجنة ط س در اصول است
و مسند امام احمد و بزار و معجم کبیر است بروایت ابو موسی اشعری رضی الله
که رسول صلی الله علیه و سلم او را یا دیگری را گفت که لا حول و لا قوة الا بالله

کنوز الجنة

کو الله رضیتی که این کلمه کنجی است از کنجهای بهشت باب من ابواب الجنة حب ا در مسند
امام احمد و معجم کبیر و سنن نسائی است که این کلمه مذکوره دری از درهای بهشت است
غراس الجنة حب ا ط در صحیح ابن حبان و مسند امام احمد و معجم کبیر است و بروایت
ابو ایوب رضی الله عنه که این کلمه مذکوره درختان بهشت اند ذلك تقدم انها دواء من
تسعة وتسعين داء ايسرها الهم مس ط و پیش گذشته است از نقل صحیح مستدرک و معجم
کبیر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که کلمه لا حول دوای از نود و نه درد که آسان ترین
آنها غم و اندیشه است كنت عند النبي صلى الله عليه وسلم فقلتها فقال تدري
ما تفسيرها قلت الله ورسوله اعلم قال لا حول عن معصية الله الا بعصمة
الله ولا قوة على طاعة الله الا بعون الله ر در مسند بزار است که صحابی گفت
بودیم نزد رسول صلی الله علیه وسلم کلمه لا حول ولا قوة الا بالله گفتم فرمود
تفسیر این چیست گفتم خدا و رسول او دانا تر است فرمود تدبیر و حیله از معصیت
جز بعصمت خدای تعالی نیست و قوة بطاعت جز بعون خدای تعالی نیست
وهي مع ولا منجا من الله الا اليه كنز من كنوز الجنة س ر در سنن نسائی
و مسند بزار است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود و کلمه لا حول با کلمه ولا منجا
من الله الا اليه کنجی است از کنجهای بهشت یعنی این نیست و نیست جای نجات
از عذاب خدای جز سوی رحمت او تعالی من قال رضيت بالله ربا وبالاسلام
دينا وبمحمد صلى الله عليه وسلم رسولا وجبت له الجنة س م د ص
در سنن نسائی و صحیح مسلم و سنن ابی داود و مصنف ابو بکر است بروایت
ابو سعید رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده که رضیت

بروایت

بالله

بالله تا آخر گوید بهشت برای او واجب گردد من قال اللهم رب السموات
والارض عالم الغيب والشهادة اني اعهد اليك في هذه الحيوة الدنيا
اني اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك
ورسولك فانك ان لا تكلني الى نفسي تقربني من الشر وتباعدني
من الخير واني لا اثق الا برحمتك فاجعل لي عندك عهدا توفيه
يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد الا قال الله عز وجل يوم القيمة للملائكة
ان عبدي عهد عندي عهدا فاوفوه اياه فيدخله الله عز وجل الجنة
قال سهيل فاخبرت القسم ابن عبد الرحمن ان عونا اخبرني
بكذا وكذا فقال ما في اهلنا جارية الا وهي تقول هذا في خدرها
اص در مسند امام احمد است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم فرموده که اللهم رب السموات تا آخر گوید روز قیامت
خدای تعالی فرشتگان را گوید که بنده من نزد من عهد بسته است پس برای
او آن عهد وفا کنید پس خدای تعالی او را در بهشت در آرد سهیل گفت
قاسم بن عبد الرحمن را خبر کردم عوف بچنین و چنین مرا خبر کرد قاسم گفت در اهل ما
هیچ دختری صغیره نیست مگر که در پرده خود این دعای مذکور میگوید یعنی
دعا این است ای بار خدای ای پروردگار آسمانها و زمین ای دانای غیب
حضور بدرستی که من درین حیات خود سوی تو عهد میکنم که من گواهی میدهم
که نیست معبود بحق جز تو تنها بی شریک و گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه
وسلم بنده و رسول است پس اگر تو مرا سوی نفس من سپاری نفس مرا سوی

برحمت

تر نزدیک کرداند و از جز دور دارد و من جز تو استواری ندارم پس تو نزد خود برای من
عهدی کن که روز قیامت آزاد فا کنی بدرستی که تو خلاف وعده نکنی و اینرا جلیس
الرجل و قال الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه كما يحب ربنا ويرضى و قال
صلى الله عليه وسلم والذي نفسي بيده لقد ابتدرها عشرة أملاك كلهم حريص على
ان يكتبوها فما دروا كيف يكتبونها حتى رفعوها الى ذي العزة فقال
اكتبوها كما قال عبدي حب س در صحیح ابن حبان و نسائی است بروایت
انس رضی الله عنه که هرگاه که مردی پیش رسول صلی الله علیه وسلم بنشست
والحمد لله را در ضمن گفت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوگند آن خدای که
نفس من بید قدرت اوست هر اینه بدرستی که ده فرشته بران شتافتند و همه
حریص بودند برین که آنرا بنویسند پس ندانستند که چگونه بنویسند تا که آنرا
بحضرت عزت برداشتند پس خدای تعالی فرمود بنویسید چنانچه بندهٔ من گفته است
و تقدم سيد الاستغفار خ س و پیش گذشته است سید الاستغفار در سه
محل تکرار منقول از بخاری و سنن نسائی و مسند بزار بروایت شداد بن اوس
رضی الله عنهما و آن اینست اللهم انت ربي لا اله الا انت خلقتني تا الا انت

این شروع در بیان فضل استغفار است

این شروع در بیان فضل استغفار است انی لاستغفر الله ص و اتوب الیه
فی الیوم سبعین مرة ص طس در مسند ابو یعلی موصلی و معجم اوسط است بروایت
ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که من در روزی
هفتاد بار آمرزش از خدای تعالی میخواهم اكثر من سبعين مرة خ ت ق طس
در صحیح بخاری و سنن نسائی و ابن ماجه و معجم اوسط است بروایت ابوهریره

رضی الله عنه

پیشتر از

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستی که من در روزی هفتاد بار
آمرزش از خدای تعالی میخواهم مائة مرة عو ما اکثر من استغفر وان عاد في اليوم
سبعين مرة طس مص در معجم اوسط و مصنف ابوبکر است بروایت ابوهریره رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود در روزی صد بار آمرزش میخواهم
طس مص توبوا الى ربكم فاني اتوب اليه في اليوم مائة مرة عو در صحیح
ابو عوانه است بروایت ابن عمر و اغر مزنی رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود سوی خالق خود توبه کنید که من در روزی صد بار توبه میکنم انه
ليغان على قلبي واني لاستغفر الله في اليوم مائة مرة م د س در صحیح مسلم
و سنن ابی داود و نسائی است بروایت اغر مزنی رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود که بر دل من روزی صد بار آمرزش میخواهم والذي نفسي بيده لو
اخطأتم حتى تملأ خطاياكم ما بين السماء والارض ثم استغفرتم الله لغفر لكم والذي
نفس محمد بيده لو لم تخطئوا لجاء الله بقوم يخطئون ثم يستغفرون فيغفر لهم ا ص
در مسند امام احمد و ابو یعلی موصلی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوگند
بآن خدای که نفس من بید قدرت اوست که اگر شما گناه میکردید تا که گناهان
شما میان آسمان و زمین را پر ساختند پس آمرزش میخواستند هر اینه
خدای تعالی شما را آمرزیدی و سوگند بخدای تعالی که نفس محمد بید قدرت
اوست اگر شما گناه نمیکردید هر اینه خدای تعالی قومی را آوردی که گناه
کردندی پس آمرزش میخواستندی خدای تعالی ایشان را آمرزیدی والذي
نفسي بيده لو لم تذنبوا لذهب الله بكم ولجاء بقوم يذنبون فيستغفرون فيغفر لهم

غین بوی می آید یعنی فرزانی و غفلتی از ذکر حاصل میشود و بدرستی که من ۴

م در صحیح مسلم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود سوگند بآن خدای که نفس من بید قدرت اوست اگر شما گناه نمیکردید
هر اینه خدای تعالی شما را می برد و قومی را می آورد که گناه میکردند و آمرزش میخواستند
پس خدای تعالی ایشان را آمرزیدی فیستغفرون الله عز وجل فیغفر لهم ت س
در سنن ترمذی و نسائی است که رسول صلی الله علیه وسلم هر که از خدای تعالی آمرزش
خواهد خدای تعالی او را آمرزد من احب ان تسره صحیفته فلیکثر فیها من الاستغفار
طس در معجم اوسط بروایت زبیر رضی الله عنه است که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که دوست دارد که او را نامهٔ اعمال او خوش کند پس گو که آمرزش بسیار
خواهد ما من مسلم یعمل ذنبا الا وقف الملک الموکل باحصاء ذنوبه ثلث ساعات
فان استغفر الله من ذنبه ذلک فی شیء من تلک الساعات لم یوقفه علیه ولم یعذب
یوم القیمة طس در صحیح مستدرک است بروایت عصمت رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود نیست هیچ مسلم که گناه کند مگر فرشته که موکل است بنوشتن گناهان سه ساعت
آمرزش خواهد خدای تعالی آن فرشته را اطلاع بر گناه او ندهد و او را روز قیامت عذاب
نکند ان ابلیس قال لربه عز وجل وعزتک وجلالک لا ابرح اغوی بنی
آدم ما دامت الارواح اغفر لهم ما استغفرونی اص در مسند امام احمد و ابو یعلی
موصلی است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه که ابلیس لعین مر پروردگار خود عز وجل را
گفت سوگند بعزت و عظمت تو که فرزندان آدم را همیشه گمراه کردانم تا که ارواح ایشان در ایشان
باشد پس خدای عز وجل فرمود سوگند بعزت و عظمت من که من همیشه ایشان را
آمرزم تا که ایشان از من آمرزش خواهند و تعدد حدیث الرجل الذی جاء الی النبی

صلی الله

بیان گفتن ابلیس برای پروردگار خود

صلی الله علیه وسلم فقال واذنوباه پیشتر رفته است در بیان توبه منقول
از صحیح مستدرک بروایت ابو الدردا رضی الله عنه حدیث مردی که پیش پیغامبر
صلی الله علیه وسلم آمد و گفت وای بر گناه من رسول صلی الله علیه وسلم او را
فرمود که اللهم مغفرتک تا آخر گو ما من حافظین مس یرفعان الی الله فی یوم
صحیفة فیری فی اول الصحیفة وفی آخرها استغفارا الا قال تبارک وتعالی
قد غفرت لعبدی ما بین طرفی الصحیفة ز در مسند بزار است بروایت انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود در دو فرشتگان حافظ اعمال صحیفه را سوی
خدای تعالی در روز برند پس خدای داند و او داناست که در اول و آخر صحیفه استغفار است
مگر که فرماید آمرزیدم برای بنده خود گناه که میان دو طرف صحیفه است من استغفر
للمؤمنین والمؤمنات کتب الله له بکل مؤمن ومؤمنة حسنة ط در معجم کبیر است
بروایت عباده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که برای مردان
و زنان مؤمن آمرزش خواهد خدای تعالی او را بعدد هر مرد و زن مؤمن نیکی ثابت کند
وتقدم من لزم الاستغفار ومن اکثر منه جعل الله له من کل ضیق مخرجا الحدیث
دس ق حب پیش رفته است و منقول سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه
و صحیح ابن ماجه و صحیح ابن حبان بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی
الله علیه وسلم فرمود هر که استغفار لازم گیرد و هر که استغفار بسیار کند خدای تعالی
او را از هر تنگی بیرون شدن دهد و از غم و اندیشه برهاند و رزق او از جای که گمان نبرد
بدهد و تقدم من استغفر للمؤمنین والمؤمنات کل یوم الحدیث ط پیش رفته است
منقول از معجم کبیر بروایت ابو الدردا رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که

هفتاد بار یا بیست و پنج بار برای جوان و زنان مومن آمرزش خواهد دعای او مستجاب شود
و سبب او اهل زمین را رزق رسد و تقدم حدیث الرجل الذی جاءه صلی الله علیه وسلم
فقال یا رسول الله احدنا یذنب قال یکتب علیه قال ثم یستغفر منه ویتوب قال یغفر
له طس ط یعنی رفته است منقول از معجم اوسط و کبیر بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه
حدیث مردی که پیش رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت ای رسول خدا یکی از ما گناه کند فرمود
بر وی نوشته شود پس آمرزش خواهد و توبه کند فرمود بیامرزند یقول الله تعالی یا ابن آدم
انک ما دعوتنی ورجوتنی غفرت لک علی ما کان منک ولا ابالی یا ابن آدم لو بلغت
ذنوبک عنان السماء ثم استغفرتنی غفرت لک یا ابن آدم لو اتیتنی بقراب الارض
خطایا ثم لقیتنی لا تشرک بی شیئا لاتیتک بقرابها مغفرة ت در سنن ترمذی
است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدای عز و جل میفرماید
ای فرزند آدم مادام که مرا خوانی و امید آمرزش از من داری ترا بیامرزم بهر عملی که
باشی و باک ندارم ای فرزند آدم اگر گناهان تو تا بسی ابر آسمان یا تا عنان آسمان
پس آمرزش از من خواستی ترا آمرزیدم ای فرزند آدم اگر تو پری زمین پیش من گناه
آوردی و ملاقات من بی شرک کردی من پری زمین پیش تو مغفرت آوردم ان عبدا
اصاب ذنبا فقال رب اذنبت ذنبا فاغفره لی فقال ربه اعلم عبدی
ان له ربا یغفر الذنوب ویاخذ به غفرت لعبدی ثم مکث ما شاء الله
ثم اصاب ذنبا فقال رب اذنبت ذنبا آخر فاغفره لی فقال اعلم
عبدی ان له ربا یغفر الذنب ویاخذ به غفرت لعبدی ثم مکث ما شاء الله
ثم اصاب ذنبا فقال رب اذنبت آخر فاغفره لی فقال اعلم عبدی ان له

ویاخذ به

ربا

ربا یغفر الذنب ویاخذ به غفرت لعبدی ثلاثا فلیعمل ما شاء خ م س در صحیح
بخاری و صحیح مسلم و سنن نسائی است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود بنده گناه کرد پس گفت ای پروردگار گناه کردم بیامرز خدای تعالی
فرمود اگر بنده من دانست که مر او را پروردگاری است که گناهان را بیامرزد و بگیراند
بکرد بنده خود را آمرزیدم او چند گاهی گناه نکرد باز گناه آورد باز آمرزش خواست
باز همان فرمان شد باز چند گاهی بی گناه ماند باز گناه کرد باز آمرزش خواست باز
فرمان شد که بنده را سه گناه آمرزیدم گو که آنچه خواهد کند خ م س طوبی لمن
وجد فی صحیفته استغفارا کثیرا ق در سنن ابن ماجه است بروایت عبدالله بن بسر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیکی و خوشی است مر کسی را که در
نامه اعمال خود استغفار بسیار یابد و بعضی گویند طوبی نام درختی است در بهشت
ق و تقدم حدیث الذی شکا الیه صلی الله علیه وسلم ذرب لسانه فقال
این انت من الاستغفار مص ی یعنی رفته است منقول است از
حدیث مصنف ابوبکر و کتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی بروایت حذیفه بن الیمان
رضی الله عنه که این کلمه بزبان خود پیش رسول صلی الله علیه وسلم کرد رسول
صلی الله علیه وسلم او را فرمود تو از استغفار دوری یعنی اگر استغفار
کنی زبان تو نیک گردد کیفیة الاستغفار این بیان کیفیت استغفار است
استغفر الله استغفر الله مو مر در کتاب ابن مردویه و صحیح مسلم است بروایت
اوزاعی رضی الله عنه که استغفر الله دو بار گوید من قال استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه غفر له وان کان قد فر من الزحف

بیان کیفیت استغفار

دت در سنن ابی داود و ترمذی است بروایت زید رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که استغفار مذکور گوید خدای تعالی او را آمرزد اگرچه از قتال کفار گریخته باشد
ثلث مرات ت حب طب در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و معجم کبیر است که اگرچه
سه بار گریخته باشد لیکن در معجم موقوفست بروایت ابن مسعود رضی الله عنه و حصن برات غفر له
وان کان علیه مثل زبد البحر مص در مصنف ابو بکر است بروایت ابو سعید رضی الله
عنه که اگرچه پنج بار گریخته باشد و بروی گناه چو کف دریا بود مص ان کنا لنعد
لرسول الله صلی الله علیه وسلم فی المجلس الواحد رب اغفرلی وتب علی
انک انت التواب الرحیم مائة مرة عه حب در چهار سنن و صحیح ابن حبان
است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که گفت ما می شمردیم که رسول صلی الله علیه وسلم
در مجلس واحد صد بار رب اغفرلی تا آخر میگفت عه حب وما احسن قول الربیع بن
خثیم رضی الله لا یقل احدکم استغفر الله واتوب الیه فیکون ذنبا وکذبا بل
یقول اللهم اغفرلی وتب علی ولیس کما فهم بعض ائمتنا ان الاستغفار علی
هذا الوجه یکون کذبا بل هو ذنب فانه اذا استغفر عن قلب لاه یستحضر
طلب المغفرة ولا یلتجئ الی الله بقلبه کان ذلک ذنبا عقابه الحرمان
فهذا کقول رابعة استغفارنا یحتاج الی استغفار کثیر فاما اذا قال
اتوب الی الله ولم یتب فلا شک انه کذب منه واما الدعاء بالمغفرة والتوبة
فانه وان کان عن غافل فقد یصادف وقتا فیقبل فمن الشرط فی باب التوبة
ان یقلع ویوضح ذلک امره صلی الله علیه وسلم فی المجلس الواحد
من مائة مرة وقطعه لمن قال استغفر الله واتوب الیه بالمغفرة

وان کان

وان کان قد فر من الزحف مرة او ثلث مرات فهذا قد کشف لک الغطاء
فاخترت لنفسک ما یحلو مصنف گوید هر چه نیک کرده اند قول ربیع را رضی الله عنه
که گفت که یکی از شما استغفر الله واتوب الیه نگوید پس گوید که آن گناه و دروغ باشد
بلکه اللهم اغفرلی وتب علی گوید آن دروغ و گناه نیست مؤول است و آن نیست
چنانچه بعضی ائمه ما فهم کرده است که استغفار برین وجه دروغ باشد بلکه معنی
میگویم که آن گناه است که او چون از دل غافل آمرزش خواهد که استحضار
طلب مغفرت ندارد و التجا سوی خدای تعالی بدل خود نکند پس آن گناه
است که عقاب آن حرمان از آمرزش است و این مذکور همچون قول رابعه
بصریه است رحمها الله که گفت استغفار ما سوی بسیار استغفار محتاج است
واما چون و اتوب الی الله گوید و توبه نکرده است پس بیشک این دروغ است
واما دعا بمغفرت و توبه اگرچه بغفلت باشد وقتی را دریابد که مقبول گردد زیرا که
هر که در راه بسیار کوبد قریب باشد که در آید و ظاهر میکند این مذکور را بسیار
گفتن رسول صلی الله علیه وسلم استغفار را در مجلس واحد از صد بار و قطع کرد
او صلی الله علیه وسلم بآمرزش مر کسی را که استغفر الله واتوب الیه گوید هر چند اگرچه
از قتال یکبار یا سه بار گریخته باشد بیش بسیار شوکر برده برای تو دور کرده مقدمه
است اختیار کن برای نفس خود آنچه ترا روشن کرد فصل فضل القرآن العظیم وسوره
و آیات این شروع در بیان فضل قرآن عظیم و فضل سورتها و آیات قرآن
است اقرءوا القرآن فانه یاتی یوم القیمة شفیعا لاصحابه م در صحیح
مسلم است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه

بیان فضل قرآن عظیم

فرمود قرآن بخوانید که بدرستی که روز قیامت اصحاب خود را شفاعت کند
یقول الله سبحانه وتعالی من شغله القرآن عن ذکری ومسألتی اعطیته افضل
ما اعطی السائلین وفضل کلام الله علی سائر الکلام کفضل الله تعالی علی خلقه
تی در سنن ترمذی ومسند دارمی است بروایت ابو سعید خدری رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدای عز وجل میفرماید کسی را که قرآن از ذکر من و سوال من
مشغول کرداند یعنی چندان قرآن خواند که ذکر و سوال کردن نتواند او را بهتر بدهم از آنچه
سایلان را میدهم و فضل کلام خدا تعالی نزدیک کلام مخلوق همچو فضل خداست
بر خلق او تعلموا القرآن واقرءوه فان مثل القرآن لمن تعلمه فقرأه وقام
کمثل جراب ملیء مسکا یفوح ریحه فی کل مکان ومثل من تعلمه فیرقد وهو
فی جوفه کمثل جراب اوکی علی مسک تس ق حب در سنن ترمذی ونسائی
وابن ماجه وصحیح ابن حبان است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود قرآن بیاموزید وبخوانید زیرا چه بدرستی مثل کسی که قرآن بیاموزد
وبخواند وبران عمل کند مثل مشکی است که پر باشد که خوشبوئی او در هر مجلس میرسد
ومثل کسی که قرآن آموزد پس خواب کند یعنی نخواند وقرآن در شکم اوست مثل مشک
که دهن او بسته شده است خوشبوی او نمی دهد من قرأ حرفا من کتاب الله فله
حسنة والحسنة بعشر امثالها لا اقول الم حرف الف حرف ولام حرف ومیم
حرف در سنن ترمذی است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هر که یک حرف از قرآن بخواند پس مر او را نیکی است و ده برابر نیکی باشد
نمیگویم که الم یک حرفست ولیکن الف حرفست ولام حرفست ومیم حرفست بقراءة

الم سی نیکی ست

یعنی من شغل قراءة القرآن عن الذکر والسؤال ... مقصوده ومراده ... الله ... واحسن مما اعطی الذین یطلبون من الله ...

الم سی نیکی ست لا حسد الا فی اثنتین رجل آتاه الله القرآن فهو یقوم به آناء اللیل
وآناء النهار ورجل آتاه الله مالا فهو ینفقه آناء اللیل وآناء النهار خم در صحیح بخاری
ومسلم است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود حسد
روا نیست جز در دو چیز یکی مردی که او را خدای تعالی قرآن داده است پس او آن را
شب وروز میخواند وبران عمل میکند دوم مردی است که خدای او را مال داده است
پس او در اوقات شب وروز انفاق آن میکند پس اگر کسی مثل آن برای خود
خواهد حسد نباشد آن را غبطه گویند یقال لصاحب القرآن اقرأ وارتق ورتل
کما کنت ترتل فی الدنیا فان منزلتک عند آخر آیة تقرؤها دت در سنن ابی
داود وترمذی است بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود روز قیامت برای صاحب قرآن که در دنیا قرآن خوانده وبران عمل کرده است
بگویند که قرآن بخوان وبالای درجهای بهشت برآی وآهسته خوان چنانچه در دنیا
آهسته میخواندی زیرا چه منزل تو نزد قراءة آخر آیت است اگر بسیار خوانی بالاتر روی
واگر نه هر جا که قراءة تو آخر شود همانجا منزلست الذی یقرأ القرآن وهو ماهر
به مع السفرة الکرام البررة والذی یقرؤه ویتتعتع فیه وهو علیه
شاق له اجران خم در صحیح بخاری ومسلم است بروایت عائشه رضی الله
عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آنکسی که قرآن خواند واو کامل حفظ باشد
وبجلدی حفظ قراءة برو دشوار نگردد او با فرشتگان رسل با فرشتگان کاتب
مطیعان نیکوکار باشد احتمال دارد که رفیق ایشان گردد یا عامل بعمل ایشان
باشد وکسی که قرآن خواند ونزدد در قراءة کند وقراءة برو دشوار گردد مر او را دو اجر

التعتع فی الکلام التردد فیه من حصر او عی ۵

بود یکی اجر قراءة دوم اجر رنج که ثواب او دو تا و ماهر شبیه باشند که ماهر از فرشتگان
کرام است قراءة او بسیار و حفظ او باستحکام است اَلْفَاتِحَةُ اَعْظَمُ سُوْرَةٍ مِنَ
الْقُرْاٰنِ وَهِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْاٰنُ الْعَظِيْمُ خ م د س ق در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ابی داؤد و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابو سعید بن المعلی رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود فاتحه بزرگترین قرآن بفضل است فاتحه
سبع المثانی است و قرآن عظیم است سبع مثانی از ان میگویند که هفت آیت است
و دو بار در نماز میخوانند یا که دو بار نازل است اُعْطِيْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ
مس در صحیح مستدرک است رسول صلی الله علیه و سلم فرمود فاتحة الکتاب از زیر عرش داده
شدم بَيْنَا جِبْرِيْلُ قَاعِدٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ نَقِيْضًا مِنْ فَوْقِهِ فَرَفَعَ
رَأْسَهُ فَقَالَ هٰذَا مَلَكٌ نَزَلَ اِلَى الْاَرْضِ لَمْ يَنْزِلْ قَطُّ اِلَّا الْيَوْمَ فَسَلَّمَ فَقَالَ
اَبْشِرْ بِنُوْرَيْنِ اُوْتِيْتَهُمَا لَمْ يُؤْتَهُمَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَخَوَاتِيْمُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ
لَنْ تَقْرَأَ بِحَرْفٍ مِنْهُمَا اِلَّا اُعْطِيْتَهُ م س در صحیح مسلم و سنن نسائی است بروایت
ابن عباس رضی الله عنهما که جبرئیل علیه السلام نزد رسول صلی الله علیه و سلم
نشسته بود که ناگاه از بالای خود آوازی همچو آواز در شنید پس جبرئیل
علیه السلام سر خود بر داشت و گفت این فرشته که بر زمین آمد جز امروز گاهی
نازل نشده است پس فرشته مذکور بر رسول صلی الله علیه و سلم سلام خواند
و گفت ای رسول خدا شاد باش بدو نور که ترا داده اند هیچ پیغمبر را نداده اند یکی فاتحه
دوم آخرین آیتهای سوره بقره هر که حرفی از ان نخوانی مگر که ترا آن حرف
بدهند حرف یعنی طرفست یعنی هر طرفی که خوانی آنچه دران در طرف است ترا دهند

اگر فاتحه خوانی

اگر فاتحه خوانی آنچه در فاتحه است از اعانت و هدایت دهند و اگر آمن الرسول خوانی
آنچه در انست از غفران و جز آن دهند و اگر هر دو خوانی آنچه در هر دو است بدهند

این شروع بیان سوره بقره است

البقرة این شروع بیان سوره بقره است اِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِيْ تُقْرَأُ
فِيْهِ الْبَقَرَةُ م ت س در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی است بروایت ابو هریره
رضی الله که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بدرستی که شیطان بگریزد از خانه
که دران سوره بقره خوانند اِقْرَأُوْا فَاِنَّ اَخْذَهَا بَرَكَةٌ وَتَرْكَهَا حَسْرَةٌ وَلَا
يَسْتَطِيْعُهَا الْبَطَلَةُ م در صحیح مسلم است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول فرمود سوره
بقره خوانند که خواندن آن برکت و ترک پشیمانی است و ساحران این سوره را خواندن
نتوانستند لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامٌ وَسَنَامُ الْقُرْاٰنِ الْبَقَرَةُ م ت س در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر چیزی را بلندیست
و بلندی قرآن سوره بقره است مَنْ قَرَأَهَا نَهَارًا لَمْ يَدْخُلِ الشَّيْطَانُ بَيْتَهُ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ
حب در صحیح ابن حبان است بروایت سهل رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود که سوره بقره در شب خواند شیطان شب در خانه او در نیاید و هر که سوره بقره
در روز بخواند شیطان سه روز در خانه او در نیاید اُعْطِيْتُ الْبَقَرَةَ مِنَ الذِّكْرِ الْاَوَّلِ
مس در صحیح مستدرک است بروایت معقل بن یسار رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود سوره بقره مرا از ذکر اول داده است احتمال دارد که ذکر اول ذکر انبیا
یا ذکر فرشتگان باشد که ایشان ذکر میکنند یا مرا از ذکر اول کتب متقدمه باشد البقرة
و آل عمران این شروع بیان فضل سوره بقره و آل عمران است اِقْرَأُوا الزَّهْرَاوَيْنِ
الْبَقَرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ فَاِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ كَاَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ اَوْ كَاَنَّهُمَا غَيَايَتَانِ

بیان بقره و آل عمران است

يستطيعها البطلة

مَنْ قَرَأَهَا لَيْلًا لَمْ يَدْخُلِ الشَّيْطَانُ بَيْتَهُ ثَلٰثَ لَيَالٍ

او کانهما فرقان من طیر صواف تحاجان عن اصحابهما م در صحیح مسلم است از روایت
ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود روشن کنندگان را یعنی بخوانید
که سوره بقره و سوره آل عمران اند زیرا که بدرستی این هر دو سوره روز قیامت بیایند
ابرها یا همچو دو سایه یا همچو دو جماعت پرندگان که بازوهای خود را کشاده کرده
بایکدیگر چسبانیده سایه کنان بیایند و از اصحاب خود جهد کنند و عذاب
دفع کرده اند آیة الکرسی این بیان فضل آیة الکرسی است ای اعظم آیة
فی کتاب الله م د در صحیح مسلم است بروایت ابی بن کعب رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود آیة الکرسی بزرگترین آیتست در کتاب خدای تعالی [illegible]
ای القرآن ت حب مس در سنن ترمذی و صحیح بخاری ابن حبان و مستدرک است
که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آیة الکرسی مهتر آیتهای قرآنست لا
تضعها علی مال ولا ولد فیقربه شیطان حب در صحیح ابن حبان است که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود منهید آیة الکرسی را بر مال و نه بر فرزند پس که شیطان نزدیک مال و فرزند
نشود الا [illegible] این بیان فضل دو آیت آخر سوره بقره است امن الرسول
الی آخره البقرة لا تقران فی دار ثلث لیال فیقربها شیطان ت س حب مس
در سنن ترمذی و نسائی و صحیح حبان و مستدرک است بروایت نعمان بن بشیر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود در هیچ سرای سه شب امن
الرسول تا آخر سوره نخوانند پس که شیطان نزد آن سرای نشود ان الله ختم البقرة
بآیتین اعطانیهما من کنزه الذی تحت عرشه فتعلموهن وعلموهن نساءکم
وابناءکم فانهما صلوة وقرآن ودعاء مس در صحیح مستدرک است بروایت جبیر

نفیل

الفرق
القطیع من الغنم والورق نقطا [illegible]
من الناس ومن کل شی [illegible]

بیان فضل آیة الکرسی

وسنن ابی داود

بیان فضل دو آیت

فی القعدة من قرأهما فی لیلة کفتاه عن قیام اللیل

[illegible] الجماعت [illegible] فی قوله [illegible]

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدای تعالی ختم کرده است
بقره را بدو آیت که داده است مرا از گنج زیر عرش خود پس بیاموزید آن را و بیاموزید زنان
و پسران خود را تعلیم کنید به [illegible] که آن استغفار است برای جبر نقصانی که در نماز است
صلوة بمعنی استغفار آمده است که صلوة ملائکه بمعنی استغفار است و دعا [illegible]
آن قریب است که رسول صلی الله علیه وسلم است که غفرانک ربنا [illegible]
که آن دعاست که [illegible] غفرانک [illegible] آخر در آن وارد است و مجزم جمع [illegible]
حروف الانعام این بیان فضل سوره انعام است لما نزلت سبح
رسول الله صلی الله علیه وسلم ثم قال لقد شیع هذه السورة من الملائکة
ما سد الافق مس در صحیح مستدرک است بروایت انس رضی الله عنه که چون سوره
انعام نازل شد رسول صلی الله علیه وسلم سبحان الله گفت پس فرمود که
پس روی کردند این سوره را چندان فرشتگان که کرانهای آسمان را بستند
الکهف این بیان سوره کهف است من قرأها یوم الجمعة اضاء له من النور
ما بین الجمعتین مس در صحیح مستدرک است که رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده که روز جمعه سوره کهف بخواند تا جمعه دیگر برای او نوری درخشد من قرأها
لیلة الجمعة اضاء له من النور فیما بینه وبین البیت العتیق مى در کتاب
دعاء ابن مردویه و مسند دارمی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که
شب جمعه سوره کهف بخواند برای او نوری میان او و میان کعبه روشن کنند
عتیق [illegible] آزاد شده را گویند هر دو [illegible] است من قرأها کما
انزلت کانت له نورا من مقامه الی مکة ومن قرأ بعشر آیات

خدای تعالی است که الیه المصیر
در آن وارد است یا قریب سوی

بیان سوره انعام

الشیع از پی رفتن
و جنازه شدن

بیان سوره کهف

من

حتی یمیهم آخرها فخرج الدجال لم یسلط علیه خ ن س در سنن نسائی و صحیح مستدرک است
بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که
سوره کهف را چنانچه نازل شده بخواند برای او نوری از مقام او تا مکه شود
و هر که ده آیت از آخر آن سوره بخواند پس دجال بیرون شود بر وی مسلط
نگردد و من قرأ سورة الکهف کانت له نورا یوم القیمة من مقامه الی مکة
و من قرأ بعشر آیات من آخرها ثم خرج الدجال لم یضره فس در معجم اوسط است
من حفظ عشر آیات من اولها عصم من فتنة الدجال م د ت س در صحیح مسلم
و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت ابو الدردا رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که ده آیت از اول سوره کهف بخواند او از
فتنه دجال معصوم ماند من حفظ عشر آیات م د من قرأ العشر الاواخر من الکهف
عصم من فتنة الدجال و در سنن ترمذی نسائی حدیث دوم است بروایت ابو درداء
رضی الله عنه یعنی همان است من قرأ ثلث آیات من اول الکهف عصم
من فتنة الدجال ت در سنن ترمذی است بروایت ابو الدردا رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که سه آیت از اول کهف بخواند از فتنه دجال
معصوم ماند من ادرک الدجال فلیقرأ علیه فواتحها الحدیث م ع در صحیح مسلم
و چهار سنن است بروایت نواس ابن سمعان رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود که دجال را دریابد پس او که آیتهای اولین سوره کهف بخواند
فانها جوارکم من فتنته د در سنن ابی داود است پس بدرستی که اولین آیتهای
سوره کهف امان شما است از فتنه دجال اعطیت طه و الطواسین

والحوامیم

سوره یسین

بیان فضیلت سوره فتح است

انا فتحنا لک فتحا مبینا

والحوامیم من الواح موسی مس در صحیح مستدرک است بروایت معقل بن یسار
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود خدای تعالی مرا سوره طه و دوم
و یک طس و حم از الواح موسی علیه السلام داده است قلب القرآن یس
لا یقرأها رجل یرید الله و الدار الاخرة الا غفر له اقرؤها علی موتاکم س ق د حب
در سنن نسائی و ابی داود و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است بروایت انس رضی الله
عنه که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم قرآن سوره یس است هیچ مردی آنرا بخواند
دران حال که رضای خدای تعالی و دار آخرت خواهد مگر که خدای تعالی او را بیامرزد
بخوانید این سوره را بر مردگان خود الفتح ابن بیان فضل سوره فتح هی احب الی
مما طلعت علیه الشمس خ س ت در صحیح بخاری و سنن نسائی و ترمذی
است بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود سوره فتح
دوست تر است سوی من از آنچه آفتاب بر وی برآمده است تبارک الملک
ثلثون آیة شفعت لرجل حتی غفر له حب عه مس در صحیح ابن حبان و چهار سنن
و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود تبارک که سوره ملک است سی آیت است روز قیامت برای مردی
که او را خوانده است شفاعت کند تا که او مغفور گردد تشفع لصاحبها حتی
یغفر له حب در صحیح ابن حبان است این حدیث مذکور معنی همان است و در روایت لوددت انها
فی قلب کل مؤمن مس در صحیح مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دوست دارم که سوره ملک در دل هر مومن است اذا
یؤتی الرجل فی قبره فیؤتی رجلاه فتقول لیس لکم سبیل کان یقرأ بی سورة الملک

الملک ثم یؤتی من صدره من بطنه ثم یؤتی من رأسه کل یقول ذلک
فهی تمنع من عذاب القبر وهی فی التوراة من قرأها لیلة فقد اکثر
واطیب مس در کتاب دعا ابن مردویه وصحیح مستدرک است که رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود فرشتگان عذاب بیایند در قبر مردی که این سوره
خوانده است اول از جانب دو پای او بیایند هر پایی او گوید که اینجا شما را
راه نیست که او بسبب من سورهٔ ملک خوانده است پس از جانب سینه و از جانب
شکم بیایند پس از جانب سر بیایند هر یک همان جواب گوید فرشتگان را
راه بعذاب ندهند پس این سوره از عذاب قبر مانع باشد و این سوره در
توریت هست هر که این سوره در شب خواند پس بدرستی که او بسیار و نیک
خوانده باشد اذا زلزلت ربع القرآن ت در سنن ترمذی است بروایت
انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوره اذا زلزلت
ربع قرآنست یعنی ثواب ربع قرآن در قرائت اوست تعدل نصف القرآن
ت مس در سنن ترمذی وصحیح مستدرک است بروایت ابن عباس رضی الله
عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ثواب سوره اذا زلزلت برابر ثواب
نصف قرآنست که ذکر احوال آخرت در اوست و قرآن نصفست نسبت
ذکر احوال دنیا و آخرت یا رسول الله اقرأنی سورة جامعة فاقرأه
اذا زلزلت الارض حتی فرغ منها فقال والذی بعثک بالحق
لا ازید علیها ابدا ثم ادبر الرجل فقال النبی صلی الله علیه وسلم
افلح الرجیل مرتین د س مس حب در سنن ابی داود ونسائی وصحیح

مستدرک

مستدرک وابن حبان است بروایت عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما که مردی گفت ای
رسول خدا مرا سورتی جامعه بیاموز پس رسول صلی الله علیه وسلم او را سوره اذا زلزلت
تعلیم کرد تا که از آن فارغ شد پس آن مرد گفت سوگند بآن خدای که ترا بحق فرستاده
است بر این سوره چیزی زیادت نکنم پس باز گشت پس رسول صلی الله علیه وسلم
دو بار فرمود این مرد رستگاری یافت شاید که این مرد سوال سورتی کرده باشد
که بران عمل کند پس چون عمل کند او رستگار گردد و یحتمل تصغیر رجل تعظیما ست
تصغیر رجل بجلیست مگر که تصغیر اجل باشد الکافرون ربع القرآن ت در سنن
ترمذی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ثواب سوره الکافرون ثواب
ربع قرآنست تعدل ربع القرآن مس در سنن ترمذی و مستدرک است
بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ثواب
سوره قل یا ایها الکافرون برابر ثواب ربع قرآنست نعم السورتان یهمان
تقرآن فی الرکعتین قبل الفجر الکافرون والاخلاص حب در صحیح ابن حبان
است بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
نیک اند دو سوره که آنرا در سنت فجر میخوانند یکی سوره الکافرون دوم سوره
اخلاص اذا جاء نصر الله ربع قرآن ت در سنن ترمذی است بروایت
انس رضی الله عنه معنی ظاهر است قل هو الله احد ثلث القرآن خ م د ت
در صحیح بخاری وسنن ابی داود وترمذی وابن ماجه است بروایت ابو سعید
رضی الله عنه معنی ظاهر است وقال عن رجل کان یقرأ بها لاصحابه
فی الصلوة اخبروا ان الله یحبه خ م س در صحیح بخاری ومسلم ونسائی

عن ابی الدرداء رضی الله عنه
قال قال رسول الله صلی الله علیه
وسلم ایعجز احدکم ان یقرأ فی لیلة ثلث
القرآن قال قل هو الله احد تعدل
ثلث القرآن

نسائی است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم مردی را
بر لشکری امیر فرستاده بود و او اصحاب خود را امامت میکرد و در هر نمازی بعد
فاتحه قل هو الله احد میخواند چون بازگشتند رسول صلی الله علیه وسلم را خبر
کردند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود این را بپرسید که برای چه همچنین میکردی
او گفت درین سوره صفت رحمن است و من قرائت آنرا دوست میدارم
پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود این را بگوئید که خدای تعالی نیز او را دوست
میدارد دوستی خدای تعالی اینست که ثواب و نعمت دهد و دوستی بنده با او
اینست استقامت بر طاعت او کنند قال الرجل کان یلازم قراءتها ع
فی الصلوة حبک ایاها ادخلک الجنة خ ت در صحیح بخاری و سنن
ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه که مردی قرائت قل هو الله احد را با
سورتی دیگر در نماز لازم خواندی چون او را ازین حال پرسیدند گفت یا رسول الله
صلی الله علیه وسلم این سوره را دوست میدارم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
دوستی تو باین سوره ترا در بهشت در آورد و سمع رجلا یقرأها فقال وجبت
له الجنة م ط ت س مس در صحیح مسلم و سنن ترمذی و موطا و سنن نسائی
و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
مردی را شنید که قل هو الله احد میخواند پس فرمود این مرد را بهشت واجب شد
والذی نفسی بیده انها لتعدل ثلث القرآن خ د س در صحیح بخاری
و سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوگند بآن خدا که نفس من بید قدرت اوست

بیان فضل فلق والناس

جز السابع یوم خمیس پنجشنبه

بدرستی که قل هو الله احد ثلث قرآن را برابر است من اراد ان ینام علی
فراشه فنام علی یمینه ثم قرأ مائة مرة قل هو الله احد اذا کان یوم القیمة
یقول الرب یا عبدی ادخل علی یمینک الجنة ت در سنن ترمذی است
بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که خواهد که بر بستر
خود خواب کند پس بر جانب راست خود بخسپد پس صد بار قل هو الله احد بخواند
چون روز قیامت شود خدای تعالی فرماید ای بندهٔ من بر جانب راست خود در بهشت در آ
یعنی چون اطاعت رسول من کردی و بر جانب راست غلطیدی و سورتی که
دران صفات منست خواندی پس امروز تو از اصحاب یمینی از جانب یمین
خود در بهشت رو الفلق و الناس این بیان فضل سوره الفلق و سوره
الناس است الا اعلمک خیر سورتین قرئتا د س در سنن ابی داود
و نسائی است بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود ای عقبه ترا تعلیم کنم بهترین دو سورت که خوانده اند یعنی معوذتین
اقرأ بهما ولن تقرأ بمثلهما س حب در سنن نسائی و صحیح ابن حبان
است بروایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود این
هر دو سوره را بخوان و هرگز مثل آن نخوانی و کان صلی الله علیه وسلم
یتعوذ من الجان و عین الانسان حتی نزلت المعوذتان فلما نزلتا
اخذ بهما و ترک ما سواهما ت س ق در سنن ترمذی و نسائی
و ابن ماجه است بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
پیش از نزول معوذتین از آسیب پری و چشم زخم انسان بچیز دیگر تعوذ میکرد

چون معوذتین نازل شد آنها گذاشت و بمعوذتین تعویذ میکرد ما سأل سائل بمثلهما
ولا استعاذ مستعيذ بمثلهما مص در مصنف ابو بکر است بروایت عقبة
بن عامر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مثل معوذتین
هیچ سائلی سوال نکرده است و هیچ پناه جوینده پناه نجسته اقرأ بهما
كلما نمت وكلما قمت مص در مصنف ابوبکر است که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود هرگاه که خواب کنی و برخیزی معوذتین بخوان اقرأ باعوذ
برب الفلق فانك لن تقرأ بسورة احب الى الله وابلغ عنده
منها فان استطعت ان لا تفوتك فافعل مس در صحیح مستدرک است
بروایت عقبه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود ای عقبه قل اعوذ
برب الفلق بخوان زیرا چه هرگز نخوانی هیچ سورتی دوست تر
سوی خدای تعالی و ابلغ از نزد خدای تعالی برای دفع بدی پس
اگر توانی که از تو آن فوت نشود پس بخوان لن تقرأ شيئا ابلغ عند الله
من قل اعوذ برب الفلق ی در کتاب عمل الیوم واللیل ابن السنی است
بروایت عقبه رضی الله عنه معنی همان است الم تر آيات نزلت الليلة
لم تر مثلهن قط الفلق والناس م ت س در صحیح مسلم و سنن ترمذی
و نسائی است بروایت عقبه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نمی بینم
ترا آیاتی که امشب فرود آمده که قطعاً مثل آن ندیده که آن سورة الفلق و سورة
الناس است فصل الادعية التي هي غير مخصوصة بوقت ولا سبب
و دعاها که غیر مخصوص است بوقت و سبب یعنی صحیح است از رسول صلی الله

بیان ادعیه مخصوصه

علیه وسلم

علیه وسلم با اطلاق بی تقیید با ثبت اللهم انی اعوذ بك من الكسل والهرم
والمغرم والمأثم اللهم انی اعوذ بك من عذاب النار وفتنة النار وفتنة
القبر وعذاب القبر وشر فتنة الغنى وشر فتنة الفقر ومن شر فتنة المسيح الدجال
اللهم اغسل خطاياي بماء الثلج والبرد ونق قلبي من الخطايا كما نقيت الثوب
الابيض من الدنس وباعد بيني وبين خطاياي كما باعدت بين المشرق
والمغرب ع در اصول است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور میخواند یعنی اینست ای بار خدای پناه میجویم بتو
از کاهلی و از سخن بری و از دین و از گناه و از شر فتنت توانگری بدینکه
تفاخرت و طغیان کنم و مال در معاصی افکنم و از شر فتنت فقر که حسد با اغنیا کنم
و طمع در مال ایشان دارم و صبر بر فقر نتوانم باقی معنی گذشت اللهم انی اعوذ
بك من العجز والكسل والجبن والهرم واعوذ بك من عذاب القبر واعوذ
بك من فتنة المحيا والممات خ م د ت حب مس صط در صحیح بخاری
و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و صحیح ابن حبان و مستدرک و معجم
صغیر است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعای مذکور میخواند یعنی اینست ای بارخدای پناه میجویم بتو از درماندگی و
از کاهلی و غیر ذلک و از فتنت حیات و ممات واعوذ بك من القسوة والغفلة
والعيلة والذلة والمسكنة واعوذ بك من الفقر والكفر والفسوق
والشقاق والسمعة والرياء واعوذ بك من الصمم والبكم والجنون والجذام
وسيئ الاسقام حب مس صط در صحیح ابن حبان و مستدرک

در صحیح مسلم است که رسول صلی الله علیه وسلم بر دعای ... این دعای مذکور بمداومت
میخواند یعنی ایمنست توئی پناهم از سختی دلی و غفلت و درویشی و خواری و درماندگی
و می پناهم بتو از فقر و کفر و فسوق و خلاف و سمعت و ریا سمعت آنست که عمل برای
شنوانیدن مردمان کند و ریا آنست که برای نمودن مردمان کند و بتو پناه میجویم
از کری و گنگی و دیوانگی و برص و جذام و بیماریهای بد اللهم انی اعوذ بک من الهم والحزن والعجز والکسل
والجبن والبخل وضلع الدین وغلبة الرجال خ د ت س در صحیح بخاری و سنن
ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعای مذکور خواندی یعنی ایمنست ای بارخدای بتو میپناهم از اندوه و غم و کاهلی
و گرانی دین و جور سلطان اللهم انی اعوذ بک من فتنة القبر واعوذ بک من عذاب
القبر خ ت س در صحیح بخاری و سنن ترمذی و نسائی است بروایت سعد
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی ایمنست ای بارخدای
بتو میپناهم از بن کناعری رسی برسیم باقی یعنی گذشت اللهم انی اعوذ بک من العجز
والکسل والجبن والبخل والهرم وعذاب القبر اللهم آت نفسی تقویها وزکها انت
خیر من زکاها انت ولیها ومولیها اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع ومن قلب
لا یخشع ومن نفس لا تشبع ومن دعوة لا یستجاب لها م ت س مص در صحیح
مسلم و سنن ترمذی و مصنف ابوبکر است بروایت زید بن ارقم رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی ایمنست ای بارخدای نفس مرا
تقوی او بده و او را پاک کن توئی بهترین کسی که او را پاک کند توئی دوست آن و آزاده
کارهای او و توئی ناصر او ای بارخدای بتو میپناهم از علمی که سود نکند یعنی بعمل

مقرون نگردد

مقرون نگردد و از دلی که نترسد و از نفسی که سیر نگردد از جمع مال یا از اکل و از دعای که
مستجاب نگردد اللهم انی اعوذ بک من الجبن والبخل وسوء العمر وفتنة الصدر وعذاب
القبر د س ق حب در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است
بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی
ایمنست ای بارخدای بتو میپناهم از بدی عمر که عصیان ورزد و از فتنه سینه
که شک و عقیده بد را راه دهد باقی معنی گذشت اللهم انی اعوذ بعزتک لا اله
الا انت الحی لا یموت والجن والانس یموتون م خ س در صحیح مسلم و بخاری
و سنن نسائی است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعای مذکور خواندی یعنی ایمنست ای بارخدای بدرستی که من میپناهم بعزت تو
که جز تو معبودی نیست از بهر آنکه توئی زنده که نمیری و پریان و آدمیان
بمیرند اللهم انی اعوذ بک من جهد البلاء ودرک الشقاء وسوء القضاء وشماتة
الاعداء در صحیح بخاری است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی ایمنست ای بارخدای بدرستی که بتو میپناهم
از سختی بلائی که دشواری آن بحدیست که صاحب آن مرگ خواهد بعضی گویند
مراد ازین قلت مال و کثرت عیالست و پناه میجویم بتو از رسیدن بدبختی و از
قضای بد و از خوش شدن دشمنان اللهم انی اعوذ بک من شر ما عملت ومن
شر ما لم اعمل م د س ت در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعای
مذکور خواندی یعنی ایمنست ای بارخدای بدرستی که میپناهم بتو از بدی آنچه کردم از

ثم یابم بالسطوم شوم اللّهم انی اعوذ بک من الهدم واعوذ بک من التردی
واعوذ بک من الغرق والحرق والهرم واعوذ بک من الشیطان ان یتخبطنی عند الموت
واعوذ بک من ان اموت فی سبیلک مدبرا واعوذ بک من ان اموت لدیغا
د س مس در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابو الیسر رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای
بتو می پناهم ازین که دیواری و یا سقفی یا جز آن بر من افتد و ازین که در چاه یا از بلندی
افتم و ازین که غرق شوم و سوخته گردم و سخت پیری بر سرم ازین که جمله مذکور یاد
جست با آنکه دران مرتبه شهادت است زیرا چه این اشیا سخت است صبر بران
دشوار است شاید که شیطان درین فرصت یابد و در اضلال او بشتابد و بتو می پناهم ازین که
شیطان نزد موت مرا مس کند و ایمان مرا تباه سازد و بتو می پناهم ازین که از
کارزار در راه تو پشت داده بگریزم و بتو می پناهم ازین که گزنده مار بمیرم اگرچه
همه تعلیم برای امت داده است ورنه او صلی الله علیه وسلم ازین همه معصوم است اللّهم
انی اعوذ بک من منکرات الاخلاق والاعمال والاهواء والادواء ت در سنن
ترمذی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت قطبة بن مالک رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای بتو می پناهم
از منکرات از قبیحات اقوال و افعال و خواهشهای دل و زحمتها یعنی دردها در سنن
ترمذی است بروایت ابو امامه رضی الله عنه اللّهم انا نسألک من خیر ما سألک منه
نبیک محمد صلی الله علیه وسلم وانت المستعان وعلیک البلاغ ولا حول ولا قوة
الا بالله ت در سنن ترمذی است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که دعای مذکور

ت حب مس

بدی آنچه نکردم یعنی کبری و عجبی و ریائی که در دل آمده باشد یا از گناه مستقبل
اللّهم انی اعوذ بک من شر ما لم اعلم مس مص در صحیح مستدرک و مصنف ابو بکر است
بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی
معنی اینست ای بار خدای بدرستی که بتو می پناهم از بدی آنچه دانسته ام از بدی
آنچه ندانسته ام یعنی گناهی پنهان که ندانسته ام اللّهم انی اعوذ بک من زوال
نعمتک وتحول عافیتک وفجاءة نقمتک وجمیع سخطک م د س در صحیح مسلم
و سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله
علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای بدرستی که بتو می پناهم از
زوال نعمت تو که بر منست و از گشتن عافیت که در منست و از ناگاهی خشم تو که
که بلا ناگاه دشوار است از بلای که غضب ما آهستگی رسد و از جمیع غضب تو
اللّهم انی اعوذ بک من شر سمعی ومن شر بصری ومن شر لسانی ومن
شر قلبی ومن شر منیی ت د س مس در سنن ترمذی و ابی داود و نسائی
و صحیح مستدرک است بروایت شکل بن حمید رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای بتو می پناهم از
شر گوش من و از شر چشم من و از شر زبان من و از شر منی من که غلبه کند و در زنا
اندازد اللّهم انی اعوذ بک من الفقر والفاقة والذلة واعوذ بک من ان
اَظلِم او اُظلَم د س ق مس در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی
اینست ای بار خدای بتو می پناهم از فقر و فاقه و خواری و بتو می پناهم ازین که

ظالم باشم

خوانند معنی اینست ای بارخدای از تو میخواهم خیر آنچه خیر خواست از تو محمد صلی الله علیه وسلم
خواست و می پناهم بتو از شر آنچه پناه خواست بتو محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم تویی یاری دهنده است
و یاری از تو خواهند و بر تست رسانیدن یاری و رحمت و حیله و قوت جز تو نیست
اللهم انی اعوذ بک من جار السوء فی دار المقامة فان جار البادیة یتحول س حب مس
در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بارخدای بتو می پناهم
از همسایه بد در سرای اقامت که انتقال آن دشوار است زیراچه همسایه بادیه بگردد
اعوذ بالله من الکفر والدین س حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و
مستدرک است بروایت ابوسعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء
مذکور خواندی معنی ظاهر است اللهم انی اعوذ بک من غلبة الدین و غلبة
العدو و شماتة الاعداء مس حب در صحیح مستدرک و ابن حبان است بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست
ای بارخدای بتو می پناهم از غلبه دین و غلبه دشمن و خوشی اعدا اللهم انی اعوذ بک
من علم لا ینفع و قلب لا یخشع و دعاء لا یسمع و نفس لا تشبع مس مص در
مستدرک و مصنف ابوبکر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت و من الجوع
فانه بئس الضجیع مس مص در صحیح مستدرک و مصنف ابوبکر است
بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم این کلمات
مذکور بر دعاء متقدم زیادت کردی معنی اینست بتو می پناهم از گرسنگی

الضجیع

زیراچه

زیراچه گرسنگی بهم بستری بد است و من الخیانة فانها بئست البطانة و من الکسل
والجبن والبخل و من الهرم و من ان ارد الی ارذل العمر و فتنة الدجال
و عذاب القبر و فتنة المحیا والممات اللهم انا نسألک عزائم مغفرتک
و منجیات امرک والسلامة من کل اثم والغنیمة من کل بر والفوز
بالجنة والنجاة من النار مس در صحیح مستدرک است که رسول صلی الله
علیه وسلم بر دعای متقدم این دعاء مذکور نیز زیادت کردی معنی اینست
و می پناهم بتو از خیانت زیراکه خیانت بتری بد است باقی معنی گذشت
اللهم انی اسألک علما نافعا و اعوذ بک من علم لا ینفع حب در صحیح
ابن حبان است بروایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بارخدای از تو علم نافع میخواهم و بتو
از علم غیر نافع می پناهم اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع و عمل لا یرفع
و قلب لا یخشع و قول لا یسمع حب مس مص در صحیح ابن حبان
و مستدرک و مصنف ابوبکر است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت اللهم انا نعوذ بک
ان نرجع علی اعقابنا او نفتن عن دیننا مر خ م در کتاب دعاء ابن
مردویه و صحیح بخاری و مسلم است بروایت ابن ملیکة رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بارخدای بتو
می پناهم از آنکه بر پاشنهای پای خود سوی کفر باز گردم یا فتنه زده از
دین خود شوم این تعلیم امت است نعوذ بالله من عذاب النار نعوذ

بِاللهِ مِنَ الفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّال
عو در صحیح ابو عوانه است بروایت زید بن ثابت رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی پناه می‌جویم بخدای تعالی پناهم
از عذاب آتش و از فتنهای ظاهر و باطن و از فتنه دجال اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ
مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا یُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ هٰؤُلَاءِ الْاَرْبَعِ حص طس در مصنف ابوبکر بروایت
ابن عمر رضی الله عنهما و در معجم اوسط است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که
رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی
وَخَطَایَایَ وَعَمْدِی طس در معجم اوسط است که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء
مذکور خواندی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ دُعَاءٍ لَا یُسْمَعُ وَقَلْبٍ لَا یَخْشَعُ
وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ط در معجم کبیر است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ
مِنْ یَوْمِ السُّوءِ وَمِنْ لَیْلَةِ السُّوءِ وَمِنْ سَاعَةِ السُّوءِ وَمِنْ صَاحِبِ السُّوءِ
وَمِنْ جَارِ السُّوءِ فِی دَارِ الْمُقَامَةِ ط در معجم کبیر است بروایت عقبه بن عامر رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی ابنت ای بارخدا
بتو می‌پناهم از روز بد و از شب بد و از ساعت بد و از صاحب بد و از همسایهٔ بد در
سرای اقامت اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُذَامِ وَسَیِّئِ الْاَسْقَامِ
د س حص در سنن ابی داود و نسائی و مصنف ابوبکر است بروایت
انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی

معنی ابنت ای بارخدای بتو می‌پناهم از پیسی سفید و از پیسی سیاه و از بزرگی و از بیماری
اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ خ م د س در صحیح
بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی خَطِیئَتِی وَجَهْلِی
وَاِسْرَافِی فِی اَمْرِی وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی خ م حص در صحیح بخاری و مسلم و مصنف
ابوبکر است بروایت ابوموسی اشعری رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعای مذکور خواندی معنی ابنت ای بارخدای بیامرز گناه من و نادانی
و اسراف من در کار خود و آنچه تو بدان داناتری از من اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی جِدِّی
وَهَزْلِی وَخَطَائِی وَعَمْدِی وَکُلُّ ذٰلِکَ عِنْدِی خ م در صحیح بخاری و مسلم است
بروایت عایشه رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی
معنی ابنت ای بارخدای بیامرز برای من گناهی را که کوشش کردم در گناهی
که نه کوشش آوردم و گناهی را که بخطا کردم و گناهی را که عمدا کردم و جمیع
آن مذکور نزد من است یعنی من بدین مذکور متصفم پس باید مذکور را برای من
بیامرز رسول صلی الله علیه وسلم این چیزها جهت تعلیم امت فرموده اند یا از
تواضع و شکستن نفس علی رضی الله عنه میفرماید رسول صلی الله علیه وسلم
فوت کمال و ترک اولی را گناه شمرده است و بعضی گویند مراد از وی زلات
بیش از نبوت اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَاَنْتَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
خ م در صحیح بخاری و مسلم است بروایت عایشه رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم بر دعاء ما تقدم این دعاء مذکوره زیادت کردی معنی ابنت توئی پیش

کننده سوی رحمت خود کسی را که خواهی و توئی پس آرنده از رحمت خود کسی را که
خواهی اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ جِدِّیْ وَهَزْلِیْ وَخَطَائِیْ وَعَمَدِیْ وَکُلُّ ذٰلِکَ عِنْدِیْ مص
در مصنف ابوبکر است بروایت عقبه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
خواندی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ اغْسِلْ عَنِّیْ خَطَایَایَ بِالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَنَقِّ قَلْبِیْ
مِنَ الْخَطَایَا کَمَا نَقَّیْتَ الثَّوْبَ الْاَبْیَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَبَاعِدْ بَیْنِیْ وَبَیْنَ
خَطَایَایَ کَمَا بَاعَدْتَ بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ خ م در صحیح بخاری و صحیح مسلم
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
خواندی معنی گذشت اَللّٰهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوْبِ صَرِّفْ قُلُوْبَنَا عَلٰی طَاعَتِکَ م س
در صحیح مسلم و سنن نسائی است بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای ای گردانندهٔ
دلهای ما ما را بر طاعت خود حریص گردان اَللّٰهُمَّ اهْدِنِیْ وَسَدِّدْنِیْ در صحیح
مسلم است بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
خواندی معنی اینست ای بار خدای راه راست نمای و بر راستی من زیادت کن
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ الْهُدٰی وَالسَّدَادَ م در صحیح مسلم است بروایت علی
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور خواندی معنی اینست
ای بار خدای از تو زیادت هدایت و زیادت راستی بخواهم اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ
الْهُدٰی وَالتُّقٰی وَالْعَفَافَ وَالْغِنٰی م ت ق در صحیح مسلم و سنن
ترمذی و ابن ماجه است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای بخواهم از تو زیادت

هدایت و زیادت پاک دامنی و غنا اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِیْ دِیْنِیَ الَّذِیْ هُوَ عِصْمَةُ
اَمْرِیْ وَاَصْلِحْ لِیْ دُنْیَایَ الَّتِیْ فِیْهَا مَعَاشِیْ وَاَصْلِحْ لِیْ آخِرَتِیَ الَّتِیْ اِلَیْهَا
مَعَادِیْ وَاجْعَلِ الْحَیٰوةَ زِیَادَةً لِّیْ فِیْ کُلِّ خَیْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِّیْ
مِنْ کُلِّ شَرٍّ م در صحیح مسلم است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم دعا مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای راست دار برای دین
مرا که نگاه دارنده جمیع امر منست هر گاه دین او درست شد جمیع کار او درست آمد و هر گاه
دین او فاسد شد جمیع کار او فاسد گشت و راست دار برای من دنیا را که
در آن معاش منست بدین که حلال باشد و معین بر طاعت بود و ممتنع
بر یا بخارج باشد و راست دار برای من آخرت را که بازگشت من سوی آنست
بدین که توفیق بر طاعت و عبادت بدهی و بگردان حیات مرا افزونی در هر
نیکی بدین که عمر مرا در رضای خود مصروف گردانی و مرا از معصیت خود دور دار
و بگردان موت مرا راحت من از هر بدی بدین که چون در قومی فتنه
خواهی پس مرا نافتنه زده بمیران یا مرا مرگ شهادت بده تا سبب راحت گردد
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ وَارْحَمْنِیْ وَعَافِنِیْ وَارْزُقْنِیْ م واهدنی م در صحیح مسلم است
بروایت ابو مالک اشجعی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم نو مسلمانی را
دعای مذکور تعلیم کردی معنی گذشت رَبِّ اَعِنِّیْ وَلَا تُعِنْ عَلَیَّ وَانْصُرْنِیْ
وَلَا تَنْصُرْ عَلَیَّ وَامْکُرْ لِیْ وَلَا تَمْکُرْ عَلَیَّ وَاهْدِنِیْ وَیَسِّرِ الْهُدٰی لِیْ وَانْصُرْنِیْ
عَلٰی مَنْ بَغٰی عَلَیَّ رَبِّ اجْعَلْنِیْ لَکَ ذَکَّارًا لَکَ شَکَّارًا لَکَ رَهَّابًا لَکَ
مِطْوَاعًا لَکَ مُخْبِتًا اِلَیْکَ اَوَّاهًا مُنِیْبًا رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِیْ وَاغْسِلْ حَوْبَتِیْ

دخولهم وخوانند ان الواح قبور
و کند شتن بمیان قطار شتران
و انداختن قمل زنده بر زمین
و حجامت کردن بر قفا نعوذ بالله
من هذه الاشیاء اداب العلم

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم لا یرد
القضاء الا الدعاء ولا یزید
العمر الا البر وان الرجل
یحرم الرزق بالمعصیة للذنب
یصیبه اداب العلم

و امیر المومنین علی کرم الله وجهه
قال ما بین اذا نزع عقل المرء قل
کلامه اداب العلم
و یقین یحق المرء ان
کان مکتف اداب العلم

وَاَجِبْ دَعْوَتِي وَثَبِّتْ حُجَّتِي وَسَدِّدْ لِسَانِي وَاهْدِ قَلْبِي وَاسْلُلْ سَخِيمَةَ صَدْرِي دحب مس ص در چهار سنن وصحیح ابن حبان ومستدرک ومصنف ابو بکر است بروایت ابن عباس رضی الله تعالی عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی اینست ای پروردگار من مرا بر دشمنان یاری ده و هیچ دشمن را برین یاری مده و مرا بر دشمنان نصرت ده و هیچ دشمنی را برین نصرت مده و مرا بر دفع دشمن رهنمونی کن و هیچ دشمن را بر دفع من رهنمونی مکن و مرا راه راست بنما و راه راست را بر من آسان گردان و مرا نصرت ده بر کسی که برین بغی ورزد ای پروردگار مرا بسیار ذکر گوینده و بسیار شکر کننده خود گردان و مرا بسیار ترس و بسیار طاعت خود کردن و مرا بسیار تواضع و خشوع و با آرام بذکر خود و با استواری بخود گردان و مرا عمکین بر تغیرات و راجع سوی خود تایب از گناهان گردان ای پروردگار توبه من قبول کن و گناه من دور کن و دعای مرا قبول کن و قول و تصدیق مرا ثابت گردان و زبان مرا راست کن با قول حق و صدق بخشید و دل مرا براه راست ثابت دار و کینه سینه من بکش اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَارْضَ عَنَّا وَتَقَبَّلْ مِنَّا وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ وَاَصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا كُلَّهُ ق د در سنن ابن ماجه و ابی داود است بروایت ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی اینست ای بار خدایا ما را بیامرز و بر ما رحمت کن و از ما خوشنود باش و عمل ما قبول کن و ما را در بهشت در آر و ما را نجات بده از نار و همه کارهای ما راست آر

اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ بَيْنَ قُلُوبِنَا وَاَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَبَارِكْ لَنَا فِي اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُلُوبِنَا وَاَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِنِعْمَتِكَ مُثْنِينَ بِهَا قَابِلِيهَا وَاَتِمَّهَا عَلَيْنَا دحب مس ط در سنن ابی داود و صحیح ابن حبان و مستدرک و معجم کبیر است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی اینست ای بار خدای میان دلهای ما الفت ده و ذات بینهای ما را راست آر و ما را راه سلامت بنما و ما را از ظلمات سوی نور نجات ده و ما را از فواحش ظاهر و باطن دور دار و برای ما در گوشها و چشمهای ما و دلهای ما و زنان و فرزندان ما برکت کن و ما را از شاکران نعمت تو و ثنا گویندگان تو بر نعمت و قابل آن نعمت گردان اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْاَمْرِ وَاَسْاَلُكَ عَزِيمَةَ الرُّشْدِ وَاَسْاَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَاَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ت حب مس ص در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و مستدرک و مصنف ابو بکر است بروایت شداد بن اوس رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی اینست ای بار خدای از تو ثبات در کار دین میخواهم و از تو قصد درست میخواهم و از تو شکر نعمت و حسن عبادت تو میخواهم و از تو زبانی راست گو و دلی سلیم خالی از عقاید فاسده میخواهم و بتو می پناهم از بدی آنچه تو میدانی و از تو نیکی آنچه تو میدانی میخواهم و از تو آمرزش میخواهم از گناهی که تو میدانی بدرستی که تو

و محمد بن حنفیه را بعد از موت پدر در خواب دیدند و از حالت سکرات پرسیدند فرمود من در مسئله مکاتبه متفکر بودم ندانم روح من از بدن چگونه مفارقت یافت

ادب العلم

و محمد بن حنفیه آب پیش خود نهاده بودی و خواب را بآب دفع کردی و این سنت یافته من علیه الصلوة والسلام بوده است چه خواب از جهت حرارت و برودت آب مانع حرارت خواب باشد

ادب العلم

قال صلی الله علیه وسلم من لم یتورع في تعلمه ابتلاه الله تعالى باحد ثلاث اشياء اما ان يميته في حالة الشباب

دانسته عیبها اللهم اغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت وما انت اعلم به منی انت الا اله الا انت **مس** در صحیح مستدرک و مسند امام احمد است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواند معنی گذشت لفظ لا اله الا انت در مسند است اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا وبین معاصیک ومن طاعتک ما تبلغنا به جنتک ومن الیقین ما تهون به علینا مصائب الدنیا ومتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعله الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا غایة رغبتنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا **ت س مس** در سنن ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای نصیب کن ما را از ترس خود آنچه بدان ما را از معاصی و نصیب کن ما را از طاعت خود آنچه بدان ما را ببهشت رسانی و نصیب کن ما را از یقین آنچه بدان بر مصائب دنیا آسان گردانی و ما را بگوش و چشم و قوت ما برخوردار ده مادام که ما را زنده داری و آن برخورداری را از ما باقی گردان بعد ما در خلف ما یا آثار محفوظ گردان تا وقت حاجت ما را کار آید و بگردان کینه و غضب ما بر کسی که بر ما ظلم کرده است یعنی مگردان ما را از کسانی که در طلب قصاص بر ما تعدی کنند و غیر جانی را بگیرند چنانچه در جاهلیت بود یا کینه ما را که قصاص بر ما جانی کن قصاص خود کنیم و ما را بر دشمنان ما نصرت ده و مصیبت ما در دین ما مگردان یعنی ما را مرسان آنچه دین ما را نقصان کند و دنیا را بزرگترین قصد ما مگردان در دین

اشارت است که قصد بر معاش لا بد مستحب است و دنیا را غایت علم و رغبت ما مگردان جز بمعنی که علم و فکر ما جز در دنیا باشد و حکم مکن بر ما کسی را که بر ما رحمت نکند یعنی ما را بعمل ظالمان بگو ظالم را بر ما حاکم مکن که او بر رعیت رحمت نکند و ما را دار عذاب اللهم زدنا ولا تنقصنا واکرمنا ولا تهنا واعطنا ولا تحرمنا وآثرنا ولا تؤثر علینا وارضنا وارض عنا **ت س مص** در سنن ترمذی و نسائی و صحیح است بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای دین ما را زیادت گردان و نقصان مگردان و ما را گرامی ده و خوار مکن و ما را نیکی بده و محروم مگردان و ما را اختیار کن و دیگری را بر ما اختیار مکن و ما را از قضای خود راضی گردان و از ما راضی باش اللهم الهمنی رشدی واعذنی من شر نفسی **ت** در سنن ترمذی است بروایت عمران بن حصین رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم پدر او حصین را رضی الله عنه دعای مذکور آموخت معنی اینست ای بار خدای الهام کن مرا بهترین من و مرا در پناه کن از بدی نفس من اللهم قنی شر نفسی واعزم لی علی رشد امری اللهم اغفر لی ما اسررت وما اعلنت وما اخطأت وما عمدت وما جهلت **مس حب** در صحیح مستدرک و سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت عمران بن حصین رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای مرا از بدی نفس من نگاه دار و مرا بر بهترین کار دین من قاصد گردان ای بار خدای بیامرز گناهی که پنهان کردم و گناهی که بیدا کردم اسئل الله العافیة فی الدنیا والآخرة **ت** در سنن ترمذی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که از خدای تعالی عافیت در دو...

در مفتاح الجنان میگوید آورده اند که مولانا شیخ الاسلام برهان الدین مرغینانی رحمة الله در شب شنبه سیم قعده در سنه ثمان و تسعین و خمسمائة پیغامبر صلی الله علیه وسلم را بخواب دید که می آید و صحابه کرام حضرت ابو بکر و عمر و عثمان و علی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در خدمت پیغامبر صلی الله تعالی علیه وسلم با یکی دستار خورد بسته شیخ الاسلام گفت و سوال کرد که ای پیغامبر خلاف واقعه چیست که دستار خورد بسته متابعت کرده الله و صحابه کرام گفت واقعه از بی صفت پیغامبر صلعم باخته [illegible] چیست که از امت من از دنیا [illegible] علیه شیخ الاسلام از ایشان با ایمان خود عالم گفت شیخ الاسلام افتاد در پای مبارک آدم عالم تا بشنوی [illegible] گفت ... چیست [illegible] ... وصیت بکنم میکنم این دعا ... دعاء بخوان ... شیخ الاسلام ... چون از خواب بیدار شد دعاء بخط بنوشته دید دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسالک بعزتک یا عزیز وبقدرتک یا قدیر وبعظمتک یا عظیم وبحلمک یا حلیم وبمجدک یا مجید وبرحمتک یا رحیم وبعفوک یا عفو وبجودک یا جواد ... یا حی ... یا منان ان تحفظ ایماننا ... علی الایمان ... والله ... کل ... حفظ الایمان ...

و آخرت میخواهم در مشکوة است بروایت ابو بکر صدیق رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم بر منبر ایستاد پس بگریست و فرمود از خدای تعالی عفو و عافیت بخواهید که
بعد یقین بهتر از عافیت نیست شارح گوید گریه او صلی الله علیه وسلم از ین بود که بمعجزه
دانست که آفات من در فتن و غلبه شود و حرص جمع مال و جاه خواهد افتاد پس امر کرد
بدین النبی بسوی خدای تعالی کنند و عفو و عافیت از و خواهند اللهم انی اسألک
فعل الخیرات و ترک المنکرات و حب المساکین وان تغفر لی و ترحمنی و اذا
اردت فتنة فتوفنی غیر مفتون و اسألک حبک و حب من یحبک
و حب عمل یقربنی الی حبک ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت معاذ
بن جبل رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی الهی بار خدایا
از تو فعل نیکیها و ترک بدیها و حب مساکین و آمرزش و رحمت تو میخواهم و چون خواهی که
قومی را در فتنه اندازی یعنی گمراه سازی پس مرا اعراض فتنه زده یعنی غیر گمراه شده
متوفی کن و از تو میخواهم حب تو و حب کسی که ترا دوست دارد و حب عملی که مرا بسوی
حب تو نزدیک گرداند اللهم انی اسألک حبک و حب من یحبک و العمل الذی
یبلغنی حبک اللهم اجعل حبک احب الی من نفسی و اهلی و من الماء البارد
ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک است بروایت ابو الدردا رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی یعنی الهی بار خدایا دوستی
خود را سوی من از نفس و اهل و از آب سرد دوست تر گردان باقی معنی گذشت اللهم
ارزقنی حبک و حب من ینفعنی حبه عندک اللهم فما رزقتنی مما احب فاجعله
قوة لی فیما تحب ت در سنن ترمذی است بروایت عبد الله بن یزید رضی الله

فراغا لی فیما تحب اللهم و ما زویت
عنی مما احب فاجعله ۲

عنه

عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی یعنی الهی بار خدایا آنچه
مرا روزی کردی از آنچه من دوست میدارم پس آن را قوت من بگردان در دوستی
آنچه تو آن را دوست میداری ای بار خدای آنچه از من دور داشتی از آنچه دوست
میدارم از دنیا پس آن دوری را عوض من گردان آنچه تو دوست میداری اللهم
متعنی بسمعی و بصری و اجعلهما الوارث منی و انصرنی علی من ظلمنی و خذ منه
ثاری ت مس در سنن ترمذی و صحیح مستدرک و مسند بزار است بروایت ابو هریره
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی آن گذشت
یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک ت س مس ا مص در سنن ترمذی
و مسند امام احمد است بروایت ام سلمه رضی الله عنها و در سنن نسائی است
بروایت انس و عائشة رضی الله عنهما و در صحیح مستدرک و مصنف ابو بکر است بروایت
جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی الهی ای گرداننده
دلها دل مرا بر دین خود ثابت دار اللهم انی اسألک ایمانا لا یرتد و نعیما
لا ینفد و مرافقة نبینا محمد صلی الله علیه وسلم فی اعلی درجة الجنة جنة
الخلد ح حب مس در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است بروایت ابن
مسعود رضی الله عنه که دعاء مذکور خواند معنی الهی بار خدای بدرستی که از تو میخواهم
ایمانی که باز نگردد و نعمتی میخواهم که سپری نشود و صحبت پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم
در اعلی بهشت جاودان میخواهم اللهم انی اسألک صحة فی ایمان و ایمانا
فی حسن خلق و نجاحا تتبعه فلاحا و رحمة منک و عافیة و مغفرة و رضوانا س مس
در سنن نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول

مرا روزی کن دوستی خود و دوستی کسی که
مرا سود کند دوستی او نزد تو ای بار خدایا ۲

در تذکره میگوید رابعه بصری را
رضی الله عنه گفتند چرا شوهر
نکنی در غم سه چیزی مانده ام اگر
مرا از آن بیغم کنید شوهر کنم
اول در وقت مرگ ایمان بسلامت
برم یا نه دوم آنکه بقیامت
نامه من بدست راست دهند یا نه
سوم آنکه در آن ساعت که جماعتی
را بسوی دست راست ببهشت
برند و جماعتی را بسوی دست
چپ بدوزخ من از کدام جماعت
باشم حفظ الایمان دزدان غوایل

در مفتاح الجنان است در دفع خیانت
یا که بعد از نماز دیگر دوازده بار
سورة اخلاص بخواند او
بوقت نزع البته با ایمان رود
حفظ الایمان

در صیغ الفقها نقل از اد بعنی میکند که
در وقت خفتن قل یا ایها الکافرون
بخواند از دنیا با ایمان رود و چون
معوذتین یعنی بخواند از شر حشرات
ایمنی حفظ الایمان والله اعلم

و اما اگر علم نجوم تعلم مقداری کند که
بدان قبله بشناسد و اوقات معلوم
کند پس این قدر دانستن علم نجوم
جایز است و اما تعلیم علم طب جایز است
زیرا که علم طب یکی تک سبب است
از سببها پس جایز باشد بیچون
سببهای دیگر ادب القاضی

امام ابو حنیفه میفرماید
عظموا اعمامکم و وسعوا
الکمامکم ادب العلماء
استغفر ادا ب ابو

صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای بر سستی از
تو صحت در ایمان میخواهم و ایمان در حسن خلق میخواهم و میخواهم نجاتی را که پس روی
را رستگاری گردانی و میخواهم از تو رحمت و عافیت و مغفرت و رضوان اللّهم
انفعنی بما علّمتنی وعلّمنی ما ینفعنی وارزقنی علماً ینفعنی س مس
در سنن نسائی و صحیح مستدرک است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای مرا نفع رسان بچیز
که مرا تعلیم کردی و مرا تعلیم کن آنچه مرا سود کند و روزی کن مرا علمی که بدان مرا نفع
رسانی اللّهم انفعنی بما علّمتنی وعلّمنی ما ینفعنی وزدنی علماً الحمد لله
علی کل حال واعوذ بالله من حال اهل النار ت ق مص در سنن
ترمذی و ابن ماجه و مصنف ابو بکر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه
که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی اینست ای پروردگار علم
مرا زیادت کن حمد خدای تعالی راست بر هر حال و بخدای تعالی می پناهم از حال اهل
دوزخ اللّهم بعلمک الغیب وقدرتک علی الخلق احینی ما علمت الحیوة
خیراً لی وتوفنی اذا علمت الوفاة خیراً لی واسألک خشیتک
فی الغیب والشهادة وکلمة الاخلاص فی الرضا والغضب واسألک
نعیماً لا ینفد وقرة عین لا تنقطع واسألک الرضا بالقضاء وبرد
العیش بعد الموت ولذة النظر الی وجهک والشوق الی لقائک
واعوذ بک من ضراء مضرة وفتنة مضلة اللّهم زیّنا بزینة الایمان
واجعلنا هداة مهتدین س مس ط در سنن نسائی و صحیح مستدرک

و مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت عمار رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای بحق علم تو که بغیب است و بحق قدرت تو که
بر خلق است مرا زنده دار مادام که حیوة برای من بهتر دانی و مرا متوفی کن چون مرگ
برای من بهتر دانی و از تو در سر و جهر خوف تو میخواهم و از تو در رضا و غضب
کلمه اخلاص میخواهم و از تو نعمتی میخواهم که سپری نشود و از تو روشنائی چشم میخواهم
که منقطع نگردد و مراد از قرة العین فرزند صالح است کما هب لنا من ازواجنا
و ذریاتنا قرة اعین دلیل بر نفی با مداومت بر نماز است وجعلت قرة
عینی فی الصلوة شاهد اینست و از تو رضا بقضا تو میخواهم و لذت نظر سوی
ذات تو میخواهم و شوق سوی لقای تو میخواهم و تقیید بلذت ازانست که در
عرصات نظر بسته و جلال است در نظر لطف جمال است و بتو می پناهم از سختی
که مضر باشد که صبر بران ممکن نگردد و بتو می پناهم از فتنه که گمراه سازد ای بار خدا
بزینت ایمان ما را آراسته گردان و ما را راه نماینده و راه یابنده گردان اللّهم انی
اسألک من الخیر کله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بک
من الشر کله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم اعلم اللّهم انی اسألک من
خیر ما سألک عبدک ونبیک واعوذ بک من شر ما عاذ بک عبدک
ونبیک اللّهم انی اسألک الجنة وما قرّب الیها من قول او عمل واعوذ
بک من النار وما قرّب الیها من قول او عمل واسألک ان تجعل
کل قضاء قضیته لی خیراً ق حب مس در سنن ابن ماجه و صحیح ابن حبان و مستدرک است
بروایت عایشه رضی الله عنها که دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای از تو

ابراهیم ادهم رضی الله عنه وصیت
کرد که چون با ابناء دنیا باز
گردی باید که چهار نصیحت
ایشان را بکنی یکی آنکه بسیار
خوردن لذت عبادة نیابد دوم
آنکه بسیار خسپد در
عمر برکت نیابد سوم آنکه
در رضای مردمان طلب کند
رضای خدای تعالی نیابد چهارم آنکه
بسیار سخن گوید که سخن
از دنیا بود بدین بسیار لا یعنی و غیبت
حفظ الایمان ...

میخواهم همه نیکی شتابنده و آهسته و آنچه میدانم و آنچه نمیدانم و بتو می پناهم از همه بدی
شتابنده و آهسته آنچه میدانم و آنچه نمیدانم ای بار خدای از تو میخواهم نیکی آنچه بنده
و پیغامبر تو خواسته است و بتو می پناهم از بدی آنچه بنده و پیغمبر تو پناه جسته است ای بار خدا
میخواهم از تو بهشت و قول و عملی که بسوی بهشت نزدیک کرداند و از تو میخواهم آنکه
هر قضای برای من نیک کردانی وَأَسْأَلُكَ مَا قَضَيْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ أَنْ تَجْعَلَ عَاقِبَتَهُ
رُشْدًا مس در صحیح مستدرک است که این دعا را با سابق لاحق کند یعنی ای نیست و از تو میخواهم
آنکه آخر کار هدایت کردانی در قضای کاری که برای من کنی اللَّهُمَّ أَحْسِنْ
عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ حب
در صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت بسر بن ارطاة رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور خواندی معنی ایست ای بار خدای عاقبت
ما در همه کارها نیک کردان و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت امان ده اللَّهُمَّ
احْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَائِمًا وَاحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَاعِدًا وَاحْفَظْنِي
بِالْإِسْلَامِ رَاقِدًا وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ مس حب در صحیح مستدرک است بروایت ابن مسعود
رضی الله عنه و در صحیح ابن حبان است بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم دعای مذکور خواندی معنی ایست ای بار خدای مرا در حالت قیام و قعود و خواب
باسلام نگاه دار و دشمن و حاسد را بمن خوش مکردان و از تو میخواهم همه نیکی که آن
بید قدرت تست اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي هُوَ بِيَدِكَ كُلِّهِ حب در صحیح ابن حبان است بروایت

عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی ایست ای بار خدای
بتو می پناهم از بدی آنچه بسوی پیشانی او در قبض تست و میخواهم از تو همه نیکی که بید قدرت تست
اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ
إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ مس ط در صحیح مستدرک
و معجم کبیر است بروایت عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور
خواندی معنی که شت اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا
دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ طط در معجم کبیر و کتاب دعای طبرانی است بروایت انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی که شت
اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى ذِكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ مس در صحیح مستدرک و مسند امام احمد است
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی
معنی که شت اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ در مسند بزار است بروایت
ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی
که شت اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَاخْلُفْ عَلَى كُلِّ غَائِبَةٍ لِي بِخَيْرٍ مس
در صحیح مستدرک است بروایت ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم
دعای مذکور خواندی معنی که شت اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَةً
سَوِيَّةً وَمَرَدًّا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ مس در صحیح مستدرک است بروایت عبد الله
بن ابی اوفی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی
معنی ایست ای بار خدای از تو میخواهم زندگانی پاک از ترک و گناه و مرگی راست

الغرائم جمع غریمة وهی خصلة التی
یعزم بها الرجل و یقصد ها عن
قصر العبث لا لحد فی اسألك الخصال التی
تحصل مغفرتک بسببها

اگر عالمی یا مفتی یا قاضی او را شنود ای اهل بدعت
دگو [illegible] اگر روایت تا چه پشیمان
میکند [illegible] ما [illegible] میکنم و این رسم را
خوشی میدارد و از خدا بیگانه
ترسد و باک نه دارد کافر شود
و دین خود را خراب کرده باشد
و ایمان از وی رفته باشد و ورا
خبر نباشد نعوذ بالله منها خدای
تعالی همه را توفیق دهد تا براه راست
روند

تنعنی

حفظ الایمان
من عینه
التصبح والتفضیح
والتفضیح رسوا شده

العیشة
زندگانی

وبازگشتن که بغیر رسول وصحبت کننده بت اللهم ضعیف فقوّی رضاک ضعفی
وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل الاسلام منتهی رضای اللهم انی ضعیف فقوّنی
وانی ذلیل فاعزّنی وانی فقیر فارزقنی مص مس در مصنف ابوبکر است وصحیح
مستدرک است بروایت بریده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور
خواندی معنی اینست ای بار خدای من ضعیفم پس مرا در رضای خود قوی گردان
وموی پیشانی مرا گرفته مرا سوی خیر برسان واسلام را نهایت رضای من گردان
ای بار خدای من ضعیفم پس مرا قوی کن ومن خوارم مرا عزیز کن ومن فقیرم مرا دولتمند
یعنی مرا غنی گردان اللهم انت الاول فلا شیء قبلک وانت الآخر فلا شیء بعدک
اعوذ بک من کل دابة ناصیتها بیدک واعوذ بک من الاثم والکسل و
عذاب القبر وفتنته واعوذ بک من الاثم والمغرم اللهم نقنی من خطایای
کما نقیت الثوب الابیض من الدنس اللهم باعد بینی وبین خطایای کما باعدت بین
المشرق والمغرب هذا ما سأل محمد ربه مس ط طس در صحیح مستدرک ومعجم اوسط
است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور
خواندی معنی کلمات اللهم انی اسألک خیر المسألة وخیر الدعاء وخیر النجاح و
خیر العمل وخیر الثواب وخیر الحیوة وخیر الممات وثبتنی علی الاسلام وثقل
موازینی وحقق ایمانی وارفع درجتی وتقبل صلواتی واغفر خطیئتی
واسألک الدرجات العلی من الجنة آمین اللهم انی اسألک فواتح الخیر
وخواتمه وجوامعه واوله وآخره وظاهره وباطنه والدرجات العلی
من الجنة آمین اللهم انی اسألک خیر ما آتی وخیر ما افعل وخیر ما اعمل

وخیر ما بطن

وخیر ما بطن وخیر ما ظهر والدرجات العلی من الجنة آمین اللهم انی اسألک
ان ترفع ذکری وتضع وزری وتصلح امری وتطهر قلبی وتحصن
فرجی وتنور قلبی وتغفر لی ذنبی واسألک الدرجات العلی من الجنة
اللهم انی اسألک ان تبارک لی فی سمعی وفی بصری وفی روحی وفی خلقی
وفی خُلقی وفی اهلی وفی محیای وفی مماتی وفی عملی وتقبل حسناتی واسألک
الدرجات العلی من الجنة آمین مس ط طس در صحیح مستدرک ومعجم کبیر واوسط
است بروایت ام سلمه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی
معنی اینست ای بار خدای از تو میخواهم نیک سؤال ونیک دعا ونیک رستگاری ونیک
عمل ونیک ثواب ونیک زندگانی ونیک مرگ ومرا بر اسلام ثابت دار وترازوی
نیکی مرا گران گردان وایمان مرا راست واستوار کن ودرجه مرا بردار ونماز مرا قبول
کن ای بار خدای از تو میخواهم اول وآخر نیکی ظاهر وباطن نیکی ودرجهای بلند
از بهشت این دعا مرا قبول کن ای بار خدای از تو میخواهم بهترین آنچه بیارم
وبهترین آنچه بکنم وبهترین ظاهر وباطن ودرجهای بلند از بهشت این دعا مرا
قبول کن ای بار خدای از تو میخواهم آنکه ذکر من برداری وبار گناه من فرو نهی وکار من
راست آری ودل مرا پاک سازی وفرج مرا نگاه داری ودل مرا روشن کنی وگناه
مرا بیامرزی ومیخواهم از تو درجهای بلند از بهشت این دعا مرا قبول کن ای
بار خدای از تو میخواهم آنکه مرا در گوش من وچشم من وروح من وخلق من
وخُلق من واهل من وزندگانی من ومرگ من وعمل من برکت دهی وحسنات مرا
قبول کنی واز تو میخواهم درجهای بلند از بهشت این دعای مرا قبول کن

لقوله علیه السلام حب الدنیا راس
کل خطیئة لقوله علیه السلام
الدنیا سجن المؤمنین وجنة
الکافرین صدق یا رسول الله

گردان وگناه مرا بیامرزی ومیخواهم
از تو درجهای بلند از بهشت این دعا مرا قبول کن ۲

سالک را باید که چهار موت را بر خود
لازم کند تا بمرتبه فقر برسد
اول موت ابیض که گرسنگی است
و موت اسود که جفا کردن است
بر ابناء آدم
مخالفت نفس است وموت احمر که
اخضر که از پوشش نو بکنه
قناعت نمودن است علا
مت ما یبد قبول یافته
آنست که چون با مردم
بیگانه افتد چنان نماید که
ماغ در قفص وایسا در زندان
این منقول عبد الله بن کرم

اللّهم اجعل اوسع رزقك علىّ عند كبر سنّى وانقطاع عمرى **حس طس**

در صحیح مستدرک و معجم اوسط است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی یعنی الهی فراخ‌ترین روزی را نزد پیری وانقطاع عمر روزی فرما

اللّهم اغفر لی ذنوبی وخطایای وعمدی **حب**

در صحیح ابن حبان است که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی گذشت

یا من لا تراه العیون ولا تخالطه الظنون ولا یصفه الواصفون ولا تغیّره الحوادث ولا یخشی الدوائر یعلم مثاقیل الجبال ومکاییل البحار وعدد قطر الامطار وعدد ورق الاشجار وعدد ما اظلم علیه اللیل واشرق علیه النهار ولا تواری منه سماء سماءً ولا ارض ارضاً ولا بحر ما فی قعره ولا جبل ما فی وعره اجعل خیر عمری آخره وخیر عملی خواتمه وخیر ایامی یوم القاک فیه **طس**

در معجم اوسط است که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی یعنی الهی کسی که او را چشمها نه بینند و گوشها نرسد ادراک او نتوانند وصفهای صفت او نتوانند و او را حوادث دهر متغیر نکند و او از بلاها و سختیها نترسد و وزن کوهها و پیمانه آب دریاها و شمار قطرهای باران و برگهای درختان و شمار آنچه شب بروتاریکی کند و روز بر او روشنایی کند میداند و آسمان آسمانی دیگر را و زمین زمینی دیگر را و دریا آنچه در قعر اوست و کوه آنچه در بلند و نشیب اوست از او پوشیده نیست آخر عمر من و خواتیم اعمال من نیک گردان و بهترین روز مرا روزی که ملاقات حضرت تو کنم یاد الهی الا

واهله تبتغی به حتّی القاک **ط**

در معجم کبیر است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله

علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی تحیت ای خدای جز تو و بشریت اسلام وعلیکم و خیرها باسلام ثابت دار تا که ملاقات حضرت تو کنم

اللّهم انی اسئلک الرضا بالقضاء وبرد العیش بعد الموت ولذّة النظر الی وجهک والشوق الی لقائک فی غیر ضرّاء مضرّة ولا فتنة مضلّة **ط طس**

در معجم کبیر و اوسط است بروایت فضاله رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی گذشت

اللّهم احسن عاقبتنا فی الامور کلها واجرنا من خزی الدنیا وعذاب الآخرة **ا ط**

در مسند امام احمد و معجم کبیر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی الهی بار خدای انکو عاقبت خود و غنا او دست خود ببخواهم

اللّهم انی اسئلک عیشةً تقیّةً ومیتةً سویّةً ومردّاً غیر مخزٍ ولا فاضح **ط**

در معجم کبیر است بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی گذشت

اللّهم بارک لی فی دینی الذی هو عصمة امری وفی آخرتی التی الیها مصیری وفی دنیای التی فیها بلاغی واجعل الحیوة زیادةً لی فی کل خیر واجعل الموت راحةً لی من کل شرّ **ر**

در مسند بزار است بروایت ... رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی گذشت بلاغ یعنی کفایت

اللّهم اجعلنی صبوراً واجعلنی شکوراً واجعلنی فی عینی صغیراً وفی اعین الناس کبیراً **ر**

در مسند بزار است بروایت بریده رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی الهی بار خدای مرا بر محنت شکیبا گردان و بر نعمت شاکر گردان و مرا در چشم من خرد و در چشم مردمان بزرگ گردان

اللّهم انی

سوال اگر دعی نماز میکذارد و در نماز آه کند و آن کفتن آه او را چاره نیست نماز تباه شود یا نه جواب نه در مجموعه خانی گفته است

سوال اگر به آواز بلند نماز تباه کند یا آهسته جواب به آواز بلند نماز را تباه کند الی عدة الاسلام وقت غیب الصلوة است شاح نماز فراخی

اللّهم اغفر لی وارحمنی وادخلنی الجنة **ط**

در معجم کبیر است که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی یعنی گذشت ص

سوال اگر مردی در نماز خطا فاحش خواند پس باز گشت و صحیح خواند درست باشد یا نه جواب بگو باشد این در صلوة ماچینی است

و اگر در خواب خندد نماز تباه شود و آینه است نشود در نوادر الفتاوی است

سوال اگر مردی در نماز روی از قبله گردانید و باز همان ساعت روی جانب قبله آورد نماز شکسته شود یا نه جواب ...

أسألك الطيبات وفعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تتوب علي وإن أردت بعبادك فتنة أن تقبضني إليك غير مفتون طس در مسند بزار است بروايت ثوبان رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى گذشت اللهم إني أسألك علماً نافعاً وأعوذ بك من علم لا ينفع طاطس در معجم كبير است بروايت عائشه رضي الله عنها ودر معجم اوسط بروايت جابر رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى گذشت اللهم إني أسألك نافعاً وعملاً متقبلاً طس در معجم اوسط بروايت جابر رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى ظاهر است اللهم صلح في أعيننا بركتها وزينتها وسكنها طس در معجم اوسط است بروايت حمزه رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى ادعيه استسقا گذشت اللهم إني أسألك بأنك الأول فلا شيء قبلك والآخر فلا شيء بعدك والظاهر فلا شيء فوقك والباطن فلا شيء دونك أن تقضي عنا الدين وأن تغنينا من الفقر مص در مصنف ابو بكر است بروايت ابو هريره رضي الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى گذشت اللهم إني أستهديك لأرشد أمري وأعوذ بك من شر نفسي حب در صحيح ابن حبان است كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى ابيت اعبار خداى از تو راه راست ميخواهم از جهت كار من و بتو پناه ميبرم از شر نفس خود اللهم إني أستغفرك لذنبي وأستهديك لمراشد أمري وأتوب إليك فتب علي إنك أنت ربي اللهم

فاجعل

فاجعل غنيمتي إليك واجعل غناي في صدري وبارك لي فيما رزقتني وتقبل مني إنك أنت ربي مص در مصنف ابو بكر است كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى ابيت اى بار خداى بى آمرزش گناهان خود از تو ميخواهم وراه راست از جهت هدايت كار خود ميطلبم و سوى تو توبه ميكنم پس توبه مرا قبول كن بدرستى كه توئى پروردگار من اى بار خداى رغبت من سوى رحمت خود گردان و غناء من در سينه من گردان و آنچه مرا روزى كردى بركت كن و اين دعا از من قبول كن بدرستى كه توئى پروردگار من يا من أظهر الجميل وستر على القبيح يا من لا يؤاخذ بالجريرة ولا يهتك الستر يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئ النعم قبل استحقاقها يا ربنا وسيدنا ومولانا يا غاية رغبتاه أسألك يا الله أن لا تشوي خلقي بالنار مس در صحيح مستدرك است كه رسول صلى الله عليه وسلم دعاى مذكور خواندى يعنى ابيت اى كسى كه نيكى را اظهار كردى وبدى را پوشيدى اى كسى كه بگناه بگير دو پرده ندرد اى نيك عفو كننده را نهايت اى فراخ مغفرت اى گشاينده رحمت اى صاحب هر اهل راز اى نهايت هر شكايت اى كريم عفو اى عظيم عطا اى آغاز كننده نعمتها پيش از استحقاق اى پروردگار ما واى خداوند كار ما واى ياور ما و اى نهايت رغبت از تو ميخواهم اى خداوند ما آنكه خلقت مرا باتش بر يان مكن ثم تقول اللهم فلك الحمد بحظم حلمك ... فلك الحمد الى بسطت يدك فأعطيت فلك الحمد

قود سبحان ربي العظيم گفتنی سوال اگر مهدي را ... حروف ظا بنا يد وعظيم را بذال و يا زاء يا بضاء گويد جواب چه فرمايند جواب نماز او تباه شود زيرا كه معنى متغير ميشود بايد كه سبحان ربي الملك العظيم گويد يا سبحان ربي الأعلى گويد روا بود از كتب ... شرح نماز

يا عظيم العفو

سمع الله لمن حمده بجزم گويد يا حمده ... گويد جواب بجزم گويد مجموع سلطاني

سوال سمع الله لمن حمده اگر بغير ها گويد جواب چه فرمايند جواب نماز شي فاسد شود در عمدة مسعودي آورده است سوال اگر در سجده آن قدر كرده كه سبحان ربي الأعلى گفته جواب روا باشد بر قول امام اعظم و محمد و بقول امام شافعي عليه نماز شي تباه شود اين مجموع سلطاني آورده است

روي ميان دو كف نهادن اگر ... دستها مقابل زانو نهاد نماز مكروه شود ... دلت و پاي ... ديگر انگشتان ... قبله كردن ... سوي قبله نكند نماز مكروه شود نماز شي ... ديگر سبحان ربي الأعلى سه بار ... گفتني اگر ... مكروه شود ... نماز او ...

ربنا وجهک اکرم الوجوه وجاهک اعظم الجاه وعطیتک افضل العطیة واهنأها تطاع ربنا فتشکر وتعصی ربنا فتغفر وتجیب المضطر وتکشف الضر وتشفی السقیم وتغفر الذنب وتقبل التوبة ولا تجزی بآلائک احد ولا یبلغ مدحتک قول قائل **ص مو مس** در مسند ابو یعلی موصلی ومصنف ابو بکر است بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی لیکن در مصنف موقوف است معنی اینست ای پروردگار نور تو کامل است پس راه راست نمودی مر ترا حمد است حلم تو بزرگ است پس عفو کردی مر ترا حمد است جود تو فراخ است پس عطا کردی مر ترا است حمد ای پروردگار ذات تو کریم ترین ذاتهاست وجاه تو بزرگترین جاه است وعطاء تو فاضل وگوارا ترین عطاهاست ای پروردگار اطاعت تو کنند پس ثواب میدهی وبی فرمانی تو میکنند پس می آمرزی ودرمانده را اجابت میکنی پس سختی او را دور میکنی وبیمار را شفا میدهی وگناهان را می آمرزی وتوبه قبول میکنی ونیکیها ونعمتهای ترا هیچ یکی جزا نمیدهد وقول هیچ قایلی بثنای تو نمیرسد اللهم انی اسألک من فضلک ورحمتک فانه لا یملکها الا انت **ط** در معجم کبیر است که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای فضل ورحمت ترا میخواهم که مر آنرا جز تو مالک نیست اللهم اغفر لی ما اخطأت وما تعمدت وما اسررت وما اعلنت وما جهلت وما علمت **ارط** در مسند امام احمد وبزار ومعجم کبیر است بروایت عمران بن حصین رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی

اینست اللهم اغفر لنا ذنوبنا وظلمنا وهزلنا وجدنا وخطأنا وعمدنا وکل ذلک عندنا **اط** در مسند امام احمد ومعجم کبیر است بروایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه وسلم دعای مذکور خواندی معنی بگذر اللهم اغفر لی خطایای وعمدی وهزلی وجدی اللهم لا تحرمنی برکة ما اعطیتنی ولا تفتنی فیما احرمتنی **طس** در معجم اوسط است بروایت ابی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای مرا محروم مکن از برکت آنچه دادی ومرا فتنه مساز در آنچه مرا محروم کردی دیگر معنی گذشت اللهم احسنت خلقی فاحسن خلقی **اص** در مسند امام احمد وابو یعلی است بروایت ام سلمة رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی گذشت رب اغفر وارحم واهدنی السبیل الاقوم **اص** در مسند امام احمد وابو یعلی است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعاء مذکور خواندی معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار مرا بیامرز وبر من رحمت کن ومرا راه راست ونما اسئلوا ربنا الله العفو والعافیة فان احدا لم یعط بعد الیقین خیرا من العافیة **ت س ق حب** در سنن ترمذی ونسائی وابن ماجه وصحیح ابن حبان ومستدرک است بروایت ابو بکر صدیق رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم حدیث مذکور بر منبر فرمود معنی گذشت یا رسول الله علمنی شیئا ادعو الله به فقال سل ربک العافیة فمکثت ایاما ثم جئت فقلت یا رسول الله علمنی شیئا اسأله ربی عز وجل

سوال پاکی تا چه معنی دارد جواب در شرح المجالس میگوید ... ضو باشد وضو سازد واگر جنب باشد تمام تن بشوید ... [illegible]

وبعضی نزدیک حرام اند و اما صحیح آنست که مکروه نه حلال ونه مکروه

فقال یا عم سل الله العافیة فی الدنیا والآخرة ط در معجم کبیر است بروایت
ابن عباس رضی الله عنه که گفتم ای رسول خدای مرا چیزی بیاموز که خدای عز وجل را
بدان بخوانم فرمود از خدای تعالی عافیت بخواه من چند روزی درنگ کردم پس
باز آمدم و گفتم ای رسول خدای مرا چیزی بیاموز که خدای تعالی را بدان بخوانم
فرمود ای او در از خدای تعالی عافیت دنیا و آخرت بخواه یا عم اکثر الدعاء
بالعافیة ط در معجم کبیر است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول
صلی الله علیه وسلم عباس را رضی الله عنه فرمود ای و در دعا بخواه عافیت بسیار
ما سأل الله العباد شیئا افضل من ان یغفر لهم ویعافیهم ط در مسند بزار
است بروایت ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
نخواسته اند بندگان از خدای تعالی چیزی بهتر از آمرزش و عافیت یا رسول الله
الا تعلمنی دعوة ادعوا بها لنفسی قال بلی قولی اللهم رب النبی
محمد اغفر لی ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من مضلات
الفتن ما احییتنا ا در مسند امام احمد است بروایت ام سلمه رضی الله عنها
که گفتم ای رسول خدا او که بیاموزی مرا دعای که بران نفس خود دعا کنم
فرمود آری بیاموزم این دعای مذکور بخوان یعنی ای بار خدای
پروردگار محمد پیغامبر گناه من بیامرز و خشم دل من ببر و نگاه دار مرا از
از فتنهای گمراه سازنده امان ده لا یقولن احدکم اللهم لقنی حجتی فان
الکافر یلقن حجته ولکن یقول اللهم لقنی حجة الایمان عند الممات ط در معجم اوسط است
بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که نگوید یکی

از شما ای بار خدای مرا حجت من بیاموز زیرا که کافر را حجت او تعلیم میکنند
ولیکن بگوید ای بار خدای مرا حجت ایمان نزد موت تعلیم کن فی فضل الصلوة
والسلام علی النبی علیه افضل الصلوة والسلام من فضل درود و سلام
بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم ما جلس قوم مجلسا لم یذکروا الله فیه ولم یصلوا
علی نبیهم الا کان علیهم حسرة یوم القیمة وان دخلوا الجنة للثواب حب
دت مس در صحیح ابن حبان و مسند امام احمد و سنن ابی داود و ترمذی
و نسائی و صحیح مستدرک است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرموده نشسته اند قومی در مجلسی که دران ذکر خدای تعالی نکرده اند
و بر پیغامبر خود درود نگفته اند مگر که آن مجلس بی ذکر و درود ندامت از
فوت ثواب افسوس بر ایشان باشد اگرچه در بهشت در آیند اکثروا علی
من الصلوة یوم الجمعة فان صلوتکم معروضة علی دس ق حب
در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است بروایت اوس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود در روز جمعه بر من درود بسیار
گویید که درود شما روز جمعه بر من پیش کرده میشود لیس یصلی علی احد
یوم الجمعة الا عرضت علی صلوته مس در صحیح مستدرک است بروایت ابو مسعود
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود درود نمیشود یکی از شما
بر من روز جمعه مگر که درود بر من عرض شود ما من احد یسلم علی الا رد
الله علی روحی اردد علیه السلام د در سنن ابی داود است بروایت
ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یکی از شما

فی فضل الصلوة علی النبی

سوال موی لب گرفتن حلق کند یا ق[illegible]
جواب در نصاب الفقه آورده است که
شارب مکروه است وهو الاصح سوال
چه مقدار شارب تا کجا است جواب
شارب حاجب است یعنی برابر ابرو و
مراد آنست باید که یکی از آن ابروت [illegible]
بیش برابر گردد و این در ترغیب
الصلوة و در تحفه آورده است
بیت سلت [illegible] چون ابرو آن با
پست کن ای جان حلق در وجان [illegible]
بعد نزد یک علما معتبر سوال
موی لب مرده پست کنی یا نه
جواب فی سوال ناخن به دندان
و یا نگارد بریدن شاید یا نه
جواب نشاید که صحیح فقه است و
در ترغیب الصلوة نقل فتاوای [illegible]
آورده است که بریدن ناخن [illegible]
کردن ابروت روز جمعه بیش [illegible]
نماز جمعه مکروه است و [illegible]
ترغیب الصلوة میگوید که [illegible]
از نماز جمعه بریدن ناخن [illegible]
کردن ابروت ثواب بسیار [illegible]
چنانکه در شمار نیاید [illegible]
جواب فی [illegible]

برمن سلام نگوید که خدای تعالی روح مرا باز گرداند تا من جواب سلام او گویم
اَوْلَی النَّاسِ بِیْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اَکْثَرُهُمْ عَلَیَّ صَلوٰةً ت حب در سنن ترمذی
وصحیح ابن حبان است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود دوست ترین مردمان برمن روز قیامت کسی است که برمن درود
بسیار گفته است اَلْبَخِیْلُ مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ ت س حب مس
در سنن ترمذی ونسائی است بروایت علی رضی الله عنه ودر صحیح ابن حبان
ومستدرک است بروایت حسین رضی الله که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بخیل کسی است که ذکر من نزد او شود و او برمن درود نگوید اَکْثِرُوا الصَّلوٰةَ
عَلَیَّ فَاِنَّهَا ذَکٰوةٌ لَّکُمْ ص در مسند ابو یعلی است بروایت ابو هریره رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود درود برمن بسیار گوئید که آن زکوة شما است
پاکی از گناهان رَغِمَ اَنْفُ رَجُلٍ ذُکِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ ت حب د ط
در سنن ترمذی است وصحیح ابن حبان ومسند بزار است بروایت ابو هریره رضی الله
عنه ودر معجم کبیر است بروایت کعب ابن عجره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر من نزد او شود پس او درود برمن نگوید
مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهٗ فَلْیُصَلِّ عَلَیَّ س طس ص ی در سنن نسائی ومعجم
اوسط ومسند ابو یعلی وکتاب عمل الیوم واللیل ابن سنی است بروایت انس
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که نزد هر که ذکر من شود پس
درود برمن گوید فَاِنَّهٗ مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ وَاحِدَةً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ عَشْرًا ی
در کتاب عمل الیوم واللیل است که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که برمن یکبار

درود گوید

درود گوید خدای تعالی بر وی ده درود گوید یعنی ذکر او آنگه فَلْیُصَلِّ عَلَیَّ ص در مسند
ابو یعلی است بروایت انس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که
ذکر من کند پیش او که درود برمن گوید اِنَّ لِلّٰهِ مَلٰٓئِکَةً سَیَّاحِیْنَ یُبَلِّغُوْنِیْ
عَنْ اُمَّتِی السَّلَامَ س حب مس در سنن نسائی وابن حبان ومستدرک است
بروایت ابو مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدای تعالی
فرشتگان اند که در زمین میگردند از امت من مرا سلام میرسانند اَتَانِیْ جِبْرِیْلُ
فَبَشَّرَنِیْ فَقَالَ اِنَّ رَبَّکَ یَقُوْلُ مَنْ صَلّٰی عَلَیْکَ صَلَّیْتُ عَلَیْهِ وَمَنْ سَلَّمَ عَلَیْکَ
سَلَّمْتُ عَلَیْهِ فَسَجَدْتُ لِلّٰهِ شُکْرًا مس در صحیح مستدرک ومسند امام احمد است
بروایت صحیح از ابن عوف رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
جبرئیل علیه السلام مرا ملاقات کردم پس مرا بشارت داد وگفت پروردگار
تو میفرماید که هر که برتو درود گوید من بر وی درود گویم وهر که برتو سلام گوید من بر وی سلام گویم
پس سجده شکر برای خدای تعالی کردم یَا رَسُوْلَ اللهِ اَنِّیْ جَعَلْتُ لَکَ صَلوٰتِیْ
کُلَّهَا قَالَ اِذًا یَکْفِیْ هَمَّکَ وَیَغْفِرُ ذَنْبَکَ الْحَدِیْثَ ت مس حم در سنن
ترمذی وصحیح مستدرک ومسند امام احمد است بروایت ابی ابن کعب رضی الله عنه
که گفتم ای رسول خدای همه درود خود برای تو داده ام یعنی دعای که برای خود
میکردم بدل آن درود برتو میگویم رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اکنون بسنده
کرده شد همه کار دین ودنیا که ترا در اندیشه آرد ولکن گناهان تو آمرزیده شود زیرا که
یکبار درود برمن گوید خدای تعالی ده درود بر وی گوید چون او درود گوید
بروی خدای تعالی ده درود بر روی فرشتگان درآید که اِنَّ اللهَ وَمَلٰٓئِکَتَهٗ

مسواک دادن چگونه است جواب در صلوة
ما چینی آورده است طولا وعرضا در
حالت آب در دهن کردن تا اگر کسی
از آب در دهن مسواک کند محفوظ
از سنت نبود در عمدة الاسلام است
گفته سوال از ما نیز هم مسواک دادن
بانه جواب نی در صلوة ما چینی است
ولکن علکه قایم مقام مسواک است
بسنده است زیرا که دندان ایشان
ضعیف الله در صلوة مسعودی
مسئله باید که در سطر کی چون خصوص
در طول مقدار یک بلشت ورزد
تلخ باید اگر مردی آب در دهن کرد
ونه چنانچه از سنت واقع شود
جواب در عمدة الاسلام است که نه
شود آب در بینی چه گونه باید کرد
جواب آب بدست راست زیاد
و آب در بینی چپ افشاندن
سواک باید پاک کردن شرط
است یاد در بینی شستن درد و اندام
الاسلام یکی اندام جواب در عمدة
اعبادات نه در یک اندام تا اگر باز شستن
بعد از زمانی باز وید یکی بخود میشود
تارک سنت باشد زیرا که پیاپی
سنت واما اگر یکبار ردی
سنت و بعد از زمانی
دوم بار می شود
تارک سنت
سنت زیرا
بی شستن درو
اندام همه است

بصلوة علی النبی بیان اینست پس این فضل عظیم و فوز جسیم برابر
دعای ذات خود چون کردن من صلی علیّ واحدة صلی الله علیه عشرا
م د ت س ط در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و معجم کبیر
بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود معنی کلام آنست
جاء صلی الله علیه و سلم ذات یوم و البشر فی وجهه فقال انه جاءنی
جبرئیل فقال ان ربک یقول اما یرضیک یا محمد انه لا یصلی علیک
احد من امتک الا صلیت علیه عشرا و لا یسلم علیک احد
من امتک الا سلمت علیه عشرا س حب مس ص ی در سنن
نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک و مصنف و مصنف ابو بکر و کتاب عمل الیوم
واللیلة است بروایت ابو طلحه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
در مجلس آمد اثر خوشی در روی مبارک او بود پس فرمود جبرئیل علیه السلام
آمد و گفت پروردگار تو میفرماید ای محمد که ترا راضی نکرداند آنکه هر که بر تو یک درود گوید
من بر وی ده درود گویم و هر که بر تو یک سلام گوید من بر وی ده سلام گویم و آنکه این از
سوی نوعی از شفاعت است که یک درود بر موجب این چنین کرامت است پس
چه گمان دارد که چون او صلوات الله علیه و سلم برای شفاعت قیام نماید خدای
تعالی امت را چه کرامت روزی میکند رزقنا الله و جمیع المسلمین شفاعة سید
المرسلین من صلی علیّ واحدة صلی الله علیه عشر صلوات و حطت عنه عشر
خطیئات و رفعت له عشر درجات س حب مس ط و کتب له بها عشر
حسنات س ط در سنن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت انس

رضی الله عنه و در مسند بزار و معجم کبیر است بروایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود هر که بر من یک درود گوید خدای تعالی بر وی ده درود گوید
گناهان از وی فرو نهد و ده درجه برای او بر آید و ده نیکی برای او بنویسند
این آخر کلام در سنن نسائی است بروایت عمر رضی الله عنه در معجم کبیر است
بروایت ابو برده رضی الله عنه من صلی علی النبی صلی الله علیه و سلم
واحدة صلی الله علیه و سلم بکتبه سبعین صلوة ا در مسند امام احمد است بروایت
عبد الله عمرو رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که پیغامبر
صلی الله علیه و سلم فرموده که پیغامبر صلی الله علیه و سلم یک درود گوید خدای
عز و جل او را ... کیفیت الصلوة و السلام بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم
تقدم مصنف گوید کیفیت درود و سلام بر رسول صلی الله علیه و سلم که درود
و سلام چگونه گوید و درود و سلام و تشهد گذشت سبب تکرار علما گوید قال
علی رضی الله کل دعاء محجوب حتی یصلی علی محمد صلی الله علیه و آل محمد و سلم
طس در معجم اوسط است که علی رضی الله عنه گفت هر دعای محجوب است یعنی باز رفتن
تا که داعی درود بر رسول صلی الله علیه و سلم و بر آل گوید و عن عمر رضی الله عنه
ان الدعاء موقوف بین السماء و الارض لا یصعد منه شیء حتی یصلی علی
نبیک صلی الله علیه و سلم ت طس در سنن ترمذی و معجم اوسط است روی از
عمر رضی الله عنه که دعای آدمی موقوف کرده میان آسمان و زمین چیزی از آن بالا
نرود تا که بر پیغامبر خود صلی الله علیه و سلم درود گوید خطاب برای غیر معین است
احتمال دارد که این هر دو حدیث مرفوع باشد که موقوف بودی مصنف ...

و احتمال دارد که موقوف بود که تفریج تعالی و عن ازعلامات بی نیاز است
و قال الشیخ ابو سلیمان الدارانی رحمة الله علیه اذا سألت الله حاجة فابدأه
بالصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم ثم ادع بما شئت ثم اختم بالصلوة
عليه صلى الله عليه وسلم فان الله سبحانه بكرمه يقبل الصلوتين وهو
اكرم من ان يدع ما بينهما مصنف گوید شیخ ابو سلیمان دارانی رحمة الله علیه
گفته است چون حاجتی از خدای تعالی خواهی پس آن را بدرود آغاز کن پس
بدانچه خواهی دعا کن پس ختم بدرود کن زیرا چه خدای تعالی بکرم خود هر دو درود را
قبول کند و او تعالی کریم تر است ازین که دعای را که میان درود است بگذارد
اللهم صل على محمد كما باركت على ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك على
محمد وعلى آل محمد كما باركت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد
اللهم صل عليه كلما ذكره الذاكرون وصل اللهم عليه كلما ذكره الغافلون وسلم
تسليما كثيرا يعني اینست ای بار خدای درود بفرست بر محمد صلی الله علیه وسلم
هرگاه ذاکران ذکر او کنند که ای بار خدای درود بفرست بر محمد صلی الله علیه
وسلم هرگاه که غافلان از ذکر او غافل باشند و بسیار سلام بر او بفرست دیگر معنی
در درود التحیات گذشت اللهم لجعله عندك ارفع من الخلق ما نزل بهم
فلا تسلط عليهم من لا يرحمهم فقد ضل بهم ما لا يرفعه غيرك ولا يدفعه سواك
اللهم فرج عنا يا كريم يا ارحم الراحمين این دعا مصنف گفته است معنی اینست
ای بار خدای بحق محمد صلی الله علیه وسلم که نزد تست بردار از خلق سختی
و خوف که بر ایشان نازل شده است و مگمار بر خلق کسی را که بر ایشان رحم نکنند

زیرا چه بد رنجی که نازل است بر ایشان بلائی که جز تو کسی آن را دفع نکند ای بار
خدای خوف و غم از ما دور کن ای کریم ای ارحم الراحمین قال مؤلفه محمد بن
محمد بن الجزری لطف الله تعالی به فی غربته واخذ بیده فی شدته
فرغت من تصنیف هذا الحصن الحصین من کلام سید المرسلین یوم الاحد
بعد الظهر الثاني والعشرين من ذي الحجة الحرام سنة احدى وتسعين وسبعمائة
بمدرسة الشيخ ابي العباس براس عقبة الكتان داخل دمشق المحروسة حماها الله
تعالى من الآفات وسائر بلاد المسلمين مؤلف این کتاب گوید که نام او محمد
جزری است خدای تعالی در غربت او لطف کند و در سختی او دستگیری کند
فارغ شدم از تصنیف این کتاب که از کلام سید المرسلین است صلی الله علیه وسلم
روز یکشنبه بعد ظهر بیست و دوم ماه ذی الحجه سنه احدی و تسعین و سبعمائه
داخل دمشق در مدرسه خود که بر سر راه ... نام کوه است که خارج دمشق است
اللهم اغفر لمؤلفه ولكاتبه ولمن قرأ فيه ولمن دعا لهم ولسائر المسلمين والحمد لله وحده
وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آل محمد وصحبه وسلم تسليما كثيرا كثيرا وحسبنا الله
ونعم الوكيل ای بار خدای بیامرز مؤلف را و کاتب را و قاری این کتاب
و کسی که برای ایشان دعا کند و جمیع مسلمانان را و جمیع ستایش مر خدای را
که او تنهاست و درود و سلام بر محمد است صلی الله علیه وسلم ۵ با تمام رسید
این کتاب روز سه شنبه غره ماه صفر ختم الله بالخیر والظفر
کاتبه فقیر ملا عبد اللطیف ابن شیخ محمد حسین مالکه و کاتبه محمد شفیع ولد شیخ عبد ...
هر که خواند دعا طمع دارم ... زانکه من بنده گنهکارم

ولسائر المسلمين والحمد لله وحده

عمه فلم يجد عليا في البيت فقال اين ابن عمك
قالت كان بيني وبينه شيء فغاضبني فخرج فلم يقل عندي فقال رسول الله صلى الله
عليه وسلم لانسان انظر اين هو فجاء فقال يا رسول الله هو في المسجد راقد
فجاء رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو مضطجع قد سقط رداءه عن شقه
واصابه تراب فجعل رسول الله صلى الله عليه وسلم يمسحه عنه ويقول قم
ابا تراب قم ابا تراب ۝ عن ابي هريرة قال لقد رأيت سبعين من
اصحاب الصفة ما منهم رجل عليه رداء اما ازار
واما كساء قد ربطوا في اعناقهم فمنها ما يبلغ نصف الساقين
ومنها ما يبلغ الكعبين فيجمعه بيده كراهية ان ترى عورته ۝
صحيح البخاري

اي وهو على النصف الاعلى
اي وهو على النصف الاسفل ۝
كرماني

اهل صفه جماعتي از غريبان كه خانه نداشتند [illegible]
[illegible]

كار [illegible] با صفا [illegible] بسوي [illegible] از درون [illegible]
[illegible] باده مست [illegible] مستي [illegible] كرد [illegible]
[illegible] اي رفيق كه [illegible] طريق [illegible]
[illegible] فيض خدا جام [illegible] مست [illegible]
[illegible] علو و الكمال [illegible]
[illegible] مقام ارتفاع [illegible]
[illegible]





